اطلاعات

دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۸ - ۲۲ صفر ۱۴۴۱ - ۲۱ اکتبر ۲۰۱۹ - سال نودوچهارم - شماره ۲۷۴۰۸ - ۱۲ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

مجید انصاری: لوایح FATF باید تعیین تکلیف شوند

* عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام: نمی‌توانیم بدون تعامل با جامعه بین‌الملل و اقتصاد جهان و ساز و کارهای مرتبط با آن اقتصاد پویایی داشته باشیم
* اگر رفتار غربی‌ها احترام‌آمیز و بر اساس منافع متقابل بود، این مسأله زودتر حل شده بود

صفحه ۲

قطر: اختلافات برخی کشورهای عربی با ایران قابل حل است

* سخنگوی وزارت خارجه قطر: یگانه راه پایان‌دادن به اختلافات، مذاکره است
* سازمان‌های بین‌المللی برای کمک به حل اختلافات و تنش‌ها در منطقه، باید با هم همکاری کنند
* روزنامه «یدیوت آهارانوت»: امارات افسران سابق اطلاعاتی اسرائیل را به خدمت گرفته است

صفحه ۱۲

همتی: اصلاحات ارزی جواب داد

رئیس کل بانک مرکزی: بازار ارز در شرایط ثبات و آرامش است



عکس از احمد معینی جم - ایرنا

* امروز روند بازگشت ارز به کشور روان شده و حتی عرضه آن از تقاضا پیشی گرفته است
* در ۷ ماهه گذشته ۲۰ میلیارد دلار برای واردات کالا تأمین شده است
* از زمان ابلاغ سیاست‌های جدید ارزی تا اردیبهشت امسال ۴۵ میلیارد یورو معادل ۷۱ درصد ارز صادراتی به کشور بازگشته است
* طرح جدیدی به نام «گام» برای تأمین نقدینگی واحدهای تولیدی به زودی در شورای پول و اعتبار نهایی خواهد شد
* در طول ۶۰ سال گذشته میانگین رشد نقدینگی در ایران حدود ۲۵ درصد بوده است
* دلیل کاهش نرخ ارز در بازار بازگشت ارز است وگرنه بانک مرکزی به هیچ عنوان نرخ ارز را در بازار تعیین نمی‌کند
* میزان تقاضای ارز نزدیک به یک میلیارد دلار کمتر از عرضه آن است
* ما امروز تنها ۹ میلیارد دلار بدهی خارجی داریم این یعنی این‌که اقتصاد کشور در آینده ظرفیت بسیار بالایی خواهد داشت
* خودروسازان در سال‌های گذشته بارها نقدینگی جدید دریافت کردند اما نه تنها بهبودی در عملکردشان به‌وجود نیامده که حتی از انجام تعهداتشان هم ناتوان بودند
* باید بتوانیم از ظرفیت عظیم بخش خصوصی که می‌تواند اقتصاد کشور را اداره کند، استفاده کنیم
* شرایط فعلی و مدیریت بازار ارز نباید ما را به این نتیجه برساند که توطئه دشمنان تمام شده، بلکه دشمن با همه قوا به فشارها ادامه می‌دهد
* معلوم نیست صنعت خودروسازی ما تا چه زمانی باید به همین شکل ناکارآمد فعالیت کند
* رئیس اتاق ایران: حجم اقتصاد ایران نیازمند این همه بانک و مؤسسه مالی و اعتباری نیست

صفحه ۴

روحانی: اربعین قویترین رسانه برای معرفی فرهنگ حسینی است

* رئیس‌جمهوری در پیامی به همتای عراقی خود و نخست‌وزیر آن کشور، از تلاش مردم مسئولان، علما و به ویژه مقام مرجعیت برای تأمین امنیت کامل و میهمان‌نوازی از زائرین اربعین حسینی قدردانی کرد
* این گردهمایی بیش از پیش نشان داد که اربعین فقط یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه معجزه ماندگار تاریخی برای معرفی قیام عاشورایی است
* این همایش جهانی تجلی همبستگی و اتحاد و نزدیکی صمیمانه ارادتمندان رسالت و ولایت به ویژه در بین مردم دو کشور ایران و عراق و تشکیل جبهه‌ای واحد علیه ظلم تبعیض و خشونت است

صفحه ۲

دکتر امیرحسین ضیایی کارشناس آموزش عالی در گفتگو با «اطلاعات»:

تأسیس ۲۵۰۰ دانشگاه نشانهٔ یک بیماری در آموزش عالی است



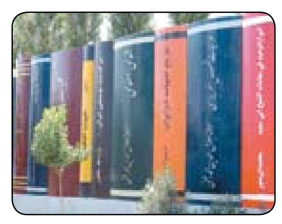
* خیلی از دانشگاه‌های ما دانشگاه نیستند بلکه فقط اسم دانشگاه را یدک می‌کشند و کیلومترها با استانداردهای آموزش عالی در دنیا فاصله دارند
* متأسفانه مسائل غیر علمی و غیر مرتبط در دادن امتیاز تأسیس دانشگاه و مسائل منطقه‌ای، نظرات نمایندگان مجلس و بعضی از فشارهای غیرعلمی برگسترش دانشگاه تاثیر دارند

صفحه ۷

وداع با حسین دهلوی موسیقیدانی که یگانه زمان خود بود

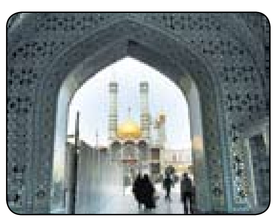
* حسین علیزاده، موسیقیدان: من در تمام عمرم هیچ‌وقت کسی را ایرانی‌تر از استاد دهلوی ندیدم
* دهلوی سرنوشت موسیقی ایران را تغییر داد
* محمد سریر، عضو شورای عالی خانه موسیقی: او از هنر به‌عنوان یک فهم عمومی در ارتقای اخلاق استفاده کرد

صفحه ۳











ویژه جامعه ضمیمه اطلاعات امروز

یادداشت

ملاحظاتی دربارۀ یک گفتگوی رسانه‌ای ـ ۲

سیدمسعودرضوی

نکاتی که دربارۀ وضع کنونی برجام و سوابق و مسائل مربوط به آن در مصاحبۀ رئیس دولت حسن روحانی مطرح شد، از هر جهت قابل تأمل و شایستۀ بازبینی است. به نظر می‌رسد با توجه به تغییر راهبرد فشار و کاهش تأثیر تحریم‌ها، موقعیت کشور ما در منطقه و جهان تغییر کرده و تا حدّ چشمگیری از زیر بار فشارهای تبلیغاتی رسانه‌های غربی و عربی، و تحریم‌های اقتصادی تحمیل شده از سوی آمریکا و دولت ترامپ، خارج شده است. همین امر می‌تواند یک دلیل مهم اعتماد بنفس رئیس جمهور برای بیان صریح و بی‌سانسور برخی سوابق و حقایق قلمداد شود. به هرحال غیرقابل انکار است که شاخص‌های اقتصادی در سال ۹۸ نسبت به سنوات قبل، از وضع پایدارتری برخوردار است. البته می‌توانستیم بهتر باشیم، اما با توجه به همان حقایق و برخی سلایق که بدون توجه به منافع ملّی و افکار عمومی، راه خود را می‌روند و بر گندم‌زار اسب می‌تازانند، تا همین نقطه هم دولت و ملت به سلامت سلوک کرده‌اند.

عدم خروج ایران از برجام، یک تصمیم خردمندانه بود که ظاهراً هزینه‌هایی برای کشور و نظام به همراه داشت. آن هزینه، تحریم‌های یکجانبۀ آمریکا بود که از زمان کاندیداتوری دونالد ترامپ برای ریاست جمهوری آمریکا، قابل پیش‌بینی بود و باید خود را آمادۀ مقابله با آن می‌کردیم. استراتژی آمریکای جمهوریخواهان در برابر ایران، با برجام یا بدون برجام تفاوت مهمی ندارد. دمکراتها هم با ما مهربان نیستند، اما شیوه و برنامۀ آنها تقابل آشکار و تندخویانه نیست. از سوی دیگر آمریکا یک وزنۀ مهم در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی است و مواجهۀ دول اروپایی، چین و روسیه با موضوع هسته‌ای ایران نیز فقط هنگامی به سرانجام رسید که برجام به فرجام نزدیک شد و تا حدّی تکلیف دو قدرت منطقه‌ای و جهانی ـ ایران و آمریکا ـ در منظر پنج کشور دیگر بیان و روشن شد.

برجام می‌توانست یک نقطۀ عطف مهم در تاریخ اقتصاد و شکوفایی تجارت و ترانزیت در ایران باشد. در این موضوع اصلا شک نکنید زیرا تاریخ گواه راستگوی وقایع است و در مقطع زمانی پس از برجام، به رغم اهمال مدیران داخلی و کارشکنی عجیب و غریب رقبای دولت، و بدتر از همه خصومتهای کاخ سفید و دولت اشغالگر فلسطین و ریاض و شرکای عربی آن کشور، رشد اقتصادی قابل توجهی را در اغلب ارکان تولیدی، تجاری و خدماتی شاهد بودیم. بخش دولتی دست باز برای انعقاد قراردادها و جذب سرمایه‌های معتبر خارجی داشت و بخش خصوصی آسانتر به واردات و صادرات و جابجایی هزینه‌های ارزی، و نقل‌وانتقال بانکی می‌توانست اهتمام ورزد. روحانی و اعضای دولت، به‌ویژه بیژن زنگنه وزیر نفت، خیز بلندی برای استفاده از همان روزن‌های اندک برداشتند و انصافاً ظرف ۱۰ ماه بازارهای از دست رفتۀ نفت و پتروشیمی و برق و گاز و مس و فولاد و... را تقریباً به شرایط ماقبل دولت دوم احمدی‌نژاد برگرداندند. این توفیق بزرگی بود و عدالت و جوانمردی حکم می‌کرد برای حفظ امنیت کشور و ارتقای اقتصاد و معیشت مردم و منافع ملّی، از آن حمایت کنیم. حمایتی که چشم‌ها و گوش‌ها خشکید اما نه رقمی برکاغذ رفت و نه سخنی به حمایت گفته شد. به قول حسن روحانی: «پیش‌بینی نمی‌کردیم در سال ۹۶، افراد کم خرد در داخل کشور مسائلی به وجود بیاورند و ضد انقلاب از آن اشتباه موج سواری کند. به ترامپ چراغ سبز نشان داده شود و او هم از برجام خارج شود. شدیدترین تحریم‌ها در سال ۹۷ و ۹۸ بر ایران وارد شد طوری که در هیچ زمانی سابقه نداشته است.»

این حقیقت را هیچگاه نباید از یاد ببریم که صف دشمنان و کارشکنان برجام، یک صف‌آرایی ضد گفتگو، ضد صلح و ضد منافع ملّی بود. در این صف جمعی از مخالفان دولت و رقبای آن، آمریکای ترامپ، رژیم صهیونیستی به سردمداری حزب لیکود و بنیامین نتانیاهو و سرانجام بن‌سلمان و بن‌زاید و بن‌های نفتی همدست آنها نقش‌آفرینی کردند تا یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین گفتگوها و قرارهای بین‌المللی بر زمین کوبیده و نابود شود. قهراً ضدّ این پیام اشاعه خواهد یافت که؛ گفتگو بی‌نتیجه است، پیمان نامه‌ها و عهدها غیرقابل اعتماد است و صلح آرمانی دست نیافتنی است. پس تحریم و جنگ و محاصره و اختلاف طبقاتی و... باید جایگزین وضع موجود شود! به قول حکیم فردوسی بزرگ: یکی داستان است پر آب چشم!

اما در موضوع اقتصاد، دولت نباید تنها شاخص‌های مثبت را برجسته کند و فشار نامعقول بر طبقات اجتماعی شهری و روستایی را به این دستاویز نادیده تلقی نماید. موضوع سوءاستفاده‌ها، اختلاس‌ها و حقوق‌ها و رانت‌های نجومی ربطی به برنامه‌ریزی و تبعات تصمیمات اقتصادی ندارد. خصوصاً در ماجرای سراسر خطای توزیع ارز به قیمت دولتی که به وضوح روشن بود که اغلب دریافت‌کنندگان را درگیر وسوسۀ فروش در بازار آزاد می‌کند و تبدیل آن به ریال و استفادۀ کلان از مابه‌التفاوت‌ها را به میان خواهد آورد. شاید اگر سازوکار قدرتمند و صنایع کارآمد و تولیدات شکوفایی داشتیم و در عین حال قانون و امکانات نظارتی هم فراهم بود و بالاخره تحریم و مشکلات بانکی و تخاصم سیاسی با آمریکا و طرفهای متعدد هم نمی‌داشتیم، این ارزهای ناقابل موجب جهشی در صنایع و تولیدات داخلی، تجارت و کالاهای صادراتی و وارداتی می‌شد و بالاخره تحکیم و تثبیت حسابهای بانکی و بهبود اعتبارات و تراکنش‌های بین‌المللی به نفع ایرانیان رخ می‌داد. اما کیست که نداند این خوش‌خیالی‌ها مفقود و شرایطی کاملاً معکوس موجود بود. در اینجا نقد دولت همچنان پابرجاست، بی‌آنکه چشم بر دستاوردها و جنبه‌های مثبت ببندیم. خوشبختانه دیگر آن رخداد شوم که ریشۀ فساد پولی در سالهای اخیر بوده، تکرار نشد و وضع پیچیده و دشوار میهن و ملّت اجازۀ خطای مجدّد نمی‌دهد...

سرلشکر سلامی: دستگیری سرشبکه «آمدنیوز» سرویس‌های اطلاعاتی استکباری را غافلگیر کرد



فرمانده کل سپاه پاسداران در پیامی‌در پی‌دستگیری سرشبکه کانال آمدنیوز، تاکید کرد: با این ابتکار عمل و اقدام اطلاعاتی طراز جهانی و حرفه‌ای، یکی از کورسوهای جنگ روانی دشمن در ناامن سازی ذهنی و راه اندازی آشوب‌های خیابانی، اختلاف افکنی مابین نخبگان و مسئولان، ترویج بدبینی و ناامیدی در مردم خاموش شد.

به گزارش سپاه‌نیوز،متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُم مِّنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِن فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۲۶)

خداوند متعال را شاکریم که در ایام بزرگداشت اربعین حماسه ساز حسینی (ع) این فریاد رسای مظلومان مقتدر تاریخ، قامت فرازانی که راه و رسمشان در گمنامی‌است، بار دیگر ضربتی محکم بر دشمن در خانه‌اش فرود آوردند و معیار قدرت اطلاعاتی سپاه را به محک گذاشتند و نماد و شاهد مثال آشکاری از سیطره اطلاعاتی فرزندان انقلابی رهبری عزیز و ملت بزرگمان را بر نظام‌های اطلاعاتی عنکبوتی مستکبران آفریدند.

همچنین از ابراز لطف و عنایت علماء بزرگ، مسئولین محترم نظام، فرماندهان گرانقدر و آحاد مردم عزیزمان تشکر نموده و از این که موجبات خوشحالی ملت سرافراز ایران اسلامی‌فراهم شد، پیشانی شکر بر زمین می‌ساییم.با این ابتکار عمل و اقدام اطلاعاتی طراز جهانی و حرفه‌ای، یکی از کور سوهای جنگ روانی دشمن در ناامن سازی ذهنی و راه اندازی آشوب‌های خیابانی، اختلاف افکنی ما بین نخبگان و مسئولین، نشر اکاذیب و شایعه، ترویج بدبینی و نا امیدی در مردم خاموش گردید و غافلگیری بر سرویس‌های اطلاعاتی استکباری تحمیل شد.

امید وافر داریم به برکت خون مطهر شهدا و صبر و استقامت تمامی‌همرزمان جبهه مبارزه با کفر در طلیعه گام دوم انقلاب اسلامی، سرشت عاشورایی سپاه در سایه رهبری معظم انقلاب، سرمایه‌ای برای پیشقراولی لشکر فائقه امام زمان (عج) باشد.

مجید انصاری: لوایح FATF باید تعیین تکلیف شوند



عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به این که FATF مرتبا الزامات و تعهدات جدیدی را مطالبه می‌کند، گفت: ما نمی‌توانیم بدون تعامل با جامعه بین الملل و اقتصاد جهان و ساز و کارهای مرتبط با آن اقتصاد پویایی داشته باشیم؛ ولی به هر حال منافع ملی هم باید کاملا مدنظر باشد و ما در شراطی هستیم که اگر احساس شود تصویب این لوایح منفعت چندانی برای ما ندارد و صرفا تعهدات یکجانبه ای برای ما دارد، طبیعی است که در این صورت مجمع تشخیص مصلحت نظام یا دولت نمی‌توانند تصمیم بگیرند.

حجت الاسلام و المسلمین مجید انصاری در گفتگو با جماران، در واکنش به مهلت جدید FATF به ایران، اظهار داشت: لوایح پالرمو و CFT از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام به کمیسیون مشترک تخصصی ارجاع شده است و در چند ماه گذشته بحث تازه ای نداشته ایم. باید در جلسه آینده مجمع تشخیص مصلحت نظام از دبیرخانه بخواهیم که وضع جدید را ارزیابی کند و مسئولان وزارت امور خارجه و وزارت امور اقتصادی و دارایی از وضع تازه و مهلت‌هایی که داده شده است ارزیابی جدیدی داشته باشند و گزارشی ارائه کنند تا مجمع براساس وضع جدید مساله رابررسی و اتخاذ تصمیم کند.

وی افزود: متأسفانه تا کنون روش اروپایی‌ها و غربی‌ها،دادن اولتیماتوم یکطرفه و پیشروی بوده است. یعنی خواهان اجرای تعهداتی از سوی کشورها به خصوص ایران هستند ولی در مقابل آن هیچ گشایش و گام مثبتی به نفع مردم ما بر نمی‌دارند. همین مسأله موجب تردید شده است. در شرایط طبیعی اگر رفتار آنها احترام آمیز و بر اساس منافع متقابل بود، فکر می‌کنم این مسأله زودتر از این حل شده بود.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام یادآور شد: در گذشته با توجه به تحفظاتی لایحه پولشویی و اصلاحات آن را در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب کردیم، ولی اخیرا آنها به همین تحفظات ما ایراد گرفته بودند. ظاهرا ساز و کار FATF قطعی نیست. یعنی مرتبا الزامات و تعهدات جدیدی را مطالبه می‌کنند. به همین دلیل باید قضیه روشن تر شود و ببینیم تا کجا می‌خواهد ادامه پیدا کند. من شخصا عقیده دارم که در روابط بین المللی باید منافع ملی خودمان را در نظر بگیریم و اگر مصلحت کشور و اقتصاد ما در تصویب این دو لایحه است، حتما آنها را تصویب کنیم.

انصاری تأکید کرد: نمی‌توانیم بدون تعامل با جامعه بین الملل و اقتصاد جهان و ساز و کارهای مرتبط با آن اقتصاد پویایی داشته باشیم، ولی منافع ملی هم باید کاملا مدنظر باشد و در شراطی هستیم که اگر احساس شود تصویب این لوایح منفعت چندانی برای ما ندارد و صرفا تعهدات یکجانبه ای برای ما دارد، طبیعی است که در این صورت مجمع تشخیص مصلحت نظا یا دولت نمی‌توانند تصمیم بگیرند.

وی با بیان این که بلاتکلیفی لوایح FATFحالت خوبی نیست و حتما باید آنها را تعیین تکلیف کنیم، گفت: تصویب آنها مبتنی بر چگونگی ارزیابی ماست و باید آخرین وضع و گزارش‌ها را دریافت کنیم و نهایتا بر اساس محاسبه هزینه – فایده ،آنچه که به مصلحت کشور و مردم است تصمیم بگیریم. همان طور که اشاره کردم نظر شخصی من بر تصویب است،اما باید ببینیم نظر اکثریت اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام چه چیزی خواهد بود.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: عدم تصویب این لوایح تبعاتی دارد، ولی مخالفان تصویب آنها هم استدلال دارند و معتقدند تصویب بدون تضمین از طرف مقابل هم می‌تواند تبعات سوئی برای کشور ما، به ویژه در شرایط تحریم داشته باشد. باید نظرات مختلف شنیده و بعد مبتنی بر منافع ملی اتخاذ تصمیم شود.

ری از تهران جدا نمی‌شود

عضو هیات رئیسه شورای شهر تهران، گفت: شورای شهر تهران با تفکیک ری از پایتخت مخالف است و تفکیک مدیریت شهری را به نفع شهروندان نمی‌داند.

به گزارش مهر، زهرا نژادبهرام، در حاشیه جلسه دیروز شورای شهر تهران در پاسخ به پرسش خبرنگاران در رابطه با طرح جدایی ری از تهران، اظهار داشت: حدود دو ماه پیش این طرح با ۳۰ امضا در مجلس مطرح شد، دیروز هم توئیتی از سوی سید سعید موسوی نماینده مجلس در باره طرح تفکیک انتخابات شورای اسلامی و انتخابات شهردار شهرستان ری از تهران مطرح شد.

وی افزود: اعضای شورای شهر تهران معتقد به یکپارچگی تهران هستند و شمیرانات و ری بخشی از تهران محسوب می‌شوند.

عضو شورای شهر تهران، ادامه داد: نباید منافع مشترک بخش‌های تهران را تحت تاثیر تصمیمات این چنینی قرار داد، شاید شهرداری در برخی موارد به برخی مناطق یا موضوعات از جمله بافت فرسوده توجه ویژه ای داشته باشد یا برخی از مناطق نیاز به شهرداران ویژه‌ای داشته باشند اما این دلیلی بر جدایی آنها از تهران نمی‌شود. این تصمیم ظلم به شهروندان ری است و باعث عدم یکپارچگی تهران، ری و شمیرانات می‌شود.

نژادبهرام این تصمیم را تحت تاثیر فضای انتخابات دانست و گفت: شورای راهبردی، اعضای شورا و نمایندگان تهران مجلس دارند که شهردار تهران در آن حضور دارد و این موضوع را از طریق این شورا پیگیری می‌کنیم.

وی تاکید کرد: متاسفانه برخی از اعضای مجمع امید طرح جدایی ری از تهران را امضا کردند.

درخواست برای جمع آوری دکل‌های برق فشار قوی از اراضی شهر

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران هم خواستار همکاری وزارت نیرو برای آزاد سازی اراضی زیر شبکه‌های فشار قوی شد.

محمد سالاری در جلسه علنی دیروز شورای شهر تهران که با حضور وزیر نیرو برگزار شد، خطاب به وی در باره ضرورت ایجاد تصفیه خانه‌های فاضلاب و استفاده از پساب برای آبیاری فضاهای سبز، گفت: ما به عنوان کمیسیون شهرسازی و معماری به همراه کمیسیون‌های سلامت و محیط زیست و برنامه و بودجه ۱۰ جلسه با همکاران شما در زمینه ایجاد تصفیه خانه‌های محلی برگزار کردیم و به مدل‌های مالی رسیدیم اما متاسفانه همکاری لازم با ما انجام نمی‌شود.

وی با بیان این که علی رغم این که در مصوبه هیات دولت در سال ۹۴ آمده است که وزارت نیرو باید فاضلاب خام و شبکه فاضلاب را ایجاد کند و به صورت رایگان در اختیار شهرداری‌هایی که متقاضی ایجاد تصفیه خانه‌های محلی هستند، قرار دهد، اظهار داشت: همکاران شما تمام این اقدامات را که وظیفه ذاتی وزارت نیرو است، جزو آورده خود در مدل مالی می‌دانند. نهایتاً این مساله موجب افزایش قیمت پساب تولید شده می‌شود، ضمن این که بخشی‌نگری هم در این حوزه‌ها وجود دارد، لذا من درخواست دارم در این زمینه دستورات لازم را صادر کنید.

سالاری با اشاره به لزوم تعیین تکلیف شبکه‌های فشار قوی و انتقال نیرو، افزود: مجموعه ای از اراضی با ارزش شهر تهران زیر شبکه‌های فشار قوی قرار دارند، در حالی که این زمین‌ها در تامین سرانه‌های خدماتی می‌توانند به شهر و شهروندان کمک کنند. اگر وزارت نیرو پای کار باشد این زمین‌ها می‌توانند برای شهر، شهرداری و وزارت نیرو ارزش افزوده داشته باشند، اما اهتمام جدی در وزارت نیرو وجود ندارد. این موضوع از سوی مجلس هم پیگیری و در فرمانداری و استانداری تبدیل به مصوبه شده است و اکنون نیاز به دستور جنابعالی دارد.

وی با اشاره به انتقاد مطرح شده در مورد ساخت و ساز در کنار رود دره‌ها، اعلام کرد: ما حتما مانع ادامه این ساخت و سازها می‌شویم و این موضوع را پیگیری می‌کنیم اما شما هم بدهی ۴۳ میلیارد تومانی تصفیه خانه ری که در حریم و بدون مجوز ساخته شده است و رای ماده صد هم دارد را حتما پرداخت کنید.

سالاری همچنین درباره استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر گفت: این موضوع هم در برنامه پنجساله و هم دربرنامه‌های سالانه و مصوبات هیات دولت و شورا مطرح شده است و ما آمادگی داریم به صورت پایلوت در فرایند صدور پروانه در مناطق برخوردار شهر تهران استفاده از انرژی‌های تجدید پذیر را الزامی‌کنیم، اما با توجه به قیمت قابل توجه آن، ضرورت دارد که ابتدا وزارت نیرو بسته‌های تشویقی موثرتری را ارائه کند تا این موضوع نهادینه شود.

لزوم جابه‌جائی دکل آنتن‌های ارتباطی BTSدر مجاورت مدارس

رئیس کمیته بودجه و نظارت مالی شورای اسلامی‌شهر تهران هم بر لزوم جابه‌جائی دکل آنتن‌های ارتباطی BTSنصب شده در مجاورت مدارس و مراکز آموزشی سطح شهر تهران تاکید کرد. مجید فراهانی، گفت: تامین ایمنی، سلامت و پایداری مراکز آموزشی به عنوان کانون‌های توانمند سازی جامعه از ضرورت‌های توسعه پایدار است و در این مسیر همه ما باید دست در دست هم، شرایطی را فراهم کنیم تا دانش آموزان بهترین شرایط برای کسب دانش و آگاهی را در مدارس تجربه کنند، نه این که به بهانه‌های مختلف دسترسی، ایمنی، سلامت و تاب آوری مراکز آموزشی را خدشه دار کنیم.

وی افزود: بر اساس بند ۲۰ ماده ۳ مصوبه «ساماندهی دکل‌ها، آنتن‌ها و ایستگاه‌های ارتباط رادیویی در شهر تهران» شورای شهر تهران مصوب ۱۳۹۱/۰۲/۱۴ مکان‌یابی سایت‌های زمینی دکل‌ها، آنتن‌ها و ایستگاه‌های ارتباطی باید در «محل‌های کم تردد شهر، دارای حریم سبز، دور از بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی و مراکز آموزشی و اماکن مسکونی و ضمن رعایت تمامی نکات ایمنی و استانداردهای لازم ازجمیع جهات (بهداشتی، فنی و غیره) و همچنین رعایت دید و منظر شهر» انجام شود.

فراهانی تصریح کرد: اینجانب به عنوان نماینده مردم شریف تهران ، درباره «لزوم جابجایی دکل آنتن‌های ارتباطی BTSنصب شده در مجاورت مدارس و مراکز آموزشی سطح شهر (به ویژه در شهرک اکباتان)» به شهرداری تهران تذکر می‌دهم، انتظار دارم شهرداری بیش از پیش به مساله ساماندهی دکل‌های ارتباطی که در گذشته در مجاورت مراکز آموزشی، درمانی و اماکن مسکونی نصب شده اند توجه کند.

معاون وزیر رفاه: به دلیل کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد راهکارهای اقتصادی نتیجه عکس می‌دهد

معاون رفاه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی گفت: با پرداخت مستقیم مستمری مددجویان به حساب آنها در سامانه شفافیت بهزیستی، حداقل ۴۰۰ فرد فوت شده شناسایی شدند که مستمری به حساب آنها واریز اما در امور دیگر هزینه می‌شد.

به گزارش ایلنا، احمد میدری در مراسم بررسی مسائل و مشکلات موسسات خیریه و سمن‌ها با بیان این که ابعاد فقر در ایران گسترده است، گفت: متاسفانه به دلایل مختلف اعتماد مردم به حکومت خدشه‌دار شده است. همچنین در درون حکومت نهادها به یکدیگر بی‌اعتماد شدند.

سرمایه اجتماعی و اعتماد کاهش یافته است. به همین دلیل راهکارهای اقتصادی نتیجه عکس می‌دهد. میدری با بیان این که شفافیت باید به کشور بازگردد زیرا دانستن حق مردم است گفت: نبود اعتماد دلیل اصلی فساد اقتصادی است، زیرا منابعی که باید برای کاهش فقر اختصاص داده شود، به افرادی تعلق می‌گیرد که می‌خواهند شبکه خود را گسترده کنند.

معاون امور اجتماعی وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ادامه داد: یکی از اقدامات بهزیستی برای شفاف سازی و اعتمادسازی، واریز یارانه‌ها به حساب شخصی معلولان بود. وقتی این اقدام صورت گرفت، متوجه شدیم، مستمری ۴۰۰ نفر از معلولانی که فوت کرده‌اند، همچنان پرداخت، اما صرف امور دیگری می‌شد.سیستم پرداخت سیستم پیچیده‌ای است که دستگاه‌های مختلف با آن درگیر هستند. این دستگاه‌ها باید در شفاف‌سازی یاری کنند.

در بخش دیگری از این مراسم، رئیس سازمان بهزیستی کشور هم با بیان این که برای اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان در سال گذشته ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بودجه مورد نیاز بود گفت: مجلس برای اجرای این قانون در بودجه سال ۹۸ تنها ۱۱۰۰ میلیارد تومان مصوب کرد که کمتر از ۱۰ درصد از بودجه پیشنهادی اولیه بوده است که یک ریال از این بودجه نیز تا کنون پرداخت نشده است.

او ادامه داد: این بدان معنا نیست که دولت نخواسته بودجه را پرداخت کند بلکه دولت شرایط سختی دارد.

همچنین پیش‌بینی می‌کنیم که با تغییرات اقتصادی در حال حاضر برای اجرای این قانون به بیش از ۲۲ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز داریم.

وی با بیان این که با استفاده از سامانه شفافیت، اطلاعات مربوط به ۴۷ هزار مددجو که ۳۹ هزار نفر آنها مشمول دریافت یارانه بودند احصاء شد گفت: با اتصال اطلاعات، افراد متوفی شناسایی و از سامانه خارج شدند.

همچنین ۲۶ هزار نفر از سازمان بهزیستی یارانه دریافت می‌کردند که این مبلغ ابتدا به استان، شهرستان، شهر و سپس مددجویان تخصیص پیدا می‌کرد، این در حالی است که توانستیم با استفاده از سیستم پرداخت الکترونیکی این پرداخت را به شکل مستقیم انجام دهیم.

مراسم تشییع پیکر معاون نیروگاهی سازمان انرژی اتمی برگزارشد

رئیس سازمان انرژی اتمی‌در مراسم تشییع پیکر دکتر احمدیان معاون نیروگاهی این سازمان گفت: ما یار بزرگی را از دست دادیم. او شیفته خدمت به خلق بود .

به گزارش ایسنا، علی اکبر صالحی گفت: همه به یاد این مرد بزرگ، شریف و با اخلاق و علم با عشق و دوستی اینجا آمدید. شناخت من از او به ۴۱ سال پیش برمی‌گردد.

وی گفت: ۲۰ روز پیش سر کلاس حالشان بد می‌شود و آنژیو می‌کنند و می‌بینند رگ‌های قلبشان بسته شده است. البته بیماری قند داشتند اما فکر نمی‌کردیم به این شکل اتفاق بیفتند.

صالحی از پرسنل بیمارستان جماران تقدیر کرد و گفت: عمل قلب بازشان خوب انجام شد و حالشان بهتر شده بود و با او صحبت کردیم اما دوباره شب در بخش حالشان بد می‌شود .

وی گفت: آرامش عجیبی در وجودشان دیدم در این مدت که در بیمارستان بودند. انگار دلش دیگر اینجا نبود. فوت ایشان در شب اربعین قابل اعتناست.

رئیس سازمان انرژی اتمی‌افزود: من پشتیبان و مدیر لایقی را از دست دادم. همیشه درد دل می‌کرد درباره کار نیروگاه بوشهر با حجم زیاد بدهی که داشت، اما اجازه نداد لحظه‌ای کار متوقف شود.

همچنین رضا امراللهی رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی‌و نصیری رئیس دانشگاه شهید بهشتی در این مراسم سخنانی ایراد کردند.

رئیس دانشگاه شهید بهشتی در از ارتقای احمدیان در یکی دو هفته گذشته به سطح استاد تمامی‌خبر داد و گفت: این مرد عزیز در حالی که در حال مدیریت در سطح بالای کشور بود از خدمات آموزشی کوتاهی نکرد و همیشه در کلاس درس منظم و دقیق حاضر می‌شد. او در طی دوران تدریسش هیچ‌وقت درخواست ارتقا سطح و رتبه نداشت و همیشه بی‌منت و بی‌تمایل نسبت به این مساله بود.

روحانی: اربعین قویترین رسانه برای معرفی فرهنگ حسینی است

رئیس جمهوری در پیامی‌به همتای عراقی خود ونخست وزیر آن کشور ، با قدردانی از تلاش همه مردم، مسئولان، علما و به ویژه مقام مرجعیت برای تامین امنیت کامل و میهمان‌نوازی از زائرین اربعین حسینی، تصریح کرد: این گردهمایی بیش از پیش نشان داد که اربعین فقط یک مناسبت تقویمی‌نیست، بلکه معجزه ماندگار تاریخی و قویترین رسانه برای معرفی فرهنگ حسینی و قیام عاشورایی است.

متن پیام حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای برهم صالح

رئیس جمهوری محترم عراق

جناب آقای عبدالمهدی

نخست وزیر محترم عراق

در راهپیمایی بزرگ و باشکوه اربعین حسینی که امسال با حضور و مشارکت بی‌نظیر و میلیونی عاشقان ولایت و مشتاقان آزادی و آزادگی برگزار شد، بار دیگر حماسه‌ای جاودانه و به یادماندنی خلق و پیام آزادگی و جوانمردی عاشورا به گوش همه جهانیان رسانده شد. این گردهمایی بیش از پیش نشان داد که اربعین فقط یک مناسبت تقویمی‌نیست، بلکه معجزه ماندگار تاریخی و قوی‌ترین رسانه برای معرفی فرهنگ حسینی و قیام عاشورایی است.

این همایش جهانی سرشار از برکات است که هر سال بیش از پیش ابعادی آشکارتر می‌یابد و تجلی همبستگی و اتحاد و نزدیکی صمیمانه ارادتمندان رسالت و ولایت به ویژه در بین مردم دو کشور ایران و عراق و تشکیل جبهه‌ای واحد علیه ظلم، تبعیض و خشونت است.

اینجانب لازم می‌دانم از همه مسئولان، علما و به ویژه مقام مرجعیت که با تأمین امنیت کامل و میهمان‌نوازی از زائرین، از هیچ کوششی دریغ نکردند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.

همچنین تلاش مردم متدین و فداکار عراق و موکب داران عزیز آن کشور که خالصانه و سخاوتمندانه پذیرای میلیون‌ها زائر ایرانی و دیگر کشورهای اسلامی‌بودند، شایسته نهایت تجلیل و قدردانی است.

با آرزوی توفیقات روزافزون جنابعالی و تمامی‌تلاشگران برگزاری این مراسم با شکوه، پیوند دوستی، سربلندی و اقتدار هر چه بیشتر دو کشور دوست و برادر ایران و عراق را از خداوند بزرگ مسألت دارم.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی‌ایران

قدردانی از حضور محبان امامت و ولایت در اربعین حسینی

رئیس جمهوری در پیام دیگری با قدردانی از حضور پرشور و حماسی محبان امامت و ولایت در راهپیمایی بزرگ و جهانی زیارت اربعین حسینی، تصریح کرد که این حماسه بی‌نظیر و وصف‌ناپذیر، امسال به‌رغم خواسته استکبار جهانی و حامیان آنان، موجب قدرت‌نمایی بیشتر اسلام و یأس و ناامیدی مضاعف دشمنان شد.

متن پیام دکتر روحانی به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

مَنْ أَرَادَ اللهُ بِهِ الْخَيْرَ قَذَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ «امام صادق(ع)»

بار دیگر استقبال پرشور و حضور حماسی محبان امامت و ولایت در راهپیمایی بزرگ و جهانی زیارت اربعین در سرزمین خاطره‌های باشکوه، جلوه تازه‌ای به عظمت اسلام و وحدت مسلمانان بخشید.

این حماسه بی‌نظیر و وصف‌ناپذیر، امسال به‌رغم خواسته استکبار جهانی و حامیان آنان که قصد داشتند با برخی تحریکات و توطئه‌های مزورانه، قدرت سیاسی، فرهنگی و معنوی این حماسه عظیم مشتاقان مکتب حسینی را کمرنگ‌تر نمایند، به یاری خدا در کمال آرامش و امنیت برگزار شد و موجب قدرت‌نمایی بیشتر اسلام و یأس و ناامیدی مضاعف دشمنان گردید.

امروز یادآور خاطره آن کاروان کوچک و عزیز در دشت کربلا، امواجی بزرگ از هوشیاری و بیداری در سراسر جهان به جنبش در آورده است، حرکتی که خیل بی‌شمار عاشقان خاندان رسالت و ولایت را به اراده‌ای واحد و مستحکم در مسیر تحقق شریف‌ترین ارزش‌های انسانی و الهی یعنی آزادگی و جوانمردی که اکنون بیش از هر زمان دیگری در برابر زیاده‌خواهی‌ها به آن نیاز وجود دارد، تبدیل ساخته است.

اینجانب با آرزوی قبولی زیارت همه زائران عزیز که با شور و شوق خود طراوت‌بخش این همایش بزرگ بودند، از همت خیرین، هیأت‌های مذهبی و کرامت موکب‌داران که با تلاش بی‌وقفه، آسایش زائرین را فراهم کردند، قدردانی می‌کنم و توفیق روزافزون ملت و دولت عراق را که میزبانان اصلی این مراسم وحدت‌آفرین بودند، از خداوند منان مسألت دارم.

همچنین از تلاش‌های مستمر همه دست‌اندرکاران برپایی این آیین الهی به ویژه وزارتخانه‌های کشور، امور خارجه، راه و شهرسازی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروهای نظامی، انتظامی‌و امنیتی، سازمان هلال احمر، سازمان حج و زیارت، مردم بزرگوار استان‌های ایلام، کرمانشاه و خوزستان و سایر دستگاه‌های ذیربط در مدیریت و ارائه خدمات به زائران محترم و نیز از رسانه ملی در انعکاس لحظه به لحظه اخبار حضور میلیونی زائران، اهتمام ورزیدند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

امیدوارم با توجهات الهی، شاهد عشق و علاقه روزافزون ملت شریف ایران اسلامی‌به سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین(ع) و یاران با وفای ایشان باشیم و دستاورد این حرکت بزرگ جهانی که همه ساله پرشورتر از سال قبل برگزار می‌گردد، نزدیکتر شدن هر چه بیشتر دل‌های مؤمنین و امت اسلامی‌به همدیگر و تجلی عظمت اسلام باشد.

حسن روحانی

رئیس جمهوری اسلامی‌ایران

طرح مشترک ژاپن و فرانسه به ایران در باره برجام

ژاپن و فرانسه طرح مشترکی برای دادن وامی‌به ایران برای تامین مواد غذایی و دارویی ارائه داده‌اند.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه خبری اردوپوینت، رسانه‌ها گزارش داده‌اند که ژاپن و فرانسه طرحی مشترک برای دادن وامی‌حدودا به ارزش ۱۸.۴میلیارد دلار به ایران ارائه داده‌اند و شرط آن پایبندی کامل تهران به برجام است.

طبق گزارش روزنامه ماینیچی، دولت ژاپن تصمیم گرفت از اقدام فرانسه برای کمک‌رسانی به ایران با ایجاد خط اعتباری ۱۵میلیارد دلاری پس از آن که تهران خواستار افزایش ارزش این وام به منظور جبران تاثیر منفی تحریم‌های سخت‌تر شد، حمایت کند و این مقدار را به ۱۸.۴۲میلیارد دلار افزایش بدهد.

این نشریه گزارش داد که مقامات ژاپنی امیدوارند که از این طریق، نارضایتی به وجود آمده از برنامه توکیو برای اعزام دو کشتی نیروهای دفاعی ژاپن به تنگه هرمز را تلطیف کنند. علاوه بر این، مطابق اظهارات منابع این روزنامه، دولت ژاپن بر این باور است که حمایت مالی می‌تواند موجب آغاز مذاکرات میان ایران و آمریکا درباره مساله هسته‌ای شود.

انتظار می‌رود که سپرده این وام به قیمت نفت باشد و کاربرد مالی آن به خریداری مواد غذایی و دارویی محدود خواهد شد.

این خبر هنوز از سوی مقامات رسمی‌کشورمان رد یا تائید نشده است.

کمیسیون صنایع مجلس: واردات قطعات خودرو در انحصار ۶ نفر است

عضو هیات رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس می‌گوید از آنجا که واردات قطعات فقط در اختیار۵ یا ۶ نفر است، نایاب شدن برخی قطعات در بازار امر دور از انتظاری نیست چراکه انحصار، فساد ایجاد می‌کند.

سیدجواد حسینی کیا در گفتگو با خبرگزاری خانه ملت درباره نایاب شدن قطعات الکترونیکی خودرو، گفت: در برخی موارد قطعه وارد کشور می‌شود اما افراد از توزیع آن خودداری می‌کنند. در واقع مافیاهای قدرت، واردات را در اختیار دارند اما با هدف افزایش قیمت از عرضه به بازار خودداری می‌کنند.

برای راحتی مشتریان باید نمایندگی‌هایی که خدمات پس از فروش بهتری ارائه می‌کنند شناسایی شوده تا با معرفی آنها به مردم زمینه بهبود عملکرد نمایندگی‌های ارائه کننده خدمات پس از فروش فراهم شود

نماینده مردم سنقر در مجلس با بیان این که وزارت دفاع برای کاهش واردات قطعه وارد میدان شده است، افزود: اگرچه خودرو از حدود ۱۲۰۰ قطعه تشکیل شده است که ۴۷۱ قطعه آن وارداتی است اما وزارت صنعت، معدن و تجارت به دنبال بومی‌سازی این قطعات است.

سروش محلاتی: باید از زیارت امام حسین(ع) تحول درونی رخ دهد

یک استاد حوزه علمیه قم با تأکید براین که اگر تغییر در درون انسان اتفاق بیفتد، به تبع آن بیرون و رفتار فرد اصلاح می‌شود،حفظ شأن و جایگاه زیارت امام حسین(ع) را خاطر نشان کرد و گفت: اگر ما کرور کرور رفتیم و برگشتیم و نشانی از تغییر در بیرون ندیدیم، معلوم می‌شود تغییری در درون هم اتفاق نیفتاده است و توفیق زیارتی که ائمه فرموده اند را پیدا نکرده‌ایم. شکل، ماکت و ظاهر زیارت کار دشواری نیست، چرا ما باید امر حقیقی و ریشه داری که با اعتقاد و جان ما آمیخته است را فرو بکاهیم و به برخی از مسائل سطحی و زودگذر تنزل دهیم و فکر کنیم که توانسته ایم از زیارت اربعین استفاده کنیم؟

به گزارش جماران، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سروش محلاتی در مراسم اربعین حسینیه جماران افزود: مسأله زیارت اباعبدالله(ع) در فرهنگ تشیّع سابقه‌ای ریشه دار و موقعیتی اساسی دارد. ولی در سال‌های اخیر که زیارت اربعین به شکل گسترده‌تر و با عظمت بیشتری برگزار می‌شود، این سئوال را برای بسیاری از افراد پدید می‌آورد که «فلسفه برگزاری این زیارت چیست؟» پاسخ‌های متفاوتی در برابر این پرسش مطرح می‌شود. بسیاری از افراد این اجتماع باشکوه را یک مانور قدرت در دنیای امروز تلقی می‌کنند و معتقدند شیعیان با این اجتماع قدرت خود را به نمایش می‌گذارند.

وی با طرح این سئوال که «آیا واقعا ائمه(ع) ما در صدد این بودند که شیعیان از این فرصت برای نشان دادن قدرت خود استفاده کنند؟»، افزود: نگاهی که زیارت را بر این اساس تفسیر می‌کند، همین نگاه را در بقیه مسائل دینی هم دارد. اگر از او سئوال کنیم فلسفه ماه رمضان چیست؟ آن را هم به قدرت معطوف می‌کند. روزه، حج، خمس و زکات و جهاد را هم به قدرت معطوف می‌کند. یعنی یک تحلیل یکسان برای مناسک دینی بیان می‌شود و یگانه ملاک آن این است که با این دستورات الهی فرد مسلمان قوی، جامعه اسلامی‌تقویت و حکومت اسلامی‌در نهایت اقتدار قرار می‌گیرد. این استاد حوزه با اشاره به مضمون و محتوای زیارت امام حسین، اظهار داشت: این سفر دو جنبه درونی و بیرونی دارد. مسأله انکار جنبه بیرونی نیست؛ اما باید از این سفر تحول درونی اتفاق بیفتد؛ اما آن مانوری ارزشمند است که این تحول را ایجاد کند. اگر این تغییر اتفاق افتاد همه گناهان فرد بخشیده می‌شود. این سفر یک سفر عادی و معمولی نیست. نباید این زیارت را تنزل دهیم، کوچک کنیم و قدر و منزلت او را پایین بیاوریم؛ برای کسی که بتواند حق این زیارت را ادا کند، خیلی با ارزش است. انگار زائر امام حسین آمده است تا آنچه حضرت از او می‌خواست را ادا کند و بگوید تمام وجود من امروز در اختیار شما است.

سروش محلاتی ادامه داد: کسی که زائر امام حسین می‌شود باید گواهی‌های داخل زیارت اربعین را بدهد. این گواهی‌ها زبانی نیست و اعتقادی است؛ نگاه ما یک نگاه تک بعدی است. این بدان معنا نیست که نگاه ما از پایه و اساس درست نیست؛ درست است، اما تک بعدی است. نگاه جامع و کامل به مسأله زیارت آن است که در خود متن این زیارتنامه‌ها هست. اگر انسانی در این مکتب با این الگو تربیت شود آن وقت وظیفه خودش را در صحنه سیاست و جامعه هم به خوبی انجام می‌دهد، اما متأسفانه همین خطا و اشتباه ظاهرگرایی که در مسأله زیارت برای برخی از افراد اتفاق می‌افتد، در یک سطح وسیع‌تر و عام‌تر در بسیاری از مسائل دینی دیده می‌شود که ما هم می‌خواهیم دین را داشته باشیم و هم می‌خواهیم دین ما قدرت محور و قدرت مفسر و اختیاردار دین باشد. در حالی که باید دین حاکم بر قدرت باشد و قدرت را جهت‌دهی کند.

این استاد حوزه افزود: امیرالمؤمنین فرمود، «پایداری قدرت اصالت ندارد»؛ اما خلفای دیگر این طور نبودند. اگر قدرت در ساحت دین ورود کند، فساد دارد. یک موقع دین را از دین شناسان می‌گیریم و یک موقع دین را از رجال سیاسی می‌گیریم. دینی که از رجال سیاسی گرفته شود لغزندگی دارد و ممکن است پایه و اساس درستی داشته باشد یا نداشته باشد.

پرداخت وام کارگشایی ۱۰ میلیونی توسط صندوق ولایت

صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت و مرکز رسیدگی به امور مساجد به منظور تبلیغ و ترویج سنت قرض‌الحسنه در کشور، تفاهمنامه همکاری امضا کردند.

به گزارش سایت خبری کمیته امداد، این تفاهمنامه میان مجید باجلان، مدیرعامل صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت و محسن ولیئی، معاون اجرایی مرکز رسیدگی به امور مساجد امضاء شد.مدیرعامل صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت در زمینه جزئیات این تفاهمنامه گفت: صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت و مرکز رسیدگی به امور مساجد برای تبلیغ، ترویج و اجرای سنت قرض‌الحسنه از طریق سپرده‌گذاری و پرداخت وام قرض‌الحسنه کارگشایی تفاهمنامه همکاری برقرار کردند.

باجلان ادامه داد: براساس این تفاهم‌نامه وام قرض‌الحسنه کارگشایی با معرفی مرکز رسیدگی به امور مساجد به عنوان سپرده‌گذار در چارچوب مقررات صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت به نیازمندان ارائه می‌شود.وی از سپرده‌گذاری ۱۰ میلیارد ریالی مرکز امور مساجد در صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت خبر داد و تاکید کرد: از این محل، تسهیلات تا سقف ۱۰۰ میلیون ریال به افراد متقاضی پرداخت می‌شود.

۱.۴میلیون مددجو و نیازمند فاقد شغل داریم

معاون اشتغال کمیته امداد هم با اشاره به این که علاوه بر مددجویان تحت پوشش، به نیازمندان فاقد شغل وام اشتغال تعلق می‌گیرد، گفت: در مجموع یک میلیون و ۴۰۰ هزار بیکار محروم مخاطب ما هستند.

حجت‌الله عبدالملکی در گفتگو با مهر گفت: مخاطبین اصلی امداد دو گروه هستند؛ یکسری مددجویان تحت پوشش که بیش از دو میلیون نفر هستند و از این تعداد ۹۰۰ تا یک میلیون نفر مستعد بیکار فاقد شغل وجود دارد.

وی ادامه داد: گروه دوم شامل نیازمندانی می‌شوند که به دلیل نداشتن شغل، به صورت موردی به کمیته امداد مراجعه و درخواست وام دارند. همچنین چنانچه مددجویان شرایط لازم را داشته باشند مددکاران، آنها را به واحد اشتغال معرفی می‌کنند که این افراد حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر برآورد شده‌اند.

وی گفت: هر ساله بخشی از نیازمندان فاقد شغل به ما مراجعه می‌کنند و در مجموع یک میلیون و ۳۰۰ تا یک میلیون و ۴۰۰ هزار بیکار محروم داریم که مخاطبین اصلی کمیته امداد هستند.معاون اشتغال و کارآفرینی کمیته امداد افزود: سال گذشته ۱۴۸ هزار فرصت شغلی ایجاد کردیم اما فقط ۳۸ هزار خانواده خودکفا و از پوشش خارج شده‌اند چرا که مابقی این افراد یا درآمدشان به حدی نرسیده که به خودکفایی برسند یا اینکه رسیده بوده اما نیازمندی‌های دیگری داشتند که باید همچنان تحت پوشش باشند تا نیازهایشان برطرف شود.

عبدالملکی بیان کرد: به عنوان مثال مددجویی که مسکن وی از سوی کمیته امداد تأمین شده و فرزندانش می‌توانند هزینه‌های زندگی را تأمین کنند، این خانواده از تحت پوشش خارج و خودکفا می‌شوند.

وی با اشاره به این‌که اشتغال نه شرط لازم و نه کافی برای خودکفایی است، گفت: یکی از حلقه‌هایی است که به آن پرداخته می‌شود.

محیط زیست استان تهران: در کنترل شیرابه زباله‌ها ضعیف عمل کرده‌ایم

رئیس اداره محیط زیست انسانی استان تهران گفت: متاسفانه شیرابه یکی از معضلات حوزه مدیریت پسماند است و در مدیریت و کنترل آن در استان تهران تاکنون ضعیف عمل کرده و موفق نبوده‌ایم .

فاطمه اکبرپور در گفتگو با ایسنا اظهار داشت: در استان تهران شیرابه‌های زباله فقط مربوط به سایت آرادکوه نمی‌شود چون در این استان مراکز دفع پسماند دیگری هم وجود دارد.

وی با بیان این که پسماند به‌صورت مستمر در همه جای کشور از جمله استان تهران و در پی آن شیرابه تولید می‌شود، گفت: مدیریت شیرابه زباله مانند یک کلاف سردرگم است چون این موضوع از مبدأ به‌درستی مدیریت و به مردم اطلاع‌رسانی و آموزش کافی ارائه نمی‌شود.

وی افزود: مشکل اساسی شیرابه در مرکز دفع نمود پیدا می‌کند. بر اساس قانون، کنترل و مدیریت شیرابه برعهده مدیر اجرایی یعنی شهرداری‌ها ست؛ البته این بدان معنا نیست که شهرداری تهران کاری انجام نداده است. در سال‌های اخیر شهرداری با هزینه‌های میلیاردی سیستم تصفیه شیرابه به ظرفیت اسمی‌تقریبا ۱۴۰۰مترمکعب در روز را راه‌اندازی و سیستم تصفیه شیرابه چند مرحله‌ای احداث کرد. متاسفانه این سیستم به علت ایراد در طراحی یا مشکل فنی یا بهره‌برداری نادرست کارایی لازم را نداشت، بنابراین مدتی از مدار خارج شد.

رئیس اداره محیط‌زیست انسانی استان تهران تاکید کرد: شنیده‌ها حاکی است که این سیستم اخیراً وارد مدار شده است و دوباره شیرابه را وارد آن کرده‌اند. این سیستم باید کار کند تا ما بر اساس خروجی آن آنالیز کنیم که موفق عمل کرده است یانه؟ پس سرمایه گذاری انجام شده است اما نیاز به بهره‌برداری و اپراتوری مطلوب دارد.

می‌توانید وزیر محترم را متقاعد کنید!

خبر دیگر این که، سازمان حفاظت محیط زیست در یک رشته توییت با ارائه توضیحاتی درباره پروژه انتقال آب دریای خزر به فلات مرکزی از موضع مشاور وزیر نیرو انتقاد کرد.

در توییت سازمان حفاظت محیط‌زیست آمده است: « درباره انتقال آب صراحتاً وزارت نیرو کارفرما، پیمانکار و بهره‌بردار است. طبق قانون وزارت نیرو در هر محلی تشخیص داد که نیاز به انتقال آب وجود دارد، اقدام می‌کند. متولی و مجری انتقال آب خزر به سمنان هم وزارت نیرو است و این وزارتخانه هنوز تصمیم قطعی خود را نگرفته است. برای اینکه جنگل‌های هیرکانی شمال حداقل خسارت را بخورد باید لوله انتقال آب از حاشیه مسیر لوله گاز عبور کند که قبلاً کشیده شده و نیاز به قطع درختان جدید نیست.

اگرچه عوام گرایی و گرفتن ژست‌های روشنفکری این روزها مد شده است، از این منظر اگر مشاور محترم وزیر نیرو با این پروژه مخالف است، می‌توانند وزیر محترم را متقاعد کنند تا درخواستشان را پس بگیرند.

۴۵ درصد ارز صادرات کالا به کشور بازگشته است

میزان صادرات غیرنفتی کشور در ۱۸ ماهه گذشته معادل ۶۱ میلیارد دلار بوده که ۲۷ میلیارد آن در سامانه نیما ثبت شده، یعنی حدود ۴۵ درصد از ارز صادراتی به کشور بازگشته است.

به گزارش شادا، وزارت اقتصاد در باره ابهامات پیش آمده در زمینه اظهارات وزیر اقتصاد با موضوع آمار بازگشت ارز صادرکنندگان به کشور اطلاعیه ای صادر کرد.

در این اطلاعیه آمده است: در جلسه اخیر شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی نماینده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اطلاعاتی از میزان برگشت ارز حاصل از صادرات غیر نفتی ارائه کرد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی هم در حاشیه جلسه و با استناد به آمار ارائه شده میزان بازگشت ارز حاصل از صادرات را مناسب ارزیابی کرد.

آماری که از سوی وی ارائه شده مبتنی بر این است که میزان صادرات غیر نفتی کشور در ۱۸ ماهه گذشته معادل ۶۱ میلیارد دلار بوده که ۲۷ میلیارد آن در سامانه نیما ثبت شده رقم فوق به مفهوم این است که در مدت یاد شده حدود ۴۵ درصد از ارز صادراتی به کشور بازگشت داده شده است.

لازم به توضیح است: رفع تعهد ارزی به مفهوم الزام صادرکنندگان به بازگشت کل ارز حاصل از صادرات نبوده و بانک مرکزی مطابق مقررات، تعدیلاتی در این زمینه در نظر می‌گیرد. مهمترین تعدیلی که لازم است در این مورد لحاظ شود، بخشی از ارز حاصل از صادرات است که صادرکننده الزام به بازگشت آن ندارد و در حال حاضر این سهم برای بیشتر صادرکنندگان ۲۰ درصد است و به طور طبیعی، اگر تعدیلات فوق لحاظ شوند، درصد رفع تعهد ارزی از درصد بازگشت ارز بیشتر خواهد شد.

لذا اطلاعات ارائه شده توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی صحیح بوده ولی برخی افراد و رسانه‌ها به دلیل نبود توجه به مفاد صحبت‌های وزیر اقتصاد دچار سوء برداشت شده اند.

ضمن اینکه آنچه در جلسه فوق مورد تاکید وی بوده، ناظر بر اهمیت بازگشت ارز صادراتی به کشور برای حل مشکلات اقتصادی کشور و ابراز امیدواری وزیر اقتصاد از همکاری بخش خصوصی است و اشاره وی به مناسب بودن بازگشت ارز صادرات به کشور موید این امر است.

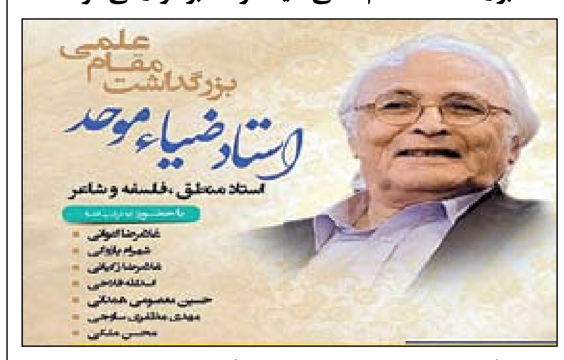
ایرنا هم گزارش داد: سامانه نیما با عرضه بیش از ۲۰ میلیارد یورو ارز صادراتی از ابتدای راه‌اندازی تاکنون نقش مهمی در ایجاد ثبات ارزی در کشور و تامین ارز مورد نیاز واردکنندگان داشته است.

این سامانه از اردیبهشت پارسال پس از تعدیل سیاست‌های ارزی دولت به عنوان مرجع تعیین نرخ خرید و فروش حواله‌های ارزی تعیین شد.

سامانه نیما در ماه‌های اخیر با جذب ارز ناشی از صادرات و اختصاص آن به واردکنندگان برای واردات کالاهای مورد نیاز کشور، نقشی مهم در ثبات ارزی ماه‌های اخیر داشته است.

کوتاه فرهنگی

بزرگداشت مقام علمی ضیاء موحد برگزار می‌شود



بزرگداشت مقام علمی ضیاء موحد در گروه فلسفه خانه اندیشمندان علوم انسانی با همکاری مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و جشنواره بین‌المللی فارابی، به مناسبت روز جهانی فلسفه برگزار می‌شود.

این مراسم با حضور غلامرضا اعوانی، شهرام پازوکی، غلامرضا ذکیانی، اسدالله فلاحی، حسین معصومی همدانی، مهدی مظفری ساوجی و محسن ملکی برگزار خواهد شد.بزرگداشت مقام علمی ضیاء موحد، دوشنبه ۲۰آبان از ساعت ۱۶در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی واقع در خیابان نجات اللهی، نبش خیابان ورشو برگزار می‌شود.

«مسخره‌باز» جایزه ویژه هیأت داوران ورشو را گرفت

فیلم «مسخره‌باز» نماینده سینمای ایران در بخش اصلی رقابتی جشنواره فیلم ورشو در کشور لهستان بود که جایزه ویژه هیأت داوران سی و پنجمین چشنواره فیلم ورشو لهستان به آن تعلق گرفت.

در «مسخره باز» علی نصیریان، صابر ابر، بابک حمیدیان، رضا کیانیان، داریوش موفق، محسن حسینی و هدیه تهرانی بازی می‌کنند. سی و پنجمین جشنواره بین‌المللی فیلم ورشو از تاریخ ۱۱تا ۲۰اکتبر (۱۹تا ۲۹مهرماه) در کشور لهستان برگزار شد.

آیین دیدار با عوامل مستند «درخت زندگی» برگزار می‌شود

آیین دیدار با عوامل مستند «درخت زندگی» دوشنبه ۲۹مهر ساعت ۱۹:۳۰در موزه سینما برگزار می‌شود. در این مراسم عوامل فیلم به همراه جمعی از سینماگران و اهالی رسانه پوستر «درخت زندگی» را امضا می‌کنند و پس از آن به تماشای فیلم می‌نشینند. «درخت زندگی» تحقیق، کارگردانی و تدوین هومن بابانوروزی است.

کتاب «جستجوی بی پایان» ترجمه شد

کتاب «جستجوی بی پایان»، اثر کارل پوپر، با ترجمه رحمت الله جباری ترجمه و به همت شرکت سهامی انتشار به چاپ رسید .این کتاب، زندگی‌نامه خودنوشت پوپر است.جباری تاکنون چندین اثر از این نویسنده را ترجمه کرده و آثاری را نیز در زمینه دستور زبان فارسی و تصحیح متون ادبی تألیف کرده است.

نامزدهای کتاب سال دفتر شعر جوان معرفی شدند



دبیرخانه سومین دوره کتاب سال دفتر شعر جوان، نامزدهای مرحله نهایی این جایزه را معرفی کرد.

به گزارش ایرنا، هیأت انتخاب سومین دوره کتاب سال دفتر شعر جوان (جایزه قیصر امین‌پور)، در مرحله نخست داوری، از میان نزدیک به ۶۰ مجموعه شعر رسیده به دبیرخانه کتاب سال دفتر، ۱۵عنوان را شایسته راهیابی به مرحله نهایی دانست.

۱۴کتاب راه‌یافته به دور نهایی، براساس حروف الفبا و نام سراینده و ناشر عبارتند از:

۱. آپارتمان عمر، اردوان انوشه ، انتشارات نگاه
۲. این هم از این ، امیرعلی سلیمانی، نشر چشمه
۳. حاشا، رضا یزدانی، انتشارات شهرستان ادب
۴. از هم ریخته، داوود جمالی، نشر ایهام
۵. دریاچه را دریاچه می‌فهمد، محمد رهام، انتشارات فصل پنجم
۶. زن پارچه‌ای، نیر فرزین، نشر آنیما
۷. زنگار، مریم حسینی‌تکیه‌ای، نشر سیب سرخ
۸. زیر انگشت‌های تشریح، رحمت‌الله رسولی، نشر ایهام
۹. مؤنث، ساجده جبارپور، نشر نزدیک‌تر
۱۰. غروب مردمک‌ها، بهمن میلان، نشر ایهام
۱۱. فاتحه، امیر تیموری، نشر نزدیک‌تر
۱۲. کودتآه، میثم داوودی، نشر سیب سرخ
۱۳. مویه‌هایی از استراتوسفر، فؤاد سیاهکلی، نشر آنیما
۱۴. هیاهو، مهدی خان‌محمدی، نشر شهرستان ادب

برگزیدگان نهایی سومین دوره جایزه کتاب سال دفتر شعر جوان (جایزه قیصر امین‌پور) روز ۱۹آبان‌ماه معرفی خواهند شد.

فراخوان شرکت در بخش رقابتی جشنواره اسباب‌بازی منتشر شد

دبیرخانه پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی از طراحان، ایده‌پردازان و تولیدکنندگان اسباب‌بازی دعوت کرد برای ثبت‌نام در بخش رقابتی این رویداد اقدام کنند.

به گزارش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تمامی فعالان عرصه اسباب‌بازی که طی بازه زمانی فروردین ۹۷تا شهریور ۹۸ محصولی را طراحی یا تولید کرده‌اند تا ۳۰آبان ۱۳۹۸فرصت دارند تا دو نمونه از محصول خود را به دبیرخانه این رویداد ارسال کنند. بر اساس این فراخوان مسؤولیت کمیته داوری پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی بر عهده شورای نظارت بر اسباب‌بازی است که با هدف شناسایی استعدادها و ایجاد فضای رقابت سازنده و هدفمند تلاش می‌کند مسیر حمایت از ایده‌ها و محصولات برتر را فراهم کند.

بر همین اساس زمان داوری آثار رسیده به دبیرخانه، آذرماه و اعلام نتیجه دی‌ماه ۱۳۹۸همزمان با برگزاری پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی اعلام شده است. علاقه‌مندان برای دریافت فرم شرکت در بخش رقابتی پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی و آگاهی بیشتر در مورد شرایط و چگونگی ثبت‌نام می‌توانند به پایگاه خبری کانون به نشانی www.kanoonnews.ir و تارنمای شورای نظارت بر اسباب‌بازی به نشانی www.toycouncil.com مراجعه کنند.

دبیرخانه شورای نظارت بر اسباب‌بازی در تهران شهرک قدس- میدان صنعت، خیابان شهید حسن سیف، روبروی خیابان ۲۲مجتمع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع است.

پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی ۷ تا ۱۳دی ۱۳۹۸ با شعار «تمرین زندگی» در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان واقع در خیابان حجاب تهران برگزار خواهد شد.

درج نام کیارستمی بر دیوار در جشنواره لومیر



نام عباس کیارستمی بر روی دیوار محل برگزاری جشنواره فیلم لومیر فرانسه نصب شد.

به گزارش ایلنا به نقل از منابع خارجی، دهمین دوره جشنواره فیلم لومیر دیروز در حالی به پایان رسید که فیلم‌های «خانه سیاه است» اثر فروغ فرخزاد و «تپه‌های مارلیک» ساخته ابراهیم گلستان در بخش «گنجینه‌ها و کنجکاوی‌ها» نمایش داده شدند. این دو فیلم که در ایتالیا ترمیم شده‌اند، مردادماه گذشته نیز در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمده بودند.

همچنین در این جشنواره از فرانسیس فورد کاپولا، کارگردان آمریکایی تقدیر شد. فیلم‌های «اینک آخرالزمان» و سه‌گانه «پدرخوانده» از این سینماگر ۸۰ساله در لیون به نمایش درآمده و «جایزه لومیر» در شامگاه جمعه به او اهدا شد. جایزه لومیر سالانه به پاس دستاورد و مشارکت، به یک شخصیت بین‌المللی سینما اهدا می‌شود. همچنین در حاشیه این مراسم نام عباس کیارستمی به همراه چندین تن دیگر از بزرگ‌ترین سینماگران جهان بر دیوار خانه لومیرها نصب شده است.

جشنواره لومیر از سال ۲۰۰۹میلادی در اکتبر برگزار می‌شود. این جشنواره به احترام و بزرگداشت برادران لومیر، مخترعان فیلمبرداری و سینما در ۱۸۹۵میلادی، نامگذاری شده و توسط مؤسسه لومیر برگزار می‌شود.

وداع با حسین دهلوی؛ موسیقیدانی که یگانه زمان خود بود



مراسم تشییع پیکر حسین دهلوی از بزرگان عرصه موسیقی، دیروز ۲۸مهرماه، با حضور جمعی از هنرمندان و مسؤولان عرصه موسیقی و دیگر هنرمندان برگزار شد.

به گزارش ایسنا، استاد حسین دهلوی، صبح روز سه‌شنبه (۲۳مهر ماه) در سن ۹۲سالگی دار فانی را وداع گفت.

مراسم تشییع پیکر حسین دهلوی با حضور حمیدرضا نوربخش (مدیر خانه موسیقی)، شهرام صارمی (نوازنده و آهنگساز)، حسین علیزاده (موسیقیدان)، محمد سریر(آهنگساز و موسیقیدان)، محمد الهیاری (مدیر کل دفتر موسیقی)، محمد اسماعیلی (موسیقیدان)،کیوان ساکت (آهنگساز)، رضا بنفشه‌خواه (بازیگر)، عباس مشهدی‌زاده (مجسمه‌ساز)، کامبیز روشن‌روان (آهنگساز)، علی ثابت‌نیا (مدیراجرایی سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر)، علی مرادخانی (مدیرعامل موزه موسیقی)، پری ملکی (خواننده)،هوشنگ کامکار (موسیقیدان)،سیدمجتبی حسینی (معاون هنری وزیر ارشاد) و ... در مقابل تالار وحدت برگزارشد.

در مراسم تشییع این استاد موسیقی، حسین علیزاده (موسیقیدان) که از شاگردان استاد دهلوی بوده است، گفت: من در تمامی عمرم هیچ وقت کسی را ایرانی‌تر از استاد دهلوی ندیدم. او کسی بود که همه چیز به درستی به او سپرده شده بود. زمانی که عهده‌دار مدیریت هنرستان موسیقی شد، سرنوشت موسیقی ایرانی عوض شد. البته پیش از آن هیچ‌گاه موقعیت نبود که به آن صورت به موسیقی ایرانی پرداخته شود.

وی ادامه داد: اکنون با درگذشت این استاد بزرگ موسیقی می‌توان مکانی را به اسم او نامید. حتی می‌توان نام تالار وحدت را که پیش از این رودکی بود و من نمی‌دانم به چه دلیل آن را به وحدت تغییر دادند، دهلوی گذاشت. منتهی این چیزها همیشه آرزو می‌ماند و افرادی که صاحب قدرت هستند درک این را ندارند که به این چیزها توجه کنند و من نیز از هیچ مدیری این درخواست را نمی‌کنم. البته در وضعیت حاضر همین که این محل را برای برگزاری مراسم در اختیار ما قرار داده‌اند، باید سپاسگذار باشیم.

این موسیقیدان تصریح کرد: او فرستاده‌ای بود که موسیقی ما را سامان بخشید. او در زمان خود روشن فکری بود که می‌دانست با موسیقی چه کند. ما شاگردان او چقدر افتخار می‌کنیم که استاد ما بوده است. هیچ وقت چنین قداستی را در آدمی ندیده‌ام. او عصاره رنجی است که موسیقی در این سال‌ها در ایران کشیده است. او آنقدر بزرگ است که هر کس کنارش قرار می‌گیرد بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. سر تعظیم فرود می‌آورم در برابر معلمی که شاید تا سال‌ها مانند او را نبینیم.

در ادامه محمد سریر، آهنگساز و عضو شورای عالی خانه موسیقی ایران، گفت: امروز آمده‌ایم با هنرمندی وداع کنیم که بیش از شش دهه ستونی بسیار استوار در موسیقی ملی ایران بود و برای حفظ و گسترش این موسیقی بسیار زحمت کشید. ایستادگی دربرابر مشکلات موسیقی کشور در تمامی این سال‌ها توسط استاد حسین دهلوی انجام گرفت. او در زمینه‌های مختلف موسیقی کارهای بسیاری را انجام داد تا بتواند بستر مناسبی را برای موسیقی ملی ایران فراهم کند. او دلسوزانه دنبال ریشه‌ها بود و بر پایه همین ریشه‌ها مبانی نوین موسیقی ایران را پی‌ریزی کرد. مهم این بود که نمی‌خواست در گذشته بماند و برای تداوم این پایه‌ها به تحول جامعه نگاه می‌کرد و در اندیشه ارتقای موسیقی ایرانی بود تا با زمانه خود پیش رود.

او افزود: توجه او به تربیت هنرمندان علاقه‌مند به موسیقی ملی ایران برای من قابل توجه بود. این اعتقاد چه در دانشگاه و چه در هنرستان موسیقی در استاد دهلوی وجود داشت. او یگانه زمان خود بود که با اخلاقی هنری همواره تلاش‌های بسیار زیادی در عرصه موسیقی انجام داد. قطعا دوره مدیریت حسین دهلوی در هنرستان موسیقی ملی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های مدیریتی این مجموعه بود. او همراه با اخلاق و منش، هنر را پی‌گیری کرد و این امر نشانی از درک او بود که از هنر به عنوان یک فهم عمومی در ارتقای اخلاق استفاده کرد. من اندیشه او را قدر می‌گذارم و امیدوارم نسل آتی بتوانند از حضور ارجمند ایشان و آثارش استفاده کنند. امیدوارم در آینده یاد گرامی خاطره ایشان در ما وجود داشته باشد.

کامبیز روشن‌روان نیز درباره این استاد موسیقی تازه درگذشته اظهار کرد: استاد حسین دهلوی جزو نسل موسیقیدانانی است که مورد بی‌مهری زیادی قرارگرفتند. او در دوره مدیریت خود در هنرستان موسیقی شکوفاترین دوره موسیقی ملی را داشت و مدیریت او استثنایی بود و این امر را می‌شد در رهبری ارکسترش نیز، دید. او نظم خاصی داشت و می‌دانست با هر هنرجویی چگونه برخورد کند. به جرأت می‌توانم بگویم یکی از بهترین و شاخص ترین آهنگسازان موسیقی ملی است و هر چه که نوشته از فرهنگ دقیق ادبی ایرانی برآمده است. هر چه که از او می‌شنوید رگه‌های موسیقی ملی در آن وجود دارد. او از ادبیات ایران در آثار خود استفاده زیادی کرده و با شناختی که از فرهنگ موسیقی ایران داشت، آثار شاخصی را ساخته است.

سید مجتبی حسینی، مدیر امور هنری وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی نیز ضمن عرض تسلیت به خانواده استاد دهلوی و جامعه هنری، گفت: دهلوی فردی بود که موسیقی را درست و ژرف می‌شناخت و استاد، معلم و هنرآموزی بود که به درستی سنت تعلیم و آموزش را می‌دانست. خود او در محضر استادی مانند ابوالحسن صبا تعلیم دیده بود. شاگردان ممتاز و بسیار او که امروز نامداران و سپهر آسمان موسیقی ایران هستند یک به یک گواه تعلیم درست او در موسیقی هستند. او ظرفیت‌های ناب موسیقی ایران را چنان می‌شناخت که توانست موسیقی ما را در قاب دیگری به مخاطبان موسیقی ایران در دنیا معرفی کند و نامش همیشه ماندگار خواهد بود.

هومن دهلوی، پسر استاد دهلوی هم در سخنان کوتاهی گفت: امروز یکی از تلخ‌ترین روزهای زندگی من و خانواده‌ام است. پدرم تنها یک بُعد نداشت و از جهات مختلف سعی می‌کرد خلاءهای موسیقی را پر کند. امروز فقط با یک معلم و موسیقیدان خداحافظی نمی‌کنیم بلکه ما به عنوان خانواده او با یک پدر، همسر و برادر خداحافظی می‌کنیم و این بار مضاعفی را بر دوش ما می‌گذارد .

در این مراسم از مسؤولان خواسته شد تا فضایی را برای چنین مراسم‌هایی در تالار وحدت در نظر بگیرند. در همین راستا گفته شد که شهرداری قصد دارد فضایی را در کنار خانه هنرمندان برای چنین آیین‌هایی در نظر بگیرد.

در پایان، سید محمود دعایی بر پیکر استاد دهلوی نماز خواند.

مراسم ختم این استاد موسیقی امروز از ساعت ۱۴تا ۱۵.۳۰در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌شود.

«نشان دهخدا» در مرحله نهایی



پنجمین دوره جشنواره «نشان دهخدا» به مرحله داوری نهایی رسید.

به گزارش ایسنا، پنجمین دوره جشنواره «نشان دهخدا» (انتخاب کتاب سال اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های سراسر کشور در حوزه علوم انسانی) که به میزبانی انتشارات علمی و فرهنگی و با مشارکت وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران، خانه کتاب و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی برگزار می‌شود، داوری نهایی آثار ارسالی به دبیرخانه این جشنواره را آغاز کرده است.

بنا بر اعلام دبیرخانه این جشنواره، ۶۳۰عنوان کتاب از ۷۰ناشر دانشگاهی و پژوهشی و همچنین صاحبان آثار برای این دبیرخانه ارسال شده که از این تعداد ۶۱ عنوان از ۲۹ ناشر به مرحله داوری نهایی رسیده است.

موضوعات مورد نظر برای کتاب‌های دریافتی عبارتند از: «تاریخ، جغرافیا و باستان‌شناسی، حقوق، زبان و ادبیات فارسی، علوم اجتماعی و علوم ارتباطات، علوم اقتصادی، مدیریت و حسابداری، علوم تربیتی، روانشناسی، علوم رفتاری و تربیت بدنی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، فقه، اصول، علوم قرآن و حدیث، فلسفه،کلام، اخلاق، ادیان و عرفان، فناوری اطلاعات، اطلاع‌رسانی و کتابداری، مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی، مطالعات هنر و «زیبایی‌شناسی». آیین پایانی پنجمین دوره جشنواره «نشان دهخدا» در تاریخ ۲۸آبان ۱۳۹۸از ساعت ۱۵تا ۱۷در محل دانشگاه تربیت مدرس، سالن جابربن حیان برگزار خواهد شد.

موسیقیدانان و سینماگرانی که در آیین ملی «چله عشق» تجلیل می‌شوند



هشت موسیقیدان به همراه ۱۰ سینماگرمطرح کشور که آثار برجسته‌ای با موضوع قیام امام‌حسین(ع) خلق کرده‌اند در آیین ملی «چله عشق» تجلیل خواهند شد .

به گزارش روابط عمومی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، محمدرضا شجریان، لوریس چکناواریان، حسین علیزاده، صدیقه بحرانی، حسام‌الدین سراج، فردین خلعتبری، تورج زاهدی و مجید انتظامی، هشت موسیقیدان مطرحی هستند که در آیین ملی«چله عشق» تجلیل خواهند شد.

در این آیین از فرامرز قریبیان، بهرام بیضایی، علیرضا شجاع نوری، مهدی فخیم‌زاده، رضا کیانیان، عباس کیارستمی، احمدرضا درویش، علیرضا رئیسیان، ناصر تقوایی، سیدداود میرباقری و حسن فتحی به عنوان چهره‌های شاخص سینما نیز قدردانی خواهد شد.

آیین «چله عشق» با هدف تجلیل از چهره‌های مؤثر فرهنگی و هنری که طی یک قرن اخیر در حوزه واقعه عاشورا آثار ماندگاری خلق کرده‌اند، تدارک دیده شده است.

در این مراسم از خالقان ۴۰ اثر برجسته‌ای که در گونه‌های مختلف فرهنگی و هنری مرتبط با واقعه عاشورا از جمله تألیف و پژوهش، هنرهای تجسمی و ترسیمی، هنرهای دراماتیک، موسیقی و ادبیات تولید شده، تقدیر می‌شود.

همچنین در این آیین ملی از نویسندگانی چون مرحوم سیدشهاب‌الدین مرعشی‌نجفی، مؤلف کتاب‌های «موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه» و«ملحقات الاحقاق الحق»، مرحوم شیخ‌عباس قمی به دلیل تألیف اثر ماندگار«نفس المهموم»، مرحوم محمدابراهیم آیتی، مؤلف کتاب «بررسی تاریخ عاشورا»، مرحوم علی شریعتی به دلیل تألیف کتاب «شهادت و حسین وارث آدم»، مرحوم سیدجعفر شهیدی برای کتاب «پس از پنجاه سال (پژوهشی تازه پیرامون قیام امام حسین ع)»، حجت‌الاسلام رسول جعفریان به دلیل خلق اثر ماندگار «تأملی در نهضت عاشورا» و محمد اسفندیاری، نویسنده کتاب ماندگار «کتابشناسی تاریخی امام حسین(ع)» تجلیل خواهد شد.

در این مراسم مجید انتظامی، آهنگساز و موسیقیدان برجسته کشور پس از ۶ سال دوری از رهبری ارکستر قطعه «روز واقعه» را با همراهی ارکستر سمفونیک تهران اجرا خواهد کرد.

آیین «چله عشق» به همت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران امروز دوشنبه ۲۹ مهر ماه ۱۳۹۸ ساعت ۱۵ در تالار قلم مرکز همایش‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران برگزار خواهد شد.

مهلت ارسال آثار به جشنواره کتاب و رسانه تمدید شد

مهلت ارسال آثار برای شرکت در هجدهمین دوره جشنواره کتاب و رسانه تا ۴آبان ماه سال جاری تمدید شد.

به گزارش ایرنا، هجدهمین جشنواره کتاب و رسانه با هدف افزایش توجه به کارکردهای رسانه در حوزه نشر و ترویج کتابخوانی همزمان با بیست و هفتمین دوره هفته کتاب برگزار می‌شود. این جشنواره تلاش می‌کند با بهره‌گیری از دانش و تجربه فعالان خبره دو حوزه رسانه و کتاب، آثار رسانه‌ای انتشار یافته در زمینه کتاب و نشر را بررسی کند.

شناسایی، معرفی و تقویت حضور و فعالیت خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، عکاسان و برنامه‌سازان حوزه کتاب، افزایش سطح تولید و سطح کیفی آثار مرتبط با حوزه کتاب در رسانه‌های کشور، تقویت فرهنگ عمومی و فرهنگ مکتوب جامعه از طریق افزایش سطح فرهنگ مطالعه در کشور و پرورش، یاری‌رسانی و تقویت متخصصان حوزه کتاب در رسانه‌ها از جمله اهداف این دوره از جشنواره کتاب و رسانه است.

هجدهمین جشنواره کتاب و رسانه در سه بخش «رسانه‌های نوشتاری» (مطبوعات کاغذی، خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری دارای مجوز) شامل تیتر، خبر، گفتگو، گزارش، طنز، یادداشت و مقاله مطبوعاتی، مقاله و نقد تخصصی، عکس، کاریکاتور و گرافیک کتاب، «رسانه‌های دیداری و شنیداری» (تلویزیون و رادیو و آثار صوتی و تصویری رسانه‌های برخط دارای مجوز) شامل تیتر، خبر، گزارش خبری و موضوعی، گفتگو و میزگرد، طنز، داستانی و نمایشی (کتاب صوتی در رادیو و تلویزیون)، برنامه ترکیبی، مستند تلویزیونی، پویانمایی و برنامه عروسکی، مواد تبلیغی(آنونس، نماهنگ، تیزر و...) و «تولید محتوا در صفحه‌های تخصصی شبکه‌های مجازی» شامل معرفی کتاب، یادداشت و نقد، گفتگو، گزارش و خبر برگزار می‌شود. بر اساس فراخوان اعلام شده از سوی دبیرخانه هجدهمین جشنواره کتاب و رسانه، آثاری که در محدوده زمانی اول مهر ماه سال ۱۳۹۷تا پایان شهریور ۱۳۹۸در رسانه‌ها منتشر شده باشند در این دوره از جشنواره می‌توانند شرکت کنند. همچنین، آثار باید در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دیگر رسانه‌های معتبر کشور (دارای مجوز) یا یکی از صفحه‌های تخصصی و دارای هویت مشخص در شبکه‌های اجتماعی یا پیام‌رسان‌ها منتشر شده باشند .

امسال برای نخستین بار در بخش‌های عکس، کاریکاتور، گرافیک، فیلم مستند، پویانمایی و مواد تبلیغی، بخش شرکت‌کنندگان آزاد نیز در نظر گرفته شده است.

مطابق این فراخوان، در بخش «رسانه‌های دیداری و شنیداری» ارائه تصویر گواهی پخش اثر با قید تاریخ پخش که به امضای مدیر گروه یا مدیر پخش شبکه رسیده باشد، الزامی است.

علاقه‌مندان برای شرکت در هجدهمین جشنواره کتاب و رسانه تا پایان وقت اداری ۴ آبان‌ماه سال جاری فرصت دارند با مراجعه به سایت جشنواره کتاب و رسانه، آثار خود را در قالب‌های اعلام شده برای هر بخش، ارائه و با تکمیل فرم مربوط، در این دوره از جشنواره شرکت کنند.

دبیرخانه هجدهمین جشنواره کتاب و رسانه در تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین جنوبی و برادران مظفر، شماره ۱۰۸۰، طبقه دوم، روابط عمومی مؤسسه خانه کتاب واقع است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن های ۶۶۴۱۴۸۷۱و ۶۶۹۶۶۲۱۲ تماس بگیرند . آیین پایانی هجدهمین دوره جشنواره کتاب و رسانه و معرفی برگزیدگان، همزمان با بیست وهفتمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران آبان ۱۳۹۸برگزار خواهد شد.

جایزه ادبی آسترید لیندگرن ۱۰ نامزد ایرانی دارد



اسامی همه نامزدهای معرفی شده برای رقابت بزرگ‌ترین جایزه ادبیات کودکان جهان در سال ۲۰۲۰اعلام شد که در میان آنها، نام ۱۰ نامزد ایرانی به چشم می‌خورد .

به گزارش مهر به نقل از سایت جایزه آسترید لیندگرن سوئد، امسال ۲۳۷نویسنده، تصویرگر و سازمان و نهاد از ۶۸کشور جهان برای شرکت در رقابت جایزه ادبی استرید لیندگرن خود را نامزد کرده‌اند. این جایزه ادبی به یاد آسترید لیندگرن، نویسنده سوئدی خالق «پی پی جوراب بلنده» اهدا می‌شود.فهرست نامزدهای امسال که شامل نویسندگان و تصویرگران کتاب کودک از سراسر جهان می‌شود در نمایشگاه کتاب فرانکفورت اعلام شد.معرفی برنده این رقابت در آخرین نشست هیأت داوران این رقابت در استکهلم، ۳۱مارس سال آینده در جشنواره کتاب بولونیا اعلام می‌شود.ایران با معرفی ۱۰نامزد، شامل ۵نویسنده، یک تصویرگر و ۳سازمان و یک مشوق کتابخوانی، از کشورهایی است که یکی از بیشترین نامزدهای این دوره را به خود اختصاص داده است.

نامزدهای ایران شامل:

شورای کتاب کودک، کتابخانه سیار ایران، با من بخوان به عنوان سازمان؛ فرهاد حسن‌زاده، مهدی حجوانی، جمشید خانیان، هوشنگ مرادی کرمانی، محمدرضا شمس به عنوان نویسنده، فرشید شفیعی به عنوان تصویرگر و علی اصغر سیدآبادی به عنوان فعال فرهنگی است.

ارائه خدمات فوریت‌های روانی - اجتماعی به دانش‌آموزان آسیب‌دیده

مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی به تبیین سیاست‌ها و برنامه‌های این مجموعه در حوزه سلامت روانی و اجتماعی دانش‌آموزان پرداخت و از اجرای طرح توانمندسازی روانی – اجتماعی بر اساس نتایج نیم رخ روانی- اجتماعی استان، منطقه و مدرسه و همچنین اجرای طرح «مدرسه دوستدار زندگی» خبر داد.

مسعود شکوهی در گفتگو با ایسنا به ظرفیت‌سازی و ارتقای آمادگی‌ها برای مداخله سریع، به موقع و مؤثر در فوریت‌های روانی – اجتماعی دانش‌آموزان و ارائه خدمات مورد نیاز توانمندسازی، درمان و حمایت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در معرض خطر، پرخطر و آسیب‌دیده اشاره کرد و گفت: برای کاهش عوامل مخاطره‌آمیز در بین دانش‌آموزان تلاش می‌کنیم.

شکوهی ادامه داد: هماهنگی، نظارت و ظرفیت‌سازی برای حسن اجرای فعالیت‌های بهداشت روان و پیشگیری از آسیب‌های روانی – اجتماعی آموزش و پرورش در سطح استان و مناطق، به عنوان مرجع تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت آسیب‌های روانی – اجتماعی دانش‌آموزان در سطح استان، مناطق و مدارس تابعه همچنان در دستور کار است.

دعوت از ایران برای حضور در نمایشگاه کتاب لایپزیک



اولیور تیله، رئیس نمایشگاه کتاب لایپزیک با حضور در غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران در هفتاد و یکمین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت به صورت رسمی از ایران برای حضور در نمایشگاه کتاب لایپزیک دعوت کرد .

به گزارش ایکنا، رئیس نمایشگاه کتاب لایپزیک با حضور در غرفه ملی ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت و بازدید از این غرفه گفت: همه کسانی که از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بازدید داشته‌اند از این نمایشگاه به خوبی و نیکی یاد می‌کنند. ایران کشوری با قدمت و تمدن بالا است. رسماً از ایران دعوت می‌کنیم تا در نمایشگاه کتاب لایپزیک حضور پیدا کند و ما هم بسیار مشتاق و مایلیم که در نمایشگاه کتاب تهران حضور داشته باشیم.

وی در ادامه گفت: غرفه ملی ایران که در آن از نماد یک شهر استفاده شده است بسیار جذاب و ستودنی است.

قادر آشنا، قائم مقام نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز در این بازدید ضمن معرفی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و ظرفیت‌های نشر ایران اعلام کرد: این آمادگی وجود دارد تا بتوانیم از ظرفیت‌های نشر و تجربه‌های نمایشگاهی دوطرف استفاده کنیم.

آشنا در ادامه ضمن دعوت از رئیس نمایشگاه کتاب لایپزیک برای حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: امیدوارم با حضور در نمایشگاه کتاب تهران و دیدن واقعیت‌ها از نزدیک بتوانیم گامی مؤثر در گسترش همکاری‌های متقابل داشته باشیم.

در این دیدار پیشنهاد تبادل غرفه و همکاری مشترک بین دو نمایشگاه مطرح شد و قرار شد که در سال اول حضور فعالیت‌هایی به صورت آزمایشی انجام شود و در صورت موفقیت‌آمیز بودن و رضایت داشتن منجر به توافق نهایی شود.

اهدای آثار زرین‌فام هنرمندان ژاپنی و ایرانی به موزه رضا عباسی



آیین اهدای سه نقش دیواری سفالین با لعاب زرین‌فام،اثر کوبه‌ای کائو استاد ژاپنی و عالیه نجفی و عاطفه فاضل دو هنرمند ایرانی به موزه رضا عباسی در محل این موزه برگزار شد.

به‌گزارش‌میراث‌آریا‌محمدحسن طالبیان، معاون میراث‌فرهنگی کشور در این آیین گفت: هم‌اکنون در اینجا گرد هم آمده‌ایم تا به مناسبت نودمین سالگرد برقراری ارتباط روابط دیپلماتیک ژاپن و ایران، شاهد اهدا، نصب و رونمایی سه قطعه تابلو کاشی با تکنیک شاخص دوره سلجوقی به نام زرین‌فام در تالار اسلامی موزه رضا عباسی توسط هنرمند استاد کوبه‌ای کائو باشیم که بر اساس وصیت پدر این استاد ژاپنی و همچنین تلاش و تمرین‌های بسیار ایشان این روش خاص و فاخر از لعاب‌کاری را که شاخصه هنر سلجوقی در سده‌های پنجم و ششم هجری قمری است، احیا شود.

او افزود: این مهم با همکاری دو نفر از کارآموزان ایرانی او، عالیه نجفی و عاطفه فاضل به سرانجام رسیده است.

تورو موریکاوا،کاردار سفارت ژاپن در ایران هم در ادامه اظهار کرد: به مناسبت نودمین سالگرد برقراری روابط دیپلماتیک ژاپن و ایران، نقش دیواری و سفالین با لعاب زرین‌فام اثر کوبه‌ای کائو به موزه رضا عباسی اهدا شد و از تمامی برگزارکنندگان این آیین تشکر می‌کنم. استاد کوبه‌ای در زمینه احیای سفال زرین‌فام تلاش‌های زیادی کرد و در سال ۲۰۱۳ نمایشگاه سفالینه‌های زرین‌فام را در موزه ملی ایران برگزار کرد و باعث شد تا تبادلات هنری بین ایران و ژاپن بیشتر شود و تکنیک سفالگری زرین‌فام به ژاپن انتقال یابد.

او افزود: پدر او و چندین سفالگر ایرانی را به ژاپن دعوت کرد و ما امروز شاهد خلق آثار نمونه توسط هنرمندان‌ایرانی هستیم.به‌جز‌همکاری در زمینه سفال، در بخش انرژی و محیط‌زیست، کشور ژاپن با ایران همکاری خوبی دارد. هر دو کشور پیشرفت زیادی در زمینه تبادلات فرهنگی داشتند، طوری که در تابستان امسال پروژه نورپردازی سه بعدی در کاخ گلستان اجرا شد.

در پایان این مراسم از این سه اثر با موضوعات رسیدن به بهشت، سخنرانی امام علی (ع) و وحدت رونمایی شد و سه لوح تقدیر توسط معاون میراث‌فرهنگی کشور به کوبه‌ای کائو، عالیه نجفی و عاطفه فاضل اهدا شد.

برگزاری مراسم یادبود ناصر ایرانی



مراسم یادبود ناصر ایرانی همزمان با اولین سالگرد درگذشت این نویسنده برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، این مراسم روز پنج‌شنبه (دوم آبان‌ماه) از ساعت ۱۷در فرهنگسرای سرو به نشانی خیابان ولی‌عصر، بالاتر از بوستان ساعی، کوی ساعی دوم برپا می‌شود.

نصرالله پورجوادی، قاسمعلی فراست، رامین کریمیان، محمدجواد مظفر و مهدی یزدانی خرم به عنوان سخنرانان این مراسم معرفی شده‌اند.

ناصر ایرانی – داستان‌نویس، مترجم و نمایشنامه‌نویس – متولد سال ۱۳۱۶در تهران بود که در پی بیماری، شامگاه دوم آبان‌ماه سال گذشته در سن ۸۱سالگی و در منزل خود از دنیا رفت. بنا بر وصیت ایرانی، پیکرش برای تحقیقات علمی به دانشگاه تهران اهدا شد. از آثار این نویسنده می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «ما را مس کنید»، «سه نمایشنامه کسالت‌بار»، «مرده‌ها را اگر چال نکنید»، «هنر رمان»، «ورآباد، دهکده من»، «حفره»، «زشت‌ترین نمایش روی زمین»، «عروج»، «زنده باد مرگ» و «فیل در خانه تاریک». او سه کتاب درباره انقلاب نوشته بود که چاپ نشده است.

امسال خروجی طرح شهاب در پایه نهم به هدایت تحصیلی متصل می‌شود

رئیس مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان از اتصال خروجی طرح شهاب در پایه نهم به فرایند هدایت تحصیلی در این پایه در سال تحصیلی جدید خبر داد.

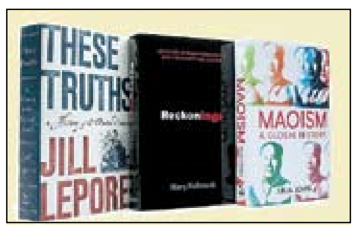
فاطمه مهاجرانی در گفتگو با مهر درباره این موضوع که با توجه به نیاز شدید آموزش و پرورش به شناسایی راه درستی برای کشف استعداد و همچنین کشف استعدادهای برتر به جز از راه آزمون، درباره آخرین وضعیت طرح شهاب و این‌که آیا می‌توان این طرح را معادلی برای پر کردن این خلاء دانست، گفت: در مورد طرح شهاب به‌زعم بسیاری از ادعاها من آن را طرح شکست خورده نمی‌بینم.

وی ادامه داد: طرح شهاب یک فرایند است و باید به آن نگاه فرایندی داشت. این طرح دارد کار خود را خوب انجام می‌دهد و مسیر خود را می‌رود اما این هم طبیعی است که انتظار خروجی از آن وجود دارد.

رئیس مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان توضیح داد: انتظار خروجی از این طرح کاملا بجاست اما نباید منتظر باشیم یکسال این طرح در مدرسه‌ای اجرا شود و بیاید بگوید فرزند کسی نخبه است. این انتظار غلطی است. هیچ طرحی نمی‌تواند یکباره اجرا شود و هیچ طرحی نمی‌تواند طی یکی دو سال بیاید و نخبه معرفی کند. مهاجرانی تأکید کرد: این طرح تمرکزش بر روی معرفی استعدادهای درون فردی است؛ این‌که بگوید هر دانش‌آموز در چه استعدادی موفق‌تر است.

رئیس مرکز ملی پرورش استعدادهای درخشان در پاسخ به پرسش دیگری درباره این موضوع که یکی از انتقادهای جامعه طی ماه‌های گذشته این بود که رتبه‌های برتر کنکور عموما از میان دانش‌آموزان خاص دولتی یعنی سمپاد بودند، گفت: قسمتی از این موضوع طبیعی است. دو درصد دانش‌آموزان در شهرهای پرجمعیت، استعداد درخشان هستند. وقتی شما آن دو درصد را انتخاب می‌کنید از میان ۵۰رتبه اول کنکور در رشته‌های چندگانه هم حتما سهمی خواهید داشت. از طرف دیگر شاید مردم متوجه این موضوع نشدند که سهم مدارس دولتی عادی در رتبه‌های زیر هزار، سهمی منطقی و قابل قبول بوده است. وی ادامه داد: البته هر چقدر بتوانیم عدالت آموزشی را گسترش دهیم و راهکار سمپاد را در روستاها هم پیش ببریم و به گفته رهبری که فرمودند حتی یک استعداد هم نباید هدر برود توجه کنیم، این فاصله‌ها کم می‌شود .

فینالیست‌های جایزه کاندیل معرفی شدند



جایزه «کاندیل»، بزرگ‌ترین جایزه کتاب در زمینه تاریخ، ۳ فینالیست راه یافته به فهرست نهایی‌اش را معرفی کرد .

به گزارش مهر به نقل از آسوشیتدپرس، جایزه تاریخی کاندیل با انتخاب ۳فینالیست رقابت ۲۰۱۹، بهترین کتاب‌های تاریخی سال را معرفی کرد.

ماری فولبروک، پروفسور تاریخ آلمان در دانشگاه تورنتو برای کتاب «حسابرسی: میراث آزار و اذیت نازی‌ها و تلاش برای عدالت» از انتشارات دانشگاه آکسفورد (بریتانیا و آمریکا)، جیل لپور، استاد هاروارد و از نویسندگان نیویورکر برای کتاب «این حقیقت‌ها: تاریخچه ایالت متحده آمریکا» از انتشارات دبیلو. دبیلو نورتون اند کمپانی(آمریکا) و جولیا لاول، پروفسور رشته چین مدرن در کالج برکبک دانشگاه لندن برای کتاب «مائویسم: یک تاریخ جهانی» از انتشارات بادلی هد (بریتانیا) و ناپف (آمریکا)، سه فینالیست این دوره جایزه تاریخی کاندیل هستند.

مری فولبروک در کتاب خود به پیامدهای ناخوشایند ناشی از جنگ جهانی دوم پرداخته است و لپور در کتابش به منشا و ظهور آمریکا به عنوان یک ملت تقسیم شده توجه کرده است. لاول نیز به تأثیر مائو بر چین و جهان تمرکز کرده است.

سال پیش مایا جاسانوف، استاد تاریخ در دانشگاه هاروارد برای کتابی با عنوان «محافظان سپیده‌دم: جوزف کنراد» درباره زندگی جوزف کنراد، نویسنده مطرح، به عنوان برنده این جایزه انتخاب شده بود.

کوتاه آموزشی

۴۰ هزار دانشجوی بین‌المللی در دانشگاه‌های ایران تحصیل می‌کنند

مدیرکل امور دانشجویان خارجی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گفت: تا پایان سال ۱۳۹۷نزدیک به ۴۰ هزار دانشجوی بین‌المللی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور در حال تحصیل بوده‌اند.

عبدالحمید علیزاده در گفتگو با ایرنا گفت: این دانشجویان از مسیرهای شرکت در کنکور سراسری، غیربورسیه شهریه پرداز و بورسیه وارد دانشگاه‌های کشور شده‌اند.

وی افزود: از این تعداد دانشجوی خارجی، ۲۹هزار نفر در دانشگاه‌های تحت پوشش وزارت علوم هستند و با احتساب دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی و آزاد اسلامی حدوداً ۴۰هزار دانشجوی بین‌المللی شاغل به تحصیل در کشور داریم.

مدیرکل امور دانشجویان خارجی وزارت علوم یادآور شد: مؤسسات جذب دانشجوی خارجی به منظور ساماندهی نحوه جذب و پذیرش متقاضی بین‌المللی در دانشگاه‌های کشور ایجاد می‌شوند؛ این مسأله با الهام از مؤسسات اعزام دانشجو به خارج که در کشور فعال هستند و اعزام را با نظم و نظام مشخصی سر و سامان می‌دهند، صورت می‌گیرد.

وی درباره آیین‌نامه راه اندازی مؤسسات جذب دانشجوی بین‌الملل در کشور توضیح داد: آیین‌نامه‌ای برای راه‌اندازی مراکز جذب دانشجوی بین‌المللی تنظیم و به تصویب وزیر علوم، تحقیقات و فناوری رسیده است که بزودی بر اساس فراخوانی که توسط سازمان امور دانشجویان اعلام می‌شود، متقاضیان راه‌اندازی این مراکز می‌توانند برای ثبت مؤسسات به سازمان امور دانشجویان مراجعه کنند.

ایران در جمع ۲۵۰ دانشگاه برتر دنیا در علوم کامپیوتر

دانشگاه صنعتی شریف برای اولین بار در میان ۲۵۰دانشگاه برتر دنیا بر اساس رتبه‌بندی موضوعی تایمز ۲۰۲۰در گروه علوم کامپیوتر قرار گرفت.

به گزارش مهر، رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان ۲۰۲۰نظام رتبه‌بندی بین‌المللی تایمز با موضوع علوم کامپیوتر منتشر شد.در علوم کامپیوتر امسال ۷۴۹دانشگاه در این رتبه‌بندی حضور دارند که تعداد دانشگاه‌های سال گذشته ۶۸۴ مورد بود.دانشگاه آکسفورد بار دیگر در صدر جدول قرار دارد، در حالی که دانشگاه استنفورد به مقام دوم صعود کرده و در مقابل انستیتو فناوری زوریخ ETH سوئیس به مقام سوم سقوط کرده است و انستیتوی فناوری ماساچوست MIT نیز به مکان چهارم رسیده است و دانشگاه کمبریج در بین پنج گروه برتر قرار دارد.دانشگاه ملی سنگاپور با رتبه بالاترین مؤسسه آسیا، در رده یازدهم (از رتبه ۱۵) قرار دارد.در این رتبه‌بندی ایران برای نخستین بار به جمع ۲۵۰دانشگاه برتر علوم کامپیوتر پیوست و دانشگاه صنعتی شریف در رده ۲۰۱-۲۵۰ قرار دارد.در مجموع ۱۲دانشگاه ایرانی در جمع ۷۴۹ دانشگاه برتر دنیا در علوم کامپیوتر قرار دارند که از رده‌های ۲۰۱- ۲۵۰ تا ۶۰۱ + را در بر می‌گیرد.

آخرین وضعیت دانشجویان مسموم دانشگاه علم و صنعت

رئیس صندوق رفاه دانشجویان با تأکید بر اینکه تمامی ۷۰دانشجوی دانشگاه علم و صنعت که به بیمارستان مراجعه کرده بودند، بهبود یافته و مرخص شده‌اند، گفت: هنوز علت دقیق این اتفاق مشخص نیست.

دکتر ناصر مطیعی در گفتگو با ایسنا با تأکید بر این‌که هنوز علت دقیق اتفاق اخیر دانشگاه علم و صنعت مشخص نیست، تصریح کرد: این‌که این اتفاق مستقیم مربوط به غذا، ظرف یا عامل دیگری بوده است، مشخص نشده است. دانشگاه علم و صنعت از دانشگاه علوم پزشکی تهران تقاضا کرده است که این موضوع را علت‌یابی کرده و نتیجه بررسی‌های خود را به دانشگاه گزارش کنند. طبیعتا بعد از مشخص‌شدن علل این اتفاق، دانشگاه گزارش آن را به صندوق رفاه دانشجویان اعلام خواهد کرد. وی درباره نحوه نظارت بر موادغذایی مصرفی دانشجویان توسط صندوق رفاه نیز تأکید کرد: ما امکانات و منابع لازم برای نظارت مستقیم بر دانشگاه‌ها در این زمینه نداریم؛ ضمن این‌که صندوق رفاه دانشجویان یک نهاد مالی در وزارت علوم است و در زمینه بازسازی، تجهیز و نوسازی ساختمان‌های خوابگاهی و آشپزخانه کمک می‌کنیم. بنابراین نظارت مستقیم بر عهده خود دانشگاه‌ها است؛ اگر چه از سوی معاونت بهداشت و درمان وزارت بهداشت برای بازرسی از این مراکز مراجعاتی صورت می‌گیرد.

زمان برگزاری کنکور دکتری ۹۹ تغییر کرد

زمان برگزاری آزمون دکتری تخصصی (نیمه متمرکز) سال ۱۳۹۹به دلیل تقارن با انتخابات مجلس تغییر کرد و در جمعه ۹اسفند ۹۸برگزار می‌شود.

به گزارش مهر، جدول برنامه زمانی و تاریخ ثبت‌نام و برگزاری آزمون‌های سراسری سال ۱۳۹۹منتشر شد. بر اساس اعلام سازمان سنجش با توجه به این‌که انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲اسفند ۹۸برگزار خواهد شد، تاریخ برگزاری آزمون دکتری سال ۱۳۹۹از تاریخ ۲اسفند به تاریخ جمعه ۹اسفند ۹۸موکول شد.ثبت‌نام برای آزمون دکتری تخصصی سال ۹۹از ۶آذر آغاز می‌شود و تا ۱۲آذر ۹۸ ادامه دارد. همچنین ثبت‌نام آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۹ از ۱۶آذر آغاز می‌شود و آزمون در ۲۸و ۲۹فروردین ماه سال ۹۹برگزار خواهد شد.کنکور سراسری سال ۹۹به عنوان مهم‌ترین آزمون کشوری در روزهای ۱۲و ۱۳تیرماه برگزار خواهد شد. ثبت‌نام در این آزمون از ۱۶بهمن آغاز می‌شود.

یارانه نقدی ۱/۱ میلیون نفر حذف شد

یارانـــه نقدی ۴۰۰ هزار نفر از «یارانه‌بگیران غیرنیازمند» از بامداد جمعه و همزمان با واریز یارانه نقدی مهر قطع شد تا مجموع این افراد به یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر رسید.

بـــه گـــزارش مهر، یکصد و چهارمین مرحله یارانه نقدی بامداد جمعه به حســـاب سرپرستان خانوار واریز شد که در ادامه حذف غیرنیازمندان از لیست یارانه‌بگیران، یارانه نقدی ۱۰۰ هزار خانوار که حدود ۴۰۰ هزار نفر را شـــامل می‌شود، از این ماه قطع شد.

فرایند قطع یارانه نقدی اقشـــار غیرنیازمند جامعه همزمان با واریز یارانه شـــهریور کلید خورد و در ماه قبل یارانه ۱۶۲ هزار خانوار معادل حدود ۷۰۰ هزار نفر قطع شد تا در مجموع طی ماه‌های شهریور و مهر تعداد یک میلیون و ۱۰۰ هزار غیرنیازمند از فهرســـت یارانه بگیران حذف شـــوند. قرار است در هر ماه گروهی از جامعه که مســـتحق دریافت یارانه نقدی نیســـتند، از فهرست یارانه‌بگیران حذف شوند.

بر اساس اطلاعات به دست آمده تمام سرپرستان خانواری که یارانه نقدی آنها در مهر قطع شده، در گروه سه دهک بالایی جامعه قرار دارند.

همچنین بر اساس آنچه که پیش از این اعلام شده بود، قرار است تا پایان سال یارانه نقدی سه دهک بالایی جامعه یعنی دهک های هشتم، نهم و دهم شامل ۲۴ میلیون نفر قطع شود.

خبر دیگر اینکه سخنگوی ستاد اجرایی تبصره ۱۴ بودجه با بیان اینکه تاکنون ۸۰ درصد اعتراضات به قطع یارانه نقدی قانع کننده نبوده است، از آمادگی برای حذف میلیونی یارانه بگیران غیرنیازمند خبر داد.

به گزارش مهر، حسین میرزایی در گفتگو با شبکه خبر درباره آخرین وضع قطع یارانه نقدی خانوارهای غیرنیازمند اظهار داشت: در این مرحله یارانه نقدی ۱۰۰ هـــزار و ۱۸۰ خانـــوار که حدود ۴۰۰ هزار نفر از یارانه بگیران غیر نیازمند بودند، حذف شدند و این افراد براساس همان شرایط و شاخص های قبلی یعنی دارایی، درآمد و هزینه مورد بررسی و شناسایی قرار گرفتند و تا روز سه شنبه پیامک قطع یارانه نقدی برای آنها ارسال خواهد شد.

وی با بیان اینکه تا الان فقط ۹ درصد از کل جمعیتی که حذف شـــدند، اعتراض داشته و اعتراض شان را ثبت کرده اند، گفت: از بین افرادی که اعتراض خود را ثبت کردند، پس از بررسی مشخص شد که دلایل ۸۰ درصد از معترضان به قطع یارانه نقدی قانع کننده نیست و حدود ۲۰ درصد این افراد هم دلایلی مانند ورشکستگی، بیماری و بیماری صعب العلاج و غیره را برای برقرار ماندن یارانه نقدی خانوارشان اعلام کردند؛ البته دلایل این افراد باید راستی آزمایی شود تا در صورت استحقاق دریافت یارانه نقدی، حقی از آنها تضییع نشود.

سخنگوی ستاد اجرایی تبصره ۱۴ بودجه با بیان اینکه ثبت اعتراض فقط از سوی ۹ درصد از خانوارهایی که یارانه شان قطع شده، بیانگر دقت بالا در شناسایی اقشار غیرنیازمند است، گفت: برخی از افرادی که یارانه آنها در شهریور قطع شده در فهرستی که از سوی وزارت کار به سازمان هدفمندی اعلام شده، قرار نداشتند و مشمول حذف یارانه نبودند بلکه یارانه آنها به اشتباه قطع شده که پیگیر رفع مشکل این افراد هستیم.

وی همچنین از شناسایی کامل اقشار غیرنیازمند خبر داد و گفت:براین اساس آمادگی داریم یارانه دهک های غیرنیازمند را به صورت میلیونی حذف کنیم.

تدوین بسته معافیت های مالیاتی در لایحه مالیات بر مجموع درآمد

معاون وزیر اقتصاد با اشاره به تدوین بسته معافیت های مالیاتی در لایحه مالیات برمجموع درآمد، گفت: اگـــر اطلاعات اقتصادی مناطق آزاد در اختیار سازمان امور مالیاتی باشد، جلوی فرارمالیاتی گرفته می شود.

محمدعلـــی دهقان دهنوی در گفتگو با مهر اظهار داشت: حمایت از مناطـــق آزاد به عنوان درگاه های توسعه تجارت کشور بسیار مهم است اما با توجه به سوءاســـتفاده هایی که می شود نتیجه حمایت ها باید کمک به اقتصاد کشور باشد.

وی با بیان اینکه در حال حاضر با اظهـــارات انتقادی مبنی بر موثر نبودن معافیت ها مواجه هستیم، افزود: راهکار، اصلاح مسیر کنونی است؛ این اصلاح هم می تواند شامل حذف معافیـــت ها و هم قانونمند کردن و تحت نظارت در آوردن معافیت ها باشـــد؛ کافی است اطلاعات مربوط بـــه فعالیت های اقتصادی در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار بگیرد.

معاون اقتصـــادی وزیر امور اقتصادی و دارایی ادامه داد: در حال حاضر مناطق آزاد اطلاعات اقتصادی خود را کنترل می کنند و ســـازمان امـــور مالیاتی در این مورد اختیاری نـــدارد. اگر این اطلاعات در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار بگیرد قطعا به جلوگیری از فرارهای مالیاتی کمک می کند. وی با بیان اینکه در منطقه آزاد باید تولید و تجارت در جریان باشد نه سوءاستفاده از موقعیت منطقه، تصریح کرد: در حال حاضر ساماندهی معافیت های مالیاتی مطرح است؛ در پیش نویسی که سازمان امور مالیاتی برای لایحه مالیات بر مجموع درآمد تهیه کرده مساله ساماندهی معافیت‌ها دیده شده است. البته ساماندهی لزوما به معنای حذف نیست بلکه می تواند تغییر نرخ یا تغییر شکل معافیت را شامل شود.

دهقان دهنوی با اشاره به بانک اطلاعاتی سازمان امور مالیاتی، گفت: طرح جامع مالیاتی به دنبال گسترده کردن بانک اطلاعاتی ســـازمان امور مالیاتی اســـت؛ اگر تمام اطلاعات اقتصادی کشور بتواند در قالب طرح جامـــع مالیاتی از یک معبر عبور و تجمیع شـــود، قطعا شاهد ثمرات خوبی خواهیم بود. گزارش ها نشان از پیشرفت طرح جامع مالیاتی دارد، امـــا تا زمانی که نتیجه به طور کامل حاصل نشود ثمرات طرح قابل لمس نخواهد بود.

همتی: اصلاحات ارزی جواب داد



رئیس کل بانک مرکزی ضمن تشریح سیاست‌های جدید ارزی اعلام کرد علیرغم اوج فشارهای دشمنان، با توجه به اصلاحات به عمل آمده توانستیم ضمن مدیریت بازار، نرخ ارز را در شـــرایط باثبات و آرامش نسبی قرار دهیم و با تأمین نیازها به عنوان یکی از افتخارات بانک مرکزی، به پیروزی بزرگی دست‌یابیم.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، دکتر عبدالناصر همتی که دیروز در نشســـت هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشـــاورزی ایران سخن می‌گفت، ضمن اشاره به بازگشت ۷۱ درصدی ارز صادراتی به کشور، از زمان ابلاغ سیاست‌های جدید ارزی تا اردیبهشت امسال، ثبـــات به وجود آمده در بـــازار ارز را در کنار مدیریت بانک مرکزی، ناشـــی از مقاومت مردم و اقدامات فعالان اقتصادی دانست.

وی همچنین تصریح کرد: در شرایطی که صادرات نفت ما به شدت کاهش یافته، ۲۰ میلیارد دلار برای واردات کالا در هفت ماهه گذشته تأمین شده و این میزان تأمین ارز در این شرایط از افتخارات ماست که اگر ادامه یابد، ما به پیروزی بزرگی دست خواهیم یافت.

وی اضافه کرد: امیدوارم اگر شرایط به حالت عادی برگشت، دیگر تجربیات تلخ گذشته را تکرار نکنیم بلکه باید بتوانیم از ظرفیت عظیم بخش خصوصی که می‌تواند اقتصاد کشور را اداره کند، استفاده کنیم.

رئیس کل بانک مرکزی گفت: دشمنان اشتباه می‌کنند کـــه اگر بانک مرکـــزی را دوباره تحریم کنند به اهداف خود می‌رسند؛ بانک مرکزی عملیات انجام نمی‌دهد بلکه مدیریـــت می‌کند. ضمن اینکه ما تحریم را دور نمی‌زنیم بلکه یاد گرفتیم تجارت بدون تحریم انجام دهیم.

وی با بیان اینکه در شـــرایط ثبات و آرامش نسبی در بازار هستیم، افزود: بانک مرکزی، همه دولت و همه حاکمیت نیســـت بلکه برخی از تصمیمات بانک مرکزی باید به تایید جاهایی برســـد که در اختیار ما نیست، اما در آن حـــدی که ما و همـــکاران مان در بانک مرکزی تصمیم‌گیری می‌کنیم، در استفاده از نظر بخش خصوصی فروگذار نکرده ایم و اگر هم کاستی‌هایی وجود دارد به علت محدودیت‌هایی است که نمی‌توانیم اعلام کنیم.

همتی با بیان اینکه اگر بخش خصوصی و آنچه که هم اکنون جریان دارد، نبود، معلوم نبودکه بتوانیم وضع فعلی را ادامه دهیم، برخی انتقادات از سامانه نیما را مورد توجه قرار داد و اظهار داشت: ما برای عرضه ارز صادرکنندگان راهکارهای متعددی ارائه کردیم و صادرکنندگان می‌توانند هر راهی را که برایشان امکان پذیر است، استفاده و ارز را به بازار و اقتصاد کشور عرضه کنند. در مواردی که برای امور خود نیاز به واردات دارند هم می‌توانند ثبت سفارش انجام دهند و از آن طریق نیاز اصلی خود را تامین کنند و حتی می‌توانند به صورت نقدی یا به هر نحو دیگری که برایشان امکان پذیر است، ارز خود را وارد کشور کنند.

وی ادامه داد: عده‌ای می‌گویند که باید مهلت بیشتری برای عرضه ارز به آن‌ها بدهیم، اما این به شرطی امکان‌پذیر است که وارد کننده هم به ما اجازه دهد در بازه زمانی و مهلت بیشتری بتوانیم به او ارز بدهیم.

رئیس کل بانک مرکزی گفت: زمانی ۴۵ تا ۵۰ میلیارد دلار صادرات نفتی داشتیم و هر زمان که اراده می‌کردیم می‌توانستیم ارز مورد نیاز را اختصاص دهیم، اما اکنون این گونه نیست و شرایط فعلی و مدیریت بازار ارز نباید ما را به این نتیجه برساند که توطئه مخالفان و دشمنان تمام شده است بلکه اوج فشار دشمن باقی مانده و با همه قوا دارند به فشارها ادامه می‌دهند. آنچه که ما به عنوان بانک مرکزی و شما به عنوان بخش خصوصی باید توجه کنیم این است که ذره‌ای از فشارها برداشته نشده است.

وی همچنین گفت:از بیست و یکم فروردین پارسال و زمان ابلاغ سیاســـت‌های جدید ارزی تا ســـی و یکم اردیبهشت امسال ۷۱درصد ارز صادراتی به کشور بازگشته است.

این مقام مسئول افزود: در مدت یاد شده صادرکنندگان کشور ۴۵میلیارد یورو ارز وارد کشور کردند، اما با توافقی که با کمیته بازگشت ارز صادراتی داشتیم، مقرر شد گمرک ۲۰درصد پایه‌های صادراتی را پایین‌تر محاسبه کند که در نتیجه صادرات یادشده به ۳۵میلیارد یورو کاهش می‌یابد.

وی بیان داشت: با در نظر گرفتن ۲میلیارد یورو دیگر که در حقیقت صادرات ریالی بود، می‌توان گفت ۷۱درصد ارز صادراتی در مدت یاد شده به کشور بازگشته است. دلیل کاهش نرخ ارز در بازار همین بازگشت ارزها است وگرنـــه بانک مرکزی بارها اعلام کرده که به هیچ عنوان نرخ ارز در بازار را تعیین نمی‌کند.

همتی با اظهار اینکه امروز روند بازگشت ارز به کشور روان شده و حتی عرضه ارز از تقاضای آن پیشی گرفته است، ادامه داد: میزان تقاضای ارز نزدیک به یک میلیارد دلار کمتر از عرضه آن است زیرا نرخی که صادرکنندگان برای ارز قرار داده‌اند، واردکنندگان حاضر به خرید نیستند و صادرکنندگان باید نرخ خود را تعدیل کنند.

وی در ادامه با تبریک به تولید کنندگان، صادرکنندگان و واردکننـــدگان کالا و خدمات گفت: موفقیت امروز در حفظ نظام جمهوری اسلامی و ثبات کشور مدیون فعالیت شماست و هدفی که دشمنان و به ویژه آمریکا در نابودی جمهوری اســـلامی با فروپاشی اقتصادی کشور داشتند، محقق نشد.

رئیس کل بانک‌مرکزی در ادامه تصریح کرد: ثبات به وجود آمده در بازار ارز به دلیل مقاومت مردم و اقدامات فعـــالان اقتصـــادی بوده و پایین آمدن قیمت ارز به دلیل سرکوب نیاز و تقاضای موجود در بازار نبوده است.

وی با بیان این که رشد اقتصاد غیر نفتی کشور مثبت است، گفت: اگر نفت را کنار بگذاریم دیگر بخش‌های ما در ماه‌های گذشته عملکرد قابل دفاعی داشته‌اند؛ در کنار آن قطعا با توجه به عبور از فشارهای ابتدایی، گشایش‌هایی در راه خواهد بود و باید به آینده امیدوار باشیم.

همتی با مطرح کردن این سوال که در شرایط دشوار اقتصادی چرا باید به بخش‌هایی که نتوانستند به قول‌های خـــود عمل کنند، نقدینگی اختصاص داد؟ تصریح کرد: خودروسازان در طول سال های گذشته بارها نقدینگی جدید دریافت کردند اما نه تنها بهبودی در عملکردشان به وجود نیامده که حتی از انجام تعهداتشـــان هم ناتوان بودند.

وی گفت :با این وجود من سال گذشته اعلام کردم که ۴ هزار میلیارد تومان نقدینگی ریالی و ۸۴۴میلیون یورو نقدینگی ارزی در اختیار خودروسازان قرار خواهیم داد تنها با این شرط که پس از یک سال تعهد بدهند که این مبلغ را پس می‌دهند اما در عمل هیچ یک از آنها این تعهد را قبول نکردند و سوال این جا است که این خودروسازی فشل تا چه زمانی باید به همین شکل ادامه پیدا کند. آنها همواره می گویند شـــرایط حساس است و ما نمی دانیم این شرایط حساس چه زمانی پایان می یابد.

رئیـــس کل بانک مرکزی درباره بحث واردات کالا بدون انتقال ارز هم اظهار داشت: من بارها گفتم که با این موضوع مخالفم زیرا افرادی که این درخواست را مطرح می‌کنند نقشـــه راه دقیقشان را به ما اطلاع نمی‌دهند. ما می‌گوییم اگر در خارج از کشور ارزی دارید همان را به داخل بیاورید تا ما از شما با قیمت بالاتر از سامانه نیما بخریم. اگر نه لااقل منشا این ارز را به ما اطلاع دهید. اما هیچ یک از متقاضیان این موضوع، تاکنون نه ارز خود را به ما فروختند و نه منشا این ارز را اعلام می‌کنند.

وی درباره افزایش نقدینگی در اقتصاد ایران گفت: جدیدترین آمارها نشان می‌دهد که نقدینگی در اقتصاد ما به ۲۰۰۰هزار میلیارد تومان رسیده است. در طول ۶۰سال گذشته میانگین رشد نقدینگی در ایران حدود ۲۵درصد بوده است و به همین دلیل عددها در شرایط فعلی بسیار بالا رفته و همان درصد رشـــد هم باعث رسیدن به این اعداد می‌شود.

نامبرده ادامه داد: البته رشـــد نقدینگی به شـــکل ۱۰۰درصد منفی نیســـت و می‌تـــوان با در نظر گرفتن سیاست‌هایی از حجم مخرب آن کم کرد. بانک مرکزی از یک سو باید نقدینگی واحدهای تولیدی را تامین کند و از سوی دیگر نقدینگی را کنترل کند و همین مسئله یک معادله پیچیده را به وجود آورده است.

وی با اشـــاره به طرح جدیدی که این بانک برای حل این معادله پیش بینی کرده است، توضیح داد: طرح جدید دراین باره به نام "گام" به زودی در شورای پول و اعتبار نهایی خواهد شد. در چارچوب این طرح، بانک‌ها گواهی تضمینی از ســـوی فعال اقتصادی به واحد تامین کننده مواد اولیه یا طرف معامله آن فعال ارائه می‌کنند و در یک دوره شـــش ماهه تامین مالی این واحد را انجام می‌دهند و پس از آن بانک تعهد می‌دهد که در صورت تامین نشدن منابع مالی در قالب تسهیلاتی مشکل نقدینگی را برطرف کند.

همتی خاطر نشان کرد: با وجود تمام مشکلات باید به آینده اقتصاد کشور امیدوار بود ما امروز تنها ۹ میلیارد دلار بدهی خارجی داریم این در حالی است که کشوری مانند ترکیه بیش از ۴۰۰میلیارد دلار بدهی دارد. این یعنی اقتصاد ما در آینده ظرفیت بسیار بالایی خواهد داشت و باید نسبت به آینده با امیدواری صحبت کرد.

وی در ادامه با انتقاد از برخی اظهارنظرها و فشارهایی که به بانک مرکزی وارد می‌شود، گفت: متاسفانه برخی‌ها به بانک مرکزی فشـــار می‌آورند که اجازه دهید نرخ ارز بالا برود و این در شرایطی است که بانک مرکزی مسئول ۸۳ میلیون ایرانی است که اقتصاد و زندگی آنها با نرخ ارز مرتبط است و ما معتقدیم اگر چنین اتفاقی بیفتد،طبقات پایین جامعه که روز به روز فشـــار بیشـــتری را متحمل می‌شوند، وضعیت وخیم‌تری خواهند داشت و بانک مرکزی در قبال آنها وظیفه دارد.

رئیس کل بانک مرکزی سیاســـت ارز ۴۲۰۰ تومانی را سیاســـت دولت دانست و افزود: من موافق ارز ۴۲۰۰ تومانی نیستم ولی این سیاست دولت است و آنها هم دلایل قانع‌کننده‌ای برای این تصمیم ارائه می‌دهند.

وی به شهریور پارسال و تصمیم برای قبول مسئولیت بانک مرکزی اشاره کرد که عده ای آن را تصمیمی احمقانه برمی شـــمردند ؛ گفت: با ســـخنان رهبر معظم انقلاب که محکـــم جلو بروید و همچنین حمایت های رئیس جمهوری، امروز همه به این نتیجه رسیده اند که باید از بانک مرکزی به عنوان محور سیاست های پولی و ارزی کشور حمایت کرد.

همتی تاکید کرد: امروز ساختار اقتصادی کشور قابلیت اصلاح دارد، اما باید همه کمک کنیم تا دوباره به شرایط گذشته بازنگردد.

براساس این گزارش، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران هم در این نشست گفت: اندازه ساختار مالی کشور باید متناسب با چرخه تولیدی کشور باشد و به همین دلیل باید رشد افقی سیستم بانکی متوقف شده و حجم اقتصاد ایران نیازمند این همه بانک و موسسه مالی و اعتباری نیست.

غلامحسین شافعی افزود: در اقتصادهای بانک محور، بانک‌ها قلب تپنده برنامه‌های توسعه‌ای هستند و کشورهایی که اهمیت این موضوع را درک کرده‌اند، توانستند به توسعه و پیشرفت دست یابند.

وی بیان داشـــت: علاوه بر موضوع نظارت که باید در فعالیت بانک‌ها اعمال شود، باید اندازه بخش مالی و بخش واقعی اقتصاد متناسب باشد که در غیر این صورت موجب فربه شدن بخش‌های نامولد، رشد ناهنجاری‌های اقتصادی، بهم ریختگی توزیع امکانات و گسترش رانت و فساد خواهد شد.

رئیس اتاق ایران یادآور شد: در حالی که ماده ۹۸برنامه سوم توسعه اجازه تاسیس بانک‌های غیردولتی را با هدف افزایش شـــرایط رقابتی در بازارهای مالی و ایجاد زمینه شرایط رشد و توسعه اقتصادی داده، اما پرسش این است که چرا قانونگذاران به دنبال اهداف بانک‌های خصوصی نیستند و دلیل اصرار بر وضعیت کنونی چیست.

وی با بیان اینکه اگر به دنبال توسعه بنگاه‌های تولیدی و صنعتی هســـتیم، این بنگاه‌ها نیازمند وام‌های بلندمدت با نرخ‌های رقابتی هستند، اظهار داشت: بخش زیادی از کارشناســـان بانکی و اقتصادی همه چیز را در استقلال بانک مرکزی جســـتجو می کنند، اما اگر بانک مرکزی مستقل نیست دست‌کم کارشناسان آن باید استقلال رای کارشناسی خود را حفظ کنند و از دیدگاه های کارشناسی خود دفاع کنند.

شافعی با تاکید بر اینکه منافع ملی کشور باید خط قرمز بانک مرکزی باشد، اضافه کرد: رشد پول و پایه پولی در بسیاری کشورها لزوما منجر به تورم نمی‌شود، بلکه به سطح اعتماد جامعه و سیاســـت های پولی کشور وابسته است.

وی گفت: کل سیســـتم بانکی باید پشتیبان بانک مرکزی باشد، نه اینکه عده‌ای در این سیستم به دنبال بهره‌برداری از شرایط بازارهای مالی و ارزی کشور باشند.

رئیـــس اتاق ایران با اشـــاره به اینکه بخش عمده مشـــکلات بانکی ناشی از مطالبات معوق است که خود زاییده اختلال در معاملات و تجارت است، افزود: بخشی از این مطالبات معوق، معوقات پیمانکاران دولت از خود دولت (وزارتخانه ها و شهرداری ها) است و بخشی دیگر به دلیل اتخاذ رویکردهای خاص در سیاستگذاری داخلی و خارجی است که کاهش ظرفیت‌های صادراتی و وارداتی را به دنبال خواهد داشت.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۳/۷۸ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۵۹/۴۲ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۵۹/۵۴ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۴۹۰/۵۷ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۹۶۵۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۹۶۶۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۰۳۲۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۲۳۲۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۸۳۱۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۴۰۳۶۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۱۳۳۵/۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۱۳۹۵ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۶۹۱/۸ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۲۳۹۷/۴ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۲۵۹۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۴۵۱/۱ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۴۰۳۷/۳ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۴۸۸۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۰۹۳ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۳۱۴۵ تومان

اخبار کوتاه

زنگنه: اکتشافات نفت و گاز در پهنه ایران ادامه دارد

اکتشـــافات نفت و گاز در پهنه ایران ادامه دارد و هر زمان اکتشـــافات جدید به نتیجه برســـد، به عنوان اخبار خوش افزایش ذخایر قابل برداشت نفت و گاز کشـــور به اطلاع مردم خواهد رســـید.بیژن زنگنه وزیر نفت در گفتگو با تسنیم ضمن اعلام این مطلب اظهار داشت: اگرچه تلاش‌های زیادی صورت گرفت تا در شرایط تحریم توسعه صنعت نفت ایران متوقف شود، اما نه‌تنها توسعه صنعت نفت کشورمان متوقف نشده بلکه شاهد رونق امضای قراردادها، آغاز پروژه‌ها و اجرا و بهره برداری از پروژه‌های متعدد در صنعت نفت و گاز کشور هستیم.وی در خصوص ادعای عربستان به بازگشت کامل تولید از دست‌رفته‌اش طی زمانی کمتر از یک‌ماه گفت: این نشان می دهد که افت تولید ۵ یا ۶ میلیون بشکه ای عربستان واقعیت چندانی نداشت و یک بزرگنمایی سیاسی بود وگرنه نمی‌توان تأسیساتی که به اندازه ۵ میلیون بشکه آسیب دیده‌اند را ظرف ۲ یا ۳ هفته بازسازی کرد.

انتشار ۱۰۰ هزار میلیارد ریال اوراق منفعت

وزارت اقتصاد برای تامین منابع مالی دولت، هفته آینده اوراق منفعت به ارزش ۱۰۰ هزار میلیارد ریال منتشر می‌کند. به گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه، غلامرضا ابوترابی مدیرعامل شرکت مدیریت دارایی مرکزی گفت: بر اساس ماده ۲۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، این اوراق معاف از ثبت نزد ســـازمان بورس و اوراق بهادار اســـت ونرخ سود علی الحساب این اوراق ۱۷/۹ درصد است که هر شش ماه یک بار توسط شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه به عنوان عامل پرداخت به حساب دارندگان این اوراق واریز می‌شود .

امارات ۷۰۰ میلیون دلار پول‌های بلوکه شده ایران را آزاد کرد

روابط ارزی امارات با ایران بهبود یافته و این کشور ۷۰۰ میلیون دلار از پول‌های بلوکه شده ایران را آزاد کرده است.

اکبر ترکی نماینده مردم فریدونشهر و چادگان در مجلس با اعلام این مطلب گفت: در این شرایط که اروپایی ها تلاش می کنند نفت ایران را خریداری کنند، اماراتی ها هم سعی می کنند رابطه خود را با ایران بهبود بخشند.

به گزارش خانه ملت، وی ادامه داد: اماراتی ها فهمیده اند که دراین مقطع غربی ها و عربستان نمی توانند امنیت این کشور را تامین کنند.

تیرهایی که زبان ملی فارسی را نشان گرفته‌است

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنانی به مناسبت روز ملی زبان و ادب پارسی نکات مهم و بعضاً مغفول مانده‌ای را مطرح کردند و این که اهمیت زبان پارسی بـه عنوان یگانه زبان بنیادین تاریخ، فرهنگ، فلسفه، ادب و عرفان ایرانی و جدایی ناپذیر بودن آن از هویت ملی ایرانیان و اشاره به اینکه تاثیر یک زبان هزاران ساله بر یک ملت و کشور، متفاوت از تاثیر یک زبان چند صد ساله است؛ سخنانی بس درست و بجا بود. نکته مهم دیگری که در سخنرانی ایشان به آن اشاره رفت، حضور زبان پارسی در میان زبان‌های هزاره‌ای جهان بود؛ یعنی ۵زبان زنده جهان که پیشینه نوشتاری آنها به بیش از هزار سال می‌رسد و دربرگیرنده: پارسی، سانسکریت (هندی)، چینی، عربی و یونانی است.

این گفتار دلنشین و پُرنکته که امیدواریم ترجمان عملی نیز در رفتار دولت بیابد؛ در حالی بیان می‌شود که شوربختانه چندی است نظاره گر آن هستیم که افراد و جریان‌هایی ـ چه در میان برخی مسئولان و چه بیرون از آنها ـ پروژه آسیب رسان و خطرناکی را در پی گرفته اند؛ که پایه‌های گوناگون یگانگی ملی و هویت و تاریخ ایران و به ویژه زبان پارسی یعنی زبان ملی و رسمی کشور را آماج خود قرار داده است. این بازی با آتش، که دانسته نیست این افراد به چه انگیزه‌ای آن را آغاز کرده اند، می‌تواند پیامدهای ویرانگر و هراسناکی برای زیست فرهنگی و هویتی ایران داشته باشد. درخواست‌های بیجا و نسنجیده‌ای مانند: «راه اندازی فرهنگستان برای نیم‌زبانها و گویش‌های محلی، آموزش (به) آنها در دانشگاه‌ها و سیستم آموزش و پرورش رسمی سراسری کشور آن هم از محل بودجه عمومی، راه اندازی شبکه‌های صدا و سیمای دولتی به این زبان‌ها، رسمیت دادن اداری ـ سیاسی به آن‌ها و...» بخشی از این پروژه است که متاسفانه برخی از آنها نیز تاکنون اجرایی شده‌اند.

شماری از کنشگران این «گفتمان» انحرافی، کار را به جایی رسانده‌اند که از تریبون‌های رسمی و نیمه رسمی آشکارا به دشنام گویی به زبان پارسی می‌پردازند. و خواهان حذف آن به عنوان زبان ملی و رسمی شده اند! روشن نیست این اشخاص، که عموماً حتی توان سخن گفتن روزمره را نیز ندارند، چگونه به خود اجازه می‌دهند وارد «معقولات» شوند و درباره مسائلی که کوچکترین تخصصی درباره آنها ندارند، به «اظهار فضل» بپردازند و ناآگاهی و نادانی خود را این‌گونه فریاد بزنند؟

از مغرضان که بگذریم؛ برخی مسئولان و کنشگران فرهنگی ایران دوست و بی‌غرض نیز بسیار ساده انگارانه با این موضوع برخورد می‌کنند. گویا این دوستان در این جهان نمی‌زیند؛ و این همه دشمنی دولت‌های بیگانه غربی با یگانگی ملی و هویت ایرانی و عناصر سازنده آن و کوشش سازمان یافته و هزینه انبوه برای نابودی آن را نمی‌بینند و همچنان بر این خواست‌های نابجا و بی معنی پافشاری می‌کنند! اصرار بر موضوعاتی که نه با قوانین بین المللی سازگاری دارند؛ نه با قانون اساسی کشور؛ نه با خرد و منطق؛ نه با منافع ملی و نه اساساً در بافت پیچیده و درهم تنیده جمعیتی و جغرافیای انسانی کشورِ ریشه دار و پهناوری مانند ایران اجرایی هستند؛ به راستی چه سودی دارد؟ پیاده سازی چنین پروژه‌های «انسانی» و «بشردوستانه»ای در دیگر تمدن‌های کهنسال مشابه ایران، مانند هند، چه نتایجی به بار آورده است؟ آیا پراکندن بذر کینه و دشمنی در میان مردم و جدایی انداختن میان آنان، نامش «هویت خواهی» است؟نتیجه این «هویت خواهی» در شوروی، یوگسلاوی، اوکراین، سودان، اتیوپی، عراق، افغانستان و ده‌ها نمونه دیگر چه بوده است؟ آیا شگفت انگیز و دردناک نیست که این فجایع پیش چشم ما باشند؛ و برخی همچنان بر پیمودن این راه باطل اصرار ورزند؟



هیچگاه و در هیچ کجای جهان ـاز جمله ایران– آموختن زبان مادری نیاز به مجوز گرفتن از دولت‌ها نداشته است. همه انسان‌ها در خانواده خود و در سال‌های نخست زندگی، زبان مادری را می‌آموزند و به کار می‌برند، اما در هر کشوری برای انجام کارهای بازرگانی، دیوانی، آموزشی و پیوند مردم و همچنین نگهداشت پیوستگی فرهنگی و هویتی کشور در درازای تاریخ، به یک زبان ملیِ رسمی نیاز است. زبان نوین پارسیَ (پارسی دری) در ۱۳۰۰ سال گذشته دقیقاً ایفاگر چنین نقشی در کشورمان بوده است. این زبان نه «اختراع» یک شبه حاکم یا سلطان ویژه‌ای بوده و نه از صندوقچه خان یا رئیس قبیله‌ای بیرون آمده است؛ و نه هرگز به هیچ بخشی از ملت بزرگ ایران «تحمیل» شده است. زبان پارسی برآیند خرد همگانی ایرانیان برای پاسخ به همان نیازهایی است که در بالا گفته شد. زبان‌های ملی و رسمی ایران پیش از پارسی نوین ـ مانند پهلوی (پارسیگ) در روزگار اشکانی و ساسانی و اوستایی (پارسی باستان) در روزگار هخامنشی ـ نیز دقیقاً همین گونه پدید آمده‌اند و همین کارکردها را داشته‌اند. نگاهی به تاریخچه‌های بسیار کوتاه و پُر گسست اکثریت بزرگ کشورهای جهان می‌توانَد تا حدی ما را با ارج و ارزش بی همانند و جایگزینی ناپذیر زبان پارسی و خدمتی که به هویتِ ایرانی کرده است، آشنا کند، آیا حیرت انگیز و تاسف آور نیست کار به جایی برسد که این واضحات نیز نیاز به توضیح پیدا کنند؟

در هیچ بخشی از قوانین بین المللی و در هیچ کدام از قوانین اساسی کشورهای جهان –از جمله ایران– «حقی» به نام «آموزش (به) زبان مادری» تعریف نشده است؛ و دولت‌ها نیز موظف به انجام آن نشده‌اند. سازمان ملل صرفاً از حکومت‌ها خواسته است که «حق تکلم» به زبان‌های محلی را رعایت کنند؛ آن هم با این تبصره که در صورت در خطر دیدن یگانگی ملی، امنیت ملی و یکپارچگی سرزمینی، حتی همین «حق تکلم» نیز می‌تواند محدود شود. ناگفته پیداست که متاسفانه دولت‌ها در ایران، تاکنون بسیار فراتر از تعهدات بین المللی خود در این زمینه عمل کرده اند؛ که بدون شک یکی از انگیزه‌های زیاده خواهی‌ها و گستاخی‌های فزاینده بعضی اشخاص و دسته جات است عامل دیگر که قطعاً در پیدایش این معضل تاثیر داشته، سکوت و بی تفاوتی ادیبان و دانشوران کشورمان است، یعنی یا اصولاً اعتراضی صورت نمی‌گیرد؛ یا سخنی که گفته می‌شود آنچنان بی‌رمق و نقشی که زده می‌شود آنچنان کمرنگ است که بی درنگ در هیاهو و جنجال‌های تبلیغاتی ایران ستیزان ناپدید می‌شود به راستی دیگر چه باید رخ دهد که این بزرگواران اندکی به خود بیایند و احساس خطر کنند و در برابر این تاخت و تازهای فرهنگ ستیزانه، موضع قاطع و شفاف بگیرند.

علی سعیدی

کم‌تحرکی عامل ابتلا به بیماری‌ها است

کم‌تحرکی و نشستن‌های زیاد عوارض و خطرات بی‌شماری به دنبال دارد و از دلایل آن در جوامع مدرن، به مشاغلی وابسته است که در آنها فعالیت‌های جسمانی جایگاهی ندارد. در یک خانواده اگر زن و مرد هر ۲ شاغل باشند، صبح زود با خودرو به سر کار می‌روند، در پارکینگ اداره آن را پارک می‌کنند و با آسانسور به دفترهای کارشان می‌روند و پشت میز می‌نشینند و ساعت‌ها بی‌حرکت کار می‌کنند و یا کارهای ارباب رجوع را انجام می‌دهند و در پایان کار هم با خودرو به منزل باز می‌گردند و یا جلوی کامپیوتر می‌نشینند و در دنیای مجازی غرق می‌شوند و یا جلوی تلویزیون چیپس و پاپ‌کورن می‌خورند! زنان خانه‌داری هم که شاغل نیستند، به جای رفتن به خیابان و خرید، با یک تلفن مایحتاج‌شان را درخواست می‌کنند و در منزل تحویل می‌گیرند، چه بسا آشپزی هم نمی‌کنند و می‌گویند با این همه رستوران‌های رنگارنگ که غذا را به خانه می‌آورند، چه احتیاجی به پخت و پز داریم؟ از کودکان و نوجوانان که دیگر نپرسید! گذشت آن دوران که بعد از بازگشت از مدرسه ساعت‌ها با دوستان و همسایگان همسن خود در کوچه و خیابان یا حیاط خانه‌ها آنقدر بازی می‌کردند که مادران‌شان، با زور برای درس خواندن و غذا خوردن آنها را به داخل خانه می‌آوردند؛ اما این بچه‌ها امروز بعد از بازگشت از مدرسه با یک موبایل در دست در دنیای مجازی وب‌گردی و شاید ولگردی می‌کنند! این سبک زندگی غیرفعال و کمبود فعالیت‌های بدنی و ورزش موجب بیماری‌های مزمن بسیاری می‌شود، از جمله بالا رفتن وزن، چاقی مفرط، افزایش بیماری‌های قلبی و فشار خون، دگرگونی ترکیبات خونی نظیر کلسترول، پوکی استخوان و بیماری‌های مفصلی نظیر آرتروز، دیابت نوع۲، سکته‌های مغزی، افسردگی و حتی انواعی از سرطان و اختلالات روحی و روانی که برای پیشگیری از این بیماری‌ها باید متوسل به ورزش شد. از نظر کارشناسان بهداشت جهانی هر فرد بالغ باید هفته‌ای حداقل ۱۵۰ دقیقه ورزش‌های ملایم و سبک شامل پیاده‌روی‌های تند، دوچرخه‌سواری آهسته، شنا، تنیس و حتی کار کردن در خانه نظیر جاروکشی و یا ۷۵ دقیقه ورزش‌های سنگین شامل دویدن، دوچرخه‌سواری با سرعت، والیبال، بسکتبال، فوتبال و وزنه‌برداری انجام دهد، به شرطی که در این مدت گوشی همراهشان را خاموش کنند، که نمی‌کنند!

دکتر عبدالحمید حسابی – استاد جراحی دانشگاه علوم پزشکی تهران

نیکوکاران خاموش می‌شوند، فراموش نه!

شاید فقط اجازه داشته باشیم پس از خاموشی نیکوکاران، از آنان یاد کنیم تا فراموش نشوند و جاودان بمانند. مانند محمدرضا حکیم‌زاده لاهیجی که آسایشگاه کهریزک تهران را بنیان گذاشت، یا آرسن میناسیان که آسایشگاه معلولان رشت را ساخت. این دوتن از اهالی گیلان، بودند اما هستند نیکوکارانی از دیگر نقاط کشور که در زندگی خود در شمار سرمایه‌های معنوی و امیدهای جامعه به شمار می‌رفتند. دکتر محمدابراهیم صافی، افتخار جامعه پزشکی بود، چون فقط به خانواده و بستگان خود تعلق نداشت، بلکه روح انسان‌های قدردان را نیز تسخیر کرده بود؛ زنده‌یاد دکتر صافی با مردمداری و اخلاق حرفه‌ای و بی‌نگاه به امور دنیوی، زبانزد مردم و عصاره فضائل زادگاه ما گلپایگان بود. وی با الهام از آموزه‌های اخلاقی والای خود میراث گرانبهایی از شرافت برجای گذاشته است. در مطب خود همزمان که نسبت به ناتوانان مالی مهربان بود، در مقام یک دانشمند بی‌ادعا هم ظاهر می‌شد؛ برای نمونه در مورد یکی از بیماران خود تشخیص یک عمل جراحی تخصصی بسیار سخت را داد و برای آن که بیمارش را از دودلی در آورد، پیش از هر عملی، سفارش مشاوره بیشتر با دیگر پزشکان را داد. آن بیمار به خارج رفت و در مشاوره با پزشکان اروپا دریافت تشخیص دکتر صافی درست بوده است.

ابراهیم جعفری ـ مدرس علوم ارتباطات دانشگاه

یاد داشت‌های مطب

جراحی‌های لوزه و مصیبت پیری!

سال‌ها قبل که دل و دماغی داشتم، ازصبح علی‌الطلوع ۴ لوزه را عمل می‌کردم که گاه تا ظهر طول می‌کشید. بعد بر اثر فرسایش شغلی، مسئول فنی اتاق عمل صلاح دید که از هر وعده کاری جراحی یک لوزه را کم کند، تا به ۳ لوزه کاهش یابد. این اواخر که دیدند از کت و کول افتاده‌ام، تعداد عمل‌های مرا به ۲ لوزه کاهش دادند و گفتند خسته می‌شوید آقای دکتر، برای سلامت‌تان خوب نیست که در روز بیشتر از ۲ لوزه را عمل کنید! تا چندی پیش که یکی از ۲ لوزه جراحی شده توسط من به خونریزی افتاد، دیدم که آن را به ۱ لوزه رسانده‌اند و حالا منتظرم که همان لوزه را هم از من بگیرند! آن وقت پی خواهم برد که اگر تا کنون زنده مانده‌ام، از صدقه همین جراحی‌ها بوده است و اگر از کار بی‌کار شوم، کار من هم تمام خواهد شد! این سفر راه قیامت می‌روی، بی مونس و تنها چرا؟

دکتر عبدالحمید حسین‌نیا

ایمیل گفته ها و نوشته ها(ویژه خوانندگان) neveshteh@ettelaat.com

عمل‌های جراحی زیبایی و پلاستیک قانونمند باشد

معمولاً اولین برخورد و ارتباط افراد بشر با همنوع خود با دیدن چهره و صورت است و شاید به این سبب که بیشترین واکنش‌های آدمی از نظر ابراز محبت و نفرت یا خشم و نگرانی در چشم و چهره نمایان می‌شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایرانیان در مقایسه با مردمان سایر کشورها بیشترین هزینه را برای خرید لوازم آرایشی و عمل‌های جراحی زیبایی و پلاستیک چهره و به‌خصوص اصلاح بینی می‌پردازند و متأسفانه به تازگی عمل‌هیا زیبایی به غیر از طبقه مرفه کشور، در جوانان دختر و پسر و حتی میانسالان دارای درآمدهای متوسط هم مرسوم شده است. افرادی که عمل‌های زیبایی‌شان موفقیت‌آمیز نبوده است دچار رفتارهای عصبی، روانی، انزوا طلبی، افسردگی، تودماغی و مبهم حرف زدن، زود رنج بودن، آلرژی و دیگر موارد می‌شوند. البته کسی منکر خدمات جراحان متعهد کشور در مورد معالجه بیماران سوختگی، لب شکری‌ها و اصلاح بینی‌های غیر طبیعی نمی‌شود، اما به‌نظر می‌رسد که برخی‌ها به دنبال کسب درآمدهای وافر هستند و نگاه تجارت گونه دارند و موضوع انسانی و اخلاقی در علوم پزشکی را زیر پا می‌گذارند و این در حالی است که جلوی ضرر را از هرجا بگیری، منفعت است. بنابراین پیشنهاد می‌شود وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نگاه ویژه‌ای به تدوین مقررات و ضوابط قانونی و اطلاع‌رسانی‌های عمومی درباره عمل‌های جراحی با تأکید بر منشور حقوق بیماران داشته باشد، چرا که در پزشکی پیشگیری مقدم بر درمان است، بنابراین با مشارکت و نظرخواهی از سازمان‌هایی مثل نظام پزشکی، نظام روان‌شناسی، جراحان متعهد و پزشکان اعصاب و روان، مراجع قضایی و همچنین مددکاران اجتماعی و پزشکی قانونی فرم‌های تنظیمی از قبل آماده شده و مراجعه اولیه به سایر پزشکان برای متقاضیان جراحی زیبایی و پلاستیک داشته باشند و چنین نباشد که فرد فقط با یک بار مراجعه به جراحان یاد شده راحت و آسان تحت عمل قرار گیرد.

سید اکبر رضوی ـ قزوین

مصیبت بده بستان‌های اجباری ارز و ریال در اروپا!

چرا من که از ایرانیان مقیم خارج از کشور هستم، به دلیل دشمنی کشورهای اروپایی و از جمله ایتالیا نمی‌توانم به خانواده‌ام در ایران کمک‌های مالی کنم و به همین دلیل با کلاهبرداری‌هایی حتی به وسیله دوستانم روبه‌رو شوم؟ برای آگاهی هموطنانی که فرزند یا نزدیکانی در خارج از کشور دارند، یکی از موارد آن را بازگو می‌کنم.

خانواده‌ام به پول نیاز دارند و از اینرو گهگاه به آنان کمک می‌کنم، اما مشکلات بانکی و تحریم‌ها اجازه نمی‌دهند از طریق آن‌ها اقدام کنم و به همین دلیل باید از واسطه‌ها کمک بگیرم، که در این میان برخی ایرانیان در اروپا به واسطه‌ها ارز آن کشورها را می‌دهند تا عوامل آنان در ایران، معادل ریالی آن را به خانواده‌هایشان بپردازند. براین اساس من هم مدتی به دوستم که درضمن همکار هم بودیم، به‌صورت دستی ارز می‌دادم و از او می‌خواستم معادل ریالی آن را توسط خانواده‌اش به دست اعضای خانواده‌ام برساند، که برای نمونه برای کمک به برگزاری مراسم خاکسپاری و ختم پدر و دارو برای مادرم، این کار را کرده بودم، اما امروز آن به‌اصطلاح دوست و همکار مدعی شده است که در ایتالیا ارزی به وی نداده‌ام و به خانواده‌اش در ایران هم که واسطه رساندن پول به خانواده من بوده‌اند، فشار می آورد که از آنان شکایت کنند و پولی که داده‌اند، پس بگیرند، در حالی که من معادل ارزی آن پول را در ایتالیا به‌صورت یورو و نقد به وی پرداخته بودم. البته افراد خوبی که در این بده بستان‌های اجباری ارز و ریال به یکدیگر کمک می‌کنند، در ایتالیا کم نیستند، ولی گویا از شانس بد من، دوست و شریکم توزرد از آب درآمد! خوشبختانه سند مبلغی را که از طریق بانک به او داده‌ام، در اختیار دارم، ولی برای مبلغی که نقد پرداخته‌ام، سند ندارم!

از ایرانیان مقیم ایتالیا

پیشنهادهایی برای دفع بهداشتی زباله‌های خانگی و بیمارستانی

مدت‌ها است که معضل دفع زباله خانه‌ها، هتل‌ها، مؤسسه‌های شبانه‌روزی، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها موجب مشکلاتی برای منابع زیرزمینی آب و آلوده‌شدن زندگی مردمان مناطق اطراف محل دفع زباله‌ها شده است، نظیر محله چهاردانگه ساری که موجب اعتراض ساکنان ۱۴ روستای آن محل شده است.

برای حل مشکل یاد شده پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

ـ برای خانه‌ها، هتل‌ها و مؤسسه‌های شبانه‌روزی و نظایر آن‌ها دستگاهی در اندازه‌های مختلف بسازند که به صورت فشاری آب زباله‌های تر را بگیرد و آن را وارد لوله فاضلاب‌رو کند و تفاله آبگیری شده نیز به‌وسیله شهرداری‌ها جمع‌آوری و دفع شود. زباله‌های آبگیری شده ۳ تا ۴ سال پس از دفع پوسیده می‌شود که در نهایت شهرداری‌ها می‌توانند آن را سرند کنند و به عنوان کود به باغداران و مزرعه‌داران بفروشند.

ـ دستگاه زباله‌سوز را برای درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها در اندازه‌های مختلف تعبیه کنند تا زباله‌های عفونی را در آنجا بسوزانند و خاکسترش را توسط ماموران شهرداری دفع کنند.

دستگاه آبگیری زباله‌خانه‌ها باید این ویژگی‌ها را داشته باشند:

ـ یک نوع با ظاهری آراسته نظیر لباسشویی و ظرفشویی که خانم‌ها بپذیرند و آن را مثلا در آشپزخانه قرار دهند.

ـ یک نوع دیگر با ظاهر معمولی و به قیمت‌های مناسب برای اکثریت خانه‌ها.

ـ دستگاه آبگیری زباله طوری تعبیه شود که وصل آنها به لوله‌های فاضلاب و شستن آنها پس از انجام کار، بهداشتی و آسان باشد و در خانه‌ها بوی مشمئزکننده ندهد.

ـ دستگاه‌های ساخته شده متناسب با تقاضای متقاضیان و از طریق شهرداری‌ها در اختیار خانواده‌ها قرار گیرد و به وسیله مقاطعه‌کاران شهرداری به لوله‌های فاضلاب خانه‌ها وصل شود.

ـ هزینه خرید دستگاه‌های آبگیری با اقساط طولانی و از طریق قبض‌های آب و برق و به وسیله شهرداری‌ها وصول و در صورت نیاز برای این کار از شرکت‌های لیزینگ کمک گرفته شود.

محمد عطائیان ـ زنجان

از قبض برق تا صفدرقلیِ گُل‌زن!

هرچند به‌خوبی می‌دانم که چاپ آن‌چه که می‌خواهم بنویسم، راه به‌جایی نمی‌برد و هیچ‌کس پیدا نمی‌شود که بپرسد: «خرت به چند من؟» امّا دست‌کم می‌توانم با «نوشتن» باری از روی شانه‌های مُردنی احساس و افکارم بردارم؛ و این کار کوچکی نیست؛ به ویژه برای کسی که دوران «پساکارمندی» را در این شهر کوچک «گز» می‌کند! لابد برای شما خواننده گرامی هم پیش آمده است که به دلیلی مثلاً قبض کاغذی برق مصرفی خانه یا مغازه یا دفتر کارتان را سر وقت تسویه نکنید؛ قبضی با مبلغ قابل پرداخت ۴۶/۰۰۰ ریال. تا این‌که قبض بعدی از راه می‌رسد با افزایش ۳۳/۵ درصدی نسبت به ماه پیش (البته ادارهٔ برق‌تان! می‌فرماید که فقط ۷ دَرصد به بهای برق اضافه شده است!)؛ به علاوه اضافه‌کردن بدهیِ دورهٔ قبل؛ آن‌هم نه ۴۶/۰۰۰ ریال که ۴۹/۳۲۰ ریال! با برداشتنِ عینک، فرصتیَ به دماغ بی‌چاره‌اتان می‌دهید تا نفسی تازه کند؛ سپس اخم‌کنان یک‌مُشت! بدوبیراه پیشکش ریزگردها می‌کنید که شیشه‌های عینک‌تان را غبارآلود کرده‌اند و اجازه نمی‌دهند خوب و شفاف رقم‌های قبض عزیزِ شرکت محترم توزیع نیروی برق را به‌نظاره بنشینید و صفا کنید! وقتی شیشه‌هایِ عینک را عین شیشه‌های خودروهای دوست‌داشتنی خدمت کردید، بار دیگر به قبض نورسیدهٔ برق عنایت مبذول می‌فرمایید! می‌بینید نه! عددها و رقم‌ها همانی است که بود! مورمورتان می‌شود و با وجدانی دردآلود، خودتان را می‌خورید که گناه ریزگردهای بی‌سر و زبان را مُفت و مُسلّم شستید! در حالی‌که دلتان برای ریزگردهای مظلوم! می‌سوزد، بُغض‌آلود با خودتان می‌گویید:

ـ پس این ۳/۳۲۰ ریال اضافی بابت چیست؟

بعد خودتان هم نمی‌دانید چرا شمایی که میانه خوبی با عددها و رقم‌ها ندارید، می‌روید توی نخ حساب و کتاب این موضوع که: حالا نه در سراسر کشورمان ایران، در همین استان محروم و بی‌بهرهٔ خودمان لرستان چند مشترک محترم برق داریم؟ تعدادشان را به همین عدد ناچیز کلّه‌مورچه‌ای ۳/۳۲۰ ریال ضرب کن، ببین چه عددی به‌دست می‌آید. (تازه اَین کوچک‌تَرین رقمِ یک قبض ۴۶/۰۰۰ ریالی است!)

حالا با تمامی قوای انگشتان دستان‌تان، به خیال خودتان می‌روید سروقت پاسخ که زنگ تلفن ثابت خانه یا مغازه یا دفتر کارتان کاسه‌کوزه‌های حساب‌کتابتان را از بیخ و بُن به‌هم می‌ریزد:

ـ مشترک محترم! نظر به‌این‌که تلفن شما مبلغ ۲۱/۰۰۰ ریال بدهی دارد، تا چند ساعت دیگر خَط شما قطع می‌گردد، با تشکر. سامانهٔ گویای شرکت مخابرات استان!

مانند کسی که تازه از خواب بیدار شده باشد، دستان‌تان را روبه‌روی صورتتان تکان‌تکان می‌دهید تا اشباح را بتارانید و با گفتن «ول کن بابا! به من چه ۳/۳۲۰ ریال ضربدر چند میلیون چند می‌شود؟ «مارادونا» را ول کن، هوای «صفدرقلی» خودمان را داشته باش که به خودمان گل نزند!» و می‌چسبید به تلفن و سَامانهٔ ۲۰۰۰ را می‌گیرید، بلکه برای ۲ هزار و ۱۰۰ تومان، تلفن را قطع نکنند و پولی هم بابت وصل آن پیاده نشوید و قوز بالا قوز نشود!

گودرز گودرزی (مجید)ـ الیگودرز

سازمان خصوصی‌سازی راهنمایی کند

جوانی هستم فوق لیسانس، دارای همسر و فرزند تقریباً ۳ ساله مستأجر بودم، اما به دلیل یکسال بیکاری و عدم امکان پرداخت اجاره‌بها و هزینه زندگی باهم، به خانه پدرم که کارمند بازنشسته تأمین اجتماعی است نقل مکان کرده‌ام. همان سال ۹۳ـ۹۲ که دولت آقای روحانی اعلام کرد متقاضیان پرداخت یارانه از نو ثبت‌نام می‌شوند، چون تازه ازدواج کرده و از حوزه تکفل پدر بیرون آمده بودم، در آخرین روز مهلت ثبت‌نام یک ساعت با پدرم پای کامپیوتر نشستم و هرچه کد ملی پدرم و خودم را به سیستم دادم، نمی‌پذیرفت و جواب می‌داد که کد ملی شناخته شده نیست. آنقدر این جواب را تکرار کرد تا مهلت روز آخر گذشت، تا حالا هم به هر دری زده‌ام و به هر اداره رفته‌ام، گرهی از کارم باز نشده است. اگر فلسفه هدفمندی یارانه‌ها عدالت بوده است، «سازمان خصوصی‌سازی بر خلاف نام سهام عدالت، در حق من و امثال من حدود ۶ سال است که بی‌عدالتی می‌کند. نمی‌دانم رایانه موجب قطع یارانه ما شد یا برعکس؟ اگر فرضاً برای کمک مسکن یا پرداخت اقساط وام یا تأمین داروی بیمار دائم خانواده نیاز به سپرده‌ای اندک باشد آیا چنین چیزی می‌تواند دلیل قطع یارانه باشد؟

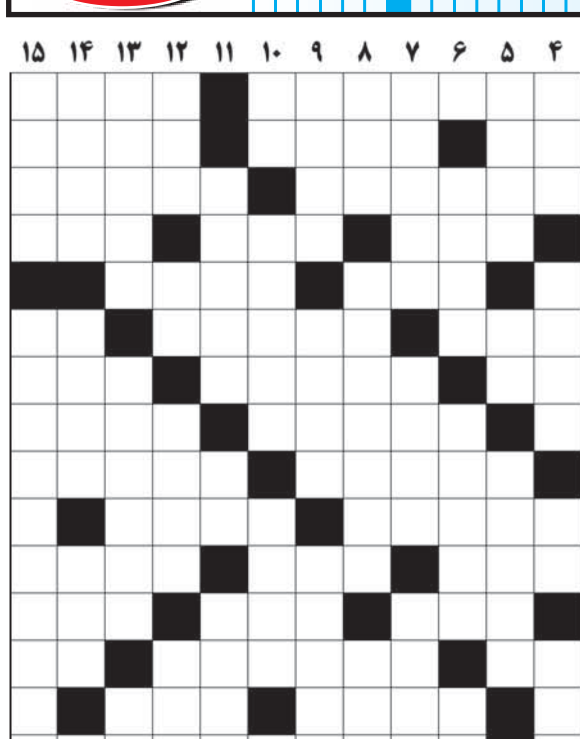
در سال‌های پیش هر بار در روزنامه‌ها می‌خواندم که یارانه «ثروتمندان» هم قطع نشده، نمک روی زخم دلم ریخته شده است. البته یارانه واقعاً رقمی نیست، اما لااقل هزینه شیر خشک نوزاد را که می‌توان با یارانه‌ای پرداخت کرد که پولداران تا حالا می‌گرفته‌اند و سیگارهای خارجی دود می‌کرده‌اند و از پنجره «پورشه»شان حلقه حلقه آن را به هوای آزاد می‌فرستادند تا امثال من به این ترتیب از عدالت دست دوم (یعنی دود عدالت!) بهره‌ای داشته باشیم! لطفا جواب مرا بدهند که به کجا مراجعه کنم و چه باید کرد؟ (کدهای ملی من و پدرم نزد روزنامه محفوظ است).

شهروند متقاضی یارانه

جدول

۲۳۸۰۰

طراح: غلامحسین باغبان



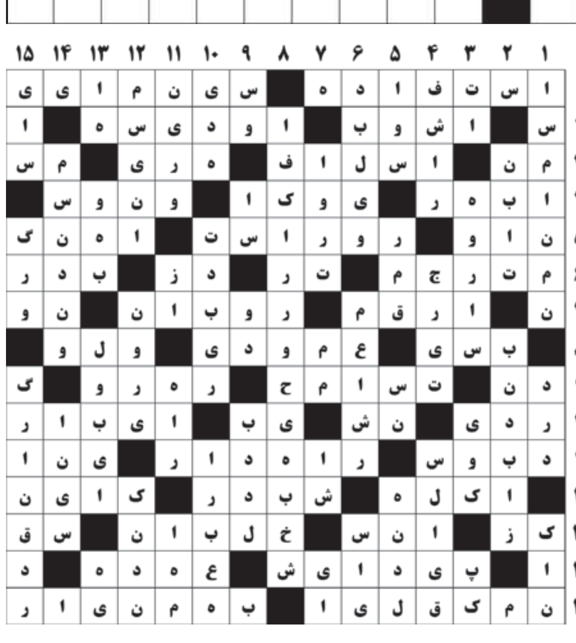
افقی:

۱ـ کتابی از جلال آل احمد که سفرنامه حج اوست ـ پرده گوش
۲ـ معبد آپولون ـ نمادشکیبایی در هفت سین ـ پایتخت فلزی!
۳ـ کلام تنفر ـ بی گناهی که جانش را از دست بدهد ـ کیسه گلیمی
۴ـ از هالوژن ها ـ از مکافات عمل غافل ....، گندم از گندم بروید جو ز جو ـ سطل آبکشی ـ شیمی کربن
۵ـ ماهر در سخنرانی ـ نوعی پیچ و آچار ـ خلیجی در شمال کانادا
۶ـ گرفتار ـ فرمانده سپاه فیل ـ پیشوند نفی
۷ـ از میوه های تابستانی ـ نجات ـ شانه و دوش
۸ـ شهر پیشین بین النهرین میان کرخه و بصره ـ کشتی بان ـ مردن در حادثه
۹ـ از انگشتان دست و پا ـ اجیر ـ بردگی
۱۰ـ شیر سر بریده ـ حسینیه ها ـ عنوان اشرافی برای زنان
۱۱ـ جنس مدال نفر سوم ـ موی صورت مردان ـ آدم خبر چین
۱۲ـ شهری در استان یزد ـ پایتخت اتریش ـ ذره تجزیه ناپذیر ـ نوک مثلث
۱۳ـ ضربه فنی در جودو ـ بیشترین، ماکزیمم ـ چه وقت؟
۱۴ـ فریاد تظلم ـ مقابل پایین ـ توشه سفر
۱۵ـ شهری در بوشهر ـ لقب هلند

عمودی:

۱ـ کنایه از غفلت ـ نامی پسرانه
۲ـ بسیاری ـ از صحابه ـ زن شوهر از دست داده
۳ـ هالوژن نمک طعام ـ باده عشق روز الست ـ پلیمر
۴ـ جامه پشمینه و پر وصله درویشان ـ عرصه ـ نوعی شیرینی ـ باد کردگی
۵ـ تغییر شکل ـ بله انگلیسی ـ پوشیده و پنهان
۶ـ مژده دهنده ـ برنج فروشی ـ دفاع فوتبال
۷ـ نگهبان چماق به دست ـ نمایشنامه نویس ایرانی مولف مرگ در پاییز ـ گور شکاف
۸ـ صد سال ـ دارای پستی و بلندی ـ زرد انگلیسی
۹ـ محکم و استوار ـ عقیده، اعتقاد ـ نام «کمال» نویسنده ترک تبار «اینجه ممد»
۱۰ـ آخر ـ مملو و پر ـ ورزش پهلوانی
۱۱ـ تمنا ـ اشاره دور ـ خانه
۱۲ـ صورت ها ـ فهم بی پایان! ـ مرکز اتم ـ بخشی از آپارتمان
۱۳ـ از گیاهان دریایی ـ جزوه دان ـ بله روسی
۱۴ـ پهلوان رویین تن یونانی ـ رشته باریک ـ شکاف
۱۵ـ نوعی پرتقال ـ نیروی برق

حل جدول ۲۳۷۹۹



تا آخر عمر پژوهشگر بمانیم



دکتر کریم مجتهدی　　بخش اول

سخن هر چه باشد به ژرفا ببین(ابوالقاسم فردوسی)

نه هر که حرّاف شد، سخندان محسوب می‌شود و نه هر که به زعم خود فلسفه بافت، فیلسوف و فلسفه‌دان. دانشجویان اصلی فلسفه، اعم از جوان یا پیر، این گفته را باید آویزه گوش خود کنند و از یاد نبرند که فلسفه یک رشته کاملاً تخصصی است و آن را در درجه اول باید به جدّ آموخت، چون به هر ترتیب در مکتب فلسفه نمی‌شود مستمع آزاد بود. متعاطی فلسفه آزاد نیست، ولی ذهن او مقید به آزادگی است، زیرا در هر صورت او آزادی را در گرو آزادگی می‌داند. تعمق اصولی و فراروی از سهل‌انگاری‌های متداول، از شرایط بنیادی امکان آزادگی در فلسفه است، به نحوی که تا شخص آزاده نشود، نمی‌تواند واقعاً به حیطه فلسفه ورود پیدا کند. اگر با جان و دل قادر نباشیم به فلسفه بپردازیم، بهتر است بالکل از آن صرف‌نظر کنیم.

متعاطی واقعی فلسفه، روش پژوهشی و نحوه بیان نظرات خود را نیز به معنایی باید از بطن رشته خود بیرون بیاورد، زیرا فلسفه از هر نوعی که باشد، فقط در مسیر تحقیق و تفحص بر اساس دقت و تأمل مستمر متعاطی است که قدرت واقعی خود را نمایان می‌سازد. از این رهگذر است که با آسیب‌شناسی به موقع در رفت و برگشت‌های اضطراری تفکر، از مصادره به مطلوب‌های متداول و نتیجه‌گیری‌های عجولانه، می‌توان خود را در امان نگه‌داشت. روش تحقیق، همان توجه به فضیلت زیربنایی تحقیق است. در اینجا آن را باید نوعی شرافت اخلاقی دانست که اصالت و صلابت تحقیق را مصون می‌دارد. شاید گزاف نباشد اگر بگوییم که با استقامت در روحیه دانشجویی، می‌توان نحوه درست پژوهش و روش آن را آموخت. به همین جهت است که اگر متعاطی فلسفه عمیقاً متحول نشود و آنچه را که از ضوابط کار خود می‌داند به درستی مراعات نکند، به تعمق لازم نخواهد رسید.

تفکر فلسفی بر اساس ضرورت درونی خود ارزیابی می‌شود و الّا با مشتی از تداعی‌های صوَر نفسانی منفعل و سر در گم روبه‌رو خواهیم بود که از خارج به ما تحمیل می‌شوند و بدین ترتیب عملاً آنچه در ذهن ما انعکاس می‌یابد، جز بازتاب‌های شرطی زودگذر چیز دیگری نمی‌توانند باشند. به همین دلیل با اطمینان می‌توان گفت تا تداعی شکسته نشود، شناخت علمی و فلسفی آغاز نخواهد گردید.

فلسفه را مجموعه‌ای از اصطلاحات نامأنوس برگرفته از زبان‌های خارجی یا صرفاً تعدادی عبارات مفرده یا حتی منتخباتی شامل کلمات قصار نمی‌توان دانست. فلسفه، تفاخر به دانایی به سبب نوعی عقده خودبزرگ‌بینی نیست، خاصه که همین عقده نیز در واقع از عقده عمیق‌تری ناشی می‌شود که به نحو متداول به عقده حقارت معروف است. به همین دلیل فلسفه نوعی موضع‌گیری زودرس و خود فریب نیست تا بتوان از آن در جهت اسکات خصم و اثبات خود استفاده کرد. فلسفه نوعی تحقیق جدی همه‌جانبه درباره مسائلی است که شاید مستقیماً مصرف و کاربردی نداشته باشند، ولی در عین حال بدون تأمل در آنها، حتی اگر نتوان الزاماً نتایج آنی و زودهنگامی استنتاج کرد، به نحوی کل فرهنگ انسانی و جنبه‌های مختلف آن، هم از پیشرفت بازخواهند ماند و هم بصیرت لازم و آن نوع آگاهی که در ابعاد استثنایی انسان وجود دارد، خارج از دسترس قرار خواهند گرفت. با «من!...من!» گفتن‌های متوالی و رایج، هیچ فلسفه‌ای ساخته نمی‌شود و تا ضرورت عقل و جهت حرکتی واقعی و موجّه آن در نظر گرفته نشود، هر نوع موضع‌گیری، عبث و تصنعی خواهد بود. در طی تاریخ، فیلسوف واقعی نه جزمی مسلک بوده است و نه شکاک. اگر او سخن اول خود را با «نمی‌دانم» شروع می‌کرد، همین نیز از عشق او به «دانستن» نشأت می‌گرفت. منظور او از «نمی‌دانم» این نبوده است که در ادامه نمی‌توان آموخت. حتی نزد فلاسفه شکاک نیز نفی «دانش» متداول، دعوت به تأمل و رسیدن به نکات جدید بوده است. آنها راه طولانی و سختی را پیش روی خود داشته و با عوالم روحی بسیار متعددی آشنا بوده‌اند. آنها، گاه گفتن، گاه ناگفتن و حتی گاه سکوت کامل را ترجیح می‌داده‌اند. گاه مردد، گاه مصمم، گاه مراقب، گاه بی‌اعتنا و گاه شوخ با توسل به طنز و مزاح بوده‌اند. حالات آنها گاه سُکر دیونیزوسی، گاه وقار و متانت صحو آپولونی را انعکاس می‌داده‌اند، ولی در هر صورت همیشه به ضرورت درونی اجتناب‌ناپذیر خود وفادار می‌مانده‌اند. نزد آنها هیچ گاه، حقایق خوراک سوءنیتها نمی‌شده‌اند؛ زیرا سوءنیتها نقاب‌هایی بوده‌اند که چیزی را پنهان نمی‌داشتند، بلکه اغراض بیمارگونهٔ افرادی را نمایان می‌ساخته‌اند که لامحاله جهالت و نابهنجاری‌ها را مکشوف و برملا می‌کنند.

ادامه دارد

به مناسبت بزرگداشت مرحومه دکتر طاهره صفارزاده

در باب ضرورت ترجمهٔ معنا، نه لفظ

تأملی در ظرایف ترجمهٔ قرآن از دیدگاه مرحومه دکتر طاهره صفارزاده

دکتر حسن بلخاری قهی*





الف) آیا متن مقدس قابل ترجمه به زبانی دیگر است؟ آیا می‌توان معانی خاصی را که در متن یک دین و در قالب الفاظ جای گرفته‌اند از قالب خویش به درآورد و در قالبی دیگر جای داد؟ و اگر چنین کردیم معنا به همان حقیقت ذاتیه خود انتقال می‌یابد یا در متن، این جابه‌جایی دچار نقص یا نقض می‌شود؟

این سؤالات به‌ویژه آنگاه اهمیّت مضاعف می‌یابند که دینی در انتخاب زبان یا همان قالب ظهور بیان معانی خود، زبانی خاص را برگزیده و بر آن اصرار و ابرام داشته باشد؛ همچون اسلام که در باب زبان عربی به عنوان ساختار ظهور معانی خود چنان اصرار دارد که گویی اگر این زبان وجود نمی‌داشت قرآن نازل نمی‌شد. به آیات زیر دقت کنید:

«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»: ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که بیندیشید. (زخرف، ۳)

«كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»: کتابی است که آیات آن به روشنی بیان شده، قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند. (فصّلت، ۳)

«وَ إِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ، عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ، بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»: و به راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است، روح‌الامین آن را بر دلت نازل کرد، تا از [جمله] هشداردهندگان باشی، به زبان عربی روشن. (شعرا، ۱۹۵-۱۹۲)

«وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا»: و این‌گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد. (طه، ۱۱۳)

آیات فوق ثابت‌کننده اهمیت زبان عربی‌اند که البته این اهمیت و تأکید ـ به‌ویژه در جهان گونه‌گونی زبان‌ها در حیات بشری ـ می‌تواند چنین فهم شود که پیروان این دین می‌بایست زبان عربی را فرا گیرند تا مستقیم از طریق آن به حقیقت معنا واصل شوند، این‌که اغلب فقها، حکم به صحت قرائت نماز به زبان‌های دیگر نمی‌دهند دقیقاً از همین رو است. اما این تأکید و ابرام قرآن، اعلام حرمت مطلق ترجمهٔ قرآن به زبان‌های دیگر نیست زیرا اولاً بنا به شریفهٔ گرانقدر: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»[1] تقسیم انسان‌ها به امت‌ها و ملت‌ها و قبایل مختلف، جعل و وضع الهی است فلذا حیات بشری ناگزیر از تقسیم به امت‌های مختلف و لاجرم زبان‌های مختلف است. ثانیاً غایت این تقسیم به امت‌ها و ملت‌ها «لتعارفوا» است: «تا همدیگر را بشناسید.» بنابراین اگر تقسیم انسان‌ها به ملت‌های مختلف، جعل الهی است و غایت آن هم شناخت همدیگر است پس باید میان این امت‌ها و ملت‌هایی که زبان‌های گونه‌گون دارند، ارتباطی برقرار شود (تا شناخت از همدیگر که این نیز جعل‌الهی است تحقق یابد) و این ارتباط قطعاً میسّر نیست مگر از طریق ترجمه.

لاجرم قرآن در عین حالی که بر عظمت زبان عربی تأکید می‌کند در عین حال گفتگو و مفاهمه را نیز اصل می‌شمارد و گفتیم ترجمه تنها راه ایجاد گفتگو میان ملت‌های مختلف با زبان‌های گوناگون است.

بنابراین ترجمه یک امر ناگزیر و بسیار سودمند برای آشنایی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با یکدیگر است. اما نکتهٔ مهم و بنیادی رعایت دقیق ضوابط و شرایط ترجمه است ورنه نه‌تنها این ترجمه به مفاهمه نخواهد انجامید بلکه سوءتفاهم خواهد آفرید و نزاع میان ملت‌ها را رقم خواهد زد. این مسأله در باب متون مقدس اهمیت وسیع‌تری دارد.

ب) مرحومه طاهره صفارزاده در میان آثار سودمندش، اثری دارد با عنوان ترجمهٔ مفاهیم بنیادی قرآن مجید، این کتاب در عین ترجمهٔ دقیق برخی مفاهیم بنیادی قرآن، به دلیل تسلط آن مرحومه بر اصول و ضوابط نقد، نوعی اثر نقادانه و انتقادی نیز به شمار می‌رود. مرحومه صفارزاده در این کتاب با محور قرار دادن هفت ترجمهٔ فارسی از قرآن و چهار ترجمهٔ انگلیسی، ترجمه‌های مفاهیم بنیادی قرآن توسط این مترجمان را مورد نقد و بررسی قرار داده و خود ترجمهٔ دقیق‌تری را برای مفاهیم بنیادی قرآن ارائه کرده است.

به عنوان مثال ایشان با ذکر آیهٔ «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (آل‌عمران، ۲) ابتدا هفت ترجمهٔ فارسی توسط مترجمان مختلف را بیان کرده است. از این هفت ترجمه یکی از مترجمان «الحیّ القیّوم» را ترجمه نکرده و صرفاً به بیان حیّ و قیّوم بسنده کرده است و از بقیهٔ مترجمان فقط دو مترجم میان حیّ و قیّوم یا زنده و پاینده «و» نیاورده‌اند، پنج مترجم بدون توجّه به این‌که حیّ قیّوم در آیهٔ فوق‌الذکر «و» ترادف ندارد در ترجمه از «و» استفاده کرده‌اند. عین همین خطا را مترجمان انگلیسی آربری، میراحمدعلی، پیکتال و یوسف علی مرتکب شده و از «کاما» که نوعی انفصال حیّ از قیّوم است (مانند «و» در ترجمهٔ فارسی) استفاده کرده‌اند. از دیدگاه مرحومه صفارزاده قیّوم صفت حیّ است نه اضافه بر آن یا ادامهٔ آن، فلذا ترجمهٔ آن به زنده و پاینده[2] غلط است بلکه باید چنین ترجمه شود: زندهٔ پاینده یا زنده‌ای که جاوید[3] است. این دقت نظر مرحوم صفارزاده به صواب نزدیک‌تر است، زیرا اگر به حقیقت آیه نظر اندازیم قیّومیت صفت مکرر دیگری از حضرت حق در کنار حیات نیست بلکه توصیف مطلق حقیقت حیات حضرت حق است. به عبارتی، حیات حق چنان است که هیچ مرگ و فنایی در آن راه ندارد. قیّومیت نه‌تنها به ابدی بودن حیات اشاره دارد بلکه اشعار می‌دارد حیات بنا به تقابل با موت تعریف می‌شود چون با صفت قیّومیت در باب خداوند به کار رود تأکید بر جاودانگی حیات خداوند است و نیز تأکید بر این‌که ماسوای حضرت او همه فانی‌اند: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ، وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ»: هرچه بر [زمین] است فانی‌شونده است و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند. (الرحمن، ۲۷ ـ۲۶)

بنابراین حق آن است که قیّوم صفت حیّ باشد نه صفتی در کنار و اضافه بر آن که خود بیانگر نوعی گسست معنایی است.

مثال دیگر «الرحمن الرحیم» است، در حالی‌که پنج مترجم فارسی «الرحمن الرحیم» را بخشندهٔ مهربان معنا کرده و دو نفر نیز اصولاً ترجمه نکرده و ترجیح داده‌اند از همان رحمان رحیم استفاده کنند، مرحومه صفارزاده چنین ترجمه کرده است: به نام خداوند نعمت‌بخشندهٔ رحم‌گستر، خداوندی که نعمت‌بخشی‌اش از سر لطف و رحم است و مؤمن و کافر هر دو از نعمات الهی او برخوردارند:

«رحیم لزوماً و آن‌گونه که در ترجمه‌ها آمده به معنی مهربان نیست، خداوند نسبت به کافر و فاسق و ستمکار رحم دارد نه مهربانی و خداوند رحم را بر ذات اقدس خود واجب مقرر فرموده است. (۶:۵۴) این آیات (۷:۲۳، ۱۱:۴۷ و ۲۷:۴۶) همه از ترحم خداوند بر انسان گناهکار و کافر و جاهل یا سهل‌انگار در عبودیت حکایت دارند و می‌بینیم که رحیم ۹۱ بار در قرآن مجید در همین مقام همراه با غفور ظاهر شده است؛ پس این نام فوق نیکو به نشانه رحم‌گستری خداوند در کنار رحمان، مجموعاً «نعمت‌بخشنده رحم‌گستر معنی می‌دهد که توصیف نام اقدس «الله» در آیهٔ شریفهٔ بسم‌الله الرحمن الرحیم است.» (ترجمهٔ مفاهیم بنیادی قرآن مجید، ص ۳۰)

نکتهٔ ظریف دیگر، تأمل مرحومه صفارزاده در باب «والله خیرالماکرین» در آیهٔ ۳۰ سورهٔ انفال است. «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»: و [یاد کن] هنگامی را که کافران دربارهٔ تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می‌زدند و خدا تدبیر می‌کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.

مترجمان فارسی‌زبان «والله خیرالماکرین» را ماهرترین نیرنگیان ترجمه کرده‌اند، برخی نیز بهترین مکرانگیزان. در این میان، دو نفر به جای استفاده از کلمات نیرنگ و مکر از اصطلاح بهترین تدبیرکنندگان و بهترین چاره‌کنندگان استفاده کرده‌اند. مرحومه صفارزاده از تمهیدگری بی‌همتا استفاده کرده است؛ استدلال به حق او نیز چنین است که «مکراندیشی کافران دربارهٔ پیامبر گرامی اسلام، بر اثر تمهید منبعث از ارادهٔ الهی خنثی شد، پس مکر و مکرانگیزی و مفاهیمی از این قبیل در شأن ذوالجلال‌والاکرام نیست که در ترجمه‌های انگلیسی تا حدی رعایت شده است؛(Allah is the suprme planner) و نیز شماره ۵ و ۷ [تدبیر و چاره] درست معادل‌یابی کرده‌اند.» (همان، ص ۱۴۳)

من نیز با مرحومه صفارزاده موافقم، آنچه کافران انجام می‌دهند هرگز در ذات، همچون فعل الهی نیست، ممکن است واژه‌ها در صورت یکسان باشند لکن چنین فعل الهی (گرچه از همان واژهٔ مکر استفاده شده است) متفاوت از فعل و کنش کافران است. بنابراین در ترجمه باید با لحاظ کردن این اصل از واژگانی استفاده شود که کنش متفاوت حق در قیاس با کافران را به مخاطب منتقل سازد. این همان معنایی است که راغب اصفهانی در مفردات و ذیل مکر با عنوان مکر محمود و مکر قبیح از آن یاد کرده است.

در اینجا ذکر نکته‌ای ضرورت دارد: می‌توان این نقد را وارد ساخت که اگر قرآن از اصطلاح مکر استفاده کرده و خدا را ماکر خوانده است چرا ما با پیش‌فرضی چنین که خدا مکرورز نیست، واژه‌ای که خدا، خود برای خود به کار برده را نفی کنیم؟

جواب این اشکال اولاً نهفته در مراتب مفهومی و معنایی واژه‌ها (و در اینجا مکر) و فاعلین کنش‌ها است. توضیح این‌که مکر بنا به ذات خود نوعی چاره اندیشیدن است به علاوه بنا به فاعل آن است که سویه مثبت و منفی می‌یابد. فعل مکر توسط خداوند بنا به الوهیت، صورت و نتایجی متفاوت با انجام آن توسط انسان‌ها و به‌ویژه کافران دارد. بنابراین مکر در این آیه، بنا به فاعل تعریف می‌شود و نه ذات یا معنایی که عُرف در شنود آن به ذهن می‌آورد. شکی نیست نیّت حق خیر است. فلذا مکر او نتیجه خیر دارد یا به تعریف مرحومه صفارزاده نوعی تمهیدگری است اما کافران در مکر خود نیّت صالح ندارند فلذا مکرشان نتایج سوء دارد. در اینجا مکر را بنا به فاعل آن معنا می‌کنیم. مکر بنا به فاعل معانی متفاوت می‌یابد و این‌گونه می‌رهیم از آن که فعل مکر را با معنای عرفی آن همزمان به خدا و مکرکنندگان نسبت دهیم.

در باب ترجمهٔ «غنی حلیم» نیز مرحومه صفارزاده نکتهٔ بسیار قابل تأمل و درستی دارد. همچون بقیه موارد، مترجمان فارسی ترجیح داده‌اند با استفاده از «و» میان غنی و حلیم فاصله اندازند و در ترجمه بگویند خداوند بی‌نیاز و بردبار است یا بی‌نیاز و حلیم است، فقط یک مترجم با حذف «و» خداوند بی‌نیاز بردبار ترجمه کرده است. این مسأله در مورد ترجمه‌های انگلیسی نیز صادق است آنان نیز با استفاده از کاما (,) گسست معنایی میان غنی و حلیم ایجاد کرده‌اند. مرحومه صفارزاده با تأمل بر این معنا که این آیه از آیات مربوط به انفاق و حسنات آن است، تأکید می‌کند تمیز و جدایی غنی از حلیم معنا ندارد:

«در ترجمه‌ها ارتباط بین صفت و موصوف دیده نمی‌شود اما مسلماً این صفات مترادف هم قرار نمی‌گیرند، زیرا جملهٔ خداوند بی‌نیاز و بردبار است این پرسش را مطرح می‌کند که بردباری نیازمندان قابل درک است ولی «بی‌نیاز» بردباری‌اش از چه نوع است؟ غنی حلیم در مفهوم قرآنی یعنی: آن خداوند نعمت‌گستری که بدون توقع جبران به انسان‌ها، نعمات وافر از هر قبیل عَطا می‌فرماید و به ناسپاس‌ها نیز فرصت کافی می‌دهد تا پیش از گرفتاری به بلا (برای فرد) و نزول عذاب (برای قوم و ملت) هدایت یابند و تبدیل به بنده یا بندگان مؤمن شوند، مهلت تأخیر در مجازات را به قول کتب علی نفسه الرحمه و بنا به تقدیر ازلی (کلمهٔ سبقت) تا مدت معین جایز مقرر فرموده و بعد از نعمت‌بخشی فوراً به واسطهٔ ناسپاسی آدم‌ها، اقدام به انتقام‌جویی و آزار لفظی چنان‌که روال مردم است نمی‌فرماید.» (همان، ص ۱۲۷)

* استاد دانشگاه تهران و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

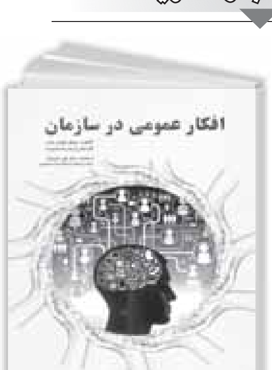
پی‌نویس:

۱. ای مردم ما شما را از مرد و زن آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید، در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست، بی‌تردید خداوند دانای آگاه است. (حجرات، ۱۳)

2. the Alive, the Eternal

3. The Eternal live

معرفی کتاب و نشریه



افکار عمومی در سازمان
مسلم خوش‌بیان
ناشر: شرکت تعاونی سازمان معین ادارات
چاپ دوم: ۱۳۹۸
۱۶۹ص ـ ۳۸۵۰۰ تومان

مؤلف در نوشتار حاضر، در چهار فصل، به بررسی افکار عمومی در سازمان پرداخته است: فصل اول: افکار عمومی (مشتمل بر سه گفتار: افکار عمومی چیست، چگونگی شکل‌گیری افکار عمومی، ریشه‌های افکار عمومی)، فصل دوم: رسانه‌ها و افکار عمومی (مشتمل بر سه گفتار: شناخت وسایل ارتباط جمعی، روشهای سنجش افکار عمومی، وظایف رسانه‌ها و شیوه‌های رایج در جهت‌دهی به افکار عمومی)، فصل سوم: سازمان و افکار عمومی (شامل پنج گفتار: سازمان چیست، افکار عمومی در سازمان، اثرات افکار عمومی در سازمان، نقش افکار عمومی در بهره‌وری سازمان، عوامل مؤثر در تبدیل افکار عمومی در سازمان به اقدام یا کنش)، فصل چهارم: نقش روابط عمومی در سازمان (حاوی سه گفتار: جایگاه روابط عمومی در سازمان، نقش مدیریت روابط عمومی، روابط عمومی و نقش آن در ایجاد افکار عمومی).

در مقدمه این کتاب آمده است: «افکار عمومی در سازمان چیزی جز صدای کارکنان نیست و این صدا همیشه و در همه جا به شیوه‌ها و فرصت‌های مختلف در گوش‌های کم و بیش شنوای مدیران سازمانها طنین افکنده و توجه خواسته و ناخواسته، ارادی و غیرارادی آنانی را که مخاطب قرار داده، به خود مشغول داشته است. با گسترش رسانه‌های خبری، پدیده‌های روانی‌ـ اجتماعی مربوط به افکار عمومی نیز هر روز گسترش و اهمیت بیشتری می‌یابد و به‌طوری که نزدیکی و پیوند علوم مختلف را به همراه دارد و توجه محققین و پژوهشگران بیشتری به این نکته جلب می‌گردد و این سؤال را پیش می‌آورد که راز موفقیت حکومت‌ها، جوامع، سازمان‌ها و افراد در چیست؟»



منش و سلوک شهید والامقام در کلام وحی
اصغر توکلی
نشر جمال، قم
چاپ اول: ۱۳۹۷
۲۶۸ص ـ ۲۸ هزار تومان

همان‌طور که قرآن نور و استوارترین هدایتگر سعادت بشریت می‌باشد، اگر خواهان سعادت و تقرب به پروردگار باشیم تا در مقام حقیقی قرار گیریم، با سرلوحه قرار دادن مسیر حیات شهدا که همان تمکین بی‌قید و شرط به منشور مرامنامه الهی و سنت می‌باشد، آن موقع می‌توانیم ادعا کنیم که در هر زمان و مکان و مقام ادامه‌دهنده سیرت تعالی و تزکیه شهدا هستیم، حتی با جلوگیری از ریخته شدن یک قطره خون.

کتاب حاضر با عنایت به آیات قرآن کریم، به طریقت و منزلت و مقام شهید والامقام، در ۴۱ موضوع پرداخته است که عناوین آنها بدین ترتیب است: مرامنامه زلال هدایت شهید، اساس ولایت‌پذیری شهید، ایمان شهید به جهان آخرت، تعیین شهید به جایگاه احکام خود در جهان ابدی، مؤلفه‌های شهید در شکیبایی مشقت‌های دنیوی، نحوه خودسازی و همبستگی اجتماعی شهید، شهید و معرفت الله، معرفت شهید به پیامبر اسلام(ص)، حق‌الیقین شهید در زنده بودنش، معاش شهید در دنیای فانی، اهتمام شهید به وجوب احکام الهی، شهید و مراتب حقیقی بودنش، شهید و تمناهایش با پروردگار عالم، شهید و امانتداری، فرجام حسنات شهید، هادی اصلی شهید و...

نیازمندیهای اطلاعات

نیازمندیها تلفنی آگهی می‌پذیرد ۲۲۲۲۵۳۳۳-۰۲۱
شماره نمابر نیازمندیها ۲۲۲۲۴۸۸۶-۲۲۲۲۴۹۶۳

پیامهای شخصی کد ۱۷۰۰

پیامهای شخصی ۲۰ — گمشده

سند کمپانی سواری پژو ۴۰۵ GLX-XU7 مدل ۱۳۹۴ رنگ نقره‌ای متالیک موتور ۱۲۴K0۷۶۷۰۴۵ شاسی NAAM01CE5FK511336 پلاک ۹۹-۳۸۸ی۳۹ به مالکیت افشین جوهری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

برگ سبز (شناسنامه) کامیون جرثقیلدار سیستم بنز مدل ۱۹۶۳ به شماره انتظامی ۲۷۳ع۳۲-ایران ۷۳ به شماره موتور ۱۲۱۱۷۰ به شماره شاسی ۱۰۰۰۰۳۸۳ به نام رحیمه قوام مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (شیراز)

برگ سبز (شناسنامه) خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۶ به شماره انتظامی ۶۸۷س۷۶-ایران ۶۳ به شماره موتور ۱۹۳۶۹۵۴ به شماره شاسی S1482286204891 به نام عفت شناور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (شیراز)

برگه کمپانی خودرو مزدا N3 رنگ سفید مدل ۱۳۹۷ به شماره شاسی NAGS7CC26JC624494 موتور LF11604232 پلاک ۲۸۸ی۷۴ ایران ۴۴ به نام آقای صادق عابدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگه سبز) کامیون ایسوزو به شماره موتور ۷۹۶۷۸۸ شاسی NAG089NPRF20915 پلاک ۲۴۹ع۷۳ ایران ۷۸ مفقود و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو پژو ۲۰۷i مدل ۱۳۹۷ به ش شاسی NAAR03FE8JJ625004 و ش پلاک ایران ۱۰-۹۳۸ و ۵۸ به نام علی رستمی مفقود و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی کامیون کمپرسی D270 به شماره شاسی NADX2CA34GH60604۷ و شماره موتور *87142895*ISDE270۳0 به نام هومن خانی میانکوه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پلاک یک دستگاه خودروی سواری هاچ‌بک سیستم کیا تیپ ریو مدل ۲۰۱۶ به رنگ قرمز به شماره موتور: G4FAFS879757 و شماره شاسی KNADN512IG6772477 به شماره پلاک ۵۸۸۸۱ به نام غلامحسین بندری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی یک دستگاه سواری پژو ۴۰۵ به رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۹۴ ایران ۱۴۶ج۶۵ به شماره موتور ۱۲۴K0186888 به شماره شاسی NAAM01CA1DH403874 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. لنگرود

برگ سبز، کارت و پلاک سواری پراید جی‌تی‌ایکس آی سفید روغنی مدل ۱۳۸۷ شماره پلاک ۵۹-۴۱۸ج۷۴ شماره موتور ۲۴۳۳۷۰۸ شماره شاسی S1412287766295 مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

مفقودی پروانه حمل سلاح شکاری

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند مجوز حمل سلاح شکاری تک لول ساچمه‌زنی کالیبر ۱۲ شماره ۲۰۴۴۰۰ مدل نیمه‌خودکار ساخت ترکیه شماره سریال ۱۶۶۸۸۹۱ مربوط به آقای علی‌اصغر مرزبان دشت احمدی فرزند عباس مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

(فسا)

برگ سبز سواری پژو تیپ آردی‌آی ۱۶۰۰ رنگ یشمی روغنی مدل ۱۳۸۵ سوخت بنزین شماره شاسی ۲۳۴۲۳۵۲۶ و شماره موتور ۱۱۷۸۵۰۲۹۲۰۰ به شماره انتظامی ۲۳ـ۷۴۸و۱۶ به نام فاطمه دربالایی فرزند هیبت‌الله دارای کد ملی ۱۱۵۹۲۵۷۵۲۳ ساکن فریدونشهر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فریدونشهر

اصل سند کمپانی پراید مدل ۸۲ رنگ شیری پلاک ۷۵-۸۱۸ص۶۵ موتور ۰۰۵۹۵۵۹۱ شاسی S1412282148387 مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی-برگ سبز پراید مدل ۱۳۸۳ پلاک ۷۹-۶۱۸ب۵۸ موتور ۰۰۸۹۳۰۰۷ شاسی S1412283283440 مفقود و اعتبار ندارد.

سند، شناسنامه و کارت و بیمه‌نامه ثالث و بدنه خودرو سواری پراید ۱۳۲ مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی شماره پلاک ۸۴-۲۶۲د۶۸ شماره موتور ۴۴۲۴۴۳۱ و شماره شاسی S1422290311277 به نام غلام توانا درگیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشند. (بندرعباس)

سند مالکیت و سند کمپانی ساتنافه ۲۰۱۵ مشکی پلاک ۱۷د۵۳ ایران ۳۳ موتور EU506425 شاسی FU423333 مفقود شده و فاقد اعتبار می‌باشد.

شناسنامه مالکیت خودرو تندر ۹۰ به شماره پلاک ۵۸۴ن۸۳ ایران ۹۹ و به شماره موتور W140105 و شماره شاسی NAPLSRALDD1199244 به نام قادر آقاویردی‌زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت خودرو وانت پیکان به شماره پلاک ۱۷۵ق۵۱ ایران ۹۱ به شماره موتور ۱۱۴۸۹۰۱۴۱۴۰ و شماره شاسی NAAA46AA0AG115708 به نام خلیل آقاویردی‌زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و کارت سوخت جک سواری هاچ‌بک S5 مدل ۹۶ پلاک ۱۰-۳۳۶ط۷۳ شاسی NAKSH7320HB142769 موتور HFC4GA31DH0008578 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (اراک)

پلاک خودرو نیسان سایپا مدل ۱۳۹۸ به شماره پلاک ۸۶۶ج۳۲ ایران ۷۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (قزوین)

برگ سبز پراید مدل ۱۳۸۳ به شماره موتور ۰۱۰۴۵۷۹ و شماره شاسی S1412283417048 مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (ساری)

برگ سبز یک دستگاه خودروی سواری سایپا تیپ SE131 به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره موتور ۵۳۴۵۱۳۸ و شماره شاسی NAS412100F3372287 و شماره پلاک: ۳۴-۷۹۸ق۲۷ به نام حسن عباس نصاری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. آبادان

کارت هوشمند کامیون کمپرسی اکسور مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ۷۲-۹۸۳ع۴۲ و شماره هوشمند ۱۹۳۲۹۰۷ متعلق به ام‌البنین محمودی به شماره ملی ۲۱۳۰۲۰۵۵۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (آمل)

سند کمپانی سواری ام‌وی‌ام تیپ ۵۳۰ مدل ۱۳۹۱ به شماره‌های پلاک ۱۹-۷۳۸ط۳۳ موتور MVM484FFFA014743 شاسی NATGLAVFXA1015004 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (آمل)

مدرک موقت فارغ‌التحصیلی اینجانب عزت‌اله شیرزادگان فرزند فتح‌اله به شماره شناسنامه ۶۶۰۲ صادره از بابل مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته تکنولوژی عمران ـ آب و فاضلاب صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی قائم‌شهر با شماره ۵۷۲۵۲ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک تحصیلی را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم‌شهر به نشانی قائم‌شهر: جاده نظامی دانشگاه آزاد اسلامی قائم‌شهر ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب زهرا سادات هاشمی فرزند سیدعباس به شماره شناسنامه ۳۲۴۱۴۱۳۶۷۵ صادره از کرمانشاه در مقطع کاردانی پیوسته رشته حسابداری صادره از واحد دانشگاهی آزاد کرمانشاه مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه به نشانی شهرک متخصصین ارسال نماید.

اینجانب دکتر فریدون لطیفی مؤسس و مسئول فنی مرکز سوءمصرف مواد آسایش بدینوسیله اظهار می‌دارم پروانه بهره‌برداری مرکز به شماره ۸/۲۳۵۴/۶۸۴۲/س مورخه ۱۳۸۹/۲/۵ و پروانه مسئول فنی به شماره ۲۱۰۹۷۲۸ مورخه ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مفقود گردیده است و از درجه اعتبار ساقط است از یابنده تقاضا می‌شود آن را به دانشگاه علوم پزشکی البرز تحویل نماید.

آگهی مفقودی
برگ سبز و سند قطعی خودروی سواری پژو ۴۰۵ تیپ جی‌ال‌ایکس‌آی مدل ۱۳۸۶ رنگ خاکستری متالیک شماره موتور ۱۲۴۸۶۲۰۱۶۶۳ و شماره شاسی ۴۰۳۹۹۲۰۰ به نام اکبر ورمه‌زیاری مفقود شده از درجه اعتبار ساقط است.
هادی‌شهر

برگ سبز سواری پژو ۲۰۶ آریان مدل ۱۳۸۶ شکلاتی متالیک شماره پلاک ۶۹-۵۲۳م۵۶ شماره موتور ۱۳۳۸۶۰۰۰۷۵۷ شماره شاسی ۱۸۹۱۵۵۰۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. گرگان

برگ سبز موتورسیکلت پرند مدل ۸۷ رنگ قرمز پلاک ۸۱۴-۷۹۸۱۸ شماره موتور ۱۲۱۱۹۰۱۰ شماره تنه NB3125P871831 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب حمیدرضا صدری مالک خودرو پژو ۲۰۶ شماره انتظامی ۵۲۵ل۵۱ ایران ۱۹ با شماره بدنه NAAP13FE0BJ458854 شماره موتور ۱۵۰۹۰۰۱۴۶۴۱ مدل ۱۳۹۰ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است، لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز از نشر آگهی به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. همچنین شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و اسناد محضری آن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب روژین کیانی‌خواه فرزند هرمز به شماره شناسنامه ۳۲۴۰۳۳۸۷۲۶ صادره از کرمانشاه در مقطع کارشناسی پیوسته رشته مهندسی معماری (گواهینامه موقت پایان تحصیلات) به شماره ۹۵/۱۰/۱۴-۱۳/۲۰/۲/۲۴۶۹۳ صادره از واحد دانشگاهی کلیبر مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی کلیبر به نشانی آذربایجان‌شرقی-تبریز دانشگاه آزاد اسلامی واحد کلیبر ارسال نماید.

شناسنامه امیرحسین نوحه‌خوان قوچان عتیق به کدملی ۰۸۶۰۳۴۸۲۹۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت ملی خانم ساجده مهدی طیبی به کدملی ۰۰۱۸۳۷۴۶۱۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند (برگ سبز) و پلاک خودرو نوع: سواری سیستم: پژو رنگ: نقره‌ای متالیک مدل: ۱۳۹۳ شماره موتور: ۱۲۴k0365126 شماره شاسی NAAM01CAXER025937 شماره پلاک: ۹۵-۳۲۵س۲۲ به نام محمدرضا محمدی بخشانی کدملی ۳۷۰۰۱۷۱۵۳۵۱ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. شریف شهرکی-سوران

کارت خودرو سواری هاچ‌بک جک AT-S5 رنگ ۱۳۹۶ مدل سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۶-۱۲۵ل۲۷ و شماره موتور HFC4GA31DH0010753 و شماره شاسی NAKSH7325HB145781 به ...

برگ سبز سمند مدل ۸۸ به شماره پلاک ۶۲-۷۳۴ج۷۱ و شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۶۱۷۹۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است. (ساری)

برگ سبز سواری ساینا مدل ۱۳۹۸ پلاک ۷۳۴ل۵۷ ایران ۲۰ موتور M15/8810287 شاسی NAS831100K5840665 مفقود و فاقد اعتبار است.

اصل سند کمپانی کامیون کمپرسی ولوو ان ۱۰ مدل ۱۹۸۲ شماره انتظامی ۱۶۹ع۶۴ ایران ۹۱ شماره موتور ۲۷۰۶۶۳ شماره شاسی ۰۳۵۸۸۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اردبیل

برگ سبز وانت پیکان مدل ۱۳۸۴ به رنگ سفید روغنی به شماره شهربانی ۷۳ ایران ۲۱۲ق۵۳ به شماره موتور ۱۱۲۸۴۰۶۴۹۷۲ و شماره شاسی ۰۱۲۱۴۳۹۶ به نام صادق وفاخواه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی-آباده

(نوبت دوم)
اصل پروانه بهره‌برداری المثنی واحد تولیدی یخ‌سازی زاهدان واقع در بلوار فاضلی- انتهای فاضلی ۱۶- به شماره پروانه ۸۴/۳/۹-۱۱۴/۴۹۷۴ تاریخ بهره‌برداری ۱۳۶۸/۱۲/۲۰ به نام حبیب خدادادی بجستان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. زاهدان

کارت پژو ۲۰۶ مدل ۸۸ قرمز متالیک شماره شهربانی ۵۶۵ب۳۵ ایران ۹۹ و شماره موتور ۱۴۱۸۸۰۳۷۳۷۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ کارخانه سواری پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس‌آی ۱/۸ مدل ۱۳۸۴ ش موتور ۱۲۴۸۴۱۸۹۳۸۰ ش شاسی ۱۴۲۷۱۲۰۰ پلاک ایران ۶۵-۲۹۶ط۵۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. زرند کرمان

برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۸ پلاک ۶۴-۳۲۸ل۱۸ شماره موتور ۳۰۴۹۸۳۱ شماره شاسی ۱۴۲۲۲۸۸۰۹۷۵۶۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. مهریز

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پیکان رنگ سفید روغنی مدل ۸۳ شماره پلاک ۵۳ ایران ۷۲۱ط۲۳ شماره موتور ۱۱۲۸۳۰۳۷۳۱۴ شماره شاسی ۸۳۵۰۶۸۱۶ بنام عبداله ذهبی عمروآبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک فارغ‌التحصیلی گواهینامه موقت به شماره ۰۰۹۷۵/ف مورخ ۷۷/۲/۲ اینجانب بهنام حامدی فرزند احمد به شماره شناسنامه ۵۵۵ صادره از تهران در مقطع کارشناسی حسابداری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان مفقود گردیده است یابنده اصل مدرک را به آدرس سمنان کیلومتر ۵ جاده دامغان دانشگاه آزاد اسلامی سمنان ارسال نمایند.

... شماره دانشجویی ۷۲۸۴۲۲۱۰۳۵۷ از دانشگاه آزاد اسلامی واحد آبادان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. آبادان

... به نام سحر قنبرزاده باورصاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. کرمان

... شاسی ۳۷۹۱۱۷۸۳۰۰۲۸۲۰ به نام آرمان افشارمنش مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. کرمان

ادامه در صفحه ۷

اطلاعات — مشخصات و شماره تلفن‌های نمایندگی‌های اطلاعات در آذربایجان شرقی

ردیف	نام و نام خانوادگی	کد	شماره تلفن نمایندگی	شماره تلفن همراه	شهرستان
۱	کمال‌الدین نیکرفتار خیابانی	۰۴۱	۳۵۵۵۲۵۹۰ فاکس ۳۵۵۶۳۱۴۱	۰۹۱۴۵۹۱۶۶۶۵	تبریز
۲	محمدحسین صفرعلیزاده	۰۴۱	۳۴۲۲۰۸۳۷	۰۹۱۴۱۱۹۷۲۱۰	آذرشهر
۳	ابوالفضل عمراهی	۰۴۱	۴۴۲۲۶۰۰۰	۰۹۱۴۱۲۸۹۸۸۳	اهر
۴	حسین مقدم	۰۴۱	۳۳۲۲۳۹۹۱	۰۹۱۴۴۱۲۱۰۵۵	اسکو
۵	فرید ویرانی	۰۴۱	۳۳۴۱۲۸۸۴	۰۹۱۴۳۱۷۱۹۸۸	ایلخچی
۶	مجید دوشابچی	۰۴۱	۳۶۳۴۳۳۶۰	۰۹۱۴۹۱۴۱۱۹۲	باسمنج
۷	بهرام بهبودی	۰۴۱	۴۳۳۳۴۴۹۹	۰۹۱۴۴۳۱۰۹۱۰	بستان‌آباد
۸	جاوید بنابیان	۰۴۱	۳۷۷۷۳۵۵۵۲	۰۹۱۴۹۲۱۰۵۳۴	بناب
۹	علیرضا خوش‌نیت	۰۴۱	۴۲۵۷۲۵۱۵	۰۹۱۴۱۷۰۰۸۰۲	تسوج
۱۰	محسن نجاری	۰۴۱	-----	۰۹۱۴۴۳۱۵۶۵۱	تیکمه‌داش
۱۱	ابوالفضل یونسی	۰۴۱	۴۲۰۲۶۸۴۰	۰۹۱۴۸۹۵۲۵۴۴	جلفا
۱۲	ایاتعلی شیخی	۰۴۱	۵۲۷۲۲۶۸۳	۰۹۱۴۳۲۴۰۲۴۳	چاراویماق
۱۳	عباس جیران‌پور	۰۴۱	۴۲۴۶۲۲۷۰	۰۹۱۴۴۷۱۰۴۷۴	خامنه
۱۴	میراسداله حسینی	۰۴۱	۳۲۴۴۴۴۰۰	۰۹۱۴۱۰۱۷۳۴۷	خسروشاه
۱۵	صابر حیدرپور	۰۴۱	۴۳۲۲۳۱۶۳	۰۹۱۴۳۳۱۴۳۸۳	سراب
۱۶	بهروز کرباسی	۰۴۱	۳۴۲۰۱۱۰۰	۰۹۱۴۹۱۵۱۱۲۵	سردرود
۱۷	احمد بادامچی	۰۴۱	۴۲۴۲۷۲۴۴	۰۹۱۴۹۷۱۳۰۰۹	شبستر
۱۸	جعفر صوفی‌زاده	۰۴۱	۴۲۵۲۰۶۷۲	۰۹۱۴۳۰۱۳۸۷۸	صوفیان
۱۹	عنایت‌اله قاضی	۰۴۱	۳۷۶۲۲۲۳۰	۰۹۱۴۴۲۰۲۵۶۷	عجب‌شیر
۲۰	موسی‌الرضا موسوی	۰۴۱	۴۲۱۴۰۵۹۰	۰۹۳۶۹۶۲۲۰۴۲	کشکسرای
۲۱	سهیل رستم‌زاده	۰۴۱	۴۴۴۴۲۶۶۰	۰۹۱۴۳۲۶۱۱۳۵	کلیبر
۲۲	بهروز نجفقلی‌دوست	۰۴۱	۳۳۲۵۳۱۰۲	۰۹۱۴۱۲۱۲۶۰۲	مراغه
۲۳	محسن اسماعیل‌پور	۰۴۱	۴۲۲۳۴۹۱۷	۰۹۱۴۳۹۱۲۵۵۰	مرند
۲۴	داریوش عینالو	۰۴۱	۳۷۸۲۷۶۲۹	۰۹۱۴۸۷۶۵۷۴۰	ملکان
۲۵	سیفعلی بابارحیمی	۰۴۱	۳۴۳۲۳۷۵۷	۰۹۱۹۵۶۴۸۱۰۰	ممقان
۲۶	قاسم وفادار	۰۴۱	-----	۰۹۱۴۳۱۹۴۸۰۶	مهربان
۲۷	دارا فاتحی	۰۴۱	۵۲۲۲۳۴۳۰	۰۹۱۴۴۲۳۵۴۷۵	میانه
۲۸	حسینقلی مسعودزاده	۰۴۱	۴۲۴۷۳۰۲۸	۰۹۱۴۹۷۱۳۷۹۸	وایقان
۲۹	وحید اقدامی	۰۴۱	۴۲۰۴۰۸۹۵	۰۹۱۴۴۹۲۴۲۶۵	هادیشهر
۳۰	مهدی دعاگوئی	۰۴۱	۴۳۴۳۵۵۵۵	۰۹۱۴۴۳۲۱۶۵۵	هریس
۳۱	مرتضی محمدی	۰۴۱	۵۲۶۲۲۸۳۶	۰۹۱۴۴۰۳۸۶۸۰	هشترود
۳۲	معصومه علی‌وند	۰۴۱	۴۴۴۴۱۰۲۰	۰۹۱۴۷۵۶۴۰۸۰	خداآفرین

افزایش بی‌رویه دانشگاه‌ها و افزایش ۳۰برابری دانشجویان در بعد از انقلاب، تطابق دانشگاه‌ها با استانداردهای بین‌المللی، دلایل شیوع کمی‌گرایی، مدرک‌گرایی، مدرک‌سازی و مدرک‌فروشی در نظام آموزشی و اثرات سهمیه‌ها درکاهش کیفی آموزش در گفتگوی اطلاعات با دکتر امیرحسین ضیایی از کارشناسان باتجربه آموزش کشور و معاون اسبق آموزش وزارت بهداشت و معاون سابق آموزشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

***

دکتر امیرحسین ضیایی کارشناس آموزش عالی در گفتگو با «اطلاعات»:

تأسیس ۲۵۰۰ دانشگاه نشانهٔ یک بیماری در آموزش عالی است

بخش اول

حسین آقایی



عکس از: محمد نجفی

*** تعداد دانشگاه ارتباط مستقیمی با وضعیت کشورها از نظر علمی و رفاه اجتماعی ندارد بنابراین صرف داشتن ۲۵۰۰ دانشگاه برای ما یک افتخار نیست**

*** موضوع آموزش عالی نیازمند برنامه‌ریزی توسط کسانی است که در این زمینه درس خوانده و کار کرده‌اند، نباید ما سندهای فضایی بنویسیم که نتوانیم آنها را عملیاتی کنیم، نباید از دنیا دور باشیم و خودمان را ایزوله کنیم، باید همه جوانب کشور را ببینیم و یک نقشه توسعه فناوری و علم بومی داشته باشیم و همه هم موظف به دنبال کردن آن باشند**

*** زمانی دانشگاه مایه افتخار است که دانش آموختگانی داشته باشیم که بتوانند نیازهای کشور را تأمین و ظرفیت علمی کشور را بالا ببرند و در افزایش ثروت، رفاه و قدرت کشور مشارکت مؤثر داشته باشند**

*** وضع ما در شاخص‌های کلان آموزشی از نظر نسبت استاد به دانشجو، میزان فضاهای آموزشی، امکانات نرم‌افزاری در دانشگاه پایین است، ما به شدت ظرفیت‌ها را افزایش داده‌ایم، اما امکانات را نه، ما روی محلی اسم دانشگاه گذاشته‌ایم اما نتوانسته‌ایم به اندازه یک دبیرستان برای آن امکانات آموزشی تهیه کنیم**

*** خیلی از دانشگاه‌های ما دانشگاه نیستند، بلکه فقط اسم دانشگاه را یدک می‌کشند و کیلومترها با استانداردهای آموزش عالی در دنیا فاصله دارند**

*** متأسفانه مسائل غیر علمی و غیر مرتبط در دادن امتیاز تأسیس دانشگاه و مسائل منطقه‌ای، نظرات نمایندگان مجلس و بعضی از فشارهای غیرعلمی برگسترش دانشگاه تاثیر دارند**

*** ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که با یک قیام و قعود ظرفیت دانشگاه‌ها را این قدر افزایش دهیم، این حتماً جواب نمی‌دهد، مشکل اصلی اینجاست که دچار کمی‌گرایی شده‌ایم و کمتر به کیفیت نگاه کرده‌ایم**

اطلاعات:طبق آمار وزارت علوم، تعداد دانشگاه‌های کشور در سال ۵۷ حدود ۲۶ دانشگاه و تعدادی مؤسسه آموزش عالی بود که بسیاری از آنها در تهران مستقر بودند. سال ۵۸ وزارت فرهنگ و آموزش عالی پیشنهاد ادغام ۵۳ واحد آموزش عالی مستقر در تهران را داد و از تصویب شورای انقلاب گذشت (روزنامه اطلاعات ۱۳۹۸/۸/۱۴). امروزه تعداد دانشگاه‌ها به بیش از ۲۵۰۰ دانشگاه و شمار دانشجویان هم از ۱۵۰ هزار نفر به بیش از ۴میلیون نفر رسیده است. به نظر شما چه تعداد از این دانشگاه‌ها در تعریف «استاندارد» یک دانشگاه می‌گنجند؟ چه دلایلی باعث شده تا دانشگاه به صورت یک بنگاه تجاری صرف درآید و اکنون باید چه کنیم؟

دکتر ضیایی:اگر نسبت جمعیت کشور به دانشگاه را در ۱۰کشور اول جهان ببینید، نخست کشور هند قرار می‌گیرد و سپس برخی کشورهای غیر توسعه یافته و حتی یکی دو کشور توسعه یافته. اگر این نسبت را عوض کنیم و نسبت جمعیت به دانشگاه‌ها را به دانشگاه‌های مادر تقسیم کنیم، آن وقت رنکینگ فرق می‌کند و فقط کشورهای توسعه یافته مقام اول را دارند. یعنی تعداد دانشگاه، ارتباطی مستقیمی با وضعیت کشورها از نظر علمی ورفاه اجتماعی ندارد و بنابراین صرف یک عددی مثل ۲۵۰۰ دانشگاه برای ما افتخار نیست.

ما زمانی به انبوه‌سازی آموزش عالی نیاز داشتیم و آن زمانی بود که فاصله بین نیاز به دانش‌آموختگان و نیاز کشور بسیار زیاد بود ولی مشکل ما افراط و تفریط است. ما دانشگاه ایجاد کردیم، اما نظارت لازم را اعمال نکردیم؛ اعتبار بخشی کردیم ولی لغو اعتبار در زمان لازم نکردیم و این یعنی توسعه غیرهدفمند و غیر هوشمند. در نتیجه خیلی از این‌ها که امروز داریم دانشگاه نیستند و فقط اسم دانشگاه را یدک می‌کشند و کیلومترها با استانداردهای آموزش عالی در دنیا فاصله دارند.

بنابراین اگر بخواهم یک پاسخ به شما بدهم که آیا این تعداد دانشگاه خوب است یا نه؟ می‌گویم خوب نیست و نشان‌دهنده یک بیماری است. این‌که ما نمی‌توانیم به‌راحتی دانشگاه‌ها و مراکز بی‌کیفیت را تعطیل کنیم هم قطعاً خوب نیست.

ما برای رفع این مشکل نیازمند یک عزم ملی هستیم. متأسفانه مسائل غیرعلمی و غیر مرتبط با دانشگاه در دادن امتیاز تأسیس دانشگاه تأثیر گذارند. متأسفانه خیلی از مسائل درکشور ما در چارچوب علمی خود قرار ندارند و مسائل منطقه‌ای، نظرات نمایندگان و بعضی فشارهای غیرعلمی در افزایش تعداد دانشگاه مؤثرند. ما باید در بالاترین سطح سیاستگذاری مثل شورای انقلاب فرهنگی و مجلس به این باور برسیم که تعداد زیاد دانشگاه برای ما افتخار نیست؛ زمانی دانشگاه مایه افتخار است که دانش‌آموختگانی داشته باشیم که بتوانند نیازهای کشور را تأمین و ظرفیت علمی کشور را بالا ببرند و در افزایش ثروت، رفاه و قدرت کشور مشارکت مؤثر داشته باشند اما تعداد مؤسسات زیاد آموزش عالی هیچ‌وقت مایه افتخار نیست.

اطلاعات: چقدر تجاری شدن صرف دانشگاه‌ها در افزایش تعداد دانشگاه‌ها نقش داشته است؟

دکتر ضیایی: اساساً یک پایه اداره بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان تجاری‌شدن آموزش است و در بعضی از کشورهای توسعه یافته، بخش مهمی از درآمد کشور از محل آموزش عالی است. پس این چیز بدی نیست؛ اتفاقاً اگر شما چیزی را تجاری‌سازی می‌کنید، می‌خواهید برای آن بازار پیدا کنید و رقابت ایجاد می‌کنید؛ به‌ویژه اگر بازار خارجی باشد. شما باید استاندارد بین‌المللی پیدا کنید و این باعث ارتقاء استاندارد و ارتقاء کیفیت می‌شود. شوربختانه ما تجاری‌سازی را هم خوب نفهمیده‌ایم. اگراز این ۲۵۰۰ دانشگاه که در کشور وجود دارند، تعداد قابل توجهی می‌توانستند محصول بین‌المللی ایجاد و آن را عرضه کنند، اتفاق خوبی بود، اما در تجاری‌سازی هم خوب عمل نکردیم و دانشگاه‌هایمان را بین‌المللی نکردیم. در حال حاضر ما دانشجوی بین‌المللی واقعی و دانشجویی که از خارج بیاید و به ما شهریه بدهد، خیلی نداریم؛ البته حرکت‌هایی ایجاد شده که با موانع زیادی مواجهند.

اطلاعات: یکی از مشکلات نظام آموزش عالی این است که ارتباطی بین آموزش در مدارس با آموزش عالی وجود ندارد یا به عبارت دیگر آموزش عالی ادامه دهنده آموزش و پرورش نیست و از طرف دیگر کمّی‌گرایی، مدرک‌گرایی، مدرک‌سازی، مدرک‌فروشی و تحمیل فشار از نهادهای بیرون دانشگاه باعث فشار بیش از حد بر دانشگاهیان شده است.

بفرمایید این آشفتگی علمی برخاسته از آشفتگی نظریه است یا نداشتن الگو مشکل نظام آموزشی است؟

دکتر ضیایی:این‌که آموزش عالی ما ادامه دهنده آموزش و پرورش، نیست کاملاً درست است زیرا اولاً این دو نهاد از هم جدا هم هستند و ثانیاً در کشور یک الگوی متمرکز و یک سند که صفر تا صد آموزش را در بر بگیرد، وجود ندارد؛ آن هم در حالی که نهادهای بالادستی خوبی داریم که این سند را تدوین و بر اجرای آن نظارت کنند و آموزش را در کشور جهت دهند. نهادی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند در این زمینه نقش مهمی داشته باشد. باید سند آموزش متوسطه در آموزش و پرورش و یک سند هم در آموزش عالی وجود داشته باشد تا این دو ادامه دهنده هم باشند، اما متأسفانه این اتفاق نیفتاده و به همین دلیل دوران متوسطه و قبل ازآن به کار آموزش عالی نمی‌آید؛ در حالی که می‌تواند خیلی مؤثر باشد. البته ممکن است نقشه جامع علمی کشور بتواند این پیوستگی را ایجاد کند ولی باید این بخش به آن اضافه شود.

در خیلی از کشورها آموزش پیش دبستانی و دبستان را محدود می‌کنند که فرد محیطش را بشناسد و با محیط رابطه برقرار کند تا بتواند نیازهای اولیه خودش را برطرف کند و شهروند خوبی باشد. ما هم اگر بخواهیم آموزش شهروندی مطلوب را در کشور خودمان جا بیندازیم، باید از این دوره شروع کنیم. محور آموزش متوسطه هم معمولاً این است که فرد بتواند سؤال درست مطرح و پاسخ مناسب با آن را پیدا کند و از طرف دیگر بتواند استعدادهای خود را شناسایی کند تا در پایان دوره متوسطه تصمیم بگیرد که وارد صنعت یا خدمات یا آموزش عالی شود و تشخیص بدهد که دوره کارشناسی برود یا یک صنعت یا حرفه بیاموزد. متأسفانه این موارد در آموزش و پرورش ما جایی ندارند و آموزش عالی هم خودش دچار مشکل است. اگرچه ما در ۱۰ سال گذشته روی برنامه‌های آموزشی کار کرده‌ایم ولی الگوی فناوری و توسعه در کشور ما حتی در اندازه حداقل هم عملیاتی نشده است. آموزش عالی وقتی مؤثر است که اثر خود را ظرف هفت یا هشت سال در تولید ناخالص داخلی کشور نشان دهد یعنی اگر ما دانش و دانش‌آموخته تربیت می‌کنیم، باید بتواند قدرت و ثروت کشور را افزایش بدهد.

اطلاعات: دلیل این همه به هم ریختگی در نظام آموزش ما چیست؟ نداشتن الگو یا نداشتن نظریه ؟

دکتر ضیایی:موضوع توسعه آموزش عالی نیازمند برنامه‌ریزی توسط کسانی است که در این زمینه درس خوانده و کار کرده‌اند. ما نباید سندهای فضایی بنویسیم که نتوانیم آنها را عملیاتی کنیم. نباید از دنیا دور باشیم و خودمان را ایزوله کنیم. باید همه جوانب کشور از منابع، مزایا، نیروهای انسانی، فرصت‌ها و تهدیدات را ببینیم و یک نقشه توسعه فناوری و علم بومی داشته باشیم و همه هم موظف باشیم آن را دنبال کنیم. مسائل جناحی، منطقه‌ای و دولت‌ها نباید روی این مسائل تأثیرگذار باشند چون این آینده کشور است. چین اگر به صورت امروز درآمده است برای این است که یک الگوی درست توسعه فناوری و علم را با قوت و جدیت اجرا کرد و در عرض ۳۰ سال توانست خودش را به کشور درجه یک و اقتصاد اول دنیا تبدیل کند؛ برای این که تمرکزش روی علم بود. علم را باید ارزش بدانیم؛ همانطور که در دین ما بدان بسیار توجه شده. قدر عالم را بدانیم و مسائل کشور را با علم حل کنیم چنان‌که در بعضی از حوزه‌ها چنین کرده‌ایم و نتایج بسیار خوبی هم گرفته‌ایم.

اطلاعات: یکی از چالش‌های مهم آموزش عالی مسأله شاخص اعتماد مردم به دانشگاه‌ها است؛ طوری که معاون فرهنگی سابق وزارت علوم گفته است شاخص اعتماد مردم به دانشگاه از ۷۲ درصد در سال ۷۹ به کمتر از ۴۵ درصد در سال ۹۴ رسیده است که این رقم در سال‌های اخیر ضریب کاهشی بیشتر هم داشته است و یکی از دلایل آن افزایش صندلی‌های خالی در دانشگاه‌ها است؛ طوری که هم‌اکنون در برخی رشته‌ها نیمی از ظرفیت صندلی دانشگاه‌ها خالی مانده است. بفرمایید برای حل این مشکل چه باید کرد؟

دکتر ضیایی:اعتماد به دانشگاه باید از داخل خود دانشگاه شکل بگیرد. ما سرمایه قدیمی اعتماد به دانش را داشتیم و مردم به دانشگاه به عنوان نهاد سرآمد و حل کننده مسائل جامعه نگاه می‌کردند، ولی در طی زمان از سرمایه‌های اجتماعی ما و از جمله اعتماد به نهاد دانشگاه کاسته شد. بنابراین دانشگاه باید اول از داخل درست شود و بعد رسانه‌ها و صداوسیما تصویر درست را از دانشگاه ایجاد کنند. اگر ما در داخل دانشگاه در پیشرفت علمی دچار اعوجاج نشویم و ارزش‌ها را درست تعریف و پیگیری کنیم، طبیعی است که بر بیرون دانشگاه هم اثر می گذارد. ساحت علم به‌ویژه در دانشگاه‌ها باید بیش از جاهای دیگر مورد احترام باشد. اگر خود نهاد دانشگاه به ساحت علم توجه نکند، طبیعی است که جامعه هم به آن بی‌اعتنا خواهد شد. شما نگاه کنید که در بالاترین سطوح کشور چقدر به علم احترام می‌گذارند. مقام معظم رهبری در بیشتر سخنان خود، مسأله علم و پیشرفت علمی، احترام به علم و عالم را مطرح می‌کنند و بقیه هم باید همین روش را سرلوحه کار خود قرار دهند و نهادهای رسمی و صاحب تریبون هم باید به علم احترام بگذارند.

اما در مورد صندلی‌های خالی من فکر می‌کنم نتیجه توسعه غیرهدفمند آموزش عالی است و این مسأله به‌شدت ما را دچار مشکل کرده است. البته در آموزش عالی و در بخش سلامت، وزارت بهداشت تا حد زیادی این مورد را کنترل کرده و از اول برنامه داشته است؛ یعنی در تنظیم ظرفیت‌ها در بخش سلامت به این‌که در ۱۰ سال یا ۲۰ سال آینده وضع ما چگونه خواهد بود توجه شده و به همین دلیل هنوز صندلی خالی زیادی در بخش سلامت به‌ویژه در رشته‌های اصلی نداریم. حالا در سال‌های آینده شاید در بخش دولتی هم مشکل صندلی اضافی ایجاد شود، اما در بخش خصوصی دانشگاه آزاد برای ایجاد صندلی، سرمایه‌گذاری شده که بیشترهم تابع مسائل شهریه، زیرساخت‌های غلط و شرایط محیطی بوده و طبیعی است که این اتفاق در آنجا افتاده است.

اما مهم‌تر از همه، توجه به آینده و اشتغال دانش‌آموختگان است. همیشه گفته می‌شود دانشگاه چه ربطی به اشتغال دانش‌آموختگان دارد؟ وظیفه دانشگاه تولید علم است و ربطی به بازار کار ندارد! این دیدگاه غلط است؛ دانشگاه باید توجه کند که دانش‌آموخته‌اش ده سال آینده کار دارد یا نه؟ اگر این کار را نکرده باشد مقصر است که نیاز جامعه در ده سال یا بیست سال آینده را ندیده است. جامعه در آینده به چه شغل‌هایی نیاز دارد تا دانش‌آموخته آن را تربیت کند. یکی از جاهایی که در واقع دچار اشکال است، خود دانشگاه‌ها و بعد هم نهادهای مرتبط هستند که به این مسائل توجه کافی ندارند.

اطلاعات: وضع ما از لحاظ استانداردهای آموزش پزشکی از قبیل شاخص استاد به دانشجو، نوع درس، شیوه تدریس و امکانات آموزشی و آزمایشگاهی چگونه است؟ این در حالی است که استانداردهای آموزش پزشکی در دانشگاه‌های مختلف به‌ویژه بین دانشگاه‌های مادر و دانشگاه‌های مناطق محروم هم تفاوت بسیار زیادی دارند. آیا این شاخص‌ها با استانداردهای جهانی مطابقت دارند؟

دکتر ضیایی: وضع ما در شاخص‌های کلان آموزشی در دانشگاه‌ها؛ نسبت استاد به دانشجو، میزان فضاهای آموزشی یا امکانات نرم‌افزاری پایین است. ما ظرفیت‌ها را بسیار افزایش داده‌ایم، اما امکانات را نه. ما به اندازه کافی نتوانسته‌ایم استاد و فضای آموزشی فراهم کنیم. ما روی محلی اسم دانشگاه گذاشته‌ایم، اما نتوانسته‌ایم به اندازه یک دبیرستان برای آن امکانات آموزشی تهیه کنیم. این موارد بین دانشگاه‌ها فاصله ایجاد می‌کنند.

در نقاط محروم چون بیشتر مورد توجه دولت بوده‌اند، وضع زیرساخت‌ها بد نیست، اما در آنجا از نظر نرم‌افزاری و تعداد استاد با مشکل جدی مواجهیم. استاد دانشگاه در یک شب تربیت نمی‌شود؛ ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که با یک قیام و قعود ظرفیت‌ها دانشگاه‌ها را این‌قدر افزایش دهیم؛ این حتماً جواب نمی‌دهد. البته بین دانشگاه‌های آموزش عالی، وزارت بهداشت و دانشگاه آزاد و دانشگاه‌های غیرانتفاعی تفاوت وجود دارد، اما مشکل اصلی اینجاست که ما دچار کمّی‌گرایی شدیم و کمتر به کیفیت نگاه کردیم. علاج این مشکل این است که در شرایط کنونی فقط و فقط به کیفیت توجه کنیم، دیگر نیازی به ایجاد ظرفیت بیشتر نیست. باید دانش‌آموختگانی تربیت کنیم که نیاز جامعه را تأمین کنند نه کارخانه‌های تولید مدرک باشیم. اگر کیفیت را بالا ببریم، هم نیازهای جامعه تأمین می‌شوند، هم بازار خوبی برای توریست آموزشی ایجاد می‌کنیم که ضمن ایجاد درآمد برای کشور، ظرفیت فرهنگی و صنعتی خود را نیز از این طریق توسعه داده و به‌واقع صادر می‌کنیم.

اطلاعات: در حالی که اهداف آموزش پزشکی همان اهداف قدیمی هستند، اما انتظارات جامعه و دانشجویان تغییر کرده و دلایل مختلف از جمله قدیمی بودن روش تدریس و متون آن، باعث شده است که در آموزش چندان موفق نباشیم. اگر این استدلال درست است چه راهکاری برای حل آن باید اندیشید؟

دکتر ضیایی: در وزارت بهداشت متون درسی در هر پنج سال تغییر می‌کنند. من فکر می‌کنم تمامی متون درسی در وزارت بهداشت روزآمد هستند. مشکل ما در اجرای کوریکولوم درسی است. در واقع آموزش چند بخش دارد که یک بخش آن متون و بخش دیگر آن اجرا و روش تدریس است. ما بیشتر در این موارد دچار مشکلیم.

اطلاعات: چرا در اجرا و روش تدریس نتوانسته‌ایم خوب عمل کنیم؟

دکتر ضیایی:همیشه بین تئوری و عمل فاصله است و این فاصله‌ها هستند که کیفیت را می‌سازند. یعنی شما می‌توانید یک برنامه خوب داشته باشید و یک روش خوب تدریس.

اطلاعات: یعنی در کشورهای پیشرفته این‌قدر فاصله بین متون و اجرا نیست؟

دکتر ضیایی: نیست و دلیل آن هم نظارت است. آنها نظارت می‌کنند و بر نظارت خودشان پای می‌فشارند و اگر سیستمی کیفیت لازم را نداشته باشد، آن را از چرخه آموزش خارج می‌کنند. اراده ما در این زمینه بسیار ضعیف است. یعنی اگر ما جایی را برای آموزش ایجاد می‌کنیم خیلی سخت آن را می‌بندیم و در تعلیق می‌گذاریم. این مشکل ما است و دلیل آن هم این است که ما یک مقدار دچار سیاست‌زدگی و عوام‌زدگی شده‌ایم و اثر فشارهای بیرونی هم بر نهاد علم در کشور ما زیاد است.

ادامه دارد

آب نمک‌زدایی شده خلیج‌فارس سال آینده به مجتمع صنعتی «چادرملو» می‌رسد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت معدنی و صنعتی چادرملوی اردکان یزد گفت: بزودی با حضور مسئولان کشوری، واحد مگامدول احیای مستقیم چادرملو با تولید سالانه یک میلیون و ۵۵۰ هزار تن آهن اسفنجی در این شهرستان افتتاح رسمی می‌شود.

محمود نوریان افزود: واحد احیای مستقیم چادرملو که تولید آزمایشی خود را از اواخر سال گذشته در مجتمع صنعتی اردکان آغاز کرده و به‌سرعت به ظرفیت اسمی رسانده، در آستانه بهره‌برداری است.

وی با بیان اینکه دلیل تأخیر در افتتاح رسمی این واحد فولادی، فشردگی برنامه‌های مسئولان کشوری است، اظهار امیدواری کرد که بزودی این واحد عظیم صنعتی رسماً افتتاح شود.

نوریان با اشاره به دیدار از خطوط و تأسیسات شیرین‌سازی و انتقال آب خلیج فارس به استان‌های کرمان و یزد اظهار داشت: به همراه مدیرعامل شرکت تأمین و انتقال آب خلیج فارس برای بررسی روند اجرای طرح از مراحل نصب و تجهیز خط لوله و تصفیه‌خانه این پروژه عظیم ملی و استراتژیک از بندرعباس تا یزد، از ایستگاه‌های پمپاژ و خطوط انتقال آب دیدن کردیم.

وی گفت: نصب آب شیرین کن در حال اتمام و بخشی از پمپ‌های آبگیری از دریا درحال نصب است و بزودی آماده آبگیری می‌شود. این لوله‌گذاری‌ها تا مجتمع گل‌گهر سیرجان نیز تقریباً به پایان رسیده است و امیدواریم تا پایان امسال آب به گل‌گهر سیرجان برسد.

نوریان گفت :از سیرجان نیز کار نصب خطوط برای انتقال آب به مجتمع مس سرچشمه و از آنجا به‌طور همزمان لوله گذاری به سمت استان یزد در حال اجراست، به‌طوری‌که بیش از ۱۵۰ کیلومتر از مسیر ۳۴۰ کیلومتری مس سرچشمه تا مجتمع صنعتی چادرملو لوله گذاری شده است و ۵۰ کیلومتر لوله در حال نصب است و تا پایان سال کل لوله‌گذاری‌های این قسمت تمام می‌شود و طی یک سال آینده آب شیرین از خلیج فارس به استان یزد و مجتمع صنعتی چادرملو می‌رسد.

وی اضافه کرد: هدف عمدهٔ طرح شیرین‌سازی و انتقال آب نمک‌زدایی شده، به وسیله ۳ خط انتقال از خلیج فارس به صنایع جنوب شرق کشور، تأمین بخشی از نیازها و مصارف آب مجتمع‌های تولیدی در حال بهره‌برداری و طرح‌های توسعه مجتمع‌های معدنی و صنعتی گل گهر، مس سرچشمه و چادرملو در استان‌های کرمان و یزد است.

او افزود: ظرفیت اسمی کارخانه گندله سازی چادرملو در شهرستان اردکان، ۳,۴ میلیون تن است؛ سال گذشته ۳,۷ میلیون تن گندله در این مجتمع تولید شد و بر اساس برنامه ریزی‌های صورت گرفته تولید گندله این مجتمع به ۴ میلیون تن در سال افزایش خواهد یافت. وی علاوه بر این کارخانه، ۳ واحد آهن اسفنجی، ارفع به ظرفیت ۸۰۰ هزار تن، غدیر ایرانیان به ظرفیت ۸۰۰ هزار تن و چادرملو به ظرفیت ۱,۶ میلیون تن فعال هستند و سالانه حداقل ۳,۲ میلیون تن آهن اسفنجی تولید می‌کنند.

۶ هزار متر مربع فضای مسقف در حرم حضرت معصومه(س) ایجاد می‌شود

سرویس شهرستان‌ها: معاون اجرایی حرم حضرت معصومه(س) گفت: باساخت شبستان امیرالمومنین(ع) در حرم کریمه اهل‌بیت(س) ۶ هزار مترمربع فضای مسقف در اختیار زائران حرم مطهر قرار خواهد گرفت.

هادی محمودنژاد افزود: از اواخر سال گذشته با آزمایش‌های مختلف ژئوتکنیک و ژئوفیزیک ساخت شبستان حضرت امیرالمومنین(ع) آغاز شد.وی اضافه کرد: محاسبه‌های معماری شبستان انجام‌شده و سازه نگهبان این شبستان که شامل چاه‌هایی است که باید حفر شود، ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد و با اتمام ۱۰ درصد باقی‌مانده، عملیات اجرایی فضای شبستان ادامه می‌یابد.

محمودنژاد با اشاره به این‌که برنامه زمانی بهره‌برداری از این شبستان پس از تکمیل سازه نگهبان مشخص خواهد شد، گفت: به دلیل حساسیتی که بنای میراثی و ارزشمند صحن امام رضا(ع) دارد و اهمیت کیفیت کار و جلوگیری از آسیب فنی به بنای میراثی، برنامه زمان‌بندی شده برای اجرای سازه نگهبان این شبستان ممکن نبود.

محمودنژاد ادامه داد: عرصه شبستان حضرت امیرالمومنین(ع) ۵ هزار مترمربع با زیربنای ۶ هزار مترمربع و ارتفاع ۱۰ متر است که با بهره‌گیری از معماری شاخص و منحصربه‌فرد ساخته خواهد شد.

وی اضافه کرد: زمان زیادی برای طراحی شبستان به‌ویژه قسمت‌های مرتبط با سازه و محاسبات اختصاص‌یافته و از کارشناسان ماهری در حوزه‌های مختلف استفاده‌شده است تا کاری فاخر و شایسته انجام شود.

معاون اجرایی حرم حضرت معصومه(س) گفت: شبستان امیرالمومنین(ع) در طبقه همکف و در مجاورت شبستان حضرت زهرا(س) است که پس از ساخت شبستان حضرت امیر این ۲ شبستان به هم وصل می‌شوند. همچنین فضا کافی در قسمتی از فضای شبستان حضرت زهرا(س) که قرار است به شبستان حضرت امیرالمومنین(ع) متصل شود، پیش‌بینی و درب آن نیز نصب‌شده است.

حرم حضرت معصومه(س) با ۳ شبستان و ۵ صحن، فضایی برابر با ۱۴۰ هزار مترمربع در اختیار زائران قرار داده است و امکان حضور ۵۰ هزار زائر در فضاهای مسقف و روباز حرم مطهر وجود دارد.



تسهیلات اشتغال به ۸ هزار طرح در سیستان و بلوچستان تعلق می گیرد

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: دبیر کارگروه اشتغال سیستان و بلوچستان گفت: بر اساس استخراج اطلاعات سامانه «کارا» از سال گذشته تاکنون ۸ هزار طرح با اعتبار ۳۹۸ میلیارد تومان به وسیله بانک‌ها و موسسات عامل به مرحله پرداخت تسهیلات رسیدند.مهرداد جهاندیده در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: این طرح‌ها سبب اشتغال حدود ۱۳هزار نفر در مناطق روستایی و عشایری استان سیستان و بلوچستان می‌شود. پرداخت تسهیلات اشتغال در سیستان و بلوچستان ادامه دارد و متقاضیان می‌توانند با ارائه طرح خود به دستگاه مربوطه نسبت به دریافت تسهیلات اقدام کنند.مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی سیستان و بلوچستان در حوزه نظارت که یکی از حوزه‌های مهم کارگروه یاد شده است افزود: تاکنون هزار و ۸۰۰ مورد از طرح‌های اشتغالزایی مورد ارزیابی و نظارت قرار گرفته است.وی گفت: سیستان و بلوچستان با توجه به قابلیت‌های ممتازی که دارد، یکی از استان‌های مطلوب برای جذب تسهیلات طرح‌های اشتغال روستایی و عشایری است. مدیرکل دفتر جذب و حمایت از سرمایه‌گذاری استانداری سیستان و بلوچستان نیز در این نشست بیان کرد: وضعیت ارائه تسهیلات اشتغالزایی در این استان امسال از وضعیت مطلوبی برخوردار است. مجید محبی ادامه داد: اعتبارات خوبی در حوزه اشتغال برای سیستان و بلوچستان در نظر گرفته شده است که باید کمک شود تا طرح‌های مناسب و همسو با تحقق شعار سال تسهیلات دریافت کنند. وی افزود: بندر چابهار یکی از فرصت‌های مناسب در حوزه اشتغال است که باید به آن توجه ویژه‌ای شود. به گفته وی برای ۳۱ شهرستان سیستان و بلوچستان به صورت ویژه برای رفع محرومیت از سوی وزارت کشور برنامه ریزی شده که یکی از آن‌ها، دلگان است.

بررسی مشکلات فرهنگی و هنری شهرستان ری در مجلس شورای اسلامی

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی برای بررسی مسائل و مشکلات شهرستان ری تشکیل جلسه داد.

در این نشست که سیده فاطمه ذوالقدر و طیبه سیاوشی شاه عنایتی اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، علی اصغر کاراندیش مروستی معاون حقوقی، امور مجلس و استان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت‌الاسلام ملکی مدیرکل دفتر حقوقی و امور مجلس، احمد اسماعیلی راد معاون استاندار و فرماندار ویژه شهرستان ری، افشار شهردار منطقه ۲۰ و سید حسن صفوی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری حضور داشتند، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران اظهار داشت: یکی از مهمترین مسائلی که حوزه فرهنگ و هنر را با مشکل مواجه کرده است، ساختمان‌های اداری است که عموماً استیجاری و یا فاقد سنخیت‌های جغرافیایی و ظرفیت‌های لازم فرهنگی و هنری است.

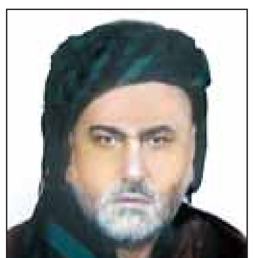
احد جاودانی افزود: کارکنان ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان‌های استان تهران علیرغم محدودیت‌ها، خدمات مطلوبی به اصحاب فرهنگ و هنر ارائه می‌دهند، ولی انتظارات اصحاب فرهنگ و هنر برآورده نمی‌شود.

حجت‌الاسلام احمد مازنی، رئیس کمیته فرهنگ هنر و رسانه کمیسیون فرهنگی مجلس نیز در این نشست با اشاره به این که یکی از مأموریت‌هایی که نمایندگان تهران برای خود تعریف کرده‌اند، ورود به مسائل و مشکلات ادارات شهرستان‌های استان تهران است؛ اظهار کرد: یکی از مشکلات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ری، مکان و ساختمان اداری آن است که در فضایی کاملاً مسکونی و بدون تناسب با یک اداره فرهنگی دایر شده است.

وی اضافه کرد: درباره مشکل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری نیز پیشنهادهای متنوعی در نشست مطرح و نهایتاً مقرر شد که به پیشنهاد فرماندار، جلسه‌ای با مسئولان شهرداری و اداره ارشاد شهرستان ری برگزار شود تا این مسأله را ظرف یک ماه آینده حل و فصل کنند و به این ترتیب اهالی شهرستان ری با مشکلات کمتری مواجه باشند و کارکنان در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ری نیز بتوانند به نحو بهتری به مردم خدمات‌رسانی کنند.

احمد اسماعیلی‌راد معاون استاندار تهران و فرماندار ویژه ری نیز بر گسترش برنامه‌های فرهنگی و هنری در این شهرستان تأکید کرد و افزود: از جمله برنامه‌هایی که اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی پیگیری می‌کند، کتابخوانی برای احراز عنوان پایتختی کتاب ایران است که مقرر شد در تمامی روستاها و ادارات شهرستان ری برنامه‌های ویژه‌ای در این ارتباط اجرا شود.

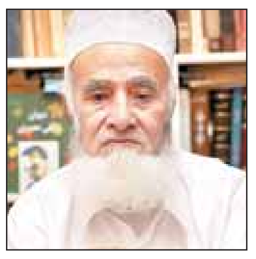
تشییع پیکر امام جمعه موقت سنندج



سرویس شهرستان ها : پیکر ماموستا سیدمحمد حسینی امام جمعه موقت سنندج از مقابل مسجد جامع سنندج تشییع و در آرامگاه شیخ محمد باقر این شهر به خاک سپرده شد.

ماموستا سیدمحمد حسینی از علمای برجسته استان کردستان بود که چهارشنبه گذشته در سن ۶۹سالگی به دیار باقی شتافت.وی عضو شورای افتای استان کردستان و از اساتید بنام مدارس علمیه اهل سنت بود که عمر خود را صرف مجاهدت در علوم دینی کرد.او در سال ۱۳۲۹در یکی از روستاهای مریوان در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود و پس از سال‌ها تحمل رنج بیماری در سنندج جان به جان آفرین تسلیم کرد.آیت الله حسینی شاهرودی نماینده ولی فقیه در استان و مرادنیا استاندار کردستان در پیام مشترکی ضایعه درگذشت ماموستا سید محمد حسینی را به مردم شریف استان و خانواده آن عالم فقید تسلیت گفتند.

پیام تسلیت استاندار سیستان و بلوچستان به مناسبت درگذشت شاعر و نویسنده اهل سنت



زاهدان –خبرنگار اطلاعات: استاندار سیستان و بلوچستان در پیامی درگذشت استاد گل‌محمد صالح زهی شاعر، نویسنده، گوینده رادیو، مورخ و پژوهشگر اهل سنت این استان را به عموم مردم به ویژه جامعه ادبی و هنری تسلیت گفت.

در بخشی از پیام احمدعلی موهبتی آمده است: رحلت این هنرمند نامدار استان را به جامعه فرهنگ و هنر و مردم استان سیستان وبلوچستان و خانواده مکرم ایشان تسلیت عرض می کنم و ضمن آرزوی صبوری و شکیبایی برای فرزندان و بازماندگان آن استاد گرانسنگ، برای ایشان آمرزش و غفران الهی مسالت می کنم.

استاد گل‌محمد صالح زهی ۲۵مهر در سن ۹۰سالگی به دلیل کهولت سن دارفانی را وداع کرد. او نقش مهمی در توسعه فرهنگ و ادب سیستان و بلوچستان داشت و خدمات و آثار گرانبهایی از وی به جا مانده است .نویسنده و گوینده رادیو زاهدان از ابتدای شروع به کار این رادیو و یکی از چهار نفری است که در راه اندازی رادیو زاهدان نقش اصلی را ایفا کرد.

ایجاد ۷۸۰ شغل در روستاهای قم

سرویس شهرستان‌ها: ۷۸۰شغل با فعالیت‌های اشتغال‌زایی بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) در استان قم ایجاد می‌شود.به گزارش روابط عمومی بنیاد برکت، معاون توسعه کارآفرینی اجتماع‌محور بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) دراین باره افزود:امسال و برای نخستین مرتبه، بنیاد برکت ۳۰۰ طرح اشتغال‌زایی اجتماع‌محور را در قالب مدل «سحاب» (سرمایه‌گذاری حمایتی اشتغال برکت) در استان قم اجرا می‌کند که سبب ایجاد ۷۸۰ شغل در این استان خواهد شد.رضا راضی‌زاده ادامه داد: با هماهنگی‌های انجام شده با فرمانداران و بخشداران بخش‌های ۵گانه استان قم، از هر بخش، ۵ و در مجموع، ۲۵روستا به عنوان نقاط هدف فعالیت‌های اشتغال‌زایی بنیاد برکت انتخاب شده‌اند.

وی اضافه کرد:با تشکیل کارگروه اشتغال در روستاهای هدف، فرآیند اهلیت‌سنجی فنی توسط مجری و تسهیل‌گران بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) آغاز شده است و پیش‌بینی می‌کنیم که تعداد روستاهای هدف اشتغال‌زایی افزایش یابد. معاون توسعه کارآفرینی اجتماع‌محور بنیاد برکت از عملیاتی شدن تمامی این طرح‌ها تا پایان امسال خبر داد و افزود: ۷۸۰شغل مورد نظر با توجه به ظرفیت‌های منطقه‌ای، در رسته‌های شغلی مانند صنایع دستی، پرورش دام‌های سبک، قالی‌بافی، شیرینی‌پزی و مشاغل خدماتی ایجاد خواهد شد.

راضی‌زاده با بیان این مطلب که ایجاد ۱۰۰طرح اشتغال‌زایی برای طلاب حوزه علمیه پیش‌بینی شده است، ادامه داد: با هماهنگی‌های انجام گرفته با مرکز خدمات حوزه‌های علمیه، از ۳۰۰ طرح اشتغال‌زایی درنظر گرفته شده برای استان قم، ۱۰۰ طرح برای طلاب حوزه علمیه خواهد بود.

اظهار تمایل سفیر کره جنوبی برای افزایش سفر گردشگران به ایران

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: سفیر کره جنوبی در کشورمان گفت: در صورت برنامه‌ریزی‌های مناسب، ایران می‌تواند مقصد خوبی برای گردشگران کره‌ای باشد.

«جانگ هیان» در دیدار با استاندار آذربایجان شرقی با ابراز خرسندی از سفر به تبریز، اظهار کرد: این نخستین دیدار من از تبریز بود و آخرین دیدار نخواهد بود؛ چرا که تبریز و آذربایجان شرقی از نظر توسعه همکاری‌های دوجانبه برای ما مهم است.وی با اشاره به این که سال گذشته ۲۵میلیون گردشگر از کره جنوبی به خارج از کشور سفر کردند، گفت: ایران می‌تواند در جذب این گردشگران تلاش کند.

سفیر کره جنوبی در ایران با اشاره به سابقه تاریخی همکاری‌های ایران و کره جنوبی، گفت: نام‌گذاری خیابانی به نام تهران در سئول و خیابانی به نام سئول در تهران نشان‌دهنده پیوند قوی و عمیق ۲ کشور است.

وی با اشاره به اینکه ایران و کره جنوبی به دلیل سیاست‌های یکجانبه‌گرایی آمریکا در شرایط سختی قرار دارند، افزود: به عنوان سفیر، همه تلاشم را برای حل مشکلات به کار خواهم بست.

سفیر کره جنوبی با بیان اینکه ارتباط با کشورهای قدرتمند منطقه و به ویژه ایران برای ما ارزشمند است، افزود: کره جنوبی کشور کوچکی است، اما از نظر نیروی انسانی و صنایع پیشرفته توانمندی‌های بالایی دارد و با توجه به ظرفیت‌های ایران، ۲ کشور می‌توانند نقش مکمل را برای یکدیگر ایفا کنند.

استاندار آذربایجان شرقی نیز گفت:تبریز ظرفیت‌های فراوانی برای همکاری‌های مشترک با کشورهای شرق آسیا دارد.

محمدرضا پورمحمدی با اشاره به اراده جدی ایران برای توسعه روابط با کشورهای شرق آسیا، گفت: تبریز به عنوان دروازه آسیا به اروپا، ظرفیت‌های فراوانی برای همکاری‌های مشترک با این کشورها دارد.

وی در این دیدار به برخی از قابلیت‌های آذربایجان شرقی در حوزه‌های گوناگون اشاره کرد و گفت: آذربایجان شرقی یکی از استان‌های مهم ایران به شمار می‌رود و ظرفیت‌های بالایی برای همکاری‌های اقتصادی، تجاری و فرهنگی با کشورهای جهان دارد.

کلاه ایمنی آسیب‌های حوادث رانندگی را کاهش می‌دهد

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: کلاه ایمنی ۶۰ درصد از آسیب‌های ناشی از حوادث رانندگی را کاهش می‌دهد. رئیس پلیس راهور دامغان با اعلام این مطلب گفت: ارائه آموزش به قانونمند شدن رانندگان کمک می‌کند.

سرگرد رضا عجم اکرامی با بیان این‌که در بازه زمانی یک ساله ۳ هزار و ۹۵۲ دامغانی در مراکز آموزش رانندگی این شهرستان برای اخذ گواهینامه ثبت‌نام کردند، اظهار داشت: از این تعداد ۸۰۱ نفر از آقایان و بانوان موفق به دریافت گواهینامه رانندگی خودرو شده‌اند.

وی با اشاره به این‌که سال گذشته ۶۸۹ دستگاه خودرو سبک و سنگین و ۵۷۱ دستگاه موتورسیکلت در شهرستان دامغان با رفع موانع قانونی از پارکینگ ترخیص شدند، افزود: در این مدت یک هزار و ۴۷۴ دستگاه خودرو نیز از سوی پلیس راهور پلاک‌گذاری و ۱۶۵ دستگاه خودرو دیگر تعویض پلاک شدند.

راه‌اندازی مرکز علمی کاربردی گردشگری در چهارمحال وبختیاری

شهرکرد ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس دانشگاه علمی کاربردی چهارمحال وبختیاری از دایر شدن مرکز علمی کاربردی بین‌المللی گردشگری در این استان با همکاری سرمایه‌گذار مالزیایی خبر داد.

فرید براتی به مناسبت سالروز تاسیس دانشگاه علمی کاربردی در جمع خبرنگاران استان افزود: این مرکز، نماینده «ایرکن» در خاورمیانه است که امکان جذب دانشجو از خارج و همچنین گذراندن دوره کارورزی دانشجویان رشته گردشگری و هتلداری در خارج را برای دانشجویان ایرانی فراهم می‌کند.

وی با تاکید بر اینکه اولویت استان رونق صنعت گردشگری است، اظهار کرد: با راه‌اندازی این مرکز، رشته‌های هتلداری، آشپزی و گردشگری در استان دایر می‌شود تا زمینه توسعه گردشگری و همچنین صنعت هتلداری در استان رونق بگیرد، در این رشته هم‌اکنون ۶ دانشجو پذیرش شده‌اند.

براتی، با اشاره به اینکه ۴ مرکز خصوصی و دولتی علمی کاربردی تا پایان شهریورماه امسال از جمله مرکز استانداری، فنی و حرفه‌ای، بهزیستی و جهاد کشاورزی تعطیل شده‌اند، افزود: بر این اساس و با توجه به طرح تعیین تکلیف مدرسان دانشگاه علمی کاربردی استان، ۵۰ درصد مدرسان قبلی نیز از گردونه فعالیت خارج می‌شوند و براساس فراخوان سال گذشته در مورد جذب مدرسان جدید، ۴۴ مدرس به مدرسان اضافه شدند که ۱۵ نفر از این تعداد مدرسان خبره هستند. همچنین برای نخستین بار در دانشگاه علمی کاربردی استان رتبه‌بندی مدرسان اجرا شده است.

وی اظهار کرد: امسال برای توسعه فعالیت‌های دانشگاه علمی کاربردی رشته تربیت مربی نمایش کودک، موسیقی سنتی و کاردانی نساجی در استان قزوین مراحل قانونی آن طی شده است.

براتی با تاکید بر اینکه ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان دانشگاه علمی کاربردی یکی از سیاست‌های این دانشگاه است، افزود: نخستین کمپ کارآفرینی استان از ۱۸ تا ۲۲ آبان ماه در دانشگاه علمی کاربردی استان چهارمحال‌وبختیاری فعال خواهد شد.

بازگشت ۹۰ درصد زائران اربعین به کشور

سرویس خبر: فرمانده نیروی انتظامی از بازگشت بیش از ۹۰ درصد زائران اربعین، به کشورمان خبر داد.

یک روز پس از اربعین حسینی، بازگشت زائران به کشور شدت گرفته است و مرزهای چهارگانه به ویژه مرز مهران با تراکم جمعیت زائران در مسیر بازگشت مواجه شده است.

سردار اشتری، رئیس پلیس کشور با بیان این که مرزهای چهارگانه از امنیت و نظم خوبی برخوردارند و کار خدمت رسانی به زائران اربعین به بهترین شکل در حال انجام است، ادامه داد: در مرزهای چهارگانه مهران، خسروی، چذابه و شلمچه از ابتدای ماه صفر تاکنون ۳میلیون و ۴۰۰هزار زائر به سمت عراق تردد داشته اند که اکنون موج پایانی بازگشت زائران به کشور افزایش یافته است و طی دو روز آینده، این روند کامل و همه زائران به کشور باز می گردنند.

مرگ ۱۰۴زائر ایرانی در ایام اربعین

سرکنسول جمهوری اسلامی در کربلا گفت: از ابتدای مراسم پیاده روی اربعین تاکنون ۱۰۴زائر ایرانی در عراق جان خود را از دست داده اند که ۹۶نفر از آنان زیرپوشش بیمه بوده‌اند که دیه آنها پرداخت می شود. میرمسعود حسینیان افزود: هشت نفر از زائران فوت شده بدون ثبت نام در سامانه سماح وارد عراق شده بودند که طبعا پوشش بیمه‌ای نداشتند.



اتوبوس حادثه دیده در گردنه اسدآباد

وی توضیح داد : ۳۹نفر از ۹۶جان باخته دارای بیمه، بر اثر تصادف رانندگی کشته شدند که بیمه ۲۴۰میلیون تومان دیه به بازماندگان آنها می پردازد. دیه ۵۷ فوت شده عادی هم ۴۰میلیون تومان است.

همچنین رئیس جمعیت هلال‌احمر اسدآباد از مجروح شدن ۲۸ زائر اربعین حسینی در حادثه تصادف دو دستگاه اتوبوس در گردنه اسدآباد خبر داد.

حمیدرضا اعتصام گفت: ساعت ۴ و ۱۴ دقیقه بامداد دیروز یک مورد حادثه برخورد رخ به رخ دو دستگاه اتوبوس به مرکز هلال‌احمر گزارش شد که با توجه به شدت حادثه چهار دستگاه آمبولانس هلال احمر و چهاردستگاه آمبولانس اورژانس در محل حضور یافتند.

وی افزود: در بررسی ها مشخص شد یک دستگاه اتوبوس حامل زائران اربعین حسینی به سمت همدان در حال تردد بوده است که با اتوبوس خالی از مسافر که به سمت اسدآباد تردد می‌کرد به طور رخ به رخ برخورد کرده است.

رئیس هلال احمر اسدآباد با بیان این که در این سانحه راننده اتوبوس بدون مسافر جان باخت، تأکید کرد: تمامی مصدومان این حادثه رانندگی توسط آمبولانس‌های هلال احمر و اورژانس جاده ای به بیمارستان قائم اسدآباد و بعثت شهر همدان منتقل شدند.

اعتصام افزود: در حالی که تیم‌های هلال احمر در حال امداد رسانی به این سانحه بودند همزمان یک دستگاه سواری پراید با قسمت عقب یک کامیون در گردنه اسدآباد برخورد کرد که پنج تن از مسافران پراید هم مجروح و به مرکز درمانی منتقل شدند.بنا به این گزارش از آغاز پیاده روی تا روز اربعین، بیش از ۱۸میلیون زائر وارد کربلا شدند که از این تعداد حدود ۳/۵ میلیون زائر از ایران بوده اند.

نیروگاه‌های اتمی ایران به نسل جدید سانتریفیوژها تجهیز می‌شوند

سرویس خبر:دستیار ویژه رئیس سازمان انرژی اتمی با اشاره به راه اندازی مدار ثانویه رآکتور بازطراحی اراک تا دو هفته آینده، تأکید کرد: تا سال آینده تست‌های سرد و تا سال ۱۴۰۰رآکتور اراک کامل راه اندازی خواهد شد که اقدامی اقتدارآفرین و جهادی است.

اصغر زارعان در مراسم افتتاح چهل و هشتمین نمایشگاه تخصصی دستاوردهای صنعت هسته‌ای کشور در کرمان با اشاره به اسکن بخش زیادی از مساحت کشور، گفت: اکنون می‌دانیم چقدر ماده استراتژیک اورانیوم بومی داریم و همچنین امسال از ۵۰تن اورانیوم بومی استفاده خواهیم کرد.

دستیار ویژه رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان این که انرژی هسته‌ای به صنایع دیگر خدمات می‌دهد و مهم تر از سانتریفیوژ، کیک زرد است، تأکید کرد: کیک زرد یک ماده اولیه و استراتژیکی است و همه دنیا می توانند آن را بخرند، اما به جمهوری اسلامی نمی فروشند که اکنون علم و فن آوری تولید این ماده را در اختیار داریم. ماده اولیه کیک زرد را بومی تولید می‌کنیم و این اقدام در قدرت چانه زنی ما در عرصه بین المللی خیلی اثرگذار است.

زارعان ادامه داد : ۱۰۰درصد فعالیت های صنعت هسته ای ایران بومی سازی شده است و امروز در طراحی و ساخت انواع سانتریفیوژ خودکفا هستیم.

دستیار ویژه رئیس سازمان انرژی اتمی همچنین از رونمایی از سه نسل جدید ماشین‌های سانتریفیوژ (تک ماشین) در روزهای آینده خبر داد.

وی با بیان این که هدفگذاری کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت در سازمان انرژی اتمی داریم، گفت: نهادهای نظارتی بیایند و ببینند کجا بودیم و به کجا رسیده ایم،



نمایش دستاوردهای صنعت هسته‌ای کشور در کرمان

اما متأسفانه برخی بی انصافی می کنند و می گویند سازمان انرژی اتمی متوقف شده است.

زارعان با اشاره آمار بالای مرگ ناشی از سرطان در کشورمان، تأکید کرد: نمی توانیم دست روی دست بگذاریم و کاری نکنیم ، لذا پروژه ای به نام «تترا» در زمینه استانداردسازی رادیو دارو را دنبال می کنیم. یکی از وظایف سازمان انرژی اتمی تولید رادیو دارو است و در هفته به ۱۹۰بیمارستان و مرکز درمانی را رادیودارو می دهیم و به برخی کشورها هم صادرات انجام می دهیم.

دستیار ویژه رئیس سازمان انرژی اتمی گفت : مرکز درمان قطعی سرطان ها را در دست ساخت داریم که نزدیک به ۲۰۰میلیون یورو هزینه دارد. ما بر اساس فتوای رهبر معظم انقلاب به دنبال ساخت بمب اتم نیستیم بلکه به دنبال پیشرفت در حوزه پزشکی و کشاورزی هستیم.وی افزود: مسائل هسته ای بهانه ای است که غربی ها به دنبال آن هستند که اگر حل شود به دنبال بهانه ای دیگر خواهند رفت، چرا که ما کشوری هستیم که به اکتشاف، استخراج و غنی سازی سانتریفیوژ دست یافته ایم و همین موضوع غربی ها را نگران کرده است.

زارعان در ادامه با بیان این که در مذاکرات هسته ای تلاش کردند کاربری رآکتور اراک را تغییر بدهند، اظهار کرد: در کنار رآکتور اراک، تولید آب سنگین هم انجام می شود و سالانه ۲۰تن آب سنگین تولید و به بعضی از کشورها صادر می شود.

وی با بیان این که سایت فردو یک سایت پدافندی است، افزود: امروز ۱۰۴۴ سانتریفیوژ در فردو و ۵۰۶۰ سانتریفیوژ در نطنز موجود است. ما با ایستادگی، مقاومت، تدبیر و هوشمندی باید کار را جلو ببریم. نیروگاه بوشهر روزانه به اندازه ۶/۵میلیون بشکه صرفه جویی انرژی در حوزه نفت دارد و هرچه در برق هسته‌ای پیش برویم در ذخایر استراتژیک می‌توانیم کار کنیم و می‌توانیم برق ماندگار و پایدار داشته باشیم.

او توضیح داد : ایران در حوزه عملیاتی کردن چرخه سوخت اعم از مراحل اکتشاف، استخراج و سوخت بومی کار کرده است و در زمره ۱۰کشور اول دنیا در این حوزه هستیم و این اقدام منجر به عصبانیت غربی‌ها و حتی کشورهایی شده است که با ما ارتباط دوستانه دارند.

همچنین در این مراسم دکتر محمدعلی دهقان، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری کرمان گفت : این نمایشگاه فرصت خوبی است تا مردم با اهمیت فعالیت هسته ای آشنا شوند و تبلیغات سوء دشمن رفع شود. بنا به این گزارش چهل و هشتمین نمایشگاه تخصصی دستاوردهای صنعت هسته‌ای کشور از صبح دیروز در فضایی به مساحت ۱۲۰۰ مترمربع و در ۲۰ غرفه و سه بخش کلی «مرور چرخه سوخت هسته‌ای»، «نیروگاهی» و «کاربردهای صنعت هسته‌ای در صنایع مختل» در دانشگاه بین‌المللی شهید باهنر کرمان آغاز به‌کار کرده است .

چهل و هشتمین نمایشگاه تخصصی دستاوردهای صنعت هسته‌ای کشور صبح‌ها از ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه تا ۱۲ و ۳۰ دقیقه و عصرها از ساعت ۱۴ و ۳۰ دقیقه تا ۱۷ برای بازدید عموم باز است.

این نمایشگاه از سوی سازمان انرژی اتمی و با همکاری دانشگاه شهید باهنر کرمان تا اول آبان برپا است.

سرویس های مدارس همچنان قربانی می گیرند

سرویس حوادث: یک دانش آموز پسر در منطقه جلگه رخ استان خراسان رضوی بر اثر واژگونی خودرو در مسیر مدرسه جان خود را از دست داد.

مهدی مجیدی فرد ، سخنگوی اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی در این باره گفت: یک دستگاه خودرو سواری صبح دیروز در مسیر روستای رودخانه به اسدآباد در منطقه جلگه رخ، واژگون شد که در پی این حادثه دانش آموز پایه هشتم دبیرستان شبانه روزی این منطقه جان خود را از دست داد.

وی اظهار کرد: در این سانحه دو دانش آموز دیگر هم مجروح و به بیمارستان منتقل شدند.

رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زابل هم گفت: واژگونی یک دستگاه سواری پراید فعال در سرویس مدرسه ، به مرگ یک دانش‌آموز و مجروح شدن سه دانش‌آموز دیگر و راننده اش منجر شد.

غلامعلی رفعت گفت: این حادثه ساعت ۶ و ۳۰دقیقه دیروز به اورژانس اطلاع داده شد که بلافاصله دودستگاه آمبولانس به محل حادثه واقع در مسیر جزینک –زهک اعزام شدند.

همچنین در یک حادثه دیگر، تصادف سه دستگاه خودرو سواری سرویس مدرسه در محور دژگان – بندرخمیر موجب مصدوم شدن ۱۱دانش آموز و سه راننده این خودروها شد.

مدیر روابط عمومی و امور بین الملل دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان گفت: مصدومان این حادثه به بیمارستان نیاپور بندرخمیر منتقل شدند.

فاطمه نوروزیان افزود: همه ۱۱دانش آموز مصدوم این حادثه دختر و در محدوده سنی ۱۳تا ۱۶سال هستند که حال عمومی همه مصدومان مساعد است و مصدومیت همه جزئی است.

به گفته سرهنگ نیکبخت ، سرپرست پلیس راه هرمزگان این تصادف بر اثر برخورد سه خودرو سمند، پژو ۲۰۶و پراید رخ داد.

اخبار کوتاه

فعالیت پلیس فتا درحوزه محیط زیست تشدید می‌شود

سرویس خبر:رئیس پلیس فتا گفت: این پلیس در نظر دارد برای افزایش همکاری با سازمان حفاظت محیط زیست از جمله مبارزه با حیوان آزاری، شعبه‌ای از پلیس فتا را با هدف پایش و برخورد با جرائم محیط زیستی در فضای مجازی راه‌اندازی کند.

سردار وحید مجید با بیان این که این پلیس به جد موارد حیوان آزاری را پیگیری و با آن برخورد می کند، افزود: فیلم های مربوط به حیوان آزاری در فضای مجازی، بلافاصله توسط پلیس فتا رصد می شوند و مطابق با مجازات هایی که در قانون برای حیوان آزاری و صید و شکار غیرقانونی تعیین شده، با مجرمان برخورد و اقدام می کند که تاکنون چند مورد آن انجام شده است.

وی گفت: در نظر داریم ضمن افزایش همکاری با سازمان حفاظت محیط زیست، شعبه‌ای از پلیس فتا را با هدف پایش و برخورد با جرایم محیط زیستی در فضای مجازی در این سازمان راه‌اندازی کنیم.

سرقت از خانه مرفه نشینان تهران عاقبت خوشی نداشت

سرویس حوادث: دو سارق حرفه ای خانه درتهران که در یک فقره از سرقت ها، اموالی به ارزش ۱۵ میلیارد ریال سرقت کرده بودند، به دام افتادند.

سرهنگ قاسم دستخال، رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی دراین باره گفت: شامگاه دوم مرداد امسال مرد جوانی با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و از وقوع سرقت در خانه اش در محله زعفرانیه خبر داد که با ارسال پرونده سرقت به این پایگاه ، شاکی به کارآگاهان گفت: منزلمان در طبقه دوم یک مجتمع ۸ واحدی است و روز حادثه من همراه اعضای خانواده ام برای خرید از خانه خارج شدیم و حدود ساعت ۹ شب بود که یکی از همسایه ها با من تماس گرفت و اعلام کرد خانه ام مورد دستبرد سارقان قرار گرفته است که با مراجعه به خانه متوجه شدیم طلا، جواهرات، دوربین فیلمبرداری، مجسمه آنتیک، مکمل های ورزشی، عطر، ادکلن، وسائل تزئینی، لباس های مردانه و زنانه، ساعت مچی زنانه و مردانه گرانبها، بشقاب های زینتی گرانقیمت وکارت عابر بانک مجموعاً به ارزش تقریبی یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان سرقت شده است.دستخال ادامه داد: کارآگاهان در بررسی محله وقوع سرقت توانستند با کشف شماره پلاک یک دستگاه خودرو ۲۰۶ سفید رنگ یکی از عاملان سرقت را در محدوده خیابان ولی عصر دستگیر کنند و همدست دیگر او در محدوده سعادت آباد بازداشت شد که هردو متهم باا عتراف به سرقت خانه شاکی به ۱۰ فقره سرقت از منازل شمال تهران اعتراف کردند.

رئیس عقیدتی سیاسی پلیس راهور قربانی حادثه رانندگی شد

سرویس حوادث: رئیس پلیس راهور گفت: حجت الاسلام و المسلمین فهیم راد رئیس عقیدتی سیاسی پلیس راهور و راننده وی که برای انجام مأموریت اربعین در حال حرکت به طرف نواحی مرزی بودند، در حادثه رانندگی جان خود را ازدست دادند.سردار کمال هادیان فر خستگی راننده خودرو مقابل را علت وقوع این حادثه اعلام کرد و ادامه داد: ۵درصد زائران امسال از خودرو شخصی استفاده کردند که به طور حتم هنگام بازگشت بسیار خسته هستند و باید استراحت و خواب کافی داشته باشند.

مهار آتش در پالایشگاه آبادان

سرویس حوادث: حریق در کانال هدایت کننده مواد زائد نفتی پالایشگاه آبادان مهار شد.

کانال هدایت کننده مواد زائد نفتی پالایشگاه آبادان دیروز به دلایل نامعلوم دچار حریق شد که با اقدام واحد آتش نشانی پالایشگاه، شعله های آتش مهار و از سرایت به دیگر بخش ها جلوگیری به عمل آمد.فرماندار ویژه شهرستان آبادان در بازدید از محل حادثه پالایشگاه گفت : حریق پالایشگاه آبادان بدون هیچ گونه تلفات جانی و مالی اطفا شد.موسوی افزود: تجمع مواد نفتی زیر شبکه لوله های انتقال سبب شعله ور شدن مواد سوختی شده بود.به گفته وی طرح جمع آوری و خروج مواد نفتی که از زمان جنگ تحمیلی زیر لوله ها انباشته شده است، از مدت ها قبل از سوی مدیریت پالایشگاه در حال اجرا است و بزودی همه مواد نفتی زائد جمع آوری و خارج خواهند شد.

کاهش تخلفات در معافیت های سربازی

سرویس خبر: صدور کارت های هوشمند پایان خدمت و معافیت منجر به شناسایی متخلفان و برخورد با آنها و همچنین کاهش چشمگیر تخلفات شده است.

سردار تقی مهری، رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا بابیان این مطلب افزود: اصلاح فرآیندها، به کارگیری اقدامات پیشگیرانه در حوزه معافیت های سربازی و صدور کارت های هوشمند پایان خدمت و معافیت، منجر به کاهش چشمگیر تخلفات شده و در تغییر روند اعطای معافیت پزشکی سعی شده است از نفوذ افراد سودجو در این فرآیندها جلوگیری شود.

رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا تأکید کرد: به کارگیری پزشکان نیروهای مسلح در معاینه اولیه مشمولان و ایجاد ارتباط سیستمی از طریق دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی (پلیس+۱۰) با آنان، ارتباط سامانه ای با بیمارستان ها و ارسال جوابیه از طریق پیک در معاینه تخصصی مشمول یا بستگان درجه یک وی از جمله پدر، مادر، برادر و خواهر در معافیت های کفالت، سبب شده است تا دسترسی افراد به مدارک پزشکی محدود و تخلفات در این زمینه کاهش یابد.

وی تأکید کرد: کاهش چشمگیر تخلفات در معافیت های کفالت،بیانگر اقدامات مثبت سازمان وظیفه عمومی ناجا برای کنترل و اصلاح فرآیندها مانند تغییر در روند استعلامات ثبت احوال و سایر بررسی هاست. او ادامه داد: طی سال های گذشته سازمان وظیفه عمومی ناجا توانسته است با اجرای طرح تعویض کارت های قدیمی پایان خدمت و معافیت با کارت هوشمند، حجم بالایی از کارت های جعلی پایان خدمت و معافیت را شناسایی، کشف و ابطال کند. همچنین هوشمندسازی کارت های مذکور موجب شده است تا ضریب امنیت کارت ها افزایش و جعل آنها دشوار تر شود.مهری تأکید کرد: مشمولان به وعده های افراد سودجو و متقلب توجه نکنند و برای کسب اطلاع از فرآیندها و مقررات خدمت وظیفه عمومی به پایگاه اطلاع رسانی سازمان وظیفه عمومی ناجا به نشانی www.vazifeh.police.ir مراجعه کنند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیامهای تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:

* موضوع پیامها جنبه‌های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیامها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
* چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

قدردانی از زحمات کارکنان مهدکودک

فرزندم را برای فراگیری آموزش‌های ویژه دوران کودکی و ازجمله برقراری ارتباط و دوستی با همسالان خود به مهدکودک «گل‌های ما» منطقه ۳ آموزش و پرورش تهران سپردم که به بهترین شکل جذب این محیط مناسب آموزشی شد. از زحمات مدیر و کارکنان مهدکودک تشکر و قدردانی می‌کنم.

رحمتی

ساماندهی خریداران ضایعات

آلودگی صوتی خریداران ضایعات و میوه‌فروش‌های سیار در برخی از محله‌های شهر تهران غیر قابل تحمل است. با توجه به انواع مسائل زیست محیطی کلانشهر تهران از مسئولان امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری درخواست می‌کنم برای ساماندهی این مشاغل چاره‌اندیشی کنند.

شهروندی از تهران

قابل توجه رئیس سازمان جهاد کشاورزی

یکی از دلایل فروش بسیار ارزان محصولات کشاورزی به دلالان توسط باغداران، آسیب‌پذیری سریع محصولات است. از دولت محترم و مسؤولان سازمان جهاد کشاورزی درخواست می‌کنم برای توسعه اشتغال در روستاها و مقابله با سودجویان بازار محصولات کشاورزی و ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی با اعطای وام‌های کم‌بهره و همچنین تضمین صادرات محصولات کشاورزان برنامه‌ریزی‌های دقیق و مؤثری انجام دهند.

گودرزی ـ باغداری از روستای شیخ‌میر شهرستان بروجرد

مشکل حذف قبض کاغذی برق در روستاها

از اهالی روستا الوانق در حومه آذرشهر استان آذربایجان‌شرقی هستم. با توجه به اینکه دولت درصدد حذف قبوض کاغذی برق است، ساکنان این روستا که امکان دسترسی به اینترنت و عابربانک برای پرداخت قبوض با مشکل روبرو هستند،مسئولان محترم برای رفع این مشکل چه تدبیری اتخاذ کرده‌اند.

فرزاد اسدپور

کیفیت نان‌های سنتی در برخی نانوایی‌ها بسیار نامرغوب شده

کاهش کیفیت انواع نان‌های سنتی در برخی نانوایی‌ها و همچنین افزایش نرخ آنها موجب آزار و اذیت مصرف‌کنندگان شده است. عدم نظارت اتحادیه صنف نانوایان و سازمان تعزیرات حکومتی باعث تولید بیشتر ضایعات نان شده است.

مصرف‌کننده نان‌های سنتی

اخبار هواشناسی شهر تهران نقص دارد!

گویندگان اخبار هواشناسی صدا و سیما میزان آلودگی هوای بسیاری از شهرهای ایران به جز شهر تهران را به طور کامل شرح می‌دهند. به دلیل تراکم جمعیت و حجم بالای خودروها در معابر، میزان آلودگی هوا و ریزگردها در کلان‌شهر تهران بیشتر از سایر نقاط کشور است؛ بنابراین آگاهی از شرایط جوی برای بیماران تنفسی و قلبی در تهران بسیار مهم است.

شهروند بیمار تنفسی ـ تهران

خودکفایی در تولید برنج ایرانی!

اعلام خبر خودکفایی کشور در زمینه تولید برنج از سوی وزیر جهاد کشاورزی در شرایطی که برنج ایرانی با قیمت بالای کیلویی ۲۰ هزار تومان به مشتریان عرضه می‌شود، قابل باور نیست! در حالی که قدرت خرید اکثر اقشار جامعه، برنج‌های خارجی بی‌کیفیت پاکستانی و هندی است که با قیمت نازلتری نسبت‌به برنج باکیفیت و مرغوب‌ایرانی در بازار توزیع می‌شود.

تلفن به خط ارتباطی

قابل توجه رئیس اتحادیه شرکت‌های تعاونی مسافربری

کمبود اتوبوس‌های برون شهری در ترمینال‌های تهران از مشکلات مسافرانی است که قصد عزیمت به شهرهای خود و بالعکس را در ایام پیاده‌روی اربعین دارند. در این مدت به‌دلیل جابه‌جایی زائران عزیز کربلا توسط تعاونی‌های مسافربری اکثر مسافران ملزم به پرداخت هزینه بیشتر به سواری‌های شخصی برای سفرهای خود هستند. از رئیس اتحادیه شرکت‌های تعاونی مسافربری کشور تقاضا می‌کنم که لااقل در این روزها با جایگزین کردن اتوبوس‌های شرکت واحد برای حل مشکل مسافران چاره‌اندیشی کنند.

مستعد ـ بروجرد

لزوم رسیدگی به پرونده‌های املاک فاقد سند در دستگاه قضا

در سال ۱۳۷۱ آپارتمانی را در فاز ۲ شهرک اکباتان به صورت قسطی خریداری کردم که با گذشت چندین سال از اتمام اقساط خرید ملک خود هنوز موفق به دریافت سند مالکیت نشده‌ام. از مسئولان ذیربط تقاضای رسیدگی به پرونده املاک فاقد سند را دارم.

پیکر

سهل‌انگاری و بی‌توجهی تا چه زمانی؟!

از چاپ گزارش مصور روستای « چم‌مهر» لرستان نوشته خانم ارمغان زمان فشمی که گویای عمق فاجعه خدمات‌رسانی دولت و مسؤولان به افراد ستمدیده و محروم کشور است، تشکر و قدردانی می‌کنم. تا چه زمانی باید شاهد سهل‌انگاری و بی‌توجهی مسؤولان نظام به مشکلات و معضلات مردم کشورمان باشیم.

تلفن به خط ارتباطی

شرکت آب و فاضلاب منطقه ۱۵ پاسخگو باشد

مدتی است آسفالت برخی از خیابان‌های افسریه در منطقه۱۵ تهران توسط شرکت آب و فاضلاب کنده شده است. متأسفانه پیمانکاران شرکت پس از اتمام کار برای بازسازی آسفالت و چاله‌های ایجاد شده اقدامی نکرده‌اند. از شرکت آب و فاضلاب منطقه خواهان رفع معضلات رفت‌وآمد اهالی منطقه را داریم.

صمصامی ـ افسریه تهران

زحمات فوتبالیست‌ها نادیده گرفته شد!

از خوانندگان و طرفداران همیشگی یادداشت‌های سردبیر روزنامه اطلاعات هستم. اما با خواندن یادداشت پرویزخان بلندشو! ایشان شوکه شدم! از ایشان انتظار نداشتیم زحمات و تلاش فوتبالیست‌های کشورمان را نادیده بگیرند و آنها را بی‌اخلاق خطاب کنند. هدف آنان برد و خوشحالی مردم بوده است و قصد توهین و بی‌احترامی به بازیکنان تیم مقابل را نداشتند.

خوانندۀ روزنامه اطلاعات

خط ارتباطی: موضوع یادداشت سردبیر، «اخلاق» بود نه ورزش که متأسفانه هنوز در ورزش ما مفهوم غریبی است.

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت مترو پیرامون سکوی آسانسور در ایستگاه‌های مترو

خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در آن روزنامه، دوشنبه ۱۳۹۸/۷/۲۲ صفحه ۹ با عنوان: لزوم راهنمای سکوی آسانسور در ایستگاه‌های مترو، پاسخ زیر در همان صفحه به چاپ برسد:

باسلام، احتراماً ضمن سپاس از مسافر گرامی و همچنین آن روزنامه وزین به خاطر انعکاس دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خوانندگان و ظرفیت ایجاد شده جهت تعامل و پاسخگویی به شهروندان و مسافران محترم، به اطلاع می‌رساند تابلوی راهنمای مسیر آسانسور، در الگوی استاندارد تابلوهای شرکت بهره‌برداری متروی تهران موجود بوده و در اکثر ایستگاه‌ها در بالای آسانسور نصب شده است. لازم به توضیح است بررسی مجدد و رفع نواقص تابلوهای راهنمای مسیر آسانسور، در دستور کار شرکت بهره‌برداری مترو بوده و در اسرع وقت مرتفع خواهد شد.

محسن محمدیان ـ مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات امور بین‌الملل

جوابیه سازمان مدیریت و نظارت بر تاکسیرانی شهر تهران درباره برخورد با مسافربرهای خشن

با احترام، عطف به مطلب مندرج در آن روزنامه وزین مورخه ۱۳۹۸/۷/۱۶ با موضوع «ضرورت برخورد با مسافربرهای خشن» خواهشمند است توضیحات زیرا را جهت تنویر افکار عمومی منتشر فرمایید.

با تشکر از تماس تاکسیران محترم به آگاهی می‌رساند، با عنایت به طرح موضوع مزاحمت مسافربرهای شخصی و غیرمجاز از سوی تاکسیران محترم، این سازمان در حال عقد تفاهم‌نامه با پلیس راهور در راستای برخورد با مسافربرهای شخصی فعال منطقه ۲ می‌باشد.

سعید جاسبی ـ مدیر روابط عمومی

اخبار کوتاه داخلی

خروج پرسپولیس از بحران در غیاب هواداران

پرسپولیس با شکست پیکان بعد از ۲ باخت پیاپی در لیگ برتر به یک پیروزی دلچسب دست پیدا کرد و در غیاب هوادارانش از بحران خارج شد.

هفته هفتم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال ایران دیروز با انجام سه دیدار آغاز شد. در یکی از بازی‌ها تیم‌های پرسپولیس و پیکان از ساعت ۱۸ در ورزشگاه بدون تماشاگر آزادی به مصاف هم رفتند که این مسابقه در پایان با برتری ۲ بر یک پرسپولیس به اتمام رسید. سرخپوشان تهرانی با گل‌های مهدی ترابی (۱۹) و احمد نوراللهی (۸۱) در برابر تنها گل سعید واسعی (۲۴) از یک ضربه کاشته در پشت ۱۸ قدم به سه امتیاز ارزشمند رسیدند و بعد از ۲ باخت پیاپی در لیگ برتر به چهارمین پیروزی این فصل دست پیدا کردند.

پیروزی ارزشمند فولاد خوزستان

در دیگر بازی دیروز، تیم‌های ماشین‌سازی تبریز و فولاد خوزستان در ورزشگاه «بنیان دیزل» به مصاف هم رفتند که فولادی ها با شکست حریف تبریزی به پیروزی دست یافتند. شاگردان جواد نکونام در این بازی به پیروزی سه بر ۲ رسیدند تا یک پیروزی ارزشمند را در دیداری خارج از خانه جشن بگیرند.

برنز قایقرانان ایران در مسابقات ماراتن آسیا



تیم کایاک دو نفره ماراتن ایران در روز پایانی مسابقات قهرمانی آسیا موفق به کسب یک مدال برنز شد.به گزارش ایرنا در روز پایانی رقابت‌های قهرمانی آسیا در شائوشینگ چین ملی‌پوشان ایران در مسابقه کایاک دونفره ماراتن ۳۰ کیلومتر بزرگسالان به مصاف رقبا رفتند که در پایان به یک مدال برنز رسیدند.در پایان این مسابقه ایلیا نادرنژاد و محمدرضا صیادمومن با زمان ۲:۲۲:۰۶.۷۱ ساعت پس از ۲ قایق کشور چین مقام سوم را کسب کردند و صاحب مدال برنز شدند.رضا رئیسی و صادق زمانی نیز با زمان ۲:۲۷:۴۰.۴۸ ساعت در جایگاه چهارم قرار گرفتند. به این ترتیب تیم ملی ایران با کسب ۲ مدال طلا و ۳ مدال برنز به کار خود در مسابقات ماراتن قهرمانی آسیا پایان داد.

شکست ایران برابر کره در مسابقات والیبال سیزم

تیم والیبال ایران در نخستین مسابقه خود در جریان رقابت‌های سیزم مغلوب کره‌جنوبی شد.

به گزارش خبرگزاری فارس، مسابقات والیبال ارتش های جهان به میزبانی چین در حال برگزاری است. تیم ایران با هدایت فرهاد نفرزاده در نخستین مسابقه خود در این دوره از مسابقات مقابل کره‌جنوبی با نتیجه ۳ بر یک و با امتیازهای ۲۵ بر ۱۸، ۲۴ بر ۲۶، ۲۵ بر ۱۸، ۲۶ بر ۲۴ شکست خورد.تیم والیبال نیروهای مسلح ایران در گروه دوم مسابقات با تیم‌های کانادا، کره‌جنوبی، هلند و پاکستان همگروه است. در گروه یک نیز تیم‌های برزیل، چین، ونزوئلا، فرانسه قرار دارند.نفراتی همچون علیرضا نادی (کاپیتان)، بیژن براتی، جابر اسماعیل‌پور، مصطفی نجفی، رادین احمدی، آرمین افشین‌فر، امیر افشار، فردین قلعه‌وند و محمد علی فلاح عضو تیم نیروهای مسلح ایران هستند.تیم کشورمان امروز در دومین مسابقه خود به مصاف کانادا می رود.

هادی پور نامزد بهترین ورزشکار فیزو شد



آرمین هادی پور تکواندوکار ایران از سوی فدراسیون جهانی ورزش دانشگاهی (FISU) به عنوان نامزد بهترین ورزشکار مرد فدراسیون جهانی ورزش‌های دانشگاهی انتخاب شد.

به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از روابط عمومی فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی، در چهارمین دوره جشنواره فدراسیون جهانی ورزش‌های دانشگاهی (فیزو گالا)، آرمین هادی پور قهرمان تکواندوی ایران برای انتخاب در بخش "بهترین ورزشکار مرد" حضور خواهد داشت.بنابراین گزارش پس از معرفی دو نماینده کشورمان نجمه خدمتی در رشته تیراندازی و آرمین هادی پور در رشته تکواندو از سوی فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی برای حضور درجمع بهترین‌های ورزش دانشگاهی جهان پس از بررسی‌های صورت گرفته توسط کمیته فنی این جشنواره آرمین هادی پور دارنده سه مدال طلای دانشجویان توانست به بخش انتخاب بهترین ورزشکار راه یابد. گفتنی است که چهارمین مراسم فیزو گالا، در تورین ایتالیا ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) همزمان با سی و ششمین مجمع عمومی فیزو برگزار خواهد شد.

کار سخت تکواندوی ایران برای کسب سهمیه های کامل المپیک



با توجه به نتایج بدست آمده در گرندپری بلغارستان و حذف ۳ نماینده ایران، کار کسب سهمیه‌های کامل المپیک برای ایران بیش از پیش سخت شد تا کار به تورنمنت نهایی کسب سهمیه در روسیه کشیده شود.

به گزارش ایسنا، مرحله سوم رقابت‌های گرندپری ۲۰۱۹ در صوفیه پایتخت بلغارستان به پایان رسید و تیم ۵ نفره ایران در نهایت به ۲ مدال برنز بسنده کرد.

تیم ملی تکواندو ایران در راه افزایش امتیاز سهمیه المپیک با ترکیب آرمین هادی‌پور در ۵۸-، میرهاشم حسینی و سروش احمدی در ۶۸- و سعید رجبی و سجاد مردانی در ۸۰+ کیلوگرم و با هدایت فریبرز عسکری عازم صوفیه شد که در پایان هادی‌پور و احمدی به مدال برنز رسیدند و ۳ نماینده دیگر ایران نیز از دور رقابت‌ها کنار رفتند.

بر اساس قانون فدراسیون جهانی تکواندو، در هر ۴ وزن المپیکی در نهایت ۱۶ تکواندوکار در توکیو حضور خواهند داشت. از این میان ۵ نفر نخست رنکینگ جواز حضور در المپیک را بدست می‌آورند، یک نفر از طریق رقابت های گرنداسلم موفق به کسب سهمیه می‌شود، ۸ نفر از رقابت‌های قاره‌ای کسب سهمیه آسیا، اروپا، آمریکا و آفریقا(دارندگان طلا و نقره در هر وزن المپیکی) جواز حضور در المپیک را بدست می‌آورند و نفر نخست رقابت‌های اقیانوسیه نیز به این جمع اضافه خواهد شد.برای یک نفر باقیمانده در هر وزن نیز(جمعا ۴ نفر)، ۲ نفر، سهم میزبان رقابت‌های المپیک است که اوزان آن را خودشان مشخص می‌کنندو ۲ نفر دیگر نیز از طریق وایلد کارت از طریق شورایی در فدراسیون جهانی که عموما به کشورهای ضعیف می‌دهند، انتخاب خواهند شد.

در رقابت‌های کسب سهمیه در هر قاره، کشورهایی که بر اساس رنکینگ دو و بالاتر صاحب سهمیه شده باشند نمی‌توانند سهمیه‌ای بگیرند، کشورهایی که یک سهمیه از طریق رنکینگ گرفته باشند نیز می‌توانند در نهایت یک سهمیه از طریق قاره‌ای بگیرند اما کشورهایی که هیچ سهمیه‌ای از طریق رنکینگ نگرفته باشند می‌توانند حداکثر ۲ سهمیه از طریق رقابت‌های قاره‌ای دریافت کنند.

طبق برنامه‌ریزی فدراسیون تکواندو، ملی‌پوشان تکواندوی ایران در فرصت باقیمانده برای افزایش امتیاز سهمیه المپیک در ۳ رویداد صربستان، کرواسی و در نهایت مسکو حاضر خواهند شد که در این میان رقابت فاینال در روسیه از اهمیت بسزایی برخوردار است.

به نفرات اول تا سوم تورنمنت صربستان و کرواسی برای کسب مدال‌های طلا، نقره و برنز ۱۰، ۶ و ۳/۶ امتیاز اختصاص داده خواهد شد اما در رقابت‌نهایی در مسکو که فقط ۱۶ نفر برتر رنکینگ حضور خواهند داشت به مدال‌آوران طلا ۸۰، نقره ۴۸ و برنز ۲۸ امتیاز اختصاص داده می‌شود.

با توجه به نتایج ملی‌پوشان ایران و وضعیت آن‌ها در رنکینگ، کادر فنی حساب ویژه‌ای برای کسب مدال در تورنمنت مسکو مخصوصا برای آرمین هادی‌پور میرهاشم حسینی و سجاد مردانی باز کرده تا در نهایت سهمیه‌های المپیک را از آن خود کنیم.

رقابت‌های قهرمانی اروپا نیز پیش از تورنمنت مسکو برگزار می‌شود و به نفرات قهرمان ۴۰ امتیاز سهمیه المپیک داده خواهد شد که همین امر نیز کمک زیادی برای اروپایی‌ها در راه کسب سهمیه المپیک است و اهمیت نتایج تکواندوکاران ایران در میادین پیش رو را بیش از پیش خواهد کرد.

بر اساس قانون فدراسیون جهانی در صورتی که یکی از نمایندگان المپیکی به هر دلیلی نتواند عازم این رقابت‌ها شود، فرد جایگزین باید در رده یک تا ۲۰ رنکینگ باشد. بر همین اساس برنامه فدراسیون تکواندو و کادر فنی تیم ملی رساندن فرزان عاشورزاده و سروش احمدی به ۲۰ نفر نخست رنکینگ است تا در صورت بروز مشکل برای آرمین هادی‌پور و میرهاشم حسینی بتوانند از این نفرات در المپیک استفاده کنند. در حال حاضر عاشورزاده در رده ۲۳ وزن ۵۸- و احمدی در رده ۱۴ وزن ۶۸- کیلوگرم قرار دارند.

با توجه به وضعیت بد تکواندوی ایران در وزن ۸۰- کیلوگرم و نداشتن شانس برای حضور در المپیک، فدراسیون تکواندو و کادر فنی از همان ابتدا در این وزن برنامه‌ای نداشت و تمرکز خود را به ۳ وزن دیگر المپیکی معطوف کرد.اما وضعیت تکواندوکاران ایران در ۳ وزن المپیکی ۵۸-، ۶۸- و ۸۰+ کیلوگرم به شرح زیر است:

دروزن ۵۸- کیلوگرم آرمین هادی‌پور پیش از این رقابت‌ها با ۳۴۶ امتیاز در رده چهارم رنکینگ جای داشت و با کسب مدال برنز این رقابت‌ها ۱۴/۴ امتیاز دیگر گرفت تا شانس خود را برای کسب سهمیه المپیک در وزن ۵۸- کیلوگرم بیش از پیش کند.

آرمین با ادامه این روند در رقابت‌های صربستان، کرواسی و در نهایت مسکو قطعا می‌تواند سهمیه سبک وزن را از آن ایران کند. رده های اول و دوم این وزن با اختلاف زیاد در اختیار تکواندوکاران کره‌ای است و در نهایت یکی از آن‌ها می‌تواند المپیکی شود.

دروزن۶۸-کیلوگرم باتوجه به کارشکنی انگلیسی‌ها در ندادن ویزا به میرهاشم حسینی تکواندوکار شایسته ایران برای حضور در رقابت‌های قهرمانی جهان، وی که بخت نخست کسب مدال طلای جهان بود نتوانست عازم این رقابت ها شود تا کار او برای کسب سهمیه المپیک بیش از پیش سخت شود.با این حال وی ابتدا در گرندپری رم با قهرمانی موفق به کسب ۴۰ امتیاز با ارزش شد و در یونیورسیاد دانشجویان جهان با ایستادن بر روی سکوی قهرمانی به ۲۰ امتیاز دیگر نیز رسید و سپس در رقابت‌های گرندپری چیبا در ژاپن با کسب مدال طلا ۴۰ امتیاز دیگر به اندوخته‌های خود اضافه کرد.اما در مسابقات اخیر با شکست ناباورانه مقابل دای هون لی نفر اول رنکینگ جهان، از دور رقابت‌ها کنار رفت.

حسینی پیش از این رقابت‌ها با ۲۹۲ امتیاز در رده ۶ رنکینگ جای دارد که با توجه به حذف از این رقابت‌ها کار وی برای کسب سهمیه بیش از پیش سخت شد اما رقابت‌های صربستان، کرواسی و در نهایت روسیه در پیش است و میرهاشم قطعا می‌تواند یکی دیگر از المپیکی‌های ایران از طریق رنکینگ باشد. با توجه به ۸۰ امتیاز کسب مدال طلا در رقابت‌های نهایی روسیه حسینی با قهرمانی در این رقابت‌ها می‌تواند گام نهایی را برای رسیدن به المپیک بردارد.

دروزن به اضافه ۸۰ کیلو سجاد مردانی پیش از این رقابت‌ها با ۲۷۳ امتیاز ، در رتبه ۴ رنکینگ قرار داشت اما او نیز نمایش خوبی نداشت و در نهایت از دور رقابت‌ها کنار رفت. از میان نفرات اول تا چهارم رنکینگ که بالاتر از مردانی قرار دارند، فقط تکواندوکار کره‌ای که در رده دوم حضور دارد موفق شد با کسب مدال نقره جایگاه خود را بیش از پیش مستحکم کند. در این وزن ولادیسلاو لارین روس با اختلاف امتیاز بالا و حضور در صدر رنکینگ در حاشیه امن قرار دارد.

تکواندوکاران برزیل، چین و کرواسی که موفق به کسب مدال‌های طلا و برنز در این تورنمنت شدند در جایگاه‌های پایین‌تر از مردانی قرار دارند و چندان خطری برای وی محسوب نمی‌شوند اما مردانی نیز برای اینکه در نهایت در بین نفرات برتر رنکینگ قرار گیرد باید در میادین پیش رو عملکرد بهتری داشته باشد و به مدال برسد.

سیامند رحمان:عشق به وطن و مردم تنها دلگرمی من برای کسب مدال است



قوی‌ترین پارالمپین تاریخ ایران گفت: با وجود بی‌مهری‌های مسوولان، عشق به وطن و مردم تنها دلگرمی من برای تداوم تمریناتم و کسب مدال و افتخارآفرینی برای کشورم است.

سیامند رحمان در گفت و گو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: ۱۳ سال است که عضو تیم ملی هستم و با وجود کسب ۲ مدال طلای پارالمپیک و رکوردزنی‌های فراوان برای کشورم همچنان به مشکلات من از سوی مسوولان توجهی نمی‌شود. وی با بیان اینکه مسوولان از نظر مالی حمایت چندانی از ملی‌پوشانی چون وی ندارند، افزود: هم‌اکنون ماهانه فقط ۹۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنم و حتی بیمه هم نیستم.

رکوردار جهان و پارالمپیک در دسته فوق‌سنگین وزنه‌برداری معلولان با بیان اینکه با هزینه شخصی خود تمریناتش را دنبال می‌کند، اضافه کرد: خیلی‌ها فکر می‌کنند که کمک‌های آن‌چنانی به ما می‌شود اما واقعیت چیز دیگری است.هیچ‌کدام از مسوولان استانی در طول این مدت که در حال تمرین هستم حتی با من تماسی هم نداشته‌اند و پیگیر وضعیت من نیستند.

رحمان با بیان اینکه مسوولان به جای کمک کردن فقط با مدال‌های ما پُز می‌دهند، گفت: به عنوان یک ورزشکار حرفه‌ای سختی‌ها و مشکلات فراوانی دارم و این بی‌مهری‌ها نیز بیشتر بر مشکلات من اضافه می‌کند.از پارا المپیک ریو به بعد تاکنون هیچ‌کدام از مسوولان سراغی از من نگرفته‌اند .

سیامند افزود: تمام هدف من کسب مدال طلای مسابقات توکیو و رکوردزنی در این مسابقات است و با تمام وجود برای دستیابی به این هدف حتی با وجود این بی‌مهری‌ها تلاش می‌کنم.تا کنون از چند کشور از جمله «جمهوری آذربایجان» به من پیشنهادهایی شده است ولی به دلیل عشق به وطن و خانواده هیچ‌کدام از آنها را نپذیرفته‌ام.

وی همچنین تندیسی را که از وی توسط شهرداری و شورای اسلامی اشنویه در ورودی این شهر نصب شده نامناسب خواند و از مسوولان خواست تا به اصلاح یا برداشتن آن از این مکان اقدام کنند.

۲ مدال طلای پارا المپیک ۲۰۱۲ لندن و ۲۰۱۶ ریو، پنج مدال طلا و یک نقره مسابقات قهرمانی جهان و سه مدال طلای بازی‌های پارآسیایی ۲۰۱۰ گوانژو، ۲۰۱۴ اینچئون و ۲۰۱۸ جاکارتا از سیامند ورزشکاری برجسته در سطح رقابت‌های بین‌المللی ساخته است.

سیامند رحمان متولد ۱۳۶۷ و اهل شهرستان اشنویه از توابع آذربایجان‌غربی و وزنه‌بردار سنگین وزن ایران است که در سال ۱۳۸۷ برای اولین‌بار به اردوی تیم ملی وزنه‌برداری معلولان دعوت شد.

سهمیه ۱+۳ ایران در لیگ قهرمانان آسیا

لیگ برتر فوتبال ایران در جدیدترین رنکینگ باشگاه های فوتبال آسیا به رده دوم غرب آسیا صعود کرد تا سهمیه ۱+۳ برای فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا به فوتبال ایران برسد.

به گزارش خبرنگار مهر، جدیدترین رنکینگ لیگ های باشگاهی فوتبال آسیا از سوی AFC منتشر شد تا تکلیف سهمیه کشورها در لیگ قهرمانان ۲۰۲۰ آسیا مشخص شود. در این رده بندی، لیگ چین با کسب ۱۰۰ امتیاز در رده نخست قرار گرفت. پس از این کشور لیگ ستارگان قطر با ۹۲/۰۷۸ امتیاز، رده دوم را در اختیار گرفته است تا به عنوان نخستین تیم در منطقه غرب آسیا بیشترین سهمیه را در فصل آینده رقابت های لیگ قهرمانان آسیا داشته باشد. پس از قطر نیز لیگ های ژاپن و کره جنوبی حضور دارند. اما رده پنجم این رده بندی به لیگ برتر فوتبال ایران اختصاص پیدا کرده است. فوتبال ایران ۸۳/۷۳۵ امتیاز کسب کرد تا دومین باشگاه در منطقه غرب آسیا شناخته شود. رقابت های لیگ قهرمانان آسیا که در ۲ منطقه غرب و شرق به صورت جداگانه در مراحل گروهی و حذفی برگزار می‌شود سهمیه بندی باشگاه ها را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است. طبق مقررات کمیته مسابقات لیگ قهرمانان، تیم های اول و دوم هر منطقه طبق رنکینگ AFC سهمیه ۱+۳ را کسب می کنند بنابراین فوتبال ایران با سبقت از لیگ فوتبال عربستان توانست پس از مدت ها تعداد سهمیه خود را از ۲+۲ به ۱+۳ افزایش دهد. طبق تغییرات به وجود آمده، تیم های پرسپولیس، سپاهان اصفهان و استقلال تهران بطور مستقیم به لیگ قهرمانان ۲۰۲۰ آسیا راه پیدا می کنند و تیم شهرخودرو نیز باید در رقابت های مرحله پلی آف شرکت کرده و شانس خود را بیازماید.

اخبار کوتاه خارجی

رکوردی خاص برای لواندوفسکی



مهاجم لهستانی بایرن مونیخ به درخشش خود در بوندسلیگا ادامه داد و توانست برای هشتمین بازی پیاپی گلزنی کند.

به گزارش ایسنا و به نقل از اسکای اسپورت روبرت لواندوفسکی که فصل بسیار خوبی را با بایرن مونیخ تجربه می‌کند توانست برای هشتمین بار پیاپی در فصل جاری گلزنی کند.بایرن مونیخ در فصل جاری بوندسلیگا ۸ بار به میدان رفته و روبرت لواندوفسکی توانسته در هر ۸ دیدار برای تیمش گلزنی کند.بایرن در هفته هشتم بوندسلیگا مهمان آگزبورگ بود که با تساوی دو بر دو متوقف شد و لواندوفسکی توانست گل نخست تیمش را به ثمر رساند.

در تاریخ بوندسلیگا فقط اوبامیانگ توانسته بود که در ۸ دیدار آغازین برای دورتموند گلزنی کند که لواندوفسکی توانست به رکورد این بازیکن که الان در آرسنال بازی می‌کند برسد، با این تفاوت که اوبامیانگ در ۸ بازی ۹ گل به ثمر رساند اما لواندوفسکی ۱۲ گل به ثمر رسانده است.

غفور در پرستاره‌ترین لیگ جهان به میدان می‌رود



امیر غفور ستاره والیبال ایران از دیروز رقابت خود را در پرستاره‌ترین لیگ جهان در ایتالیا آغاز کرد.به گزارش ایرنا درفصل جدید سری آ والیبال ایتالیا برخلاف مسابقات فصل قبل که محمدجواد معنوی‌نژاد، سعید معروف امیر غفور، مجتبی میرزاجانپور و مرتضی شریفی به میدان می‌رفتند، امسال امیرغفور تنها ایرانی حاضر در معتبرترین لیگ والیبال جهان است.غفور که پارسال در تیم مونزا به میدان می‌رفت، امسال با انتقالی بزرگ به قهرمان ایتالیا و اروپا پیوست. شماره ۱۰ والیبال ایران در فصل جدید باید پیراهن تیم لوبه را بر تن کند. لوبه در فصل گذشته هم قهرمان سری آ شد و هم مقام نخست لیگ قهرمانان اروپا را از آن خود کرد.برونو رزنده در پست پاسور، سیمون، سیمونه آنزانی و متئوز بینیک در پست مدافع میانی عثمانی خوانتورنا، لئال و جیری کوار در پست دریافت‌کننده و فابیو بالاسو در پست لیبرو، دیگر ستاره‌های بزرگ تیم لوبه هستند.

گفتنی است که فصل جدید لیگ لهستان هم از هفته آینده آغاز می‌شود که میلاد عبادی‌پور در اسکرا بلهاتوف، سیدمحمد موسوی در اولشتین و پوریا فیاضی در بنزین ، بازیکنان ایرانی حاضر در این مسابقات هستند.

جوسازی یک رسانه عراقی برای تیم ملی ایران

یک سایت عراقی در یک جوسازی عجیب مدعی شد که فدراسیون فوتبال ایران برای سرمربی بلژیکی خود خط و نشان کشیده است.به گزارش خبرگزاری فارس، سایت «معرض الکره العراقیه» عراق در ادعایی عجیب کرد و نوشت: فدراسیون فوتبال ایران به مارک ویلموتس، سرمربی خود اعلام کرد که دیدار با عراق آخرین فرصت اوست.

گفتنی است که تیم ملی کشورمان در آخرین بازی اش در انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر مقابل بحرین با نتیجه یک بر صفر باخت و انتقادهایی بعد از این بازی از سوی رسانه‌ها و کارشناسان فوتبال به ویلموتس شد. ایران اکنون با ۶ امتیاز در رده سوم گروه خود قرار دارد.ضمنادیدار تیم ملی کشورمان با عراق در تاریخ ۲۳ آبان در ورزشگاه بین المللی بصره برگزار می شود.

هفته درخشان لژیونرهای ایرانی وبرد زووله با گل گوچی



تیم فوتبال زووله هلند در روز گلزنی رضا قوچان‌نژاد به ۳ امتیاز شیرین در برابر حریف پایین جدولی خود دست پیدا کرد.به گزارش ایرنا هفته دهم رقابت‌های لیگ هلند موسوم به اردیویژه با انجام بازی زووله و آدو دن‌هاخ پیگیری شد. دیداری که در پایان با برتری ۳ بر یک تیم میزبان به اتمام رسید. با این نتیجه زووله با ۱۰ امتیاز در رده سیزدهم و دن‌هاخ با ۶ امتیاز در جایگاه شانزدهم قرار گرفتند.رضا قوچان‌نژاد مهاجم ایرانی تیم زووله در این مسابقه از ابتدا در ترکیب تیمش بود و موفق شد در دقیقه ۷۴، گل دوم و پیروزی‌بخش زووله را وارد دروازه دن‌هاخ کند. گوچی در دقیقه ۹۰ از زمین مسابقه بیرون رفت. این پنجمین گل این فصل گوچی برای زووله بود. پیش از این رامین رضاییان، کریم انصاری‌فرد و سردار آزمون نیز در لیگ‌های قطر و روسیه برای تیم‌هایشان گلزنی کرده بودند و حالا این روند خوب با گلزنی گوچی ادامه پیدا کرد.

ترحیم

هوالباقی

بـا نهایت تأسـف و تأثر در گذشـت **مرحومه مغفوره خانم مهین حاجی ملاعلی کنی** فرزند محمدصادق را به اطلاع کلیه اقوام ـ دوستان و آشنایان می‌رسانم.

فرزند آن مرحومه ـ محمدرضا فراهانی

بازگشت همه به سوی اوست

با کمال تأسـف و تأثر در گذشت مرحوم مغفور **شادروان حـاج محمدابراهیـم بحرینی** را به اطلاع دوسـتان و آشنایان گرامی می‌رسـاند. مجلس ترحیم شادروان روز دوشنبه ۹۸/۷/۲۹ از ساعت ۱۵/۳۰ لغایت ۱۷ در مسجد جامـع واقع در ضرابخانه خیابان پاسـداران نگارسـتان هشتم(شهید کشوری) کوچه مسجد برگزار می گردد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران

هوالباقی

با نهایت تأسـف و تأثر در گذشـت نابهنگام **شادروان مهندس شـهاب عاصمی** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان، آشنایان و همکاران محترم می‌رساند.
مراسـم یادبود آن مرحوم مغفور در روز دوشنبه مورخ ۹۸/۷/۲۹ از سـاعت ۱۶/۰۰ الـی ۱۷/۳۰ در مسـجد جامع شـهرک غرب به آدرس: شـهرک غرب، خیابان حسن سیف مسجدجامع شهرک غرب برگزار می گردد.

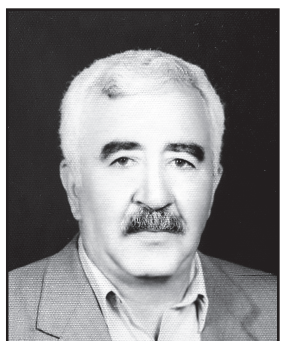
از طرف خانواده‌های: عاصمی، رسـتمی، نصیری و سایر بستگان

یادبود

۲۵ سـال از نبود مادر عزیزمان **حاجیه خانم فاطمه محمدعلی (مطهری)** می گذرد.
یاد و نامش گرامی باد.

فرزندانش

افسانه هستی‌اش اگر پایان یافت
خوشنامی و عزتش به پایان نرسید



مهـر در پایان اسـت ولی یاد مهربانی‌هـای پدرمان را پایانی نیست.

هفدهمین سالگرد درگذشت بهترین پدر دنیا مرحوم
«حاج عباس طاهری امین»

را در حالی گرامی می‌داریم که لحظه‌ای از یاد و خاطره آن عزیز غافل نبوده و همواره بیادش هستیم.
روحش شاد و یادش گرامی.

«همسر و فرزندان»

تسلیت

مردی صالح به خانه‌ی از پیش ساخته خود، نقل مکان کرد.

خبر درگذشـت **مرحوم حـاج محمداکبری** رئیس اسبق جامعه سـردفتران و دفترياران استان خراسان، موجب تأسـف و تأثر شـدید گردید. او مـردی خیّر و خدمتگـزار در همه زمینه‌هـا بخصوص در حوزه دفاتر اسـناد رسمی بود. سال‌های بسیاری در رفع مشکلات دفاتر و اعتلای مقام سـردفتری، با این حقیر همکاری جدّی و دلسوزانه داشت.
درگذشـت غمبار این دوسـت متدین و بـا همت را به همسـر و فرزندان مکرّم ایشـان جنابـان آقایان دکتر جواد، دکتر اکبر، دکتر محمدعلی، دکتر مجید و داماد محترمشـان آقای سـیدعلی محمدی سردفتر اسناد رسمی ۱۱۸ مشـهد و جامعه سردفتری ایران تسلیت گفته، از درگاه حیّ لایموت رحمت واسعه الهی را برای آن مرحـوم و صبر جمیل و اجز جزیل برای بازماندگان به دعا می‌طلبم.

دکتر محمدشیخ‌الرئیس کرمانی

جناب آقای مهندس جلیل جهانگانی

بانهایت تأسف درگذشت برادر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان محترم سلامتی و صبر مسئلت می‌نمائیم.

مدیریت و کارکنان
شرکت مهندسین مشاور پندام

جناب آقای کوروش سوری

با کمال تأسـف و تأثر درگذشـت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده برای آن مرحومه طلب مغفرت و برای شـما و سـایر بازماندگان صبر و شکیبایی خواهانیم.

دفتر نمایندگی روزنامه اطلاعات ساوه ـ قلهک

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
خانواده محترم استاد حسین دهلوی

بااندوه بسیار درگذشت زنده یاداستادبی‌بدیل موسیقی ایران مبتکر و سـازنده باشکوه‌ترین نغمات و آثار به یاد ماندنی و جاویدان موسیقایی را به حضور خانواده بسیار ارجمند و گرامی اسـتاد دهلوی تسلیت عرض نموده، سلامتی و شـکیبایی برای خانواده آن گرانمایه استاد علم و هنر و اخلاق از درگاه ایزد منان خواستارم.
روانش شاد و یادش هماره گرامی.

دکتر امیرحسین بقراطیان

همکار محترم
جناب آقای دکتر جواد طیلابی

بدینوسـیله مصیبـت وارده را خدمت شـما و خانواده محترم تسـلیت عرض می‌نمائیم و از درگاه ایزد منان برای آن مرحومه مغفوره، رحمت و غفران الهی و برای جنابعالـی و خانـواده محترم، صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نمائیم.

شرکت مرهم دارو

سرکار خانم زهرا اسدی بیدشکی

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسـلیت عرض نموده و برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شـکیبائی از خداوند منان خواستاریم.

شرکت راهسازی ایران

هلدینگ سانا و نام آوران:
شرکت محترم آرمه نو
جناب مهندس مجید ابریشمی

بـا نهایت تأسـف و تأثر درگذشـت ناگهانـی همکار ارجمندتـان **شـادروان آقـای مهندس شـهاب عاصمی** راخدمت شماوهمکاران وخانواده محترمشان صمیمانه تسلیت عرض می‌نمائیم.

شرکت سانا ـ محمود مصطفی‌زاده

سخنرانی

برنامه‌های علمی ـ دینی ـ فرهنگی هنری
حسینیه ارشاد
هفته آخر مهر

کلاس‌ها: ✓ تزکیه و اخلاق
نمایشـگاه‌هایی با موضوعات: ✓ قرآن و جاهلیت ✓ جامعه‌شناسـی ایـران ✓ حافظ‌شناسـی ✓ کاریحجماتور ✓ تازه‌های آبان ماه
برنامه‌ها: ✓ مراسم عزاداری سالار شهیدان ویژه بانوان
اطلاعات بیشتر: ۲۲۸۶۶۴۶۵

آگهی تغییرات شرکت کارخانجات مخابراتی ایران شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۴۲۴۷۸ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۰۰۴۶۴۷

به استناد صورتجلسـه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -موسسه حسابرسـی و خدمات مالی آتیه اندیش نمودگر بعنوان حسابرس و بازرس قانونی اصلی و موسسـه حسابرسـی امین تدبیر بصیر بعنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی تعیین گردید. -روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیر الانتشار شرکت انتخاب گردید - ترازنامه وعملکرد سود وزیان منتهی به سال مالی ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ تصویب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری شیراز (۵۷۰۱۰۹)

****

آگهی تغییرات شرکت تامین آب اصفهان صفه شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۶۱۸۸۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۲۸۶۲۲

به استناد صورتجلسـه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت فولاد مبارکه اصفهان به شناسـه ملی ۱۰۲۶۰۲۸۹۴۶۴ به نمایندگی آقای حمیدرضا عظیمیان به شماره ملی ۱۳۸۰۷۸۴۰۹۳ به سـمت رئیس هیئت مدیره وشـرکت پالایش نفت اصفهان به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۷۴۶۲۰ به نمایندگی آقای سـید مصطفی الهی به شماره ملی ۱۲۸۷۸۳۷۶۰۳ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و شرکت ذوب آهن اصفهان به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۰۸۵۳۰۳ به نمایندگی آقای مهدی نصر آزادانی به شماره ملی ۱۲۸۵۷۰۴۶۰۶ به سمت عضو هیئت مدیره وشرکت پرشیان فولاد به شناسـه ملی ۱۰۱۰۲۳۶۶۷۰۰ به نمایندگی آقای محسن فلاحتیان پائین دروازه به شماره ملی ۱۲۹۱۰۳۸۲۳۱ به سـمت عضو هیئت مدیره واتاق بازرگانی وصنایع ومعادن و کشـاورزی به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۹۱۳۶۵۲ به نمایندگی آقای مسعود گلشیرازی به شماره ملی ۱۲۸۶۹۳۳۸۵۴ به سـمت عضو هیئت مدیره وسـازمان همیاری شـهرداریهای اسـتان اصفهان به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۱۱۵۰۴۷ به نمایندگی آقای مرتضی طغیانی دولت آبادی با شـماره ملی ۱۲۸۸۶۰۱۶۶۳ بسمت عضو هیات مدیره وشـهرداری اصفهان به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۷۷۲۳۲ به نمایندگی آقای قدرت الله نوروزی باغکمه با شـماره ملی ۱۲۹۱۸۶۴۹۲۱ بسمت عضو هیئت مدیره و سید محمود حسینی پزوه به شماره ملی ۱۲۹۱۲۹۵۹۹۲ به سمت مدیر عامل برای مدت باقیمانده تصدی هیئت مدیـره تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۴ تعیین گردیدنددارندگان حق امضا: کلیه چکها، قراردادها و تعهدات و اسناد مالی شرکت باامضای مدیر عامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد و در غیاب مدیر عامل باامضای رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضای هیئت مدیره و مهر شـرکت دارای اعتبار می باشـد. مدیرعامل مجری مصوبات هیئت مدیره است و بندهای ۱ الی ۱۹ ماده ۴۱ (بجز بند ۳ و ۵) اختیارات هیئت مدیره به مدیرعامل تفویض گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری اصفهان (۵۶۹۹۲۷)

****

آگهی تغییرات شرکت تکادو شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۷۸۱۸ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۲۸۹۲۴۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۴ و به استناد نامه شماره ۱۴-۹۸۹/۴۸۴۰-۳۳ مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۹ سـازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شـد: بنا به اختیار حاصله [illegible]

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

اطلاعات

سال نود و چهارم

تقویم اطلاعات

دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۸
۲۲ صفر ۱۴۴۱ - ۲۱ اکتبر ۲۰۱۹

ظهر شرعی	۱۱ و ۴۹ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۲۲ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۴۰ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۰۷ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۵۳ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۱۶ دقیقه

استعفای ۴ وزیر دولت حریری همزمان با ناآرامی‌های لبنان

سرویس خارجی: همزمان با ناآرامی های لبنان، «سمیر جعجع» رئیس حزب «القوات اللبنانیه» و از رهبران جریان «۱۴ مارس» که مخالف حزب الله و وابسته به عربستان است استعفای چهار وزیر این حزب از دولت «سعد حریری» را اعلام کرد.

سمیر جعجع تصریح کرد که استعفای وزرایش از کابینه، با هماهنگی با نخست‌وزیر صورت نگرفته است. رئیس حزب «القوات اللبنانیه» با اشاره به این‌که این حزب خواهان ثبات در کشور و حفظ اموال خصوصی و دولتی است تاکید کرد که دولت فعلی ناتوان از ایجاد هرگونه راه‌حل است و بر این اساس، فراکسیون متبوع او تصمیم به استعفای وزرای حزب «القوات اللبنانیه» گرفت. وی اظهار داشت که فراکسیون متبوعش در زمان بررسی بودجه ۲۰۲۰ خواستار تعدادی اصلاحات فوری شده بود ولی در آن زمان جدیت مطلوبی را مشاهده نکرد.

طبق گزارشها، «غسان حاصبانی» معاون نخست‌وزیر، «کمیل بو سلیمان» وزیر کار، «ریشار قیومجیان» وزیر امور اجتماعی و «می شدیاق» وزیر مشاور در امور توسعه اداری وزرای حزب «القوات اللبنانیه» بودند که از کابینه حریری استعفا کردند. محافل سیاسی می‌گویند «سمیر جعجع» به عنوان نزدیک‌ترین فرد در لبنان به عربستان سعودی بر اساس تمایل ریاض رفتار و استعفای حزب خود را اعلام کرده است زیرا ریاض خواهان استعفای دولت سعد حریری است.

روزنامه «رأی الیوم» در یادداشتی نوشت: محافل سیاسی سرعت استعفای حزب القوات اللبنانیه را اینگونه تفسیر می‌کنند که این اقدام هماهنگ با تمایل سعودی برای استعفای دولت سعد حریری است. سمیر جعجع در حال حاضر نزدیکترین فرد به عربستان سعودی در لبنان است و این اقدام وی به شکلی غیرمستقیم موضعش را منعکس کرده است. بر اساس گزارش ها، حزب سمیر جعجع از حامیان خود خواسته است به شکلی گسترده به خیابان‌ها بریزند و در تظاهرات شرکت کنند. در این حال روزنامه «النهار» اعلام کرد، بر اساس ماده ۶۹ قانون اساسی لبنان، دولت جز با استعفای بیش از یک سوم وزرا در زمان تشکیل یا استعفای نخست‌وزیر، ساقط نمی‌شود. اکنون با استعفای چهار وزیر، نخست‌وزیر یا رئیس‌جمهور می‌توانند با حفظ توزیع فرقه‌ای کرسی‌های وزارتی، افراد دیگری را به جای آنها قرار دهند. در چنین شرایطی ولید جنبلاط رهبر «حزب سوسیالیست ترقی‌خواه» لبنان خبرهای مربوط به درخواست خود برای استعفای وزیران این حزب از کابینه ائتلافی سعد حریری را رد کرد. وی در حساب توئیتری خود اعلام کرد: من از وزیران حزب نخواسته‌ام که از کابینه استعفا کنند. وی همچنین با رد هرگونه شایعه درباره عزیمت به خارج از لبنان، خاطرنشان کرد که قصد سفر به هیچ جایی را ندارد. این حزب دارای دو وزیر در کابینه حریری است که عبارتند از «اکرم شهیب» وزیر آموزش و پرورش و «وائل أبو فاعور» وزیر صنایع. رسانه‌ها پیشتر از درخواست وی و نیز سمیر جعجع رهبر حزب نیروهای لبنانی برای استعفای حریری در پی اعتراضات اخیر در لبنان خبر داده بودند.

در این حال رسانه‌ها در لبنان از تلاش مقامات این کشور برای کنترل اوضاع از طریق ارائه طرح‌های اقتصادی و اصلاحی خبر می‌دهند. «میشل عون»، رئیس‌جمهوری لبنان گفت برای حل بحران کشورش راه‌حل قانع کننده‌ای وجود دارد. او در برابر طرفداران خود حاضر شد و گفت: برای حل بحران، راه حل مطمئنی وجود خواهد داشت. سعد حریری، نخست‌وزیر لبنان دیروز در واکنش به اعتراض‌ها و درخواست برخی احزاب سیاسی این کشور از وی برای کناره‌گیری از قدرت، به احزاب شریک در کابینه دولت خود ۷۲ ساعت مهلت داد برای برون رفت از بحران اخیر راه‌حل ارائه دهند. شبکه المیادین لبنان هم به نقل از منابعی در کابینه گزارش داد که حریری به مشورت‌های خود با سایر احزاب ادامه خواهد داد.

خبر دیگر اینکه یک روزنامه لبنانی نوشت، نخست‌وزیر لبنان تماس‌های متعددی برای گرفتن تأیید لازم و ادامه کار در پست نخست‌وزیری داشته و حمایت مستقیم فرانسه و آمریکا را به این منظور دریافت کرده است. به نوشته روزنامه «الاخبار»، لبنان که چند وقتی است به دلیل تحریم‌های آمریکا و برخی مسایل داخلی با بحران مالی روبرو شده بود هفته گذشته بر تماس‌های صوتی اینترنتی از جمله تماس با «واتساپ» مالیات وضع کرد و همین موضوع به جرقه اولیه برای شروع تظاهرات از پنجشنبه هفته گذشته (۲۵ مهر) تبدیل شد. «الاخبار» آخرین تحولات سیاسی لبنان را در موارد زیر خلاصه کرد:

اول، سعد حریری نخست‌وزیر لبنان تماس‌های داخلی و خارجی متعددی برقرار کرده تا تایید لازم برای باقی ماندن در منصب را دریافت کند و بر اساس گفته منابع آگاه وی حمایت مستقیم آمریکا و فرانسه برای ادامه دولت لبنان و باقی ماندن در پست نخست‌وزیری را دریافت کرده است.

دوم، حریری با تیم «سمیر جعجع» رئیس حزب «القوات اللبنانیه» نیز تماس داشته اما جعجع حاضر به فرستادن نماینده نزد حریری نشده و با اعلام استعفای حزب خود، خواستار تشکیل دولت جدید شده است. سوم، سعد حریری با اکثریت قوای سیاسی تأثیرگذار در دولت لبنان مانند «التیار الوطنی الحر»، جنبش امل، حزب‌الله و جریان «المرده» درباره پیشنهاد اصلاحات اقتصادی خود صحبت کرده و خواستار پذیرش آن توسط گروه‌ها تا قبل از امروز دوشنبه شده بود. علیرغم آنکه طرف‌های مختلف موضع خود را اعلام نکرده‌اند اما منابع آگاه می گویند حزب‌الله توانسته عده زیادی را با این پیشنهاد همراه کند مخصوصا اینکه حریری تعهد داده مالیات‌ها و اقداماتی را که به طبقات فقیر و کارمندان بخش عمومی ضربه می‌زند، حذف کند. گفته می‌شود طرح پیشنهادی حریری شامل اقدامات بی‌سابقه‌ای است و در آن انواع افزایش مالیات بر ارزش افزوده، تلفن و خدمات عمومی حذف شده و تمامی پیشنهادهای قبلی درباره حقوق کارمندان در آن لغو شده است. حریری در ادامه طرح پیشنهادی خود، بر روی مواردی مانند بازگرداندن اموال به غارت رفته، ایجاد سازوکار مشخص برای مقابله با فساد، لغو قوانین خاص مربوط به هزینه‌ها در بخش‌های ارتباطات و راه‌ها، تلاش برای کاهش حقوق رؤسا، وزرا، نمایندگان پارلمان به میزان ۵۰ درصد و لغو امتیازات سازمان‌های دولتی و اعضای آن متمرکز شده است. خبر دیگر اینکه همزمان با ناآرامی‌های داخلی لبنان، ده‌ها تن از لبنانی‌های مقیم آمریکا نیز در مقابل سفارت کشورشان در واشنگتن پایتخت ایالات متحده، به تظاهرات پرداختند. معترضان در این تظاهرات‌ها شعارهایی ضد دولت و پارلمان و نظام قبیله‌ای لبنان سرداده و از جنبش مردمی لبنان و مطالبات آن در مبارزه با فساد، اصلاح شرایط اقتصادی و اجتماعی و بهبود خدمات عمومی حمایت کردند.



ادامه اعتراضات ضد دولتی در لبنان

لبنان برای سومین روز متوالی شاهد اعتراضات مردمی به وضعیت اقتصادی و معیشتی و همچنین اعتراض به وضع مالیات در بخشی از خدمات دولتی از جمله اینترنت بود. تلویزیون لبنان گزارش داد که برخی تظاهرکنندگان چادرهایی برپا کرده و شب را همانجا ماندند. شبکه الجزیره گزارش داد که مقر نخست‌وزیری در مرکز بیروت همچنان شاهد تجمع هزاران تظاهرکننده معترض به شرایط اقتصادی است که خواستار اخراج مسئولان نظام هستند.

نماینده رئیس جمهوری روسیه به دیدار رهبران حماس رفت

سرویس خارجی: وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که فرستاده ویژه رئیس‌جمهوری این کشور با معاون رئیس‌دفتر سیاسی جنبش حماس در دوحه دیدار کرد.

«میخائیل بوگدانوف» فرستاده ویژه رئیس‌جمهور روسیه در امور غرب آسیا و شمال آفریقا با «موسی ابومرزوق» معاون رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) دیدار و گفت‌وگو کرد. به گزارش روسیا الیوم، در این دیدار که در شهر دوحه، پایتخت قطر صورت گرفت، دو طرف در مورد اوضاع اراضی فلسطین به ویژه مسائل اقتصادی و اجتماعی نوار غزه و مأموریت بازگشت به آشتی ملی فلسطین رایزنی و گفت‌وگو کردند. جنبش حماس نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرد که هیأت حماس در این دیدار، آخرین تحولات سیاسی مسئله فلسطین را با طرفی روسی بررسی کرد. خبر دیگر اینکه رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس خواهان تحرک جامعه بین المللی برای مقابله با طرح‌های یهودی‌سازی رژیم صهیونیستی علیه مسجد الاقصی و شهر قدس شد. اسماعیل هنیه گفت: طرح‌های تقسیم الاقصی موفق نخواهد شد و ما هرگز اجازه اجرای این طرح‌ها را نخواهیم داد.

قطر: اختلافات برخی کشورهای عربی با ایران قابل حل است

سرویس خارجی : سخنگوی وزارت خارجه قطر در سخنانی به موضع گیری درباره اختلافات برخی کشورهای عربی با ایران پرداخت و اعلام کرد: اختلافات برخی کشورهای عربی منطقه با ایران از راه مذاکره و گفتگو قابل حل هستند.

«لولوه الخاطر» گفت: اختلافات برخی کشورهای عربی با ایران از طریق گفتگو قابل حل است و این اختلافات آنگونه که برخی فکر می‌کنند، طایفه‌ای نیست؛ راه حل اختلافات در گفتگو و کانال‌های دیپلماتیک است. وی که در جریان نشستی در «بخارست» رومانی با عنوان «خاورمیانه ؛ آیا هنوز به دنبال راه‌حل هستیم؟»، سخن می گفت، افزود: حل مشکلات منطقه ، اراده داخلی مستقل نزد کشورها را طلب می کند و باید منافع همه در نظر گرفته شود. الخاطر بیان کرد: همه به دنبال حل مشکلات در منطقه هستند مانند سازمان‌های بین‌المللی و طرف‌های غیردولتی و بازیگران موثر در منطقه و دنیا ، اما جدای از یکدیگر عمل می‌کنند. در خبر دیگری از منطقه خلیج فارس، روزنامه صهیونیستی «یدیوت آهارانوت» در گزارشی نوشت: دولت امارات افسران سابق اطلاعاتی اسرائیل و متخصص در مسائل فناوری را با پرداخت حقوق‌های نجومی برای سرکوب مخالفان خود جذب کرده است. در خبر دیگری، رسانه‌های کویت اعلام کردند که عربستان و کویت در جریان مذاکرات پیرامون مناطق حائل مورد اختلاف دو کشور (الخفجی و الوفره)، بر سر تولید مجدد نفت در این مناطق به توافق رسیده اند.

وزیر دفاع سابق سودان: «البشیر» از «بن سلمان» رشوه می گرفت

سرویس خارجی : وزیر دفاع پیشین سودان اعتراف کرد که «عمرالبشیر»، رئیس جمهوری برکنار شده این کشور از «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان رشوه می گرفت.

هشتمین جلسه محاکمه « عمر البشیر» در مجتمع دادگاه‌های «خارطوم» برگزار شد. «عبدالرحیم محمد حسین»، وزیر دفاع پیشین سودان که تا سال ۲۰۱۵ به مدت ۹ سال پست وزیر دفاع سودان را بر عهده داشت، در جلسه استماع دادگاه به عنوان شاهد گفت که « البشیر» پول هایی را از «بن سلمان»، ولیعهد عربستان دریافت می کرد اما نمی‌داند که وی این پول‌ها را از کجا و چگونه هزینه کرده است.« عبدالرحیم محمد حسین» افزود: به عنوان وزیر دفاع می‌دانم هنگامی که مساله ای به امنیت ملی کشور مربوط می‌شد، البشیر اصول مالی و محاسباتی را دور میزد.

*** مصر**

«محمد علی»، افشاگر فساد در دولت مصر در تازه‌ترین اظهارات خود گفت: «عبدالفتاح السیسی»، رئیس جمهوری این کشور در اوج بحران آب در مصر، به صورت مخفیانه آب رود «نیل» را به رژیم صهیونیستی می‌فروشد. در خبر دیگری، جنگنده‌های مصری در ادامه حملات به مواضع گروه های مسلح ، روستای «ابوالعراج» در جنوب شهر «الشیخ زوید» در شبه جزیره «سینا» را بمباران کردند که در این حمله چهار غیر نظامی کشته و ۱۰ تن دیگر نیز مجروح شدند.

کوتاه از سراسر جهان

حضور هیات صهیونیستی در کنفرانس ضد ایرانی بحرین

تسنیم: یک هیات از رژیم صهیونیستی در کنفرانس ضد ایرانی با موضوع «امنیت دریایی» که دیروز در پایتخت بحرین برگزار شد، مشارکت کرد. تلویزیون رژیم صهیونیستی اعلام کرد، هیات اسرائیلی دیروز یکشنبه در کنفرانسی در منامه با موضوع بررسی ائتلاف دریایی، که از سوی واشنگتن پیشنهاد شده بود، حاضر شد. این تلویزیون افزود، هیات مذکور به نمایندگی از وزارت خارجه اسرائیل در کنفرانس منامه حاضر شد. «اسرائیل کاتص» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی پیشتر گفته بود که اسرائیل قصد دارد در بخش اطلاعاتی و دیگر بخش‌ها به ماموریت امنیت دریایی در خلیج فارس بپیوندد.

افشای دست داشتن فرانسه در قتل قذافی



فارس: برخی ایمیل‌های محرمانه ارسالی به وزیر خارجه اسبق آمریکا نشان می‌دهد که فرانسه در قتل «معمر القذافی» رهبر سابق لیبی دست داشته است. ایمیل‌های محرمانه نشان می‌دهد که تمایل فرانسه برای حفظ سلطه مالی بر قاره آفریقا، علت قتل سرهنگ قذافی بوده است. ۳۰۰۰ ایمیل محرمانه‌ای که برای نخستین بار محتوای آن افشا می‌شود، نشان می‌دهد که فرانسه در قتل قذافی دست داشته است. روزنامه «رأی‌الیوم» به نقل از روزنامه «کیا أفریقیا» نوشت در این نامه‌های الکترونیکی آمده است که طرح نظامی ناتو به فرماندهی فرانسه در لیبی، بر دستیابی به بیشترین سهم از تولیدات نفتی لیبی تأکید داشت. در این ایمیل‌ها پنج هدف «نیکلا سارکوزی» رئیس‌جمهوری اسبق فرانسه از رهبری حمله به لیبی دستیابی به نفت لیبی، تضمین نفوذ فرانسه در منطقه، تقویت آوازه محلی سارکوزی، تأکید بر قدرت نظامی فرانسه و ممانعت از تأثیرگذاری قذافی بر آفریقای فرانکوفون (غرب آفریقا) بود.

مخالفت مردم ژاپن با هزینه دولتی برای مراسم تاجگذاری امپراتور

ایسنا: تامین مالی دو مراسم تشریفاتی سلطنتی در ژاپن از سوی دولت این کشور در سال جاری میلادی با نارضایتی کم‌سابقه‌ای مواجه شده است. ناروهیتو، امپراتور ژاپن فردا ۲۲ اکتبر به طور رسمی بر تخت سلطنت خواهد نشست و در ماه نوامبر آیین شکرگزاری "دایجوسای" را به جا خواهد آورد که مهم‌ترین مراسم تحلیف امپراتوری جدید ژاپن است. دولت میلیون‌ها دلار برای مراسم مجلل فردا کنار گذاشته که اشخاص برجسته‌ای از سراسر جهان در آن حضور خواهند یافت. منتقدان اما می‌گویند، این دو مراسم، آیین‌های دینی هستند و تخصیص هزینه دولتی به آنها با قانون جدایی دین از سیاست در تناقض است.

تبادل بمب آتش زا و گاز اشک آور میان معترضان و پلیس هنگ کنگ

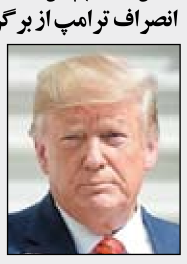


فارس: پس از گذشت چهار ماه از ناآرامی‌ها در هنگ‌کنگ، دیروز پلیس به سمت معترضانی که از بمب‌های آتش زا استفاده کرده بودند، گاز اشک‌آور شلیک کرد. ماموران از داخل ایستگاه پلیس، برای پراکنده کردن معترضان از گاز اشک‌آور استفاده کردند. از طرفی، معترضان سیاهپوشی نیز به سمت نیروهای پلیس بمب های دست ساز آتش زا پرتاب کردند. همچنین معترضان در طول مسیر راهپیمایی خود، مغازه‌ها و ایستگاه‌های مترو را هم تخریب کردند و به آتش کشیدند. هنگ‌کنگ ماه‌ها است که با اعتراضات گسترده و خشونت‌آمیز روبروست که این اعتراضات به دلیل مخالفت با طرح «استرداد مجرمین به سرزمین اصلی» یعنی چین صورت گرفته است.

اعتراضات ضد دولتی در شیلی ۳ کشته برجا گذاشت

فارس: همزمان با ادامه ناآرامی‌ها در شیلی، سه نفر در آتش‌سوزی یک سوپرمارکت در شهر «سانتیاگو» پایتخت، جان خود را از دست دادند. پس از اعلام تصمیم دولت مبنی بر افزایش قیمت بلیت مترو و دیگر سیستم‌های حمل و نقل عمومی، مردم سانتیاگو به خیابان‌ها آمدند و اموال عمومی و چندین ایستگاه مترو را به آتش کشیدند. پس از شروع اعتراضات در روز گذشته، دولت وضعیت اضطراری و حکومت نظامی اعلام کرد و سربازان و تانک‌ها به خیابان ها آمدند. پلیس نیز برای پراکنده کردن معترضان از گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش استفاده کرد.

انصراف ترامپ از برگزاری نشست «گروه ۷» در ملک شخصی‌اش



فارس: رئیس‌جمهوری آمریکا در پی انتقادات شدید از سوی دموکرات‌ها، تصمیم خود را مبنی بر برگزاری نشست سال آینده گروه ۷ در زمین گلفش، تغییر داد. «دونالد ترامپ» پس از مواجهه با اتهاماتی مبنی براینکه او با میزبانی اجلاس بین‌المللی گروه ۷ در تفرجگاه خصوصی خود، از قدرت سیاسی‌اش به نفع خود استفاده می‌کند، تصمیم جدید خود را اعلام کرد. ترامپ در توییتی نوشت: با توجه به خصومت غیرمنطقی دموکرات‌ها و رسانه‌ها که من را دیوانه کرده‌اند، ما دیگر قصد نداریم زمین گلف در فلوریدا، مکانی برای میزبانی گروه ۷ در سال ۲۰۲۰ باشد.

تظاهرات زنان فرانسوی در اعتراض به خشونت خانگی

ایرنا: صدها زن فرانسوی در مرکز پاریس در تظاهراتی علیه خشونت خانگی و کشته شدن زنان ازسوی شوهرانشان، در حالی که نام زنان مقتول را به دست گرفته بودند، با دراز کشیدن روی زمین، تظاهر به مردن کردند. گفته می‌شود که از ابتدای سال ۲۰۱۹ بیش از ۱۲۰ زن در فرانسه در نتیجه مستقیم خشونت خانگی کشته شده‌اند. «امانوئل مکرون» رئیس جمهوری فرانسه با انتشار اسامی این زنان در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: خانم‌ها من از شما عذر می‌خواهم، جمهوری فرانسه نتوانست به خوبی از شما محافظت کند.

بوریس جانسون تسلیم خواست پارلمان انگلیس در موضوع برگزیت شد

سرویس خارجی: نخست‌وزیر انگلیس سرانجام از موضع قبلی خود کوتاه آمد و با ارسال نامه‌ای برای رئیس شورای اروپا، خواستار تأخیر برگزیت (خروج انگلیس از اتحادیه اروپا) شد.

«بوریس جانسون» با ارسال نامه‌ای برای «دونالد تاسک» رئیس شورای اروپا خواستار تأخیر برگزیت شد. رسانه‌های انگلیس گزارش دادند که جانسون این نامه را بدون امضا برای تاسک ارسال و تأکید کرد که درخواست مطرح‌شده در آن نامه در واقع خواست نمایندگان پارلمان انگلیس است نه او. جانسون در این نامه بدون امضا نوشته که اطمینان دارد می‌تواند تا ۳۱اکتبر توافق برگزیت که میان دولت او و سران ۲۷دولت عضو اتحادیه اروپا حاصل شده را به تصویب برساند. یک مقام ارشد دفتر نخست‌وزیری انگلیس در گفت‌وگو با روزنامه تلگراف گفت جانسون در تماس تلفنی به سران اروپایی گفته از پارلمان انگلیس بخواهند در تصمیم خود برای تأخیر در اجرای برگزیت تجدید نظر کنند زیرا بهترین گزینه، هم برای انگلیس و هم برای اتحادیه اروپا خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در ضرب‌الاجل ۳۱اکتبر است.

همزمان حزب محافظه‌کار به رهبری «بوریس جانسون» در حساب رسمی توئیتر خود نوشت که پارلمان دوباره به تأخیر در اجرای برگزیت رأی داد. جانسون به رهبران اتحادیه اروپا گفته بود نباید هیچ تأخیر دیگری ایجاد شود و ما باید برگزیت را در تاریخ ۳۱اکتبر با توافق جدیدمان اجرایی کنیم تا کشور انگلیس بتواند به سمت جلو حرکت کند. گفتنی است قانون‌گذاران پارلمان انگلیس در جلسه ویژه روز شنبه، به متممی رأی دادند که «بوریس جانسون» نخست‌وزیر این کشور را مجبور به تمدید مهلت اجرای برگزیت می‌کند. جانسون در تلاشی فشرده توانسته با مذاکره‌کنندگان اتحادیه اروپا جهت اجرای برگزیت به توافق برسد و قصد داشت در جلسه دیروز، آن را در پارلمان تصویب کند اما پس از تصویب متمم، دولت طبق تهدید قبلی پارلمان را ترک کرد و به رأی گذاشتن توافق با بروکسل را کاری بیهوده دانست. طبق برنامه اعلام شده جانسون برای اجرای برگزیت، دولت در روز ۳۱اکتبر (۹آبان) با توافق یا بدون توافق، اتحادیه اروپا را ترک می‌کند.

در این حال حزب محافظه‌کار انگلیس علیرغم رأی پارلمان جهت تمدید مهلت برگزیت، اعلام کرد توافق جدیدی را که در مذاکره با اتحادیه اروپا حاصل شده است در تاریخ از پیش تعیین شده اجرایی می‌کند. جانسون در واکنش به تصویب متمم پیش از ترک پارلمان گفت: با اتحادیه اروپا در مورد اعمال تأخیر [در اجرای برگزیت] مذاکره نخواهم کرد و قانون هم نمی‌تواند مرا مجبور به این کار کند. پیش از جانسون، «ترزا می» نخست‌وزیر پیشین انگلیس سه بار توافق دولتش با اتحادیه اروپا درباره برگزیت را به پارلمان انگلیس ارائه کرده بود اما قانونگذاران هر سه بار این طرح را رد کردند. او سوم خرداد امسال با اعلام شکست تلاش‌هایش برای حصول توافق با بروکسل برای خروج از اتحادیه اروپا، استعفای خود را اعلام کرد.



تظاهرات ده‌ها هزار مخالف اجرای برگزیت در انگلیس

ده‌ها هزار نفر از مردم بریتانیا با حضور در خیابان‌های لندن خواستار برگزاری همه‌پرسی دوم در خصوص ترک اتحادیه اروپا شدند. این تظاهرات همزمان با جلسه ویژه پارلمان انگلیس برای رأی‌گیری درخصوص توافق دولت این کشور با اتحادیه اروپا برای اجرای برگزیت انجام شد و مسیر حرکت معترضان به میدان پارلمان منتهی شد. تظاهرکنندگان که نام کمپین خود را «رأی مردم» گذاشته‌اند، خواهان برگزاری همه پرسی دوم برای خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا شدند.

اردوغان: ترکیه برای حفظ استقلال خود می‌جنگد

سرویس خارجی: رئیس جمهوری ترکیه در سخنانی در نشست با اعضای حزب عدالت و توسعه در استان قیصری اعلام کرد: کشورش برای حفظ استقلال و آینده خود در صورت لزوم با کل جهان می‌جنگد. «رجب طیب اردوغان» اظهارداشت: ترکیه قدرت خود را برای مواجهه با جهان ثابت کرده و طرف‌هایی که تصور می‌کردند می‌توانند هر طور که می‌خواهند رفتار کنند باید اذعان کنند که دیگر این کار آسان نیست. وی افزود: ترکیه به جهان بار دیگر ثابت کرد که به منظور حفظ استقلال و آینده خود در صورت لزوم می‌تواند با کل جهان مقابله کند. درخبردیگری «یوری بوریسوف» معاون نخست وزیر روسیه اعلام کرد: مسکو دستیابی به قراردادی تازه برای فروش سامانه دفاع موشکی به ترکیه را رد نمی‌کند.

استیو بنن: احتمال استیضاح ترامپ طی ۶ هفته آینده بعید نیست

سرویس خارجی: «استیو بنن» استراتژیست سابق ترامپ با بیان این که کاخ سفید باید تحقیقات استیضاح دموکرات‌ها را جدی‌تر بگیرد، اعلام کرد: احتمال استیضاح رئیس جمهوری آمریکا طی ۶ هفته آینده وجود دارد و امری بعید نیست. بنن اظهارداشت: کاخ سفید باید تحقیقات استیضاح دموکرات‌ها را جدی‌تر بگیرد زیرا ممکن است تهدیدی مرگبار برای ریاست جمهوری ترامپ باشد. وی گفت: نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا برای استیضاح دونالد ترامپ، بسیار تمرکز کرده و ترامپ زمان محدودی برای اقدام در برابر تلاش‌ها برای استیضاحش در دست دارد. بنن افزود: این مساله جدی است و ترامپ مطمئنا طی شش هفته آینده توسط پلوسی استیضاح خواهد شد.

طالبان: اعراب خلیج فارس در حال انتقال نیروهای داعش به افغانستان هستند

سرویس خارجی: گروه طالبان با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: گروه تروریستی داعش توسط کشورهای عربی خلیج فارس در حال انتقال به افغانستان‌هستند.

طالبان دراین بیانیه ضمن محکوم کردن حمله به نمازگزاران درشهرستان «هسکه مینه» ننگرهار، گفت: این حمله توسط داعش صورت گرفته که از حامیان داخلی و خارجی برخوردار است، این پدیده عربی بوده و برای ایجاد فتنه به افغانستان آورده شده است. طالبان، داعش را مسئول حمله به نمازگزاران ولایت «ننگرهار» دانست وافزود: داعش توسط گروه‌های مشخص خارجی و داخلی و برای دنبال کردن اهداف خاص به افغانستان آورده و پرورش داده شده و تامین می‌شود تا با گرم کردن آتش جنگ و کشتار، آمریکا بهانه‌ای برای تداوم اشغال پیدا کند. دراین بیانیه آمده است: داعش پدیده‌ای افغانی نیست و بسیار دورتر از خاک افغانستان درکشورهای عربی ظهور کرد ونیروهای خارجی وحکومت وحدت ملی این "فتنه" را به این کشور آوردند.

طالبان افزود: داعش گروهی خونخوار است از این رو به عنوان وظیفه خود برای محو این گروه تلاش می‌کنیم. دراین حال «مایک پمپئو» وزیرامورخارجه آمریکا در واکنش به کشته شدن دهها تن از نمازگزاران درمسجدی در ولایت ننگرهارافغانستان گفت: واشنگتن همچنان به برقراری صلح و ثبات در این کشور متعهد باقی می‌ماند.

از طرفی، اتحادیه اروپا به دنبال توقف مذاکرات میان آمریکا و طالبان و افزایش بی ثباتی‌ها در افغانستان، خواستار آتش بس در این کشور شد.

درگیری نظامی هند و پاکستان در مرز «کشمیر» با چندین کشته

سرویس خارجی: تبادل آتش میان نظامیان هند و پاکستان در امتداد خطوط مرزی کشمیر منجر به کشته و زخمی شدن چندین تن از نیروهای دو طرف شد.

در همین رابطه، پلیس کشمیر اعلام کرد: به دلیل نقض آتش بس و تیراندازی نیروهای پاکستانی در منطقه «کوپوارا» در مرز کشمیر دو سرباز هندی و یک غیرنظامی کشته شدند. به گفته پلیس کشمیر، در تیراندازی نیروهای پاکستانی سه نفر دیگر نیز مجروح شدند. همچنین ارتش هند در واکنش به حملات نیروهای پاکستانی با حملات توپخانه ای چهار اردوگاه را در داخل کشمیر پاکستان هدف قرار داد که بر اثر آن پنج سرباز پاکستانی کشته و چندین تن دیگر زخمی شدند.

در این حال، سخنگوی ارتش پاکستان مدعی شد که با ادامه موارد نقض آتش بس از سوی هند و هدف گرفتن غیرنظامیان، نیروهای ارتش کشورش به این حملات پاسخ دادند که در نتیجه ۹ سرباز هندی کشته و چند تن مجروح شدند.

ارتش سوریه حمله گروه‌های مسلح تحت حمایت ترکیه به استان حسکه را دفع کرد

سرویس خارجی: ارتش سوریه تلاش گروه‌های مسلح تحت حمایت آنکارا برای نفوذ به مناطقی در شمال‌غربی حومه استان حسکه را دفع کرد و یگانی از ارتش با مهاجمان درگیر شد و آنها را به عقب راند.

ارتش سوریه تلاش گروه‌های مسلح مورد حمایت ترکیه برای نفوذ به‌سَمت روستای «الاهراس» در شمال‌غربی شهرک «تل‌تمر» را خنثی کرد. نیروهای ترکیه و گروه‌های مسلح تحت حمایت آن، روز جمعه شهرک «رأس‌العین» در حومه حسکه را گلوله‌باران کردند اما روز گذشته یگانی از ارتش سوریه، تلاش گروهی از مزدوران رژیم ترکیه را برای پیشروی به‌سمت مواضعی در روستای الاهراس در شمال‌غرب تل‌تمر در حومه حسکه (شمال‌شرق سوریه) دفع کرد. خبرگزاری رسمی سوریه اعلام کرد، یگانی از ارتش با مهاجمان درگیر شد و آنها را به عقب راند.

از سوی دیگر، تلویزیون المیادین از عقب‌نشینی گروهی از نیروهای فرانسوی حاضر در پایگاه «خراب الجیر» در حومه شمالی حسکه خبر دادند. المیادین خاطرنشان کرد که نیروهای ارتش ترکیه و گروه‌های همپیمان آن روستاهای «جان‌تمر» در شرق و «الشکریه» در حومه شهر رأس‌العین را تحت اشغال خود درآورده و راه‌های مواصلاتی تل‌تمر و رأس‌العین را مسدود کرده‌اند. در سایه چنین تحولاتی، مناطق شرق رود فرات در شمال سوریه به عرصه‌ای برای عملیات «چشمه صلح» تبدیل شده که ارتش ترکیه آن را با پشتیبانی شورشیان «ارتش آزاد سوریه» آغاز کرده است. ترکیه ادعا می‌کند هدف از این عملیات نظامی، دور کردن شبه‌نظامیان کُرد از مرزهاست. از سویی نیروهای ارتش سوریه موفق شدند وارد قصر یلدا در حومه شمالی حسکه شوند. ارتش عربی سوریه به استقرار خود در تعدادی از روستاها و شهرک‌های حومه حسکه ادامه داد و دیروز وارد قصر یلدا در شمال غرب شهرک تل‌تمر شد. نیروهای ارتش سوریه موفق شدند مناطق خود در محور تل‌تمر - الأهراس در حومه شمال غربی استان حسکه را تثبیت کنند. خبر دیگر اینکه شبکه خبری سی‌ان‌ان به نقل از یک مقام آمریکایی مدعی شد که نیروهای وابسته به ترکیه آتش‌بس در شمال سوریه را نقض کرده‌اند.

این در حالی است که سخنگوی رئیس‌جمهوری ترکیه گفت، اردوغان از نیروهای سوری و کرد می‌خواهد از مرز با ترکیه خارج شوند تا او بتواند دو میلیون پناهنده را در آنجا اسکان دهد. وزیر خارجه ترکیه هم گفت که همه شبه‌نظامیان کرد باید از منطقه موسوم به «منطقه امن» در شمال سوریه خارج شوند. دراین حال مشاور رئیس جمهوری ترکیه ورود احتمالی ارتش سوریه به مواضعی که نیروهای آمریکایی از آن خارج شده‌اند را به منزله اعلان جنگ علیه کشورش خواند.



استقبال کردهای سوریه از ورود ارتش سوریه

مردم مناطق کردنشین سوریه از ورود ارتش این کشور به مناطق شمالی برای مقابله با عملیات ترکیه استقبال کردند. اهالی شهر حسکه به محض ورود نیروهای ارتش سوریه، در مناطق مختلف شهر حضور یافته و با به صدا در آوردن بوق خودروهایشان از نیروهای ارتش سوریه استقبال کردند.

نشست اضطراری شورای امنیت ملی عراق برای تامین امنیت مرزهای مشترک با سوریه

سرویس خارجی : شورای امنیت ملی عراق به ریاست «عادل عبدالمهدی»، نخست وزیر این کشور نشست فوق العاده ای را در خصوص تأمین امنیت مرزهای مشترک با سوریه برگزار کرد.

به گفته منابع خبری، شورای امنیت ملی عراق به ریاست «عادل عبدالمهدی»، نخست وزیر این کشور نشستی اضطراری درباره بررسی تهدیدات اخیر در مرزهای مشترک با سوریه و چگونگی مقابله با نفوذ عناصر داعش پس از تحولات شمال سوریه و حمله ترکیه به این کشور برگزار کرد. منابع خبری گفتند: طی این نشست در خصوص راه های تقویت امنیت مرزهای مشترک با سوریه و ممانعت از ورود عناصر داعش به عراق بحث و تبادل نظر شد.در چنین شرایطی، «مارک اسپر»، وزیر دفاع آمریکا در سخنانی گفت: ۱۰۰۰ نظامی آمریکایی که در حال خروج از شمال سوریه هستند ، در غرب عراق مستقر خواهند شد.در خبر دیگری، «مقتدا صدر»، رهبر جریان صدر عراق در سخنانی دولت این کشور را متهم به ناتوانی در اجرای اصلاحات کرد و از معترضان خواست که برای تحقق اصلاحات متحد شوند.

تشکیل «شورای نجات ملی جنوب» در یمن برای مقابله با تجاوزگری های عربستان و امارات

سرویس خارجی: شخصیت های سیاسی ، قبیله ای و اجتماعی استان «المهره» یمن با تشکیل «شورای نجات ملی جنوب»، خواستار خروج ائتلاف سعودی از این کشور شدند و همه طرف های یمنی را به گفتگو برای حل مشکلات فراخواندند.

به گزارش خبرگزاری «آناتولی»، شخصیت های سیاسی و قبیله ای جنوب و شرق یمن در شهر «الغیضه »، واقع در استان «المهره» دور هم گرد آمدند و با حضور در یک کنفرانس مطبوعاتی ، ضمن قرائت بیانیه تاریخی «المهره»، تشکیل «شورای نجات ملی جنوب» را اعلام کردند. طبق بیانیه صادر شده از این شورا، توقف حملات عربستان ، پایان محاصره، نجات کشور از چند دستگی، تجزیه و زوال از طریق دعوت همه طرف های سیاسی و اجتماعی موثر به گفتگو و مشارکت، مهمترین خواسته های این شورا است.در تحولات میدانی نیز، متجاوزان رژیم سعودی مناطقی در استان «الحدیده» یمن را هدف حملات توپخانه ای گسترده قرار دادند. جنگنده‌های رژیم سعودی نیز مناطق مختلف «صعده» یمن را بمباران کردند.در همین حال، همزمان با سفر رئیس کمیته نظارت بر آتش‌بس «الحدیده» به این شهر، اولین پست دیدبانی مشترک میان دولت مستعفی یمن و انصارالله ایجاد شد.



جامعه

۴۱۷ ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات
دوشنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۸ ـ سال نود و چهارم ـ شماره ۲۷۴۰۸

گفتگو درباره پدیده مهاجرت با دکتر فرهنگ ارشاد ـ جامعه شناس

مهاجرت؛ گزیر یا گریز؟

عکس از: محمد نجفی

میدان مشق

از چهار گوشه دنیا

● ارمغان زمان فشمی

خیلی وقت است که با دوستانش دور هم جمع نمی‌شوند. تاچندسال پیش این‌طور نبود، شش همکلاسی از پنج شهر مختلف بودند که هرروز همدیگر را در خوابگاه و دانشگاه می‌دیدند. باهم زندگی می کردند. حتی بعدها که هر کس به شهر خودش بر گشت سالی نبود که در شهر یکیشان جمع نشوند و دیدار تازه نکنند. دور بودند اما درعوض سالی چندروز دور هم زندگی می کردند تا تلافی دوری را دربیاورند.

اما حالا چندسالی است که برای آن دیدارهای سالانه هم فرصتی پیش نمی‌آید. گرفتاری‌های زندگی زیاد شده اما دلیل اصلی دورافتادنشان از همدیگر این نیست. یکیشان را صبح خیلی زود به وقت ایران می‌شود دید، وقتی هوا هنوز روشن نشده اما زمان استراحت او در محل کار فرا رسیده است. یکیشان را آخر شب می‌شود پیدا کرد، وقتی بیدار شده تا صبحانه بخورد و راه بیفتد به‌طرف محل کارش. یکیشان آن‌قدر درگیر است که اصلا نمی‌تواند به تماس‌هایش جواب بدهد. سبک زندگی‌هایشان باهم متفاوت شده و ساعت خواب و بیداریشان یکی نیست.

همه اینها از وقتی شروع شد که چهارنفرشان مهاجرت کردند و حالا هر کدامشان یک‌طرف دنیا هستند. خیلی کم پیش می‌آید که هر شش‌نفرشان همزمان آنلاین باشند و بتوانند باهم حرف بزنند.

آن که در کاناداست اجازه ندارد در محل کارش جز طی یک‌ربع یا نیم‌ساعت وقت استراحت، به گوشی‌اش دست بزند. آن که در آلمان است تازگی‌ها خانه خریده. معمولا یک مهمان ایرانی در خانه دارد که وقتش را بگیرد و نتواند به بقیه بپیوندد.

آن که در آمریکا زندگی می کند همیشه نگران تصمیم بعدی ترامپ است که چه به سر کار و زندگی او خواهد آورد. آن که در استرالیاست کلا در یک فاز دیگر زندگی می کند، اینجا زمستان است و آنجا تابستان. اینجا تابستان است و آنجا زمستان.

حرف‌های مشترکشان روزبه‌روز کمتر می‌شود و دغدغه‌هایشان روزبه‌روز از هم دورتر. حالا فقط از پشت دوربین تلفن می‌توانند همدیگر را ببینند و امیدی ندارند که یک‌بار دیگر هر شش نفرشان دورهم جمع شوند.

***

مهاجرت، یک مفهوم معمولی نیست. تصمیمی نیست که فقط زندگی یک‌نفر را عوض کند، بلکه روی زندگی همه اطرافیان آن یک‌نفر تأثیر می‌گذارد و در سطوح بالاتر، سرنوشت کشورها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین بررسی این مسأله توسط کارشناسان یک ضرورت اجتماعی است که ما در این شماره از ضمیمه جامعه به آن پرداخته‌ایم.

ضمیمه جامعه روزنامه اطلاعات هر دوشنبه منتشر می‌شود. از مطالب، پیشنهادها و انتقادات شما استقبال می‌کنیم.
Email:jameettelaat@gmail.com
تلفن: ۲۹۹۹۳۲۱۰

زیرگذر اینترنت

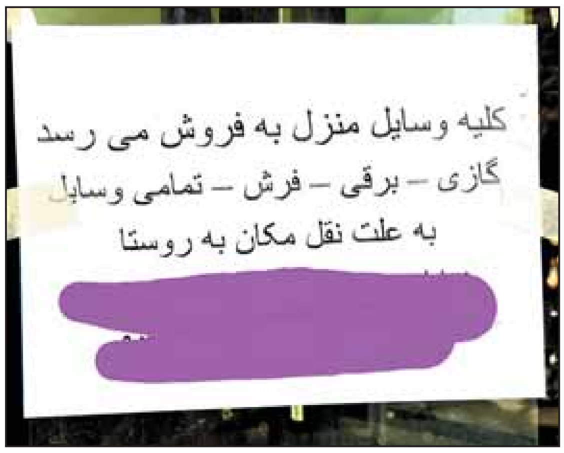
مثل یک عکس قدیمی

برخی از کاربرانی که به موضوع مهاجرت پرداخته‌اند، با بیان اخبار مرتبط، نگرانی خود را درباره آن اعلام کرده‌اند. «قاسم محمدی» نوشته: «۱۷ دی ۱۳۹۲ وزیر وقت علوم هشدار داد که میزان ضرر از بابت مهاجرت مغزها سالانه ۱۵۰ میلیارد دلار است. او گفته بود باید ببینیم نخبگانی که برای کسب دانش روز دنیا به خارج رفته‌اند اگر شرایط برای برگشت آنها فراهم نباشد کشور چه خسارتی را تحمل خواهد کرد.»

«حسین دهباشی» نوشته:«از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۸، تعداد هموطنان مهاجر ما مجموعا کمتر از ۹۲هزارنفر بود و از آن‌موقع تا حالا بیش از هشت‌ملیون نفر از ایرانیان برای همیشه ترک یار و دیار کرده‌اند. هشت‌هزاروهفتصددرصد بیشتر! چرا؟ این آمار تنها محدود به مهاجرانی است که جهت کاری به سر کنسولگری‌های جمهوری اسلامی ایران مراجعه کرده‌اند!»

«ابراهیم علیزاده»، روزنامه‌نگار اقتصادی، به ذکر آمار و ارقامی در این زمینه پرداخته: «تعداد ایرانی‌هایی که طی شش‌ماه اول ۲۰۱۹ اقدام به دریافت تابعیت ترکیه از طریق خرید ملک کرده‌اند ۱۵۰ درصد نسبت به مدت مشابه پارسال افزایش یافته است. ناگوارتر آن‌که از ماه جولای تاکنون ۱۷۰۰متقاضیِ دیگر در صف انتظارند که بیشتر آنها از ایران، عراق، یمن و افغانستان هستند.»

«شوهرخواهر پل گاسکوئین» با اشاره به این خبر که از بچه‌های ریاضی ورودی سال ۱۳۹۰ دانشگاه شریف فقط یک نفر مهاجرت نکرده، نوشته: «به‌نظرم تنها دلیلی که آن یک نفر می‌توانسته داشته باشد عادت نداشتن به توالت فرنگی است!»



«شاشا بیلبو» با به‌اشتراک گذاشتن این عکس نوشته: «دارد بهترین کار را می کند، بهترین نوع مهاجرت!»

بعضی از کاربران به ارائه تعریف خود از مهاجرت پرداخته‌اند. «سمیه توحیدی» عقیده دارد: «مهاجرت یعنی اعلام آمادگی برای یک جنگ درونی ابدی و به تبع آن مشکلات روانی جدی. کسانی که این جنگ و مشکلات ناشی از آن را دست‌کم می‌گیرند نادان هستند.»

«سعید صراف» هم گفته: «هجرت فرصت است؛ فرصتی برای بازاندیشی در خودت و بازسازی شخصیتت. همچنین فرصتی برای بازشناسی وطنت و انگیزه‌ای برای بازسازی‌اش. بازنگشتن به کشور، محروم‌سازی خودت و کشورت از نیروی انسانی است که آبدیده شده و انگیزه برای نوسازی دارد. غم هجرت کاملا واقعی و تنها دوای آن برگشتن است!»

«محمدرضا» نوشته: «مهاجرت برای هر مهاجری جلوه متفاوت دارد، مملو از اشک و لبخند، تلاش برای القای آرامش، نگاه با حسرت به وطن، شادی، امید گذرا و ترس. چندسال پیش، نویسنده‌ای بعد از سال‌ها تبعید خودخواسته و چند ماه قبل از مرگ متنی از احوالش منتشر کرد و از آن روز بزرگ‌ترین ترس من، مرگ در غربت مهاجرت شد.»

«شیوا باقری‌نژاد» گفته: «مهاجرت یعنی یک‌بام و دوهوایی برای همه عمر. دیگر هرگز طعم زندگی بدون دلتنگی را نخواهی چشید. در وطن، دلتنگ رفاه و آرامش غربتی و در غربت، دلتنگ هرآنچه که در وطن هست و همواره در حال قیاس مع‌الفارق!»

کاربر دیگری گفته: «غربت مهاجرت فقط برای رفته‌ها نیست، برای مانده‌ها هم هست؛ وقتی دسته دسته دارند می‌روند کسانی که دوستشان داری، بهشان خو کردی یا لااقل بخشی از روزمرگی تو را با حضورشان پر می کردند و فضای زندگی‌ات را می‌ساختند. یکی‌یکی محو می‌شوند. جهانت مثل یک عکس قدیمی کمرنگ و زرد می‌شود. تو در وطن غریبی!»

«منتقد» نوشته: «برای من مهاجرت با این بیت حافظ شروع شد: ما آزموده‌ایم در این شهر بخت خویش/ بیرون کشید باید از این ورطه رخت خویش. حالا بعد از هشت‌سال، ذکر روز و شبم این بیت است: غم غریبی و غربت چو برنمی‌تابم/ به شهر خود روم و شهریار خود باشم.»

برخی کاربران به بیان مشکلات بعد از مهاجرت پرداخته‌اند. نیما درباره یکی از آشنایانش نوشته که با خانمش مهاجرت کرده: «او می گوید زندگی در اینجا برای مجردها خیلی راحت است، اما زندگی متأهلی هزینه‌ها را خیلی بالا می‌برد، برعکس ایران. در ایران وقتی می‌خواستم خانه بگیرم، بنگاهی‌ها به شکل مُجرم با من برخورد می کردند و صاحب‌خانه‌ها هم جوری سر‌تا پا وراندازم می‌کردند انگار سردسته قاچاقچی‌های مکزیک بودم!»

«همسایه طبقه سوم» که خودش هم از ایران مهاجرت کرده، نوشته است: «یکی از چیزهایی که زمان مهاجرت از دست می‌دهیم و خیلی هم به آن توجه نمی کنیم، نداشتن مشاور/روان‌شناس مناسب برای مهاجران است. هر مهاجری کلی مشکلات دارد که لازمه‌اش مراجعه به یک روان‌شناس از کشور خودش است که فرهنگشان را کامل بشناسد و در ضمن مهاجرت کرده باشد تا درد مهاجران را هم بفهمد. چند نمونه از مشکلات مهاجران، بی‌پولی زمان دانشجویی، دوری از خانواده، شوک فرهنگی، مشکل ارتباط به خاطر زبان، از دست دادن تمام رابطه‌های عاطفی گذشته، نگرانی از دست دادن عزیزان، ویزای یک‌باره و مشکل سربازی هستند.»

«شرر به سکون ر» گفته: «می‌دانید چه چیزی بیشتر از همه من را از مهاجرت دوباره می‌ترساند؟ آن تنگدستی حاکم زیر پوسته براق اروپا که تا وقتی آن‌جا زندگی نکنی آن را نمی‌بینی. این که آدم‌ها تو را دعوت می کنند به تولد و خودت باید پول شامت را بدهی، این که دو یوروی قهوه هم حساب کتاب دارد، آن پول گاز که به‌خاطرش آشپزی نمی کنند...»

«حانیه» تجربه خودش را نقل کرده: «دو دختری که در کافه راش نشسته بودند و گریه می کردند، من و دوست صمیمی‌ام بودیم که داشتیم لیست مهمان‌های عروسی را می‌نوشتیم. این کار قاعدتا گریه کردن ندارد ولی درد اینجا بود که کمتر کسی در ایران مانده تا دعوتش کنیم. یک‌روز برای بچه‌هایم می گویم چه دردی کشیدیم ما از مهاجرت.»

اما برخی دیگر درباره درس‌های ارزشمندی که طی پروسه مهاجرت به‌دست می‌آید نوشته‌اند. «رضا سهرابی» نوشته: «در مهاجرت متوجه می‌شوی مرزهای جهان همچنان باقی است و انسان جهان وطنی یک فریب است برای تهی کردن فرهنگ تو. وطن، خانه آدمی است. در غربت آرامشی نیست، وقتی مردمان تو در سختی هستند. اگر می گویند هست، دروغ می گویند. تجربه غربت ارزشمند است، باید مدتی آمد و برگشت. در هر شرایطی.»

«فاخره» نوشته: «غربت مهاجرت فقط آن قسمتش که خارجی‌ها به تو می گویند ناراحت نباش، در بهترین دانشگاه اینجا درس می‌خوانی و بعد از چندسال که برگردی ایران، در یک‌جای خوب با حقوق خوب استخدام می‌شوی... ولی زهی خیال باطل!»

«تابان» به نکته‌ای اشاره کرده: «می‌دانید بدی مهاجرت چیست؟ از جایی که فکر می‌کنی جای تو نیست به جایی می‌روی که یقین داری جای تو نیست!»

یکی از مسایل مرتبط با مهاجرت که در ماه‌های اخیر موردتوجه کاربران فضای مجازی قرار گرفت، طراحی و فروش تی‌شرت‌هایی بود که روی آن‌ها جمله «از ایران نمی‌روم» نقش بسته است. یکی از کاربران نوشته: «طرف مهاجرت کرده و از آن‌جا مطلب مربوط به تی‌شرت ۱۶۰ هزار تومنی «از ایران نمی‌روم» را بازنشر می کند! من هم می‌خواهم تی‌شرتی طراحی و تولید کنم و روی آن بنویسم «درست است که من مهاجرت کردم و راضی‌ام، ولی تو بمان و ایران را بساز!»، قیمتش را هم ۱۵۰هزار تومان می گذارم که بازار رقابتی شود!»



کاربر دیگری نوشته: «تی‌شرت چینی عمده می‌خری، دانه‌ای هشت‌هزارتومان، روی آن یک جمله چاپ می‌زنی «از ایران نمی‌روم» که نهایتا دانه‌ای سه‌هزار تومان هم پول چاپش می‌شود. بعد آن را ۱۶۰هزار تومان به ملت می‌فروشی. خوب کجا بروی بهتر از ایران؟!»







روز آخر



بهنام صدیقی، متولد ۱۳۵۸ ساری، فارغ‌التحصیل رشته عکاسی از دانشگاه تهران است. درحال حاضر علاوه بر عکاسی، در دانشگاه تهران و مؤسسات فرهنگی هنری تدریس می‌کند. مجموعه‌ای که مرا به عکس‌های او علاقه‌مند کرد، مربوط به پروژه‌ای با عنوان «روز آخر» بود: ثبت تصویر کسانی که قصد مهاجرت داشتند، درست در آخرین روز بودنشان در ایران.

هشت عکس از این مجموعه در فضای مجازی منتشر شد که مرا میخکوب کرد. آدم‌هایی با چمدان‌های حاوی تمامی آنچه قرار بود با خودشان ببرند، نگاه‌های خسته و خیره اما پر از حرف، داستان‌هایی که پشت‌سر گذاشته بودند تا به این نقطه برسند، همه و همه از لابه‌لای پیکسل‌های عکس‌ها بیرون می‌زد و مثل جریان ناگهانی برق در سیم، ذهنت را پر از پرسش می‌کرد. چه شد که به اینجا رسیدیم؟

تلاش برای یافتن پاسخ به پرسشی که دیدن این مجموعه عکس برای مخاطب ایجاد می‌کند، شاید به اندازه کار تحقیقاتی در زمینه مهاجرت مؤثر باشد؛ موضوعی که در دهه‌های اخیر همواره از مسایل پررنگ جامعه ما بوده و درست به همین دلیل پرونده «روز آخر» به این زودی‌ها بسته نخواهد شد.

بهنام صدیقی می‌گوید: فراخوان مربوط به پروژه را روی صفحه اول وب‌سایتم گذاشته‌ام و گاهی آن را در شبکه‌های مجازی بازنشر می‌کنم. کسانی که مایل باشند به من اطلاع می‌دهند تا در روز آخر بودنشان در ایران از آنها عکاسی کنم. به این ترتیب سالی چند عکس به مجموعه اضافه می‌شود. شاید ده‌سال بعد احساس کنم این پرونده کامل شده اما درحال حاضر در طول سال همواره در کنار زندگی من است. ادامه‌دار بودن این مجموعه خودش معنایی دارد که به آن اهمیت می‌بخشد.

جرقه این کار چطور زده شد؟ آقای صدیقی پاسخ می‌دهد: وقتی به اطرافیانم نگاه می کردم می‌دیدم بین همکلاسی‌ها، دوستان و آشنایان، همه‌جا صحبت از رفتن است. حتی کسانی که امکانش را نداشتند دنبال راهی برای مهاجرت بودند. در روزگاری که به‌وسیله اینترنت می‌توانی در هرجای دنیا، دانشگاه یا کار پیدا کنی و فرصت‌ها و امکانات فراوانی وجود دارد، راحت‌تر می‌شود تصمیم به مهاجرت گرفت.

آیا عکس‌ها واقعا در آخرین روز حضور افراد در ایران گرفته می‌شوند؟ عکاس مجموعه روز آخر پاسخ می‌دهد: بله، من معمولا صبح زود از آخرین روز را برای عکاسی انتخاب می کنم، زمانی که آدم‌ها تازه بیدار شده‌اند و هنوز به جریان سیال زندگی روزانه وارد نشده‌اند. تأثیر این ساعت از روز روی چهره‌ها مشخص است و ابهامی ایجاد می کند از نوع همان ابهامی که نمی‌دانیم در آینده چه اتفاقی برای این افراد می‌افتد. البته حسی که افراد در روز آخر قبل از رفتنشان دارند می‌تواند با آنچه در عکس دیده می‌شود متفاوت باشد.

عکاس «روز آخر» تا چه حد به داستان زندگی سوژه‌هایش نزدیک می‌شود؟ خودش می گوید: برایم مهم است که تصمیمشان مهاجرتِ قطعی باشد، بنابراین پیش از عکاسی صحبت مختصری درباره این که با چه هدفی به کجا می‌روند داریم. مسأله اغلب آن‌ها زندگی کاریشان است و این که حس می کنند اینجا فرصت بروز توانایی‌هایشان را پیدا نکرده‌اند. قطعا هر کدامشان داستانی دارند و با خاطرات بسیار و ترکیبی از اندوه و امید به آینده از ایران می‌روند. از وضعیت آدم‌ها بعد از مهاجرتشان هم تاحدودی خبردار می‌شوم. خودشان برایم می‌نویسند که مثلا دوباره به یک کشور دیگر مهاجرت کرده‌اند یا از همسرشان جدا شده‌اند یا ازدواج کرده‌اند.

پروژه روز آخر مانند نهالی است که با گذشت زمان، به شاخ و برگ آن افزوده می‌شود؛ درست مثل خود مسأله مهاجرت که ابعاد شخصی و اجتماعی فراوانی پیدا می کند. آقای صدیقی قصد دارد عکاسی از خانه‌های خالی را که ساکنانش درحال ترک آن هستند به کارش اضافه کند، یا شاید به کشورهایی که آدم‌ها به آنجا سفر کرده‌اند برود و عکس‌های جدیدشان را به مجموعه بیفزاید.

او می‌گوید: از جایی به بعد شروع کردم به این‌که از وسایل داخل یکی از چمدان‌ها هم عکس بگیرم اما فعلا آن‌ها را منتشر نکرده‌ام چون برای ادامه کار به آرامش‌خاطر نیاز دارم و نمی‌خواهم برای مجموعه حاشیه‌سازی شود. شاید بعدها این مجموعه را در کتابی چاپ کنم.

افراد زیادی در حوزه مهاجرت دغدغه داشته و کار کرده‌اند، با زبان سینما، تئاتر، هنرهای تجسمی... اما عکس‌ها به‌واسطه آن‌که جهان متحرک را ثابت می‌سازند، قدرت دارند نگاه بیننده را روی خودشان نگه دارند و او را به فکر فرو ببرند. بهنام صدیقی به‌شکل آنالوگ و با استفاده از فیلم و اسلاید عکس می‌گیرد که پروژه هزینه‌بری است.

چشم‌انداز و خواست شخصی او در زمینه مهاجرت چیست؟ او می گوید: مسأله این نیست که من چه امید یا آرزویی دارم. طبیعی است که هرکسی دلش می‌خواهد در فضای بهتری زندگی کند. رفتن آدم‌ها به خارج از کشور برای من موضوعی است برای ارجاع به مسأله دیگری در داخل ایران. به‌هرحال سال‌های زیادی سرمایه عظیمی مصرف شده تا افراد به جایگاه و دانشی برسند و از دست دادن این دانش و جایگاه یک مساله است. مهاجرت در همه‌جای دنیا وجود دارد اما زمینه‌های بروزش متفاوت است و برای پیدا کردن زمینه‌های رخ‌دادن مسأله باید تفاوت زمینه‌های آن را در ایران درک کنیم. می‌خواهم آدم‌ها به خودشان فکر کنند و این عکس‌ها پرتره‌ای برای خود آن افرادی باشد که از ایران می‌روند. زیرا پروسه مهاجرت به لحاظ عاطفی و فنی آن‌قدر فشرده و پیچیده است که معمولا تصویر خاصی از آن باقی نمی‌ماند.

به نظر من عکاسی معاصر ما آن‌چنان که باید نتوانسته تصویر افراد جامعه را به خودشان نشان بدهد. عکاسی متمرکز از آدم‌ها کمک می کند تا آن‌ها بتوانند دوباره خودشان را ببینند. این یک کار فرهنگی است و اگر فرهنگ ارتقا پیدا کند اتفاقات خوبی خواهدافتاد.

جالب‌ترین نکته این است که بهنام صدیقی خودش هرگز تمایلی به این که در جای دیگری زندگی کند نداشته: تجربه سفر و اقامت کوتاه‌مدت خوب است اما فکر می کنم که با توجه به زمینه کاری‌ام در ایران می‌توانم مفیدتر باشم. نظر شخصی من این است که بسیاری از افراد با توانایی‌ها و نحوه ابراز آنها در خودشان آشنا نیستند و این به‌دلیل ساختار سیستم آموزشی-فرهنگی-اجتماعی ماست که نتوانسته مجرای این جریان را فراهم کند.

ارمغان زمان فشمی





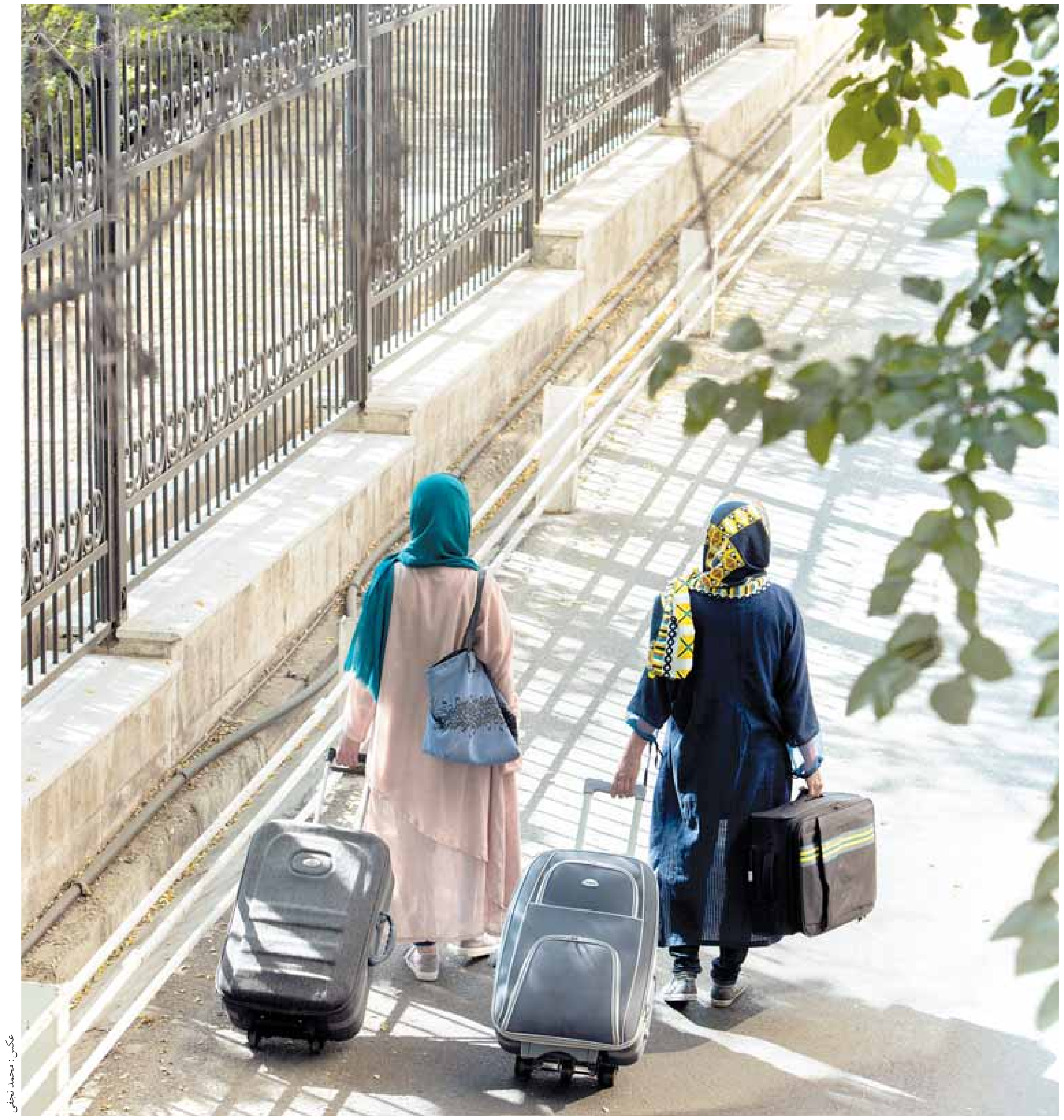




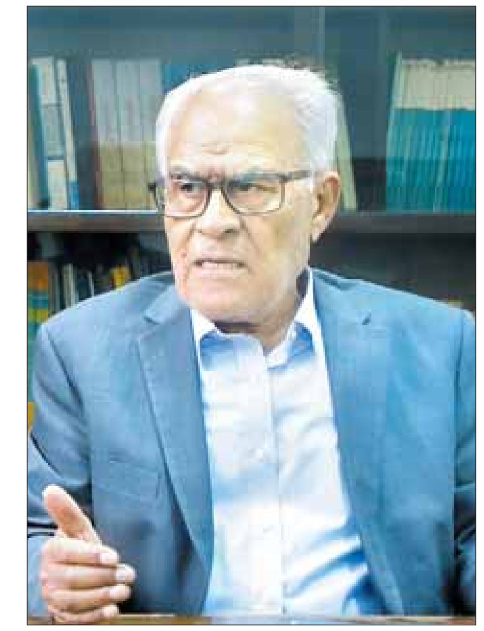


گفتگو درباره پدیده مهاجرت با دکتر فرهنگ ارشاد – جامعه‌شناس

مهاجرت، گزیر یا گریز؟



عکس: محمد نجفی



عکس: احسان کاظملو

روز آخر زندگی در خانه پدری است. ماه‌های اخیر همه وقتش را صرف دوندگی برای دریافت ویزا و خرید ارز و آماده کردن وسایل مورد نیازش کرده و متوجه نشده بود هر لحظه که به موعد رفتن نزدیک‌تر می‌شود، مادرش بی‌قرارتر و آشفته‌تر از گذشته می‌شود؛ سعی می‌کند با همه وجود نگاهش کند، همه چشمش را لبریز کند از تصویر فرزند، آن‌قدر که برای شب‌های بلند پاییز و زمستان، به‌اندازه کافی از او تصویر جمع کرده باشد.

دلش گرفته، بغض رهایش نمی‌کند، لبریز از نگرانی است، نگرانی درمورد آینده نامعلوم، درمورد سرزمین و آدم‌های غریبه، نگرانی درباره مادرش... خدایا، مادرم طاقت دوری و دلتنگی ندارد...

چه سرنوشت شومی! من این شهر را دوست دارم، همه چیزش را و از همه بیشتر، آن قله‌ای را که هر جمعه فتحش می‌کردیم، من و او، اویی که دوستش داشتم...

لحظه‌های آخر است، باید برود، برود جایی که بتواند از نو آغاز کند، بتواند دوباره بسازد به این امید که این بار، هیچ چیزی نتواند آشیانه‌اش را خراب کند. امیدوار است که روزی دوباره مادر را در آغوش بگیرد و نگرانش نباشد، که بتواند دوباره قله‌ها را فتح کند، با او. امید دارد که روزی بیاید که فاصله‌ای بینشان نباشد، که او هم مانند خیلی آدم‌های دیگر یک زندگی طبیعی و شکوفا داشته باشد، یک زندگی برخوردار از رفاه، آسایش، آرامش و صلح.

چمدانش را روی زمین می کشد. غم، توان حرکت را از او گرفته، به پشت‌سر نگاه نمی کند و می‌رود. وجودش از همه چیز خالی شده و تنها یک شعله کم‌سو هنوز در آن زنده مانده: شعله امید.

***

مهاجرت، پدیده‌ای است که این روزها خانواده‌های زیادی با آن مواجه هستند. به گفته دکتر فرهنگ ارشاد، استاد دانشگاه، جامعه‌شناس و کارشناس مهاجرت، ایران یکی از کشورهای مهم در موضوع مهاجرت است. صرف‌نظر از قضاوت‌هایی که درباره خوبی یا بدی مهاجرت وجود دارد، باید اذعان داشت که مهاجرت، آسیب‌های روانی زیادی برای مهاجر در پی خواهد داشت. مهاجرت به ندرت برای افراد امری آسان و دلپذیر است. اغلب به سختی از دلبستگی‌های خود جدا شده و برای رسیدن به آینده‌ای روشن‌تر سرزمین خود را ترک می‌کنند.

با دکتر ارشاد در این زمینه به گفتگو نشستیم. ایشان در خصوص انواع مهاجرت از منظر علمی و جامعه‌شناختی می‌گوید: مهاجرت دو نوع دارد، مهاجرت‌های ملی و مهاجرت‌های بین‌المللی. من این دو را در مجموع یک فرآیند می‌بینم که طی آن فرد از یک روستا، وارد شهری بزرگ می‌شود و در سطح بعدی از یک کشور به کشور دیگر می‌رود. مهاجرت یک ماجرای پلکانی است، فرد، پله‌پله از جامعه کوچک خود جدا شده و راه خود را به دنیای بزرگ‌تر پیدا می‌کند. مهاجرت، چه در سطح بین‌المللی، چه در سطح داخلی، یک فرآیند پلکانی است.

در خصوص خوبی یا بدی پدیده مهاجرت، دکتر ارشاد می‌گوید: اصلا نمی‌توان ادعا کرد که مهاجرت در ذات خود چیز بدی است. از قضا، مهاجرت امر خوبی است و ما چون به طور علمی با آن مواجه نشده‌ایم، آن خلاءهایی را که در اثر اشتباهات و غفلت ما منجر به مهاجرت می‌شوند نمی‌بینیم و به جای آن، به پدیده مهاجرت، نگاه منفی و ناخوشایند داریم. ما از دهه ۱۳۳۰ تا به امروز با مهاجرت‌های داخلی درگیر هستیم و هیچ‌وقت نتوانستیم این مسأله را حل کنیم. از دهه ۴۰ به بعد هم با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی، به عنوان یک مسأله اجتماعی مواجهیم. ما از نظر مهاجرت، یک کشور قابل‌توجه در سطح جهان هستیم.

دو نکته بنیادی وجود دارد، اول این‌که مهاجرت، نشانه آزادی انسان است. همه ما طبق قانون اساسی، آزاد هستیم در هر جایی، شغلی را انتخاب کرده و آنجا را برای زندگی انتخاب کنیم. از دیرباز هم مهاجرت بین مردم اتفاق می‌افتاد، حتی وقتی که نظام صنعتی و سرمایه‌داری وجود نداشت و تحلیل‌های عمیقی از فرصت‌های شغلی ارائه نمی‌شد، مهاجرت روش مهمی برای ایجاد ارتباطات فرهنگی بود. اما امروز بحث از مهاجرت، با اتفاقات بعد از جنگ جهانی دوم در ایران و در سایر نقاط جهان پیوند دارد. به همین علت، من با توجه به شرایط کنونی می‌گویم مهاجرت، نشانه‌ای از حرکت آزاد انسان و آزادی اوست؛ پس نه تنها چیز بدی نیست، بلکه اتفاقا نمودی از آزادی است.

دوم این‌که در همه شهرهای بزرگ، مناطقی وجود دارند که از آن‌ها با نام مناطق حاشیه‌نشین یاد می‌شود ولی من آن‌ها را محله‌هایی می‌دانم که در آن‌ها سکونت غیرمتعارف وجود دارد. این سکونت‌گاه‌ها، مناطقی پرمسأله هستند که بیش از هفتاد درصد ساکنان آن را مهاجران تشکیل می‌دهند. آیا عامل اصلی این زندگی‌های پرمسأله، قاچاق‌فروشی، مسائل اخلاقی و غیره مهاجرت است یا این‌که مهاجرت و حاشیه‌نشینی، هر دو معلول مسأله دیگری هستند؟

من اعتقاد دارم که مهاجرت معلول است، یعنی رویدادی که تحت تأثیر تصمیمات کلان‌تر اتفاق می‌افتد. یکی از مهم‌ترین عواملی که چه در مقیاس داخلی و چه در مقیاس بین‌المللی، علت مهاجرت به حساب می‌آید، توسعه نامتوازن است. آدم مهاجر، چه یک جوان روستایی کم‌سواد که به شهر مهاجرت می‌کند، چه یک تحصیل کرده که به کشورهای توسعه یافته می‌رود، آدمی است فعال، اهل ریسک و جاه‌طلب که آینده بهتری را می‌خواهد. او به دنبال بهبود زندگی خود است و اولین گروهی که از بالارفتن کیفیت زندگی او تحت تأثیر قرار می‌گیرند، خانواده‌اش هستند. هیچ‌کدام از این موارد بد نیستند. پس خود مهاجر آدم فعالی است که می‌خواهد زندگی بهتری داشته باشد و بدین منظور، معمولاً از محل کمتر توسعه‌یافته، به جای بیشتر توسعه‌یافته می‌رود. اگر ما یک توسعه متوازن داشته باشیم، این اتفاق نمی‌افتد.

برای این‌که بفهمیم توسعه چیست، باید به کیفیت نگاه کنیم، به کیفیت ماشین‌ها، آسفالت خیابان و غیره. توسعه تمام زندگی ما را دربر گرفته است و از آنجایی که زندگی یک امر کیفی است، خود توسعه هم با کیفیت سر و کار دارد. پس وقتی می‌گوییم مهاجرت از منطقه کمتر توسعه‌یافته به منطقه بیشتر توسعه‌یافته رخ می‌دهد، یعنی کیفیت زندگی در منطقه مقصد، بالاتر است. فرد مهاجر که نسبت به دیگران کمی فعال‌تر است، عقلانیت بالاتری هم دارد و به‌هیچ صورت نمی‌توان گفت او اشتباه می‌کند یا کار بدی انجام می‌دهد. البته منظورم آن نیست که همه مهاجرها انسان‌های خوبی هستند، همان‌طور که می‌بینیم، بخشی از جمعیت زندانیان و تعداد زیادی از قاچاق‌فروش‌ها، مهاجر هستند. در واقع فرد مهاجر به امید زندگی بهتر راهی سرزمین توسعه‌یافته‌تری می‌شود و در این مسیر ممکن است مجبور باشد فشارهای مختلفی را از جهات گوناگون تحمل کند و ممکن است فشار زندگی او را به جایی برساند که مثلا وقتی از روستا به شهر می‌آید و هیچ جایی را به‌جز مناطق حاشیه‌نشین برای اسکان ندارد، تحت تأثیر مشکلات آنجا قرار می‌گیرد.

ما از اواخر دهه ۱۳۲۰ به برنامه‌های توسعه روی آوردیم. این توسعه یعنی دخالت در زندگی مردم. در این فرآیند دستکاری زندگی، اگر تمام متغیرها دیده نشود، معلوم نیست که بتواند ما را به آن آرمان‌شهر مورد نظر برساند. مثلا در حوزه مسکن، می‌دانیم که توزیع آن در پدیده مهاجرت اثر دارد. مثلا اگر در یک منطقه، پروژه ساخت مسکن‌های ارزان‌قیمت شروع شود، مردم را تشویق می‌کند به آنجا مهاجرت کنند. این موضوع در همه جای دنیا صادق است. البته در ایران، به دلیل آن‌که به اندازه کافی تحقیقات انجام نشده و زندگی‌ها تا حدی تحت کنترل تصادفات هستند، تأثیر این متغیرها خیلی قابل محاسبه نیست اما در کشورهای پیشرفته اروپایی، مردم از شهری به شهر دیگر مهاجرت می‌کنند چرا که می‌دانند در شهر دوم، مثلا امکان آن‌که بتوانند صاحب‌خانه شوند بالاتر است.

بنابراین وقتی یک برنامه توسعه تدوین می‌شود و تصمیم می‌گیریم که مثلا در شهری کارخانه احداث کنیم، باید در نظر داشته باشیم که این کارخانه، فرصت شغلی ایجاد می‌کند و باید بتوان نیروی انسانی مورد نیاز آن را تأمین کرد. ما در دانشگاه‌ها، برای رشته‌های مختلف دانشجو می‌گیریم ولی فکر نمی‌کنیم که بعد از آن‌که این دانشجو فارغ‌التحصیل شد قرار است کجا کار کند. برنامه‌های بلندمدت ما آن‌قدر دقیق نیستند که بتوانیم این فرآیندها را محاسبه کرده و کنترل زندگی را در دست داشته باشیم. به همین علت، با خیل فارغ‌التحصیلانی مواجه می‌شویم که شغل موردنظر خود را پیدا نمی‌کنند.

دکتر ارشاد در خصوص مهاجرت‌هایی که صرفا تحت تأثیر موج ایجادشده رخ می‌دهند می‌گوید: من مهاجر را یک انسان معمولی می‌دانم که نمی‌تواند درباره همه جنبه‌های زندگی‌اش تصمیم‌گیری‌های دقیق داشته باشد و بسیاری از اوقات، نزدیک ۵۰ درصد ریسک می‌کند.

گفته شده است که مهاجر آدمی است که تحت تأثیر زندگی کسانی که مهاجرت کرده‌اند، تصمیم می‌گیرد ترک وطن کند ولی واقعیت آن است که چنین چیزی خیلی هم درست نیست. همین فردی که فکر می‌کنیم به خاطر چشم و هم‌چشمی با پسرخاله‌اش تصمیم به مهاجرت می‌گیرد، اگر شرایط خوبی برای زندگی در اینجا برایش مهیا شود، مهاجرت نمی‌کند. عناصری که کمک می‌کنند او در وطن خود بماند آن‌قدر ضعیف هستند عاملی که او را به مهاجرت تشویق می‌کند، بر آن‌ها غلبه دارد. ما در مسائل اجتماعی، احساس ناراحتی اجتماعی می‌کنیم. جوانی که پسرخاله‌اش مهاجرت کرده و موفق است، اگر نتواند به کسانی که از او می‌پرسند چرا مهاجرت نکردی جواب درستی بدهد، احساس شکست کرده و فکر می‌کند توانایی و جربزه پسرخاله‌اش از او بیشتر بوده که توانسته برود و زندگی بهتری برای خود بسازد.

بنابراین مجموعه‌ای از عوامل روانی، اجتماعی و اقتصادی دست به‌دست هم می‌دهند و باعث می‌شوند این فرد، از خیر دیدار پدر و مادر و خانواده و زادگاه گذشته و ریسک مهاجرت را بپذیرد. هیچ مهاجری نیست هنگامی که همه زندگی‌اش را گذاشته و می‌رود تا جای دیگری آن را از نو بسازد، مدتی را با بحران سپری نکند. این بحران، در اثر عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، عدم دانستن زبان و عدم آگاهی از آداب و رسوم ایجاد می‌شوند. او تا به یک ثبات نسبی برسد، باید با این بحران دست‌وپنجه نرم کند. او همواره نگران است که باید چه کند، کجا سکونت داشته باشد، چطور کار پیدا کند و نمی‌داند با چه چالش‌هایی مواجه خواهد شد. اما نارسایی‌های داخلی آن‌قدر بزرگ هستند که او همه این نگرانی‌ها را به جان می‌خرد تا راهی برای رهایی از آنها به روی خود بگشاید.

مهاجرت در جامعه ما عادت‌واره شده است. ما با این که کشوری هستیم که از نظر مهاجرت، موضوع مهمی در دنیا به حساب می‌آییم ولی مسائلی که منجر به مهاجرت می‌شوند را بررسی نمی‌کنیم. من بیش از بیست سال پیش هشدار دادم و گفتم در کشور ما عواملی وجود دارند که خود به‌خود به توسعه نامتوازن دامن می‌زنند، مثلا خیلی جاها در ایران برای سکونت مناسب نیستند. ما در گیلان تراکم جمعیت بالایی داریم ولی در بلوچستان و سمنان، تراکم جمعیت بسیار پایین‌تر است. کسی که برای ساختن جاده و بیمارستان تصمیم‌گیری می‌کند، براساس میزان تراکم جمعیت، آن‌ها را جایی احداث می‌کند که جمعیت بیشتری از آن بهره‌مند می‌شوند. این درحالی است کسی که در منطقه‌ای با جمعیت کمتر زندگی می‌کند هم به جاده و بیمارستان و امکانات رفاهی نیازمند است. اینجاست که کیفیت‌ها وارد عمل می‌شوند. کمیت با این‌که از اهمیت برخوردار است، ولی باید در خدمت کیفیت باشد.

برنامه‌های توسعه ما تا به امروز به توسعه نامتوازن دامن زده‌اند. جمعیت در کشور ما نامتوازن توزیع شده است. امروز می‌بینیم که بسیاری از کشورهای اروپایی برنامه‌های توسعه کلان ندارند، چون می‌دانند در برنامه‌های کلان، همه متغیرها را نمی‌توان در نظر گرفت. باید آمایش سرزمین انجام شود و ببینیم که هر منطقه چه امکاناتی دارد و به چه چیزهایی نیازمند است. در ایران، در برنامه سوم توسعه شروع کردیم به کار کردن روی آمایش سرزمین ولی نیمه‌کاره رها شد.

پس درست است مهاجرت در کشور ما شبیه یک موج است که خیلی‌ها بر آن سوار می‌شوند و به دنبال زندگی بهتر، زادگاه خود را ترک می‌کنند، ولی این موج خودش یک معلول است. مهاجر، صرفا در برابر خودش احساس مسؤولیت می‌کند ولی کسی که در سطح کلان برای گروهی از مردم تصمیم‌گیری می‌کند، باید بداند مسؤولیت بالایی دارد و تصمیم‌های او، به عمق زندگی تک‌تک افراد اثر می‌گذارد. ما اصلا نمی‌توانیم مهاجر را مؤاخذه کنیم. نه این‌که او را مسؤول ندانیم ولی نمی‌توان از او انتظار داشت ایثار کند و در شرایط نامطلوب باقی بماند. البته کسی که ایثارگری می‌کند انسان بسیار خوبی است ولی نمی‌توان از همه چنین انتظاری داشت. ما امروز می‌بینیم خیلی از کسانی که رفتند، پشیمان می‌شوند زیرا نسنجیده عمل کرده‌اند. من نمی‌گویم چنین فردی اشتباه نکرده است و مسؤول نیست. تمام افرادی که می‌روند، موفق نمی‌شوند ولی برآیند کلی را اگر در نظر بگیریم، می‌بینیم خیلی‌ها موفق هستند.

به هر صورت تمام مسئولیت‌ها بر دوش مهاجر نیست. در سال ۱۳۵۷ در ایران ۶۰درصد از جمعیت ما روستایی بودند اما به‌تدریج سهم جمعیت روستایی کاسته شد. از سال ۱۳۸۵ نه‌تنها سهم نسبی، بلکه سهم مطلق جمعیت روستایی کاهش پیدا کرد. تا چند سال آینده، ما با روستاهای خالی از جمعیت مواجه خواهیم شد و توزیع نامتوازن جمعیت بیشتری خواهیم داشت. تعدادی شهر و صدها کیلومتر بیابان خواهیم داشت. ما باید برای این مسأله فکری کنیم.

باید در مناطق روستایی فرصت‌های شغلی ایجاد شود، بیمه و رفاه وجود داشته باشد، مسکن‌سازی انجام شود، خدمات درمانی وجود داشته باشد. یکی از مشکلات اصلی ما آن است که توزیع پزشک در کشور ما نامتعادل است. ما این همه پزشک سطح بالا در تهران داریم ولی در روستاها و شهرهای دیگر، پزشک متخصص وجود ندارد. این در حالی است که در کشورهای اروپایی چنین چیزی را نمی‌بینیم. من شخصا دیدم که در یکی از روستاهای حومه منچستر، متخصص قلبی وجود داشت که لندنی‌ها برای درمان به او مراجعه می‌کردند. باید راه چاره‌ای برای این توسعه نامتوازن پیدا کنیم چرا که این عدم توازن، موج مهاجرت را شدیدتر می‌کند.

خیلی وقت‌ها مهاجرت صرفا برای رسیدن به رفاه اقتصادی رخ نمی‌دهد، مهاجر از تمام امکانات رفاهی برخوردار است و صرفا می‌خواهد سبک دیگری از زندگی را تجربه کند. دکتر ارشاد در خصوص این شکل از مهاجرت‌ها می‌گوید: آنچه تا کنون گفتم، بنیان مهاجرت است اما مهاجرت الگوهای مختلفی دارد. مهاجرت‌هایی داریم که تحت تأثیر توسعه نامتوازن نیستند. مثلا مواردی را هم شاهد هستیم که فردی از همه امکانات عالی برای زندگی برخوردار است ولی بازهم میهن خود را ترک می‌کند. چنین الگوهایی، الگوهای ماندگار و قابل تعمیم نیستند و من به عنوان کسی که در حوزه مهاجرت تخصص دارم، درباره‌اش قضاوت نمی‌کنم زیرا قضاوتم بر اساس داده‌ها نیست.

شکل دیگری از مهاجرت‌ها که در سال‌های اخیر زیاد هم شاهدش بوده‌ایم، مهاجرت‌هایی هستند که در آن‌ها مهاجر به دنبال آن است از جامعه بی‌اخلاقی که در آن دروغ و ریاکاری، اصول اساسی موفقیت بوده و اعتماد از مردم آن سلب شده است فرار کرده و به جایی برود که بتواند دوستی واقعی، همدردی، مهربانی و اعتماد را تجربه کند و به آرامش روانی برسد. دکتر ارشاد در این خصوص می‌گوید: من از وضعیت اخلاقی جامعه به هیچ‌وجه خوشحال نیستم. واکنش جوانی که به خاطر بی‌اخلاقی‌ها می‌رود، اخلاق‌مدارانه و به شدت معلول عامل دیگری است. اخلاق در کشور ما یک سکه بی‌ارزش شده است. اخلاق امری است که حتما اول باید توسط بزرگ‌تر رعایت شود تا کوچک‌تر آن را یاد بگیرد.

در کشور ما سرمایه اجتماعی پایین است و شرایطی ایجاد شده که به خاطر کمبود سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی ما سست شده است. من شخصا توقع ندارم همه مثل من ایران را ترجیح بدهند و اینجا زندگی کنند. اما برای بهتر شدن اوضاع، رسانه‌ها خیلی خدمت‌ها می‌توانند بکنند و نمی‌کنند. خیلی از نارسایی‌های مهاجرتی و تصمیم‌گیری درست برای مهاجرت را در رسانه می‌توان مطرح و بررسی کرد. می‌توان گفت ای جوان عزیزی که تصمیم گرفتی به کانادا مهاجرت کنی! تو آدم گناهکاری نیستی، تو فقط می‌خواهی زندگی بهتری داشته باشی ولی اول این مردم به تو احتیاج دارند. چه کسی باید این حرف را به آن جوان بزند؟ کسی که خودش به فکر مردم است و در راستای خدمت به آنها قدم برمی‌دارد.

اگر رسانه‌های کشور و در مقیاس کلی، امپراتوری رسانه‌ای جهانی که سودش در آن است که عدم توازن در توزیع ثروت و قدرت و رفاه اجتماعی در جهان برقرار باشد، به‌جای خیلی از برنامه‌های حساب نشده، از حضور متخصصانی استفاده کند که از سر دلسوزی درباره ابعاد مختلف مهاجرت صحبت می‌کنند، آیا اثرگذار نیست؟ مسلما هست. ما هزینه‌های زیادی را صرف تولید برنامه‌هایی می‌کنیم که بی‌اثر بودنشان برایمان اثبات شده است. آیا این همه برنامه‌ای که در آن‌ها درباره بدی اعتیاد گفته‌ایم، از تعداد معتادان کاسته است؟ خیر. پس معلوم می‌شود این برنامه‌ها بی‌اثر بوده است. ما افراد متخصصی داریم که واقعا دلشان برای کشور می‌سوزد ولی تریبونی برای حرف زدن به آن‌ها داده نمی‌شود.

> **● مهاجرت رویدادی است که تحت تأثیر تصمیمات کلان‌تر، از جمله توسعه نامتوازن، اتفاق می‌افتد**
> **● مهاجر نه آدم بدی است، نه خائن است و نه دیوانه، او فقط زندگی خوب می‌خواهد**

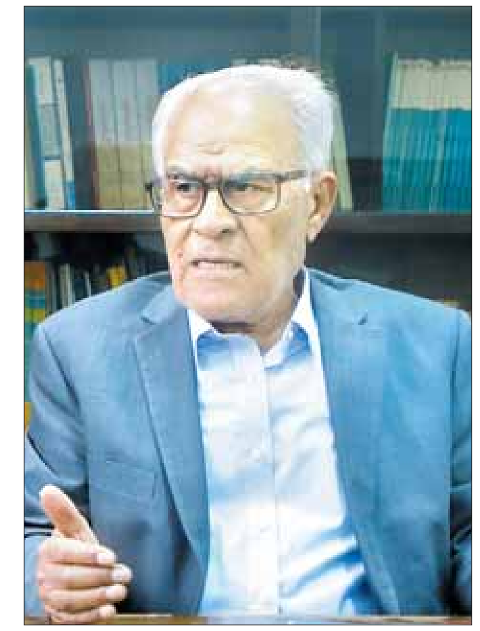
مسائل اجتماعی نگاه دقیق و ظریف می‌خواهد و اگر نگاه علمی به آن داشته باشیم می‌بینیم که مهاجرت نه تنها مسأله نیست، بلکه حلال مسأله است. ما بحث فرار مغزها را داریم و می گوییم تحصیل کرده‌های ما به کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌روند ولی در سطح جهانی که نگاه کنیم می‌بینیم که آلمانی به انگلستان می‌رود، انگلیسی به کانادا می‌رود و پدیده مهاجرت در همه جا در جریان است. ولی فرق ما با آن‌ها این است که میان آن کشورها داد و ستد جمعیت برقرار است ولی ما معامله یک‌طرفه داریم. تحصیل کرده ما هر چه دارد جمع می‌کند و تحویل یک کشور دیگر می‌دهد. او نه آدم بدی است، نه خائن است و نه دیوانه. او فقط زندگی خوب می‌خواهد. اگر بداند می‌تواند آن را همین‌جا به‌دست آورد، مهاجرت نمی‌کند.

می‌شود اقداماتی کرد که دست‌کم از شدت مهاجرت کاسته شود. ما در اثر تصمیم‌گیری‌های نادرستی که داشتیم، مهاجرت‌های یک‌طرفه از روستا به شهر و از کشور به کشورهای توسعه‌یافته داریم. می‌توان کاری کرد که این تبادل جمعیت، به صورت دو جانبه و عادی درآید.

● گفتگو: ندا زمان‌فشمی

گفتگو درباره پدیده مهاجرت با دکتر فرهنگ ارشاد – جامعه‌شناس

مهاجرت؛ گزیر یا گریز؟


عکس: احسان کاظملو

روز آخر زندگی در خانه پدری است. ماه‌های اخیر همه وقتش را صرف دوندگی برای دریافت ویزا و خرید ارز و آماده کردن وسایل مورد نیازش کرده و متوجه نشده بود هر لحظه که به موعد رفتن نزدیک‌تر می‌شود، مادرش بی‌قرارتر و آشفته‌تر از گذشته می‌شود؛ سعی می کند با همه وجود نگاهش کند، همه چشمش را لبریز کند از تصویر فرزند، آن‌قدر که برای شب‌های بلند پاییز و زمستان، به‌اندازه کافی از او تصویر جمع کرده باشد.

دلش گرفته، بغض رهایش نمی کند، لبریز از نگرانی است، نگرانی درمورد آینده نامعلوم، درمورد سرزمین و آدم‌های غریبه، نگرانی درباره مادرش... خدایا، مادرم طاقت دوری و دلتنگی ندارد...

چه سرنوشت شومی! من این شهر را دوست دارم، همه چیزش را و از همه بیشتر، آن قله‌ای را که هر جمعه فتحش می کردیم، من و او، اویی که دوستش داشتم...

لحظه‌های آخر است، باید برود، برود جایی که بتواند از نو آغاز کند، بتواند دوباره بسازد به این امید که این بار، هیچ چیزی نتواند آشیانه‌اش را خراب کند. امیدوار است که روزی دوباره مادر را در آغوش بگیرد و نگرانش نباشد، که بتواند دوباره قله‌ها را فتح کند، با او. امید دارد که روزی بیاید که فاصله‌ای بینشان نباشد، که او هم مانند خیلی آدم‌های دیگر یک زندگی طبیعی و شکوفا داشته باشد، یک زندگی برخوردار از رفاه، آسایش، آرامش و صلح.

چمدانش را روی زمین می کشد. غم، توان حرکت را از او گرفته، به پشت‌سر نگاه نمی کند و می‌رود. وجودش از همه چیز خالی شده و تنها یک شعله کم‌سو هنوز در آن زنده مانده: شعله امید.

***

مهاجرت، پدیده‌ای است که این روزها خانواده‌های زیادی با آن مواجه هستند. به گفته دکتر فرهنگ ارشاد، استاد دانشگاه، جامعه‌شناس و کارشناس مهاجرت، ایران یکی از کشورهای مهم در موضوع مهاجرت است. صرف‌نظر از قضاوت‌هایی که درباره خوبی یا بدی مهاجرت وجود دارد، باید اذعان داشت که مهاجرت، آسیب‌های روانی زیادی برای مهاجر در پی خواهد داشت. مهاجرت به ندرت برای افراد امری آسان و دلپذیر است. اغلب به سختی از دلبستگی‌های خود جدا شده و برای رسیدن به آینده‌ای روشن‌تر سرزمین خود را ترک می‌کنند.

با دکتر ارشاد در این زمینه به گفتگو نشستیم. ایشان در خصوص انواع مهاجرت از منظر علمی و جامعه‌شناختی می‌گوید: مهاجرت دو نوع دارد، مهاجرت‌های ملی و مهاجرت‌های بین‌المللی. من این دو را در مجموع یک فرآیند می‌بینم که طی آن فرد از یک روستا، وارد شهری بزرگ می‌شود و در سطح بعدی از یک کشور به کشور دیگر می‌رود. مهاجرت یک ماجرای پلکانی است، فرد، پله‌پله از جامعه کوچک خود جدا شده و راه خود را به دنیای بزرگ‌تر پیدا می کند. مهاجرت، چه در سطح بین‌المللی، چه در سطح داخلی، یک فرآیند پلکانی است.

در خصوص خوبی یا بدی پدیده مهاجرت، دکتر ارشاد می‌گوید: اصلا نمی‌توان ادعا کرد که مهاجرت در ذات خود چیز بدی است. از قضا، مهاجرت امر خوبی است و ما چون به طور علمی با آن مواجه نشده‌ایم، آن خلاءهایی را که در اثر اشتباهات و غفلت ما منجر به مهاجرت می‌شوند نمی‌بینیم و به جای آن، به پدیده مهاجرت، نگاه منفی و ناخوشایند داریم. ما از دهه ۱۳۳۰ تا به امروز با مهاجرت‌های داخلی درگیر هستیم و هیچ‌وقت نتوانستیم این مسأله را حل کنیم. از دهه ۴۰ به بعد هم با موضوع مهاجرت‌های بین‌المللی، به عنوان یک مسأله اجتماعی مواجهیم. ما از نظر مهاجرت، یک کشور قابل‌توجه در سطح جهان هستیم.

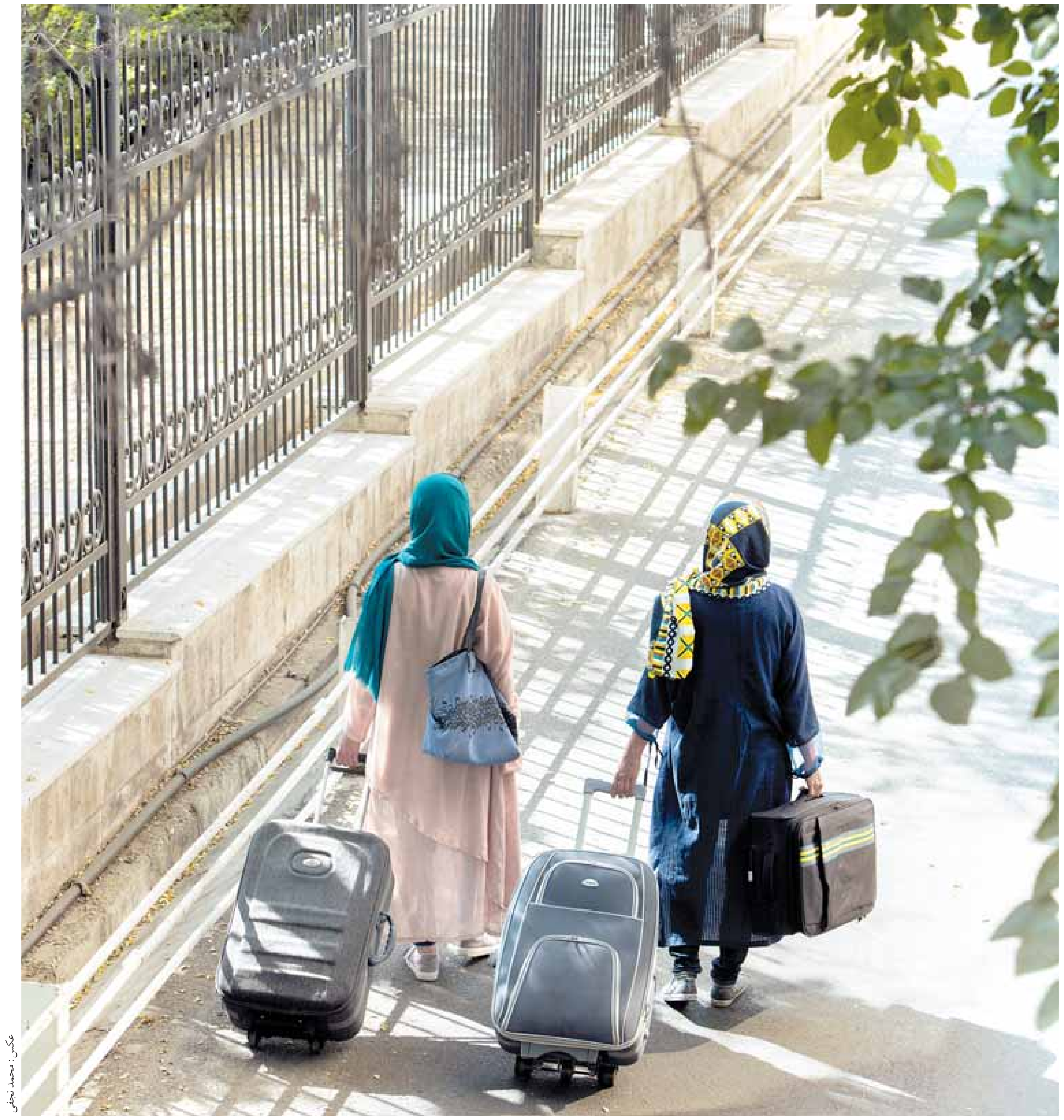
دو نکته بنیادی وجود دارد، اول این که مهاجرت، نشانه آزادی انسان است. همه ما طبق قانون اساسی، آزاد هستیم در هر جایی، شغلی را انتخاب کرده و آنجا را برای زندگی انتخاب کنیم. از دیرباز هم مهاجرت بین مردم اتفاق می‌افتاد، حتی وقتی که نظام صنعتی و سرمایه‌داری وجود نداشت و تحلیل‌های عمیقی از فرصت‌های شغلی ارائه نمی‌شد، مهاجرت روش مهمی برای ایجاد ارتباطات فرهنگی بود. اما امروز بحث از مهاجرت، با اتفاقات بعد از جنگ جهانی دوم در ایران و در سایر نقاط جهان پیوند دارد. به همین علت، من با توجه به شرایط کنونی می گویم مهاجرت، نشانه‌ای از حرکت آزاد انسان و آزادی اوست؛ پس نه تنها چیز بدی نیست، بلکه اتفاقا نمودی از آزادی است.

دوم این که در همه شهرهای بزرگ، مناطقی وجود دارند که از آن‌ها با نام مناطق حاشیه‌نشین یاد می‌شود ولی من آن‌ها را محله‌هایی می‌دانم که در آن‌ها سکونت غیرمتعارف وجود دارد. این سکونت‌گاه‌ها، مناطقی پرمسأله هستند که بیش از هفتاد درصد ساکنان آن را مهاجران تشکیل می‌دهند. آیا عامل اصلی این زندگی‌های پرمسأله، قاچاق‌فروشی، مسائل اخلاقی و غیره مهاجرت است یا این که مهاجرت و حاشیه‌نشینی، هر دو معلول مسأله دیگری هستند؟

من اعتقاد دارم که مهاجرت معلول است، یعنی رویدادی که تحت تأثیر تصمیمات کلان‌تر اتفاق می‌افتد. یکی از مهم‌ترین عواملی که چه در مقیاس داخلی و چه در مقیاس بین‌المللی، علت مهاجرت به حساب می‌آید، توسعه نامتوازن است. آدم مهاجر، چه یک جوان روستایی کم‌سواد که به شهر مهاجرت می کند، چه یک تحصیل کرده که به کشورهای توسعه یافته می‌رود، آدمی است فعال، اهل ریسک و جاه‌طلب که آینده بهتری را می‌خواهد. او به دنبال بهبود زندگی خود است و اولین گروهی که از بالارفتن کیفیت زندگی او تحت تأثیر قرار می‌گیرند، خانواده‌اش هستند. هیچ کدام از این موارد بد نیستند. پس خود مهاجر آدم فعالی است که می‌خواهد زندگی بهتری داشته باشد و بدین منظور، معمولاً از محل کمتر توسعه‌یافته، به جای بیشتر توسعه‌یافته می‌رود. اگر ما یک توسعه متوازن داشته باشیم، این اتفاق نمی‌افتد.

برای این که بفهمیم توسعه چیست، باید به کیفیت نگاه کنیم، به کیفیت ماشین‌ها، آسفالت خیابان و غیره. توسعه تمام زندگی ما را دربر گرفته است و از آنجایی که زندگی یک امر کیفی است، خود توسعه هم با کیفیت سر و کار دارد. پس وقتی می گوییم مهاجرت از منطقه کمتر توسعه‌یافته به منطقه بیشتر توسعه‌یافته رخ می‌دهد، یعنی کیفیت زندگی در منطقه مقصد، بالاتر است. فرد مهاجر که نسبت به دیگران کمی فعال‌تر است، عقلانیت بالاتری هم دارد و به‌هیچ صورت نمی‌توان گفت او اشتباه می کند یا کار بدی انجام می‌دهد. البته منظورم آن نیست که همه مهاجرها انسان‌های خوبی هستند، همان‌طور که می‌بینیم، بخشی از جمعیت زندانیان و تعداد زیادی از قاچاق‌فروش‌ها، مهاجر هستند. در واقع فرد مهاجر به امید زندگی بهتر راهی سرزمین توسعه‌یافته‌تری می‌شود و در این مسیر ممکن است مجبور باشد فشارهای مختلفی را از جهات گوناگون تحمل کند و ممکن است فشار زندگی او را به جایی برساند که مثلا وقتی از روستا به شهر می‌آید و هیچ جایی را به‌جز مناطق حاشیه‌نشین برای اسکان ندارد، تحت تأثیر مشکلات آنجا قرار می‌گیرد.

ما از اواخر دهه ۱۳۲۰ به برنامه‌های توسعه روی آوردیم. این توسعه یعنی دخالت در زندگی مردم. در این فرآیند دستکاری زندگی، اگر تمام متغیرها دیده نشود، معلوم نیست که بتواند ما را به آن آرمان‌شهر مورد نظر برساند. مثلا در حوزه مسکن، می‌دانیم که توزیع آن در پدیده مهاجرت اثر دارد. مثلا اگر در یک منطقه، پروژه ساخت مسکن‌های ارزان‌قیمت شروع شود، مردم را تشویق می کند به آنجا مهاجرت کنند. این موضوع در همه جای دنیا صادق است. البته در ایران، به دلیل آن که به اندازه کافی تحقیقات انجام نشده و زندگی‌ها تا حدی تحت کنترل تصادفات هستند، تأثیر این متغیرها خیلی قابل محاسبه نیست اما در کشورهای پیشرفته اروپایی، مردم از شهری به شهر دیگر مهاجرت می کنند چرا که می‌دانند در شهر دوم، مثلا امکان آن که بتوانند صاحب‌خانه شوند بالاتر است.


عکس: محمد نجفی

بنابراین وقتی یک برنامه توسعه تدوین می‌شود و تصمیم می‌گیریم که مثلا در شهری کارخانه احداث کنیم، باید در نظر داشته باشیم که این کارخانه، فرصت شغلی ایجاد می کند و باید بتوان نیروی انسانی مورد نیاز آن را تأمین کرد. ما در دانشگاه‌ها، برای رشته‌های مختلف دانشجو می گیریم ولی فکر نمی کنیم که بعد از آن که این دانشجو فارغ‌التحصیل شد قرار است کجا کار کند. برنامه‌های بلندمدت ما آن‌قدر دقیق نیستند که بتوانیم این فرآیندها را محاسبه کرده و کنترل زندگی را در دست داشته باشیم. به همین علت، با خیل فارغ‌التحصیلانی مواجه می‌شویم که شغل موردنظر خود را پیدا نمی کنند.

دکتر ارشاد در خصوص مهاجرت‌هایی که صرفا تحت تأثیر موج ایجادشده رخ می‌دهند می گوید: من مهاجر را یک انسان معمولی می‌دانم که نمی‌تواند درباره همه جنبه‌های زندگی‌اش تصمیم‌گیری های دقیق داشته باشد و بسیاری از اوقات، نزدیک ۵۰ درصد ریسک می کند.

گفته شده است که مهاجر آدمی است که تحت تأثیر زندگی کسانی که مهاجرت کرده‌اند، تصمیم می گیرد ترک وطن کند ولی واقعیت آن است که چنین چیزی خیلی هم درست نیست. همین فردی که فکر می کنیم به خاطر چشم و هم‌چشمی با پسرخاله‌اش تصمیم به مهاجرت می گیرد، اگر شرایط خوبی برای زندگی در اینجا برایش مهیا شود، مهاجرت نمی کند. عناصری که کمک می کنند او در وطن خود بماند آن‌قدر ضعیف هستند عاملی که او را به مهاجرت تشویق می کند، بر آن‌ها غلبه دارد. ما در مسائل اجتماعی، احساس ناراحتی اجتماعی می کنیم. جوانی که پسرخاله‌اش مهاجرت کرده و موفق است، اگر نتواند به کسانی که از او می‌پرسند چرا مهاجرت نکردی جواب درستی بدهد، احساس شکست کرده و فکر می کند توانایی و جربزه پسرخاله‌اش از او بیشتر بوده که توانسته برود و زندگی بهتری برای خود بسازد.

بنابراین مجموعه‌ای از عوامل روانی، اجتماعی و اقتصادی دست به‌دست هم می‌دهند و باعث می‌شوند این فرد، از خیر دیدار پدر و مادر و خانواده و زادگاه گذشته و ریسک مهاجرت را بپذیرد. هیچ مهاجری نیست هنگامی که همه زندگی‌اش را گذاشته و می‌رود تا جای دیگری آن را از نو بسازد، مدتی را با بحران سپری نکند. این بحران، در اثر عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، عدم دانستن زبان و عدم آگاهی از آداب و رسوم ایجاد می‌شوند. او تا به یک ثبات نسبی برسد، باید با این بحران دست‌وپنجه نرم کند. او همواره نگران است که باید چه کند، کجا سکونت داشته باشد، چطور کار پیدا کند و نمی‌داند با چه چالش‌هایی مواجه خواهد شد. اما نارسایی‌های داخلی آن‌قدر بزرگ هستند که او همه این نگرانی‌ها را به جان می‌خرد تا راهی برای رهایی از آنها به روی خود بگشاید.

مهاجرت در جامعه ما عادت‌واره شده است. ما با این که کشوری هستیم که از نظر مهاجرت، موضوع مهمی در دنیا به حساب می‌آییم ولی مسائلی که منجر به مهاجرت می‌شوند را بررسی نمی کنیم. من بیش از بیست سال پیش هشدار دادم و گفتم در کشور ما عواملی وجود دارند که خود به‌خود به توسعه نامتوازن دامن می‌زنند، مثلا خیلی جاها در ایران برای سکونت مناسب نیستند. ما در گیلان تراکم جمعیت بالایی داریم ولی در بلوچستان و سمنان، تراکم جمعیت بسیار پایین‌تر است. کسی که برای ساختن جاده و بیمارستان تصمیم‌گیری می کند، براساس میزان تراکم جمعیت، آن‌ها را جایی احداث می کند که جمعیت بیشتری از آن بهره‌مند می‌شوند. این درحالی است کسی که در منطقه‌ای با جمعیت کمتر زندگی می کند هم به جاده و بیمارستان و امکانات رفاهی نیازمند است. اینجاست که کیفیت‌ها وارد عمل می‌شوند. کمیت با این که از اهمیت برخوردار است، ولی باید در خدمت کیفیت باشد.

برنامه‌های توسعه ما تا به امروز به توسعه نامتوازن دامن زده‌اند. جمعیت در کشور ما نامتوازن توزیع شده است. امروز می‌بینیم که بسیاری از کشورهای اروپایی برنامه‌های توسعه کلان ندارند، چون می‌دانند در برنامه‌های کلان، همه متغیرها را نمی‌توان در نظر گرفت. باید آمایش سرزمین انجام شود و ببینیم که هر منطقه چه امکاناتی دارد و به چه چیزهایی نیازمند است. در ایران، در برنامه سوم توسعه شروع کردیم به کار کردن روی آمایش سرزمین ولی نیمه‌کاره رها شد.

پس درست است مهاجرت در کشور ما شبیه یک موج است که خیلی‌ها بر آن سوار می‌شوند و به دنبال زندگی بهتر، زادگاه خود را ترک می کنند، ولی این موج خودش یک معلول است. مهاجر، صرفا در برابر خودش احساس مسؤولیت می کند ولی کسی که در سطح کلان برای گروهی از مردم تصمیم‌گیری می کند، باید بداند مسؤولیت بالایی دارد و تصمیم‌های او، به عمق زندگی تک‌تک افراد اثر می گذارد. ما اصلا نمی‌توانیم مهاجر را مؤاخذه کنیم. نه این که او را مسؤول ندانیم ولی نمی‌توان از او انتظار داشت ایثار کند و در شرایط نامطلوب باقی بماند. البته کسی که ایثارگری می کند انسان بسیار خوبی است ولی نمی‌توان از همه چنین انتظاری داشت. ما امروز می‌بینیم خیلی از کسانی که رفتند، پشیمان می‌شوند زیرا نسنجیده عمل کرده‌اند. من نمی گویم چنین فردی اشتباه نکرده است و مسؤول نیست. تمام افرادی که می‌روند، موفق نمی‌شوند ولی برآیند کلی را اگر در نظر بگیریم، می‌بینیم خیلی‌ها موفق هستند.

به هر صورت تمام مسئولیت‌ها بر دوش مهاجر نیست. در سال ۱۳۵۷ در ایران ۶۰درصد از جمعیت ما روستایی بودند اما به‌تدریج سهم جمعیت روستایی کاسته شد. از سال ۱۳۸۵ نه‌تنها سهم نسبی، بلکه سهم مطلق جمعیت روستایی کاهش پیدا کرد. تا چند سال آینده، ما با روستاهای خالی از جمعیت مواجه خواهیم شد و توزیع نامتوازن جمعیت بیشتری خواهیم داشت. تعدادی شهر و صدها کیلومتر بیابان خواهیم داشت. ما باید برای این مسأله فکری کنیم.

باید در مناطق روستایی فرصت‌های شغلی ایجاد شود، بیمه و رفاه وجود داشته باشد، مسکن‌سازی انجام شود، خدمات درمانی وجود داشته باشد. یکی از مشکلات اصلی ما آن است که توزیع پزشک در کشور ما نامتعادل است. ما این همه پزشک سطح بالا در تهران داریم ولی در روستاها و شهرهای دیگر، پزشک متخصص وجود ندارد. این در حالی است که در کشورهای اروپایی چنین چیزی را نمی‌بینیم. من شخصا دیدم که در یکی از روستاهای حومه منچستر، متخصص قلبی وجود داشت که لندنی‌ها برای درمان به او مراجعه می کردند. باید راه چاره‌ای برای این توسعه نامتوازن پیدا کنیم چرا که این عدم توازن، موج مهاجرت را شدیدتر می کند.

خیلی وقت‌ها مهاجرت صرفا برای رسیدن به رفاه اقتصادی رخ نمی‌دهد، مهاجر از تمام امکانات رفاهی برخوردار است و صرفا می‌خواهد سبک دیگری از زندگی را تجربه کند. دکتر ارشاد در خصوص این شکل از مهاجرت‌ها می گوید: آنچه تا کنون گفتم، بنیان مهاجرت است اما مهاجرت الگوهای مختلفی دارد. مهاجرت‌هایی داریم که تحت تأثیر توسعه نامتوازن نیستند. مثلا مواردی را هم شاهد هستیم که فردی از همه امکانات عالی برای زندگی برخوردار است ولی بازهم میهن خود را ترک می کند. چنین الگوهایی، الگوهای ماندگار و قابل تعمیم نیستند و من به عنوان کسی که در حوزه مهاجرت تخصص دارم، درباره‌اش قضاوت نمی کنم زیرا قضاوتم بر اساس داده‌ها نیست.

شکل دیگری از مهاجرت‌ها که در سال‌های اخیر زیاد هم شاهدش بوده‌ایم، مهاجرت‌هایی هستند که در آن‌ها مهاجر به دنبال آن است از جامعه بی‌اخلاقی که در آن دروغ و ریاکاری، اصول اساسی موفقیت بوده و اعتماد از مردم آن سلب شده است فرار کرده و به جایی برود که بتواند دوستی واقعی، همدردی، مهربانی و اعتماد را تجربه کند و به آرامش روانی برسد. دکتر ارشاد در این خصوص می گوید: من از وضعیت اخلاقی جامعه به هیچ‌وجه خوشحال نیستم. واکنش جوانی که به خاطر بی‌اخلاقی‌ها می‌رود، اخلاق‌مدارانه و به شدت معلول عامل دیگری است. اخلاق در کشور ما یک سکه بی‌ارزش شده است. اخلاق امری است که حتما اول باید توسط بزرگ‌تر رعایت شود تا کوچک‌تر آن را یاد بگیرد.

در کشور ما سرمایه اجتماعی پایین است و شرایطی ایجاد شده که به خاطر کمبود سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی ما سست شده است. من شخصا توقع ندارم همه مثل من ایران را ترجیح بدهند و اینجا زندگی کنند. اما برای بهتر شدن اوضاع، رسانه‌ها خیلی خدمت‌ها می‌توانند بکنند و نمی کنند. خیلی از نارسایی‌های مهاجرتی و تصمیم‌گیری درست برای مهاجرت را در رسانه می‌توان مطرح و بررسی کرد. می‌توان گفت ای جوان عزیزی که تصمیم گرفتی به کانادا مهاجرت کنی! تو آدم گناهکاری نیستی، تو فقط می‌خواهی زندگی بهتری داشته باشی ولی اول این مردم به تو احتیاج دارند. چه کسی باید این حرف را به آن جوان بزند؟ کسی که خودش به فکر مردم است و در راستای خدمت به آنها قدم برمی‌دارد.

اگر رسانه‌های کشور و در مقیاس کلی، امپراتوری رسانه‌ای جهانی که سودش در آن است که عدم توازن در توزیع ثروت و قدرت و رفاه اجتماعی در جهان برقرار باشد، به‌جای خیلی از برنامه‌های حساب نشده، از حضور متخصصانی استفاده کند که از سر دلسوزی درباره ابعاد مختلف مهاجرت صحبت می کنند، آیا اثرگذار نیست؟ مسلما هست. ما هزینه‌های زیادی را صرف تولید برنامه‌هایی می کنیم که بی‌اثر بودنشان برایمان اثبات شده است. آیا این همه برنامه‌ای که در آن‌ها درباره بدی اعتیاد گفته‌ایم، از تعداد معتادان کاسته است؟ خیر. پس معلوم می‌شود این برنامه‌ها بی‌اثر بوده است. ما افراد متخصصی داریم که واقعا دلشان برای کشور می‌سوزد ولی تریبونی برای حرف زدن به آن‌ها داده نمی‌شود.

> **● مهاجرت رویدادی است که تحت تأثیر تصمیمات کلان‌تر، از جمله توسعه نامتوازن، اتفاق می‌افتد**
>
> **● مهاجر نه آدم بدی است، نه خائن است و نه دیوانه، او فقط زندگی خوب می‌خواهد**

مسائل اجتماعی نگاه دقیق و ظریف می‌خواهد و اگر نگاه علمی به آن داشته باشیم می‌بینیم که مهاجرت نه تنها مسأله نیست، بلکه حلال مسأله است. ما بحث فرار مغزها را داریم و می گوییم تحصیل کرده‌های ما به کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌روند ولی در سطح جهانی که نگاه کنیم می‌بینیم که آلمانی به انگلستان می‌رود، انگلیسی به کانادا می‌رود و پدیده مهاجرت در همه جا در جریان است. ولی فرق ما با آن‌ها این است که میان آن کشورها داد و ستد جمعیت برقرار است ولی ما معامله یک‌طرفه داریم. تحصیل کرده ما هر چه دارد جمع می کند و تحویل یک کشور دیگر می‌دهد. او نه آدم بدی است، نه خائن است و نه دیوانه. او فقط زندگی خوب می‌خواهد. اگر بداند می‌تواند آن را همین‌جا به‌دست آورد، مهاجرت نمی کند.

می‌شود اقداماتی کرد که دست‌کم از شدت مهاجرت کاسته شود. ما در اثر تصمیم‌گیری‌های نادرستی که داشتیم، مهاجرت‌های یک‌طرفه از روستا به شهر و از کشور به کشورهای توسعه‌یافته داریم. می‌توان کاری کرد که این تبادل جمعیت، به صورت دو جانبه و عادی درآید.

● گفتگو: ندا زمان‌فشمی

نگاهی به طرح مجلس برای حذف زبان انگلیسی از مدارس

پاک کردن صورت مسأله



● محمد احمدوند*

طـرح حذف زبان انگلیسـی از مدارس کـه به امضای ۵۷ نماینده مجلس رسـیده با این دلیل مطرح شـده اسـت که باید انحصار آموزش زبان انگلیسـی در مدارس برداشـته شود، در حالی که در طرح مشخص نیست با حذف درس زبان انگلیسی از مدارس و سوق دادن دانش‌آموزان به سوی آموزشگاه‌های زبان، چطور قرار است «زبان‌های دیگر» رشد کننـد، آن هـم بـا اختیـاری بودن این امر و البته دسـت بردن در جیب خانواده‌هـا و تحمیـل هزینه‌ای جدید بـر آن‌ها، در حالی که طبق قانون اساسـی، تحصیل در این مقاطع باید رایگان باشـد. ضمن آن که چنین طرحی انحصارشـکنی نمی کند بلکه ریشـۀ آموزش زبان انگلیسی را در مدارس کلا قطع می کند!

***

در بعضـی مناطق محروم اصلا آموزشـگاه زبـان وجود ندارد که دانش‌آموزان بخواهند اسـتفاده کنند. در شـهرهای دیگر هم دو یا سـه آموزشگاه معروف هستند و خوب کار می کنند و بقیه به دلایل مختلف از جمله نبود مدرسان مجرب و استفاده از دانشجویان تازه‌کار برای پرداخت دستمزد کمتر، کارآمدی خاصی نشان نداده‌اند. این طرح پیشنهاد کرده است تدریس معلمان آموزش و پرورش در آموزشگاه‌ها به عنوان تدریس موظف آنها پذیرفته شـود. پس معلوم اسـت خود دوسـتان مجلس هم می‌دانند اشـکال زیادی در کار معلمان نیسـت و مشـکل اصلی جای دیگری اسـت. پس چرا به جای حل مسـأله می‌خواهیم صورت مسأله را پاک کنیم!؟



زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم برای تمام مردم جهان ساده‌ترین زبان برای یادگیری اسـت. حالا ما چطور انتظار داریم بچه‌ها زبان‌های دیگر را فارغ از این‌که در جامعۀ بین‌المللی چقدر کاربردی هستند خوب یاد بگیرند؟ اصلا مدرسـانی که بتوانند این زبان‌ها را تدریس کنند و به اصول روان‌شناسـی و فنون تدریس هم آشـنا باشند وجود دارند؟ ضمن این‌که معلمان و دانشجو-معلمان زبان انگلیسی به نوعی با دولت قرارداد دارند و نقض یک طرفۀ این قرارداد کاملا غیرقانونی اسـت و حتما در دیـوان عدالـت اداری قابلیت پیگیری دارد. این هم منطقی نیسـت که آن‌ها را مجبور کنیم «دوباره» چهار سال درس بخوانند و مدرک جدیدی بگیرنـد. بماند کـه دادن مأموریت تحصیلی به معلمان، بار مالی زیادی برای دولت و مملکت دارد که این طرح را از اسـاس غیرقانونی نشـان می‌دهد! بماند که دانشـگاه‌های ما هم زیرسـاخت‌ها و امکانات آموزش زبان‌های دیگر را در حجم بالا ندارند.

***

در هیـچ کشـور پیشـرفته‌ای یادگیری زبان خارجـی یا زبان دوم از برنامۀ رسـمی آن کشـور حذف نشده اسـت که ایران بخواهد دومی باشد. این طرح وجهۀ بین‌المللی کشورمان را در جوامع علمی و سیاسی دنیا زیر سـؤال خواهد برد. در همۀ کشـورها سیستم غیررسمی در کنار سیستم رسمی به آموزش زبان خارجی می‌پردازد. مشکل اینجاست که ما نمی‌خواهیم به الزامات آموزش زبان خارجی تن بدهیم و مدام هم از ناکارآمدی آموزش زبان انگلیسی در مدارس صحبت می کنیم.

در کشـورهای پیشـرفته آموزش زبان خارجی از دوران کودکی و وقتی ذهن آمادۀ یادگیری اسـت شـروع می‌شـود، نه از نوجوانی که اوج تنش‌هـای روحـی و روانی بچه‌هاسـت. بماند که در طرح مجلس همین شش‌سـال آموزش ناقص در متوسـطۀ اول و دوم هم به سه‌سال دبیرسـتان تقلیل یافته اسـت! در این کشورها دست‌کم چهارساعت در هفتـه بـه آموزش زبـان خارجی اختصاص دارد، نه دو سـاعت! در این کشورها کتاب‌هایی که متخصصان زبان اصلی نوشته‌اند و دارای اصالت و جذابیت کافی هسـتند اسـتفاده می‌شـوند، نه کتاب‌های مصنوعی و مشـکل‌دار! در این کشـورها حجم کتب زبان نسـبت به زمان آموزش آن‌قدر کم اسـت که اجازه تمرین و تکرار را به معلم و بچه‌ها بدهد، نه این کـه معلـم و دانش‌آموز فقط نگران تمام کردن کتاب تا پایان سـال باشند!

یک سـئوال مهم: مگر بچه‌های ما با وجود سـال‌ها آموزش عربی مثـل بلبـل عربـی حرف می‌زننـد که این توقع را در مـورد درس زبان انگلیسـی از آنها داریم؟ بماند که درس عربی در درس‌های دیگر مثل درس دین و زندگی هم پشتیبانی می‌شود و زبان انگلیسی نه.

***

وقتی کنکور تعیین کنندۀ چگونه درس خواندن بچه‌هاست و در این کنکور لغت و گرامر و خواندن می‌آید و خبری از شـنیدن و حرف زدن نیسـت و امکان برگزاری چنین کنکوری هم در ایران وجود ندارد چه انتظاری از نتیجۀ آموزش ناقص و نصف و نیمۀ زبان در مدارس داریم؟ به نظر می‌رسد تمام هنر معلمان باید معطوف آموزش خواندن و گرامر و آمادگی بچه‌ها برای کنکور باشد. هدف از آموزش زبان اصلا توانایی مکالمه نیسـت و امکان چنین کاری هم با این کتاب‌های مشـکل‌دار و حجیـم و این سـاعات کم وجود نـدارد، آن هم در کلاس‌هایی با ۳۰ دانش‌آموز و گاهی بیشـتر! کدام آموزشـگاه زبانی کلاس ۳۰ نفره دارد و ادعا هم می کند موفق بوده است که بگوییم مدارس موفق نبوده‌اند؟ اصولا این حجم دانش‌آموز مدارس را در کدام آموزشـگاه‌ها و در کدام کلاس‌ها قرار است جا بدهیم و سازماندهی کنیم؟ کدام آموزشگاه کمتر از چهارسـاعت در هفته کلاس داشـته و ادعا می کند موفق بوده است؟ کدام آموزشگاه هر چهارفصل و از جمله تابستان کلاس نداشته و ادعا می کند موفق اسـت؟ چه کسـی و بر اسـاس کدام تحقیق به این نتیجه رسـیده که همۀ آموزشـگاه‌های زبان، با وجود تفاوت آشکار در روش و منابع نسبت به مدارس، در آموزش موفق بوده‌اند؟

و چندسـئوال از نماینـدگان امضاکننـدۀ طرح: اگـر فکر می کنید کتاب‌های مورد اسـتفاده در آموزشـگاه مناسب هستند و مشکلی ندارند چرا آموزش و پرورش را ملزم به اسـتفاده از همین کتاب‌ها در مدارس نمی کنید؟ اگر فکر می کنید زمان مناسب برای آموزش زبان همانی است که در آموزشگاه‌ها وجود دارد چرا آموزش و پرورش را مجبور نمی کنید ساعات آموزش زبان خارجی را در مدارس اضافه کند؟ اگر فکر می کنید تعداد دانش‌آموز مناسب برای کلاس زبان -هر زبانی- همانی است که در آموزشگاه هست چرا بودجه و امکانات به آموزش و پرورش نمی‌دهید تا کلاس‌هایی اسـتاندارد و مناسـب برای درس زبان تأسـیس کند و به تعداد مناسب هم دانش‌آموز در این کلاس‌ها بنشاند؟

***

حرف آخر: سال‌هاسـت معلمان زبان انگلیسـی و البته معلمان سـایر دروس از حجم بالای کتب در آموزش و پرورش حرف زده‌اند و شنیده نشده‌اند. اگر نمی‌خواهیم آموزش زبان را از کودکی آغاز کنیم، اگر نمی‌خواهیم ساعات لازم برای آموزش زبان را در برنامۀ رسمی مدارس اختصاص بدهیم، اگر نمی‌خواهیم کتب اصیل انگلیسی را، حتی با تغییر بعضی قسـمت‌ها، در مدارس اسـتفاده کنیم، فقط کافی است یک‌سوم از حجـم کتـب فعلـی را کم کنیم و به معلم و دانش‌آموز فرصت تکرار و تمرین بدهیم تا دست‌کم در این بعد از آموزش زبان درست عمل کرده باشـیم. همیـن تغییر کوچک، یعنی کم کـردن حجم کتاب‌های فعلی، کیفیت یادگیری را به شدت بالا خواهد برد. به جای حل مسأله صورت مسـأله را یکسـره پاک نکنیم. لازم نیست هیچ کار دیگری بکنیم، فقط حجـم کتاب‌هـا را کـم کنیم. این کار هیچ خرجی بـرای دولت و ملت نـدارد. تـازه در چـاپ کتاب و مصرف کاغذ هم صرفه‌جویی می شـود. سـتون فقرات بچه‌ها هم از حمل این همه کتاب‌های سـنگین کمتر دچار مشـکل می‌شـود، به اصلاح ساختار قامتی بچه‌ها کمک می‌شود، هزینه‌های درمان و پزشکی کشور کمتر می‌شود و نیروی سالم بهره‌وری بیشتری برای کشور دارد.

*** مدرس زبان انگلیسی**

یادداشت

مـادرم ایـران!

فریدون جنیدی، متولد ۲۰ فروردین ۱۳۱۸، نویسـنده و پژوهشـگر فرهنگ و زبان‌های باسـتانی است. وی بیش از ۳۰ سال از عمر خود را برای ویرایش شاهنامه صرف کرده و نسخه ویراسته‌اش در سال ۱۳۸۷ منتشر شده‌است.

این اسـتاد خوش‌سـخن در میـان خاطراتش داسـتان بسـیار جالبی را نقل می کند که اشـک به چشـمان هر ایرانی وطن‌دوستی می‌آورد.



او می گوید: «درست به خاطر ندارم، سال ۱۳۶۵ یا ۱۳۶۶ بود که به دنبال انتشار کتاب «نامه پهلوانی» من، رییس گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه ناپل به ایران مراجعه کرد و از من خواست که چون کتابم را بهترین شیوه آموزشی زبان پهلوی تشـخیص داده‌اند، به دانشگاهشـان بروم و سه سال در آن‌جا درس بدهم.

من گفتم نه من نمی‌توانم بیایم. گفت چرا؟ گفتم من در کودکی با خدای خودم پیمان بسـتم که اگر روزی خواسـتم از خاک ایران بیرون بروم اول باید به کابل بروم و خاک سمرقند و بخـارا را ببوسـم، بعـد به جاهای دیگر بـروم و چون به آنجا نرفته‌ام بنابراین نمی‌توانم به ایتالیا بیایم.

او گفت می‌خواهید به سـمرقند و بخارا بروید؟ گفتم بله، آرزوی من از کودکی همین بوده است. پرسید گذرنامه دارید؟ گفتـم نه، کسـی که نمی‌خواهد از ایران بیـرون برود چرا باید گذرنامه داشته باشد؟

گفت شـما گذرنامه را تهیه کنید، ما دوسـتانی داریم که ترتیبی می‌دهیم از شما دعوت کنند به سمرقند و بخارا بروید. آیا بعد از آن به ایتالیا می‌آیید؟ گفتم برای ده روز یا یک ماه یا برای دوسـه‌روز سـخنرانی می‌آیم اما نمی‌توانم برای سه سال تدریس به دانشگاه شما بیایم. گفت چرا نمی‌توانید؟

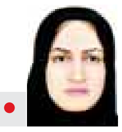
من گفتم مادر پیری دارم که نگران او هستم. او گفت این که مشکلی نیست، می‌توانیم مادرتان را با برانکارد بیاوریم و در ایتالیا هم یک ویلای جنگلی نزدیک ناپل به شما می‌دهیم که آن‌جا می‌توانید به خوبی زندگی کنید. گفتم مادر من نمی‌تواند حرکت کند. گفت نه، بالاخره می شـود کاری کرد و با چرخ و تجهیزات ایشان را آورد.

اتفاقا از جایی که نشسـته بودیم قله دماوند دیده می‌شـد. گفتـم نگاه کنید آقای پروفسـور! چیـن دامن مادر من، دماوند را ببینید! ببینید که مادرم چطور سـر به آسـمان افراشـته و با ستاره‌های آسمان صحبت می کند! مادر من نمی‌آید... نمی‌تواند بیاید... من باید اینجا پرستار و نگهبانش باشم.

چشم‌های پروفسور پر اشک شد و سخن به پایان رسید. ولـی بعـدا گفت آخر در این جریانـات جنگ همه آرزو دارند از ایـران برونـد بیرون. من بی‌هوا گفتم بی وفا مردا که در هنگام تـب و ناخوشـی مـادر او را تـرک کند! من بایـد اینجا مراقب مادرم باشم.»

اگر فیلم استاد جنیدی را در اینترنت جستجو کنید می‌بینید کـه چگونـه به‌وقت نقل این خاطره و گفتن از مام میهن و قله دماوند، بغض می کند و چشـمانش تر می‌شـود. وطن‌دوسـتی یعنی این!

من از دیار حبیبم نه از بلاد غریب



مرضیه سلیمانی

مادربزرگم– خدا رحمتش کند، ما او را آجی‌جان صدا می‌کردیم– همیشه می‌گفت هیچ‌وقت کسی را نفرین نکنید و اگر دلتان چنان شکست که زبانتان به نفرین باز شد، هیچ وقت آرزو نکنید که آواره شود. می‌گفت هیچ دردی مثل آوارگی نیست. آدمِ آواره دست و پا ندارد. زبان ندارد. روی زمین نیست.

من که معنی و مصداق آواره را نمی‌دانستم، در عالم کودکی هربار آدم آواره را به یک شکل تصور می‌کردم و هربار ترسناک تر و عجیب تر از قبل. چطور می‌شود که آدمی دست و پا و زبان نداشته باشد و روی زمین هم نباشد؟ البته آجی‌جان حرف هایش فقط همین چند جمله نبود و خیلی اندرز و مَثَل و مَتَل و حکمت داشت که به هر مناسبتی نثار می‌کرد تا ما را متوجه موضوع و نکته‌ای کند. در همین مسأله ازجمله، در روزی دیگر گفته بود: وای از آن روز که یک‌نفر آه بکشد و با سوز دل بنالد که «نه در غربت دلم شاد و نه رویی در وطن دارم»... اما من در عوالم کودکانه، همان بی‌زبانی و بی‌دست و پایی بر سنگِ خاطرم حَک شده بود.

گاهی که صلات ظهر با دوستانم در کوچه مشغول بازی بودم، سوار بر دمپایی‌های کوچک پلاستیکی نزد مادربزرگ می‌شتافتم و می‌گفتم آجی‌جان یک آواره دیدم یا یک آواره سر خیابان نشسته. وقتی هم که از چیزی می‌ترسیدم، به نوعی آن چیز را به آواره مربوط می‌کردم. مثلا جارختیِ پایه‌دارمان که زیر انبوه لباس‌ها خم شده بود، در تاریکی شب همانَ آوارۀ بی‌دست و پا و زبانی بود که روی زمین هم نبود. کم‌کم آواره به کابوس‌های روز و شبم بدل شد، به نحوی که وقتی بزرگ‌ترها اخم و خشمی بروز می‌دادند یا می‌گفتند کار بدی کرده‌ام، تمام تنم به لرزه می‌افتاد. موضوع فقط این نبود که از آواره می‌ترسیدم، ترس واقعی‌ام این بود که مبادا روزی خودم هم آواره شوم و دست و پا و زبانم از دست برود یا جا بماند.

آجی‌جان در همان سال‌های کودکی من از دنیا رفت و ترس من از آواره هم کم‌کم جای خود را به ترس از چیزهای دیگر داد اما بعدها که کمی بزرگ‌تر شدم، فهمیدم که دلیل خواستۀ او چه بوده. مادر بزرگ در سن خیلی پایین با پدربزرگ ازدواج می‌کند. مدت کوتاهی پس از این وصلت، همسرش تصمیم می‌گیرد برای ادامۀ تحصیل به نجف برود و نوعروسش را هم با خود ببرد.

آنها پای پیاده در همان دورانی که به قول قدیمی‌ترها راه کربلا و نجف بسته بود بی‌آن‌که مادربزرگ یک کلمه زبان عربی بداند، با یک الاغ راهی نجف می‌شوند. و این‌گونه بوده که آجی‌جان و همسرش آواره شده و عزیزترین دوران زندگی خود را در حبس، بی‌پولی، بی‌جایی، بی‌همزبانی و بی کسی سپری می کنند. پدر من هم تنها محصول همین دورانِ کوتاه بود. مادر بزرگ سرانجام با فرزند کوچک خود، تنهاتر از قبل بازمی‌گردد، در حالی که همسرش مدت‌ها با ذات‌الریه دست و پنجه نرم کرده و آخرسر در اعماق غربت و تنهایی، تن به مرگ می‌سپارد.

فرهنگ فارسی عمید در مقابل واژۀ آوارگی، دربه‌دری، بی‌خانمانی و سرگردانی را به عنوان مترادف و معنا قرار داده است. دیگر فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها، دور بودن از سرزمین و وطن، تحیر، غریبی، دربه‌دری و پریشانی را هم معادل آوارگی گرفته‌اند.

مطابق کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، آواره کسی است که خارج از کشور یا محل زندگی خود باشد و ترس داشته باشد که به خاطر نژاد، مذهب، دین، ملیّت، عضویت در گروه اجتماعی خاص یا عقاید سیاسی تحت تعقیب قرار بگیرد و نتواند یا نخواهد تحت‌حمایت کشور خود باشد یا به آن بازگردد.

از سوی دیگر در ادبیات مرزی، آواره به کسانی گفته شده است که بنا به دلایلی از کشور خود خارج شده و به کشور دیگری عزیمت کرده‌اند اما در آن کشور تابعیتی به ایشان اعطا نشده است. و باز متخصصان انسان‌شناسی و فرهنگ می‌گویند آواره فردی است که تعلقات ضروری ادامۀ حیات اجتماعی خود، همچون موطن و خانه یا مکانی مناسب و امن برای زندگی و نیز احساس تعلق به هویت جمعی را از دست داده باشد.

با این تفاصیل، آوارگی نه فقط یک مفهوم عینی و فیزیکی، بلکه پدیده‌ای ذهنی و روانی است و آدم آواره با پناهجو، تبعیدی، مهاجر، عضو دیاسپورا (جمعیت مهاجر)، بیگانه و سرگشته تفاوت دارد. و این یعنی همان آدمِ بی‌دست و پا و زبانی که یک وجب جا روی زمین خدا ندارد.

علت تشکیل و تصویب کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو هم همین بود؛ رسیدگی به وضعیت میلیون‌ها آواره‌ای که در اثر جنگ‌های جهانی اول و دوم از خانه و سرزمین مادری خویش دور افتاده بودند و در عین حال جایی برای ماندن نداشتند. بر این اساس، کشورهای امضاکنندۀ کنوانسیون متعهد شدند که حقوق آوارگان را به رسمیت بشناسند.

سرفصل های این حقوق به اختصار عبارتند از حق اخراج نشدن به استثنای شرایط خاص و قاطع (ماده۳۲)، حق مجازات نشدن به خاطر ورود غیرقانونی به کشورهای امضاکننده کنوانسیون (ماده۳۱)، حق کار (ماده۱۷تا۱۹۹) حق سرپناه (ماده ۲۰)، حق تحصیل (ماده۲۲)، حق استفاده از امکانات و کمک های عمومی (ماده۲۳)، حق آزادی دین (ماده۴)، حق دسترسی به محکمه (ماده۱۶)، حق جابه‌جایی آزادانه در قلمرو کشور میزبان (ماده۲۶) و حق داشتن مدارک هویت و اسناد سفر (ماده ۲۷و ۲۸).

برخی از کشورها محافظت و حمایت بیشتری از آوارگان را در دستور کار قرار دادند و پا را از محدوده‌های کنوانسیون فراتر گذاشتند؛ مثال معروف آن هم آلمان است که رسیدگی به وضعیت آوارگان را در قانون اساسی خود گنجانده و در چند برهه تاریخی و بحرانی، همراهی و همدلی بسیاری با آوارگان نشان داده است.

آنچه که از مجموع تعاریف بالا در گوشه و کنار ذهن همچون پرسش و عنصری غیرقابل انکار بر ما عیان می‌شود، عنصر ترس است و عجیب آن که به شکل مضحکی ترس درارتباط با بی‌آزارترین و آسیب‌دیده‌ترین موجود در این مجموعه مطرح می شود! از این منظر، آواره کسی است که همواره در ترس زندگی می کند و در عین‌حال، مردم و دولتِ و کشور میزبان هم از این غریبه یا ناشناخته می‌ترسند.

آوارگی همواره با عدم تعلق همراه است زیرا سرزمین، موطن و خانه جایی است که احساس تعلق می‌آورد؛ احساسی که با هویت، امنیت، محافظت، حمایت، رشد و آرامش پیوندی قاطع دارد. شاید دلیل ترس از آوارگان و بیگانه یا تروریست یا مهاجم پنداشتن آنها نیز همین باشد. از نظر آنها آوارگان موجوداتی هستند که هیچ‌چیز برای از دست دادن ندارند. بنابراین هر کاری از آنها برمی‌آید و بدتر از همه این که نمی‌توان آنها را رام و سربه‌راه کرد.

آنها آمده‌اند که آرامش و امنیت کشور مقصد را به هم بریزند. ترسیده‌اند و بنابراین بقیه را هم می‌ترسانند. از جا و مکان ثابتشان گریخته‌اند، پس جا و مکان ثابت فعلی هم از آنها می گریزد. وقتی کسی آواره می‌شود، دیگر به هیچ‌چیز، هیچ‌کس و هیچ‌جا تعلق ندارد و درواقع، آنچه که به او متعلق بوده، دیگرمتعلق به او نیست. از همین‌جا بحثِ «ما» و «آنها» مطرح می‌شود. آوارگان «ما»ی جداافتاده‌ای هستند؛ منفصل از اینجا و آنجا، معلق، بی‌زمینی که روی آن بایستند.

دلایل آوارگی بسیارند. از جنگ و ناامنی گرفته تا فقر و ناامیدی و تغییرات اقلیمی که به گرسنگی و بی‌کاری منجر می‌شود. در طول تاریخ هم همواره وجود داشته اما پیدایش گروه‌های بزرگ آوارگان به ابتدای قرن بیستم بازمی‌گردد. در فاصلۀ سال‌های ۱۹۲۰تا ۱۹۴۶ اقدامات متعددی در قبال گروه‌های مختلف آوارگان به‌عمل آمد که از آن جمله‌اند کنوانسیون‌های ژوئیه ۱۹۲۲ و مه ۱۹۲۶ دربارۀ پناهندگان روسی و ارمنی، کنوانسیون ژوئن ۱۹۲۸ دربارۀ آوارگان آشوری، کلدانی، سوری، کرد و ترک، کنوانسیون اوت ۱۹۳۸ دربارۀ پناهندگان آلمان و سرانجام تأسیس سازمان بین‌المللی پناهندگان در سال ۱۹۴۸ که در اساس‌نامۀ خود برای اولین بار به آوارگان اشاره و آن را به افرادی اطلاق کرد که نمی‌توانستند یا به دلایلی مدلّل و معتبر، از سرزمین و تحت الحمایگی دولت خود گریخته و تمایل نداشتند از حمایت دولت متبوع خود برخوردار باشند.

نکتۀ قابل توجه دیگر این که وضعیت آوارگی وضعیتی سیال و متغیّر است؛ به این مفهوم که قرار نیست یک آواره همواره آواره باقی بماند. ممکن است در جامعۀ میزبان جذب شود و تابعیت آن کشور را به دست آورد یا ممکن است به کشور خود بازگردد.

هرچه هست، آوارگی با مهاجرت ارتباطی محکم دارد، چراکه در بیشتر موارد و به‌ویژه در دنیای جدید، مهاجرت معمولا به شرط آوارگی است. اکنون تقریبا ۱۷۰ کشور جهان وعده داده‌اند در قالب «پیمان جهانی آوارگان» که قرار است در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به امضا برسد، به کشورهای میزبان آوارگان و پناهجویان کمک کنند. این پیمان، البته با «پیمان جهانی مهاجرت» تفاوت دارد و شامل برخی اقدامات برای کمک به کشورهای میزبان است.

مطابق یک گزارش، بیش از ۲۵ میلیون انسان در سطح جهان در خارج از کشورهایشان در آوارگی به‌سر می‌برند. هولناک‌ترین بخش ماجرا آنجاست که نیمی از آنها زیر ۱۸ سال هستند و از این شمار فقط ۱۰ کشور دو سومِ آنها را میزبانی می‌کنند. بر همین اساس، گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ می‌گوید جنگ داخلی و خشونت در سوریه بزرگ‌ترین دلیل آوارگی و هجرت در دوران ماست. بیش از چهار میلیون سوری در خارج از کشور سوریه و هفت و نیم میلیون نفر درون سوریه آواره و بی‌خانمان هستند.

شاید این جمعیت بتوانند دیاسپورای خود را تشکیل دهند اما آنها نیز با انواع تضادها و تناقضات ذهنی، هویتی، فرهنگی و اقتصادی مواجهند. به این ترتیب آنها نیز به چند دیاسپورای بزرگ تاریخ خواهند پیوست. دیاسپورای یونانی، انگلو ساکسونی، سیاهان، هندی و چینی، یهودی، فلسطینی، ارمنی، کرد، افغانی و شاید... بگذریم!

در این صورت، بخش مهمی از فعالیت سازمان بین‌المللی مهاجرت به ایجاد ارتباط میان دیاسپورا و سرزمین مادری اختصاص می‌یابد. اما وقتی از سرزمین مادری هم چیزی باقی نمانده باشد، شاید تنها تسلای دل آوارگان این بیت یا بهتر بگوییم این سرودۀ عاشقانه از هجرانیات مولانای بزرگ باشد که فرمود:

«والله که شهر بی تو مرا حبس می‌شود
آوارگی و کوه و بیابانم آرزوست».



* مجسمه‌اثر «برونو کاتالانو» هنرمند فرانسوی - ایتالیایی

چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز یکشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۵۸ (برابر با ۲۹ ذیقعده ۱۳۹۹، ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹) نقل شده است.

مرجع رسیدگی به جرائم عادی رئیس جمهور نخست‌وزیر و وزراء

در جلسه علنی عصر دیروز مجلس بررسان نهائی قانون اساسی، اصل نحوه رسیدگی به اتهام جرائم عادی رئیس جمهور و نخست‌وزیر تصویب شد. در این جلسه که ریاست آن به‌عهده دکتر بهشتی بود ۳ اصل دیگر نیز بررسی شد. آنگاه مجلس وارد دستور شد و اصل ۱۱۵ به این شرح مطرح شد: نخست‌وزیر و وزیران در صورتی که در زمان تصدی متهم به خیانت سیاسی با توطئه بر ضد امنیت کشور گردند. اتهام آنها در مجلس مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و چنانچه اکثریت مجلس رای به تعقیب داد دیوانعالی کشور رسیدگی به عمل میاورد.

* آنگاه اصل ۱۱۶ مطرح و به رای گذاشته شد و به این شرح بتصویب رسید.

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای ملی در دادگاه‌های عمومی دادگستری انجام می‌شود.

دکتر بهشتی: مردم کردستان تجزیه طلب نیستند

بدنبال تشکیل سمینار اقتصادی ایران آیت‌الله دکتر بهشتی عضو شورای انقلاب و رئیس مجلس خبرگان در یک مصاحبه اختصاصی با خبرنگار اطلاعات در زمینه پیاده‌کردن نظام اقتصادی ایران گفت: خطوط اصلی این نظام در قانون اساسی مشخص خواهد شد.

وی همچنین اظهارداشت: در این نظام استثمار فرد از فرد از بین خواهد رفت و مردم ناچار نخواهند بود نیروی کار خود را بفروشند.

سؤال: آیا شما به‌عنوان عضو شورای انقلاب برای خاتمه‌دادن به حوادث کردستان معتقد به راه‌حل سیاسی هستید یا راه‌حل نظامی؟

دکتر بهشتی: دقیقا باید راه‌حل در آنجا سیاسی ـ اجتماعی باشد و راه‌حل نظامی برای رفع هیچ‌یک از مشکلات داخل کشور مفید نیست. در صفری که به همراه مرحوم آیت‌الله طالقانی به آن مناطق کردم آنطوری که مردم کردستان بمن گفته‌اند طالب خودمختاری به مفهوم تجزیه‌طلبی نیستند و به آن معنی که اختیارات محلی داشته باشند مخصوص کردستان نیست تمام مردم مناطق ایران باید چنین اختیاراتی داشته باشند.

جنگ خانه به خانه در مهاباد

آخرین گزارش‌های رسیده از مهاباد حکایت از آن دارد که دیشب جنگ تمام عیار بین مهاجمین و ارتش و پاسداران سپاه انقلاب در مهاباد روی داد که این درگیری تا صبح امروز ادامه داشت. در جریان درگیری چندخانه مسکونی ویران شد و از جمله سد مهاباد آسیب دید. اکثر شیشه‌های منازل شکسته و ساکنان خیابان ورهرام بکلی خانه‌های خود را تخلیه کرده و بمناطق آرامتر رفته‌اند.

شهر مهاباد از صبح امروز به حالت تعطیل درآمده و تعدادی جنازه در خیابان‌ها افتاده است که اکثرا زن و کودک هستند. در اولین ساعات بامداد امروز جنگ بصورت تن به تن درآمد و طرفین درگیر خانه به خانه با یکدیگرمی جنگیدند.

شرایط تاسیس کلوپ تفریحات سالم

آئین‌نامه جدید تاسیس کلوپ‌های تفریحات سالم که به تائید هیات وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران رسیده، جهت اجرا به سازمان تربیت بدنی ایران ابلاغ شد. بر این اساس کلوپ‌های تفریحات سالم، از این پس یک مجمع عمومی و یک هیئت‌مدیره پنج نفره خواهند داشت که یک نفر آنها نماینده سازمان تربیت بدنی خواهد بود و کسانی صلاحیت تاسیس این‌گونه کلوپ‌ها را خواهند داشت که سلامت جسمی و روحی و اخلاقی‌شان مورد تائید کامل سازمان تربیت بدنی ایران باشد. این سخنگو افزود: از این پس، از بکاربردن هر گونه وسیله برد و باخت و قمار در این گونه اماکن، جلوگیری خواهد شد.

دیروز بازار رشت تعطیل شد

رشت ـ خبرگزاری پارس: دیروز بازار رشت به عنوان اعتراض به وقایع چند روز اخیر رشت و بندرانزلی یکپارچه تعطیل شد و بازاریان روحانیون و گروه کثیری از طبقات مختلف مردم به دعوت جامعه روحانیت گیلان در مسجد کاسه‌فروشان این شهر گردهم آمدند و ضمن پشتیبانی از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی توطئه‌های ضد انقلاب را شدیدا محکوم کردند.

قاب امروز



استان گلستان دارای سومین رتبه تولید پنبه در کشور/عکس از: راحله حصاری

سرایه

زان پیش که غمهات شبیخون آرند
برگوی که تا بادهٔ گلگون آرند
تو زر نه‌ای ای غافل نادان که تو را
در خاک نهند و باز بیرون آرند

خیام

پند بزرگان

هر کودکی هنرمند است؛ مشکل این است که چطور در حین بزرگ شدن هم هنرمند باقی بماند.

پابلو پیکاسو

هرگز نمی توانید از اقیانوس عبور کنید مگر اینکه شجاعت دور شدن از ساحل را داشته باشید.

کریستف کلمپ

امروز در تاریخ

پیروزی دریایی ایران در دماغه میکال

۲۱ اکتبر سال ۴۷۹ پیش از میلاد، یک سال و چند هفته پس از جنگ دریایی سالامیس، ناوگان ایران در دماغه میکال دسته ای از کشتی های جنگی سه ردیف پاروزن اتحادیه یونانی ها را به دام انداخت و نابود کرد. مورخان رویدادهای نظامی نوشته اند که با این فتح، ایرانیان «ناموفق بودن خود در جنگ سالامیس» را تلافی کردند.

تصویب قرارداد با کنسرسیوم نفت

۲۹ مهرماه سال ۱۳۳۳ مجلس قرارداد نفت با کنسرسیوم را تنها با ۵ رای مخالف! تصویب کرد و همه تلاش های ملت ایران در دوران حکومت دکتر مصدق و تحمّل تحریم اقتصادی چندساله را برباد داد. در سنا نیز عده مخالفان بسیار کم بود.

لایحه قانون «از کجا آورده‌ای؟» به مجلس داده شد

۲۹ مهرماه سال ۱۳۳۷ خورشیدی دکتر منوچهر اقبال نخست وزیر وقت لایحه «از کجا آورده ای» را به مجلس داد که پس از تصویب به صورت قانون در آمد، اما اجرای آن پس از یکی ـ دوسال، بدون این که لغو شود، متوقف شد!.

کاشف درمان سرطان با اشعه ایکس و رادیوم

۲۱ اکتبر ۱۹۲۸ دکتر چارلز مایو اعلام داشت که با اشعه ایکس ورادیوم می توان از رشد سرطان جلوگیری کرد، سلول‌های سرطانی را از تکثیر بازداشت و احیانا برخی از آنها نابود ساخت. دکتر چارلز یکی از دو برادر پزشک و فرزند دکتر مایو جراح انگلیسی بود که به آمریکا مهاجرت و مقیم ایالت مینه سوتا شده بودند و در همانجا کلینیک درمانی ـ پژوهشی معروف "مایو" را تاسیس کرده اند که سرگرم به کار است و در درمان بیماری سرطان تخصص دارد.

جنگ دریایی ترافالگار

۲۱ اکتبر سال ۱۸۰۵، روزی است که جنگ دریایی ترافالگار میان ناوگان فرانسه و اسپانیا از یک سوی و ناوگان انگلستان از سوی دیگر در این دماغه واقع در آبهای اسپانیا روی داد و به پیروزی ناوگان انگلستان پایان یافت، ولی ضمن آن «نلسون» دریاسالار انگلیسی و فرمانده ناوگان این کشور در کشتی خود «ویکتوری» هدف گلوله یک سرباز دریایی فرانسه قرار گرفت و کشته شد.

آغاز تاکتیک کامیکازی در جهان

۲۱ اکتبر ۱۹۴۴ و درجریان جنگ جهانی دوم، یک هواپیمای نظامی امپراتوری ژاپن که مواد منفجره در بدنه آن جاسازی شده بود و مخازنش پر از بنزین بود در خلیج «لی تی» واقع در مجمع الجزایر فیلیپین خود را به رزمناو سنگین ۱۶ ساله استرالیایی کوبید و آن را از کار انداخت.

در این حمله هوائی انتحاری، فرمانده کشتی و سی تن از افسران و ملوانان آن کشته شدند. با این حمله، تاکتیک «کامیکازی Kamikaze» وارد عملیات نظامی در جهان شده است.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۵۱۰۳

غلامحسین باغبان

رودی در / هندوستان	زمانه / عجز			ستون بدن / فالگیر	قبیله / تله		نوعی ترشی	شهری در همدان
								ک
			قسمتی از پا / سوره ۳۰ قرآن					مقتدا
		حمله / یکدنده				خزنده گزنده / برنج شوشتری		
ضربه وارد کردن					بچه ترسان! / ساز تیره!			نصف ۲۰۰ / مکیدن
				دارای مجوز / گورستان				
			پسوند همشهری					رستکاری / بخشی از خانه
			نوعی شلوار			خداوند / غذا خوردن		
					نوعی بازی			شگرد کشتی / پراکندگی
								ی
								بدون استراحت / نمونک
								نام پسرانه / شهری در آلمان
								ب

حل جدول ۵۱۰۲

love		ط	ا	R		ک		
ع	ی	ب	ر	ه	چ	ا	و	خ
ش	ا	خ		ا	ی	ش	ر	پ
ق	س		خ	ر	ن		ز	
		د	ا	ی		ک	ش	م
ت	س	ا	ر		ک	و	ه	
ن	ا	ن		ت	ا	د	ا	س
ک	ن	ه	ا	م	ه		ی	ط
				ا		ا	ه	
				ش	ک	ر	و	ج
				ا	و	ه	ا	
				ی	ر	ا	ز	
				ی	ک	ش	ی	پ

سودوکو ۲۵۹۰

					۳		۸	
		۶			۷	۲	۵	
۲	۵					۹		
۷				۶	۲			
۵								۱
			۱	۴				۲
		۹					۲	۴
	۴	۲	۶			۸		
	۳		۸					

۷	۴	۳	۹	۵	۸	۶	۲	۱
۶	۲	۱	۷	۴	۳	۹	۵	۸
۹	۵	۸	۶	۲	۱	۷	۴	۳
۳	۷	۴	۸	۱	۹	۵	۶	۲
۵	۹	۶	۳	۷	۲	۸	۱	۴
۸	۱	۲	۴	۶	۵	۳	۷	۹
۲	۳	۷	۵	۸	۴	۱	۹	۶
۴	۶	۹	۱	۳	۷	۲	۸	۵
۱	۸	۵	۲	۹	۶	۴	۳	۷

حل ۲۵۸۹